www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مادر باران
شرح حال و خاطرات
حضرت نرجس خاتون (س)

بسم الله الرحمن الرحیم

مادر باران : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام

نویسنده:

جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه

ناشر چاپي:

محب العترة الطاهره

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
مادر باران : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام ----- ۱۴
مشخصات کتاب ----- ۱۴
اشاره ----- ۱۵
اهداء ----- ۱۷
فهرست ----- ۱۹
پیشگفتار ----- ۲۹
اشاره ----- ۲۹
بشارتی بزرگ و مددی تاریخی ----- ۳۰
لئن شکرتم لازیدنکم ----- ۳۲
سرفصلی امیدوارکننده ----- ۳۴
فصل اول : اطلاعیه ها و بیانیه های مراجع معظم تقلید و علما و محققین عالی مقام پیرامون اهمیّت بزرگداشت مقام حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ----- ۳۷
اشاره ----- ۳۷
پیام حضرت آیة اللّه العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظله) ----- ۳۸
پیام حضرت آیة الله العظمی آقای حاج سیّد صادق حسینی شیرازی(دام ظله) ----- ۴۳
ترجمهٔ پیام ، آیة الله العظمی حاج سیّد صادق حسینی شیرازی (دام ظله) ----- ۴۴
پیام حضرت آیة اللّه آقای حاج سیّد محمد جواد علوی بروجردی (دام ظله) ----- ۴۵
پیام آیة اللّه آقای حاج سید علی حسینی میلانی(دام ظله) ----- ۴۸
پیام آیة اللّه آقای حاج میر سیّد محمّد یثربی (دام ظله) ----- ۵۱
پیام آیة اللّه آقای حاج سید علی حسینی صدر(دام ظله) ----- ۵۳
پیام آیة اللّه شیخ نجم الدین طبسی (دام ظله) ----- ۵۶
اطلاعیهٔ آیة الله سیّد محمد تقی دیباجی اصفهانی(دام ظله) ----- ۵۷
بیانیهٔ حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سیّد محمّدباقر موسوی گلپایگانی ----- ۶۳
فصل دوم : مقالات گوناگون دربارهٔ شخصیت و مقامات روحی و اجتماعی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ----- ۶۹
اشاره ----- ۶۹
زندگی و شخصیت حضرت نرجس(علیها السلام)در یک نگاه / شیخ علی اکبر مهدی پور ----- ۷۰
اشاره ----- ۷۰
نام نامی ----- ۷۰
نسبت گرامی ----- ۷۱
نام پدر ----- ۷۲
نام پدربزرگ ----- ۷۲
نام حضرت نرجس (علیها السلام) در انجیل ----- ۷۳
القاب گرامی ----- ۷۴
کنیه ----- ۷۶

ملیکه در مکتب حکیمه ----- ۷۶
مدفن ----- ۷۸
زیارت نامه ----- ۷۹
از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم / شیخ علی اکبر مهدی پور ----- ۸۰
اشاره ----- ۸۰
آنجا که کسری و قیصر درهم می آمیزد : ----- ۸۱
نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون (علیها السلام) ----- ۸۲
از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم (علیه السلام) ----- ۸۷
سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون (علیها السلام) ----- ۹۱
اجتماعی نافرجام ----- ۹۲
رؤیایی سرنوشت ساز ----- ۹۲
دومین رؤیا ----- ۹۴
شاهزاده و اسارت ! ----- ۹۶
دختر قیصر در دودمان پیمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ----- ۹۷
ملیکه در مکتب حکیمه ----- ۹۸
چند نکته : ----- ۹۹
اشاره ----- ۹۹
۱ . گزارشگر گزارش نور ----- ۹۹
۲. دختِ یشوعا ----- ۹۹
۳ . یشوعا ، یا یسوعا ؟ ----- ۱۰۱
۴. پدر یشوعا کیست؟ ----- ۱۰۲
۵. مبادلهٔ اسرا ----- ۱۰۵
۶. آزادی زندانیان ----- ۱۰۹
۷ . پیرامون رؤیا ----- ۱۰۹
۸ . شمعون، جد اعلای نرجس خاتون (علیها السلام) ----- ۱۱۰
۹. نتایج به دست آمده : ----- ۱۱۱
کتابنامه حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ علی اکبر مهدی پور ----- ۱۱۴
سیمای حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)در منابع مختلف / شیخ علی اکبر مهدی پور ----- ۱۳۵
اشاره ----- ۱۳۵
۱) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب تفسیری ----- ۱۳۵
۲) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع حدیثی ----- ۱۳۵
۳) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع سیره ، تاریخ ، فضائل و مناقب ----- ۱۳۶
۴) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب انساب ----- ۱۳۹
۵) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب رجالی ----- ۱۳۹
۶) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب لغت ----- ۱۳۹

۷) حضرت نرجس (علیها السلام) در دائرۀ المعارف شیعی ۱۳۹
۸) حضرت نرجس (علیها السلام) در آثار نگارنده ۱۳۹
صفات ارزندۀ حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ آیت الله شیخ محسن فقیهی ۱۴۰
اشاره ۱۴۰
ویژگی های اخلاقی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۱۴۱
اشاره ۱۴۱
۱ . ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) ۱۴۱
۲ . ترحم مهربانی ۱۴۲
۳ . صبر و بردباری ۱۴۳
۴. عفت و حیا ۱۴۴
۵ . زهد و عدم دلبستگی به دنیا ۱۴۵
۶ . احترام به دیگران ۱۴۶
نتیجه گیری ۱۴۷
حافظ سرّ بزرگ خاندان امامت / شیخ محمد امیری سوادکوهی ۱۴۹
اشاره ۱۴۹
تلألوی نام نرجس قبل از تولد در حدیث لوح ۱۵۰
خاتون دو سرا در آیینۀ روایات ۱۵۱
بهترین کنیزان ۱۵۲
بهترینِ زنان ۱۵۳
سرور کنیزان ۱۵۳
سیّدۀ زنان ۱۵۳
نرجس، شاهزادۀ روم ۱۵۴
بانوی عترت ۱۵۵
زیباترین واژه ها ۱۵۵
بانوی برگزیده زمان خویش ۱۵۶
خاتون دوسرا ۱۵۶
حافظ سرّ بزرگ خاندان امامت ۱۵۷
تکرار تاریخ ۱۵۸
آبروی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نزد خدا ۱۵۹
راه های توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۱۶۰
میرزای شیرازی و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۱۶۰
آیۀ اللّه العظمی وحید خراسانی (دام ظله) و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) برای دفع کرونا و ... ۱۶۱
بیان آیت اللّه مجتهدی از توسل بزرگان به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۱۶۲
توسّل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۱۶۲
شیخ جعفر مجتهدی ۱۶۲

راز استجابت در توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۱۶۳
نور ولایت در قلب مطهّر حضرت نرجس(علیها السلام)/ خانم مجتهده زهرهٔ صفاتی ۱۶۶
گنجینهٔ عصمت / آقای سید محمد موحد ابطحی ۱۶۹
اشاره ۱۶۹
سیّد و سرور بانوان (سیّدهٔ الاماء) ۱۷۱
بانوی برگزیده ۱۷۶
بانوی طاهره و مطهره ۱۷۹
وعاء مقدس ۱۸۳
ختامه مسک ۱۸۴
مروری بر چهار اثر در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) / آقای سید محمد موحد ابطحی ۱۸۷
اشاره ۱۸۷
الف : سیّدهٔ الاماء ۱۸۷
ب : بانوی انجیل ۱۸۸
ج: آخرین عروس ۱۹۱
د: نرگسدان ۱۹۲
جایگاه اسرار الهی، حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ علیرضا نعمتی ۱۹۳
شرحی بر زیارتنامهٔ مادر امام زمان روحی فداه / شیخ ابالفضل سبزی ۲۰۰
اشاره ۲۰۰
پناهگاه درماندگان ۲۲۶
دعای بعد از زیارت بانو ملیکا (علیها السلام) ۲۲۶
نرجس خاتون، بانوی پاک و برگزیده / شیخ غلامحسین مجلسی ۲۳۰
اشاره ۲۳۰
الف : محدثه بودن ۲۳۱
ب: طهارت و پاکدامنی ۲۳۳
ج : برگزیده شدن ۲۳۷
خاتمه ۲۳۹
گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم / شیخ علی نظری مؤمن آبادی ۲۴۰
اشاره ۲۴۰
مادر منجی ۲۴۱
نرجس در مصحف فاطمه (علیها السلام) ۲۴۲
پیوند آسمانی ۲۴۳
ثمرهٔ هجرت و اسارت ۲۴۴
وفات نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۴۴
توسّل به حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۴۵
۲۰ درس اخلاقی و تربیتی ۲۴۶

اشاره ۲۴۶
۱: تدین و پاکدامنی در اوج زندگی اشرافی ۲۴۶
۲: پاسداری از ایمان در محیط آلوده ۲۴۶
۳: امکان ازدواج دختری مرفه با اهل ایمان و ساده زیست ۲۴۶
۴: نقش امدادهای غیبی در زندگی ۲۴۶
۵: اهمیت خواب های صادقانه در آینده انسان ۲۴۷
۶: معالجهٔ بیماری های روحی با نیکی به دیگران ۲۴۷
۷: تلاش برای هجرت از محیط های آلوده ۲۴۸
۸: پاسداری از حجاب و عفاف در سخت ترین شرایط ۲۴۸
۹: برجستگی حیا و شرم در زندگی یک دختر ۲۴۸
۱۰: نقش امام شناسی ۲۴۹
۱۱: عشق به ولایت و امامت ۲۴۹
۱۲: انتخاب عزت و شرف در مقابل متاع دنیا ۲۴۹
۱۳: استقبال از آموزش معارف دین ۲۵۰
۱۴: انس با عالمان دین ۲۵۱
۱۵: ادب در مقابل بزرگان ۲۵۱
۱۶: همسرداری و رازداری در فراز و نشیب های زندگی ۲۵۱
۱۷: صبر و خویشتن داری ۲۵۲
۱۸: داشتن نام های زیبا ۲۵۲
۱۹:تربیت فرزند شایسته ۲۵۳
۲۰: بریدن از فامیل برای رسیدن به حق ۲۵۴
جایگاه برجستهٔ توسل و استغاثه... / شیخ مهدی آقابابائی ۲۵۶
اشاره ۲۵۶
مقدمه ۲۵۶
مقام شفاعت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۵۷
راهنمایی های آیت اللّه العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی (دام ظله) ۲۵۹
هر کس به هر قدر که برایش میسر است ... ۲۵۹
دستور العمل آیت الله العظمی بهجت (قدس سره) در زمینه توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۶۰
خواندن دعای عهد و هدیه به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۶۱
سفارش آیهٔ اللّه العظمی آقای حاج شیخ جعفر سبحانی (دام ظله) ۲۶۱
خلاصی از وبا با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از حضرت نرجس (علیها السلام) ۲۶۱
مرحوم آیت الله مجتهدی (قدس سره) ۲۶۲
توسّل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۶۳
ختم قرآن به نیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) جهت پیدا شدن چک یکی از فضلای حوزهٔ علمیّهٔ قم در حرم مطهّر حضرت معصومه (علیها السلام) در مورد گرفتاری که برای آیت اللّه مجتهدی پیش آمده بود چنین فرمودند : ۲۶۳
سفارش آیت اللّه حاج سیّد محمّد علی روحانی (قدس سره) ۲۶۴

داستان تشرف حاج محمد به نقل از مرحوم آیت الله ناصری (قدس سره) ۲۶۴
تشرف خادم حرم عسکریین (علیهما السلام) با توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) و شفای سرطان ۲۶۶
خدمت افتخاری حرم ۲۶۷
توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۶۸
دستور توسل خاص به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ثواب آن هدیهٔ به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۶۹
برآورده شدن حاجات ، با خواندن زیارت عاشورا و هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۷۱
متوسل شدن در امور مهمه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۷۲
حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین انصاریان ۲۷۳
کرامت و عنایتی از حضرت نرجس (علیها السلام) ۲۷۳
توسل به والدهٔ ماجدهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۷۴
برطرف شدن موانع ازدواج به برکت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۲۷۶
گره گشائی از سرباز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۷۹
نذر تألیف کتاب برای حضرت نرجس (علیها السلام) برای بر آمدن حاجت مهم ۲۸۲
نجات از زندان ، کتاب آخرین عروس ۲۸۲
نام فرزندم را «نرجس » گذاشتم ۲۸۷
گزارشی از فعالیت های انجام شده برای بزرگداشت حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ محسن جلائی ۲۸۹
نمونه ای از فعالیت های مؤثر ۲۹۰
سفر به قم و استعانت از حضرت معصومه (علیها السلام) و دیدار با علمای اعلام ۲۹۰
اولین جلسه رسمی و مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) قم ، بیت جناب جون غلام امام حسین (علیه السلام) ۲۹۱
جلسه توجیهی بانوان فرهیخته و تاثیرگذار در راستای گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) ۲۹۳
جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) اصفهان ، بیت العتره (علیهم السلام) ۲۹۴
سفر به مشهد مقدّس و استعانت از حضرت رضا (علیه السلام) و تشکیل جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) ۲۹۵
جلسهٔ توجیهی ، در مقدمهٔ مجلس اصلی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) ۲۹۶
آثار توجه عمومی به نام حضرت نرجس (علیها السلام) و برگزاری جلسات بزرگداشت ۲۹۸
مجلس بزرگداشت در حسینیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام) ۳۰۰
فصل سوم: سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیّت و کرامات مادر منجی و عروس حضرت زهرا (علیها السلام) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ۳۰۲
اشاره ۳۰۲
گلی زگلشن خوشبوی سرمدی / محمد آتشی (آتشی) ۳۰۳
بانوی اجلال علییّن / جعفر رسول زاده (آشفته) ۳۰۹
مادر طاووس جنّت / سید علی احمدی ۳۱۳
نرجس والا مقام / اکبر افشار زاده (افشار) ۳۱۴
انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام)/ اسدالله امینی ۳۱۶
ملیکهٔ عالم ، حضرت نرجس(علیها السلام)/ احمد ایرانی نسب ۳۲۰
مهر رخشان / سید علی اصغر هاشمی (بقا) ۳۲۲
سلام و نور / علی بیرقدار ۳۲۴

عروس ابوتراب / محمد علی بقائی ۳۲۶
قدر و بهای حضرت نرجس(علیها السلام)/ رضا رضائی (بی ریا) ۳۲۸
نذر مادر / نوید پور مرادی ۳۳۳
صداق نرجس(علیها السلام)/ آرش پور علیزاده ۳۳۵
مادر پاک باران / محسن اسلامی (پویا) ۳۳۹
عطر نرگس / علی رضا خیامی ۳۵۰
نو عروس فاطمه (علیها السلام)/ سیدابوتراب هاشمی (تراب) ۳۵۲
در وصف حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ رمضانعلی جان نثاری ۳۵۴
در مدح حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ سیدمحمد مهدی جزایری ۳۵۹
لطف مادری / مصطفی جلیلی نژاد ۳۶۱
تسبیحی از انگور عسکری / عاطفه جوشقانیان ۳۶۳
سلام ای حضرت نرگس / فاطمه حبیبی ۳۶۵
عروس خانوادهٔ موعود / احمد حیدری ۳۶۷
خانهٔ شش گوشه / احمد حیدری ۳۶۹
آوای حضرت نرجس(علیها السلام)/ جواد حیدری ۳۷۱
شبیه امّ موسی (علیه السلام) / مجتبی خرسندی ۳۷۷
هم نفس و همقدم نور / سید مسعود داستار ۳۷۹
همنشین گل زهرا(علیها السلام)/ سید مسعود داستار ۳۸۵
حضور سبز حضرت نرجس(علیها السلام)/ مهدی داعی ۳۸۷
آرامش بعد از طوفان / محسن درویش هرندی ۳۹۱
مام ختم الاْوصیا / محمد رضا رمضانی (ذوالفنون) ۳۹۳
بخت بلند حضرت نرجس(علیها السلام)/ محمد حسن زاده (راضی) ۳۹۵
دختر مریم و عروس حضرت زهرا(علیها السلام)/ اطهرهٔ رضائی ۳۹۷
قلب حضرت صدّیقه میهن او/ علی رضوانی ۴۰۲
عروس خاندانِ عصمت (علیهم السلام)/ عباس جواهری (رفیع) ۴۰۴
شبیه حضرت زهرا(علیها السلام)/ احمد رفیعی وردنجانی ۴۰۶
نوعروس حضرت زهرا / حسین برادران (درویش) ۴۱۲
تمام عزّت نرجس / علی پاکدامن (روضه خوان) ۴۱۴
معمای قصر قیصر / ابراهیم زمانی ۴۲۱
داستان زیبای زندگی حضرت نرجس(علیها السلام)/ زهرا محمدی (زمزم) ۴۲۵
مادر خورشید / ابوالفضل سبزی ۴۳۵
همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس(علیها السلام)/ سید علی موسوی (سَعا) ۴۳۷
عروس حضرت فاطمه(علیها السلام) / فریدون اقا لَر (سفیر) ۴۴۱
مریمی دیگر / زهرا سلیمی. ۴۴۳
مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست / تبسم رضا زاده (شدتی) ۴۴۵

از قصر قیصر تا بیت کوثر / محمدجواد غفور زاده (شفق) ۴۴۷
ملیکهٔ ولایت / مصطفی هادوی (شهیر) ۴۵۵
شکوه آفرینش / صدیقهٔ اژه ای (شیدای اصفهانی) ۴۵۷
شادمانی حضرت نرجس(علیها السلام)/ زهرا صالحی ۴۵۹
عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام) / اعظم صباغ خور ۴۶۱
ستوده در انجیل / زهرا صرامی ۴۶۳
نرجس نیکو سِیَر / حسنعلی صغیرا ۴۶۵
حسرت سلاطین/ هاشم طوسی ۴۶۸
اسوهٔ تربیت / سعید علامه ۴۷۰
یاسی از باغ نرگس ها / احمد علوی ۴۷۸
بانوی دلباخته / احمد علوی ۴۸۰
چارهٔ کار شیعیان / روح الله فروتن ۴۸۲
داستان نورانی حضرت نرجس(علیها السلام)/ مرحوم فریور (فریور) ۴۹۵
سرّ مکتوم / قاسم قادری زفره ای (قادر) ۴۹۹
سیدهٔ الاماء / محمود قاسمی ۵۰۲
بانوی باران ، حضرت نرجس(علیها السلام)/ محمد قدسی (قدسی) ۵۰۴
گل نرگس / محمد رضا کاکائی ۵۱۲
مادر خورشید / محسن کاویانی ۵۱۶
نرگس والاتبار / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۵۲۰
گلشن نرگس / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۵۲۲
راز بازگو شده / سید اباالفضل مبارز ۵۲۵
گل باغ ولا / علی رضا محمدی (مسافر) ۵۲۷
عروس آخر زهرا (علیها السلام) / محمد رضا مسعودی ۵۳۴
نرگس باغ جنان / پروانهٔ موجودی ۵۴۲
عروس حضرت ختمی مآب / علی مهدوی نسب ۵۴۴
از دربار روم تا مهبط نور / غلامرضا سازگار (میثم) ۵۵۰
میراث دار فاطمه(علیها السلام)/ محسن ناصحی ۵۶۴
مادر منجی ، حضرت نرجس(علیها السلام)/ سیدمحمود مرتضوی (ناظر) ۵۶۸
رؤیای ملکوتی / سید محمود مرتضوی (ناظر) ۵۷۰
می وَزَد امّید / الهام نجمی ۵۷۶
پذیرایی حضرت خورشید / الهام نجمی ۵۷۶
مخزن اسرار حق / سید مصطفی مهدوی (نحوی) ۵۷۹
مادر ختم الائمه (علیهم السلام) / علی رضا نصیری ۵۸۵
همای بخت نرجس (علیها السلام)/ عبدالحسین نظری (عبدالحسین) ۵۸۹
مادری برحجّت حقّ / سید علی مهدوی (والا) ۵۹۷

ملیکهٔ کل جهان / مرضیه سادات هاشمی ۶۰۰
شکوفائی نرگس / عباس همتی ۶۰۲
باعث بقاء امامت / م ، یا وری ۶۰۴
نام تو مشکل گشا / سمیرا یکه تاز ۶۰۵
بزرگترین تعبیر خواب / مسعود یوسف پور ۶۰۷
شرف الشمس خاندان / مسعود یوسف پور ۶۰۷
همه اش لطف حضرت زهراست / یونس وصالی (یونس) ۶۱۱
درباره مرکز ۶۱۶

مادر باران : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس علیها السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب : مادرِ باران - شرح حال و شخصیّت حضرت نرجس علیها السلام

نویسندگان : جمعی از علماء و محققان عالیقدر قم و اصفهان

سرایندگان : جمعی از شعراء بزرگوار از شهرهای گوناگون

تایپ و صفحه آرائی : آقای شیخ مهدی آقابابایی

نوبت چاپ : پنجم (با اضافات گسترده)

تاریخ انتشار : رمضان المبارک 1444 ق - نوروز 1402 ش

ناشر : محبّ العترة الطّاهره علیهم السلام

مشخصات ظاهری : [92] ص.

فروست : شرح حال و شخصیت حضرت نرجس خاتون علیهاالسلام.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - -- داستان

موضوع : نرجس خاتون (س) -- داستان

موضوع : حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، 232 - 260ق -- داستان

موضوع : داستان های مذهبی

موضوع : Religious fiction

رده بندی دیویی : دا297/959ک657ق ی الف 1.ج 1401

بهاء : سلام و صلوات نثار روح مطهّر حضرت نرجس علیها السلام و استغاثه و دعا برای تعجیل در فرج امام زمان ، حضرت بقیّة اللّه الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

جهت دانلود رایگان کتاب به سایت www.madarebaran.com مراجعه نمایید .

اشاره

اهداء

این مجموعـهٔ نورانی که با نیّت عرض ارادت و اخلاص به مادر باران و اسوهٔ فضائل و سـیّدة الاماء و جایگاه نگهـداری اسـرار الهی و شبیه مادر موسی علیه السلام و ستایش شده در انجیل حضرت عیسی علیه السلام و انتخاب شدهٔ خاتم الانبیاء حضرت محمّد بن عبداللّه صلی الله علیه وآله وسـلم حضـرت نرجس خـاتون علیهـا السـلام فراهم گردیـده ، به محضـر تنها فرزنـد او یعنی پناه عالمیان و منجی انسانها و برافراشـنده پرچم عدل و داد بقیّة اللّة الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشـریف مهدی موعود حضـرت حجة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداء می گردد .

ص: 3

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم

الحَمدُ لله رَبِّ العالَمين

وصلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا و نَبِيِّنا و حَبيبِنا و طَبيبِنا

الَّذى بُعِثَ رحمةً لِلعالَمين ، و بَشيراً للمُذنِبين

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّين

وعَلى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الاَنجَبين ، لا سِيّما

الإمامِ المُنتَظَر ، و الوَلِيِّ المُنتَقِم

الحُجَّةِبن الحَسَنِ المَهدِيِّ عجل الله تعالى فرجه الشريف

ولَعنَةُ اللهِ عَلى أعدائِهِم اجمَعين مِنَ الآنَ إلى يَومِ الدّين

آمينَ آمينَ آمين

ص: 4

فهرست

پیشگفتار... 11

فصل اول: اطلاعیه ها و بیانیه های مراجع معظم تقلید و علماء پیرامون اهمیّت بزرگداشت مقام حضـرت نرجس خاتون(علیها السلام)... 19

پیام حضرت آیة اللّه العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظله)... 20

پیام حضرت آیة الله العظمی آقای حاج سیّد صادق حسینی شیرازی(دام ظله)... 24

ترجمهٔ پیام ، آیة الله العظمی حاج سیّد صادق حسینی شیرازی (دام ظله)... 25

پیام حضرت آیة اللّه آقای حاج سیّد محمد جواد علوی بروجردی (دام ظله)... 26

پیام آیة اللّه آقای حاج سید علی حسینی میلانی(دام ظله)...28

پیام آیة اللّه آقای حاج میر سیّد محمّد یثربی (دام ظله)... 30

پیام آیة اللّه آقای حاج سید علی حسینی صدر(دام ظله)... 32

پیام آیة اللّه شیخ نجم الدین طبسی (دام ظله)... 34

اطلاعیهٔ آیة الله سیّد محمد تقی دیباجی اصفهانی(دام ظله)... 35

بیانیهٔ حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سیّد محمّدباقر موسوی گلپایگانی... 40

فصل دوم : مقالات دربارهٔ شخصیت و مقامات روحی و اجتماعی حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)... 45

زندگی و شخصیت حضرت نرجس(علیها السلام)در یک نگاه / شیخ علی اکبر مهدی پور... 46

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم / شیخ علی اکبر مهدی پور ... 56

کتابنامه حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ علی اکبر مهدی پور ... 89

سیمای حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)در منابع مختلف / شیخ علی اکبر مهدی پور... 100

صفات ارزندۀ حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ آیت الله شیخ محسن فقیهی... 105

حافظ سرّ بزرگ خاندان امامت / شیخ محمد امیری سوادکوهی... 113

نور ولایت در قلب مطهّر حضرت نرجس(علیها السلام)/ خانم مجتهده زهرۀ صفاتی... 130

گنجینۀ عصمت / آقای سید محمد موحد ابطحی ... 133

مروری بر چهار اثر در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) / آقای سید محمد موحد ابطحی... 151

جایگاه اسرار الهی، حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ علیرضا نعمتی ... 157

شرحی بر زیارتنامۀ مادر امام زمان روحی فداه / شیخ ابالفضل سبزی... 164

نرجس خاتون، بانوی پاک و برگزیده / شیخ غلامحسین مجلسی... 193

گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم / شیخ علی نظری مؤمن آبادی... 203

جایگاه برجستۀ توسل و استغاثه... / شیخ مهدی آقابابائی... 218

گزارشی از فعالیت های انجام شده برای بزرگداشت حضرت نرجس(علیها السلام)/ شیخ محسن جلائی ... 250

فصل سوم: سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیت و کرامات مادر منجی و عروس حضرت زهرا(علیها السلام)، حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)... 263

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی / محمد آتشی (آتشی) ... 264

بانوی اجلال علییّن / جعفر سول زاده (آشفته) ... 267

مادر طاووس جنّت / سید علی احمدی ... 269

نرجس والا مقام / اکبر افشار زاده (افشار)... 270

انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام)/ اسدالله امینی... 271

ملیکۀ عالم ، حضرت نرجس(علیها السلام)/ احمد ایرانی نسب... 273

مهر رخشان / سید علی اصغر هاشمی (بقا)... 274

سلام و نور / علی بیرقدار... 275

عروس ابوتراب / محمد علی بقائی... 276

قدر و بهای حضرت نرجس(علیها السلام)/ رضا رضائی (بی ریا)... 277

نذر مادر / نوید پور مرادی... 280

صداق نرجس(علیها السلام)/ آرش پور علیزاده... 281

مادر پاک باران / محسن اسلامی (پویا)... 283

عطر نرگس / علی رضا خیامی... 288

نو عروس فاطمه (علیها السلام)/ سیدابوتراب هاشمی (تراب) ... 289

در وصف حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ رمضانعلی جان نثاری ... 290

در مدح حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)/ سیدمحمد مهدی جزایری... 293

لطف مادری / مصطفی جلیلی نژاد... 294

تسبیحی از انگور عسکری / عاطفه جوشقانیان... 295

سلام ای حضرت نرگس / فاطمه حبیبی ... 296

عروس خانوادهٔ موعود / احمد حیدری... 297

خانهٔ شش گوشه / احمد حیدری ... 298

آوای حضرت نرجس(علیها السلام)/ جواد حیدری ... 299

شبیه امّ موسی 7/ مجتبی خرسندی ... 301

هم نفس و همقدم نور / سید مسعود داستار... 302

همنشین گل زهرا(علیها السلام)/ سید مسعود داستار ... 305

حضور سبز حضرت نرجس(علیها السلام)/ مهدی داعی ... 306

ص: 7

مام ختم الأوصیا / محمد رضا رمضانی (ذوالفنون)... 309

بخت بلند حضرت نرجس(علیها السلام)/ محمد حسن زاده (راضی) ... 310

دختر مریم و عروس حضرت زهرا(علیها السلام)/ اطهرهٔ رضائی ... 311

قلب حضرت صدّیقه میهن او/ علی رضوانی... 313

عروس خاندانِ عصمت (علیهم السلام)/ عباس جواهری (رفیع)... 314

شبیه حضرت زهرا(علیها السلام)/ احمد رفیعی وردنجانی ... 315

نوعروس حضرت زهرا / حسین برادران (درویش) ... 318

تمام عزّت نرجس / علی پاکدامن (روضه خوان)... 319

معمای قصر قیصر / ابراهیم زمانی... 323

داستان زیبای زندگی حضرت نرجس(علیها السلام)/ زهرا محمدی (زمزم)... 325

مادر خورشید / ابوالفضل سبزی... 329

همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس(علیها السلام)/ سید علی موسوی (سُعا)... 330

عروس حضرت فاطمه(علیها السلام) / فریدون اقا لَر (سفیر)... 332

مریمی دیگر / زهرا سلیمی... 333

مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست / تبسم رضا زاده (شدتی)... 334

از قصر قیصر تا بیت کوثر / محمدجواد غفور زاده (شفق) ... 335

ملیکهٔ ولایت / مصطفی هادوی (شهیر)... 339

شکوه آفرینش / صدیقهٔ اژه ای (شیدای اصفهانی)... 340

شادمانی حضرت نرجس(علیها السلام)/ زهرا صالحی... 341

عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام) / اعظم صباغ خور... 342

ستوده در انجیل / زهرا صرامی... 343

ص: 8

حسرت سلاطین/ هاشم طوسی... 346

اسوۀ تربیت / سعید علامه... 347

یاسی از باغ نرگس ها / احمد علوی 351

بانوی دلباخته / احمد علوی ... 352

دست توسل بر دامن حضرت نرجس(علیها السلام)/ روح الله فروتن ... 353

چارۀ کار شیعیان / روح الله فروتن... 357

داستان نورانی حضرت نرجس(علیها السلام)/ مرحوم فریور (فریور) ... 359

سرّ مکتوم / قاسم قادری زفره ای (قادر)... 360

سیدة الاماء / محمود قاسمی... 362

بانوی باران ، حضرت نرجس(علیها السلام)/ محمد قدسی (قدسی) ... 363

گل نرگس / محمد رضا کاکائی... 367

مادر خورشید / محسن کاویانی ... 369

نرگس والاتبار / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)... 371

گلشن نرگس / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)... 372

راز بازگو شده / سید اباالفضل مبارز... 374

گل باغ ولا / علی رضا محمدی (مسافر)... 375

عروس آخر زهرا 3/ محمد رضا مسعودی... 378

نرگس باغ جنان / پروانۀ موجودی ... 382

عروس حضرت ختمی مآب / علی مهدوی نسب... 383

از دربار روم تا مهبط نور / غلامرضا سازگار (میثم)... 386

میراث دار فاطمه(علیها السلام)/ محسن ناصحی... 393

ص: 9

رؤیای ملکوتی / سید محمود مرتضوی (ناظر)... 396

می وَزَد امّید / الهام نجمی... 399

پذیرایی حضرت خورشید / الهام نجمی... 399

مخزن اسرار حق / سید مصطفی مهدوی (نحوی)... 401

مادر ختم الائمه (علیهم السلام) / علی رضا نصیری... 403

همای بخت نرجس (علیها السلام)/ عبدالحسین نظری (عبدالحسین) ... 405

مادری برحجّت حقّ / سید علی مهدوی (والا) ... 409

ملیکهٔ کل جهان / مرضیه سادات هاشمی ... 411

شکوفائی نرگس / عباس همتی... 412

باعث بقاء امامت / م ، یاوری...413

نام تو مشکل گشا / سمیرا یکه تاز... 414

بزرگترین تعبیر خواب / مسعود یوسف پور... 415

شرف الشمس خاندان / مسعود یوسف پور ... 415

همه اش لطف حضرت زهراست / یونس وصالی (یونس)... 417

نوعروس آل عصمت (علیهم السلام) / خطیب ولائی آقای ... 418

پیشگفتار

اشاره

پس از آنکه در اثر آشوب ها و اغتشاشات گسترده در سراسـر کشور در هفته های اول نیمـهٔ دوم سال 1401 از یک طرف و پیش بینی های هواشناسـی در مورد خشک سالی پیش رو آن هم شدیدتر از سال قبل ، دلهره و نگرانیِ روحی شدیدی را در بسـیاری از اقشار جامعه ایجاد کرده بود و مخصوصاً فعالان دینی و ولائی نگران بودنـد که آشوب های گستردهٔ ضـد دینی مانع از برنامه های فاطمیه و مجالس سوگواری و حرکت دستجات عزای فاطمی بگردد .

در سال های گذشـته ، به منظور آمادگی برای برنامه های فاطمیه در ماه جمادی الاولی و نیز بزرگداشت شـهادت حضرت معصومه (علیها السـلام) در دهم ربیع الثانی یک قافلـهٔ عزاداری با شـرکت عدهٔ زیادی از روحانیون و فضـلاء حوزهٔ علمیّهٔ اصـفهان و جمع کثیری از اقشار مردم با ایمان به وسیلهٔ چند اتوبوس و شمار زیادی سواری شخصی عازم شهر مقدّس قم می شدیم و در جلسهٔ بسیار عظیمی که در مسجد اعظم قم به عنوان بزرگداشت و عزاداری حضـرت معصومه (علیها السـلام) و سالگرد مرحوم آیت اللّه العظمی آقای حاج سیّد محمد باقر موحد ابطحی (قدس سره) که مصادف با همان ایام بود شرکت می کردیم و برگزاری آن مجلس عظیم در آن مسجد بسیار نورانی و در جوار حرم حضرت معصومه (علیها السلام) علاوه بر بزرگداشت حضرت معصومه (علیها السلام) و

فـدائی آن حضـرت مرحوم آیت اللّه موحّـد ابطحی (قدس سـره) یک آماده سازی روحی برای علاقمندان و دلدادگان فاطمی به حساب می آمد و با شور و سوزی که خطیب آن مجلس عظیم و معنوی ایجاد می کرد ، حاضـرین در مجلس که از فاطمیون با اخلاص و فداکار بودند ، خود را برای فعالیت های وسیع برای گسترش امر فاطمیه آماده می کردند .

آشوب های کشوری اقدامات ضد دینی گسترده ، بسیاری از دل ها را نگران و گام های زیادی را برای اقدامات لازم به لرزه درآورده بود .

بشارتی بزرگ و مددی تاریخی

چنـد روز قبـل از حرکت قـافله و مجلس عظیم مسـجد اعظم قم ، یکی از اشـخاص دلبـاخته اهـل البیت(علیهم السـلام) که شدیـداً اهل توسـلات خالصانه می باشد و عنایات معنوی شامل حال او می شود تلفن زد و گفت : اسـتخاره ای بگیرید و پس از آنکه اسـتخاره بسـیار خوب بود اظهار داشت : حال که اسـتخاره خوب است می گویم . در عالم رؤیا به منزل شـما که محل عزاداری ها و فعالیت های گستردهٔ فاطمی است وارد شدم و قسمت اطاق ها و کتابخانهٔ شما به همان شکل واقعی خودش بود ولی از جلو حوض تا چشم کار می کرد درخت بود و همه را شَته(1) گرفته بود و حوض هم خالی از آب بود و شـما و دوسـتانتان تلاش می کردید که موتور آب کشی را به راه بیندازید ولی موفق نمی شدید .

1- . شته حشره ایست از راستهٔ نیم بالان که انگل درختان و گیاهان است و شیرهٔ آنها را می مکد و بدین جهت جزو آفات خطرناک نباتات محسوب می شود ... و دارای قدرت تولید نسل زیادی می باشند . فرهنگ معین ، ج 2 ، ص 2028.

ناگاه مرحوم آیت اللّه سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی (قدس سره) وارد شدند و جعبه ای در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود : (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ * سَبَّحَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ...)(1) و ایشان در جعبه را باز کردند و ناگاه کفشدوزهای(2) زیادی از آن بیرون آمدند و به سرعت بزرگ شده و به جان شته ها افتادند و همه را از بین بردند . و سپس آیت اللّه سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی به سراغ موتور آب کشی آمدند و انگشت روی کلید آن گذاشتند و ناگاه موتور به کار افتاد و آب فراوان جاری شد .

این رؤیای عجیب و مبشّر نسیم و نفحه ای(3) روحانی بود که دل های مستعد را آرام کرد و علاقه مندان با ایمان فاطمیه را دلگرم نمود و ترس و اضطراب ها را به آرامشی خوش مبدّل ساخت .

حرکت قافلهٔ عزاداری معصومیه به سوی قم ، و برگزاریِ مجلس عزاداری در مسجد اعظم به شکل عجیب و کم سابقه ای انجام گرفت و شور و سوز معنوی و موج ولائی همگان را به اعجاب واداشت .

1- . سوره حدید .

2- . حشره ایست از راستهٔ تاب بالان که دارای سه گونه می باشد و در اکثر نقاط زمین میزید . این حشره کوچک و کروی است و از شتّه ها تغذیه می کند . بدنش قرمز رنگ و دارای نقاط سیاه رنگ است ... فرهنگ معین ، ج 3 ، ص 3006 .

3- . قالَ النَّبِيِّ (صلی الله علیه وآله وسلم) : إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا ؛ همانا برای پروردگار شما در روزهای روزگارتان وزش های خوش بو است . همانا خود را در معرض آن نسیم های خوشبو قرار دهید (و از بهره مندی از آن خود را محروم نسازید) . بحارالانوار، ج 68، ص 221 .

آشوب هـای اجتماعی و شورش ها به شـکل غیر منتظره ای بر طرف گردیـد و برخلاف پیش بینی های داخلی و خارجی ، بارش ها شـروع شد و به تدریج ، باران ها و برف های غیر معمولی در سراسر کشور بارید و یکی از سال های پر بارش شکل گرفت .

دیر باورها هم ، باور کردنـد که با عنایت الهی و توسـلات به ساحت قدسـی فاطمهٔ زهرا(علیها السـلام)و عزاداری های با اخلاص فاطمی ، خطر آشوب ها و شورش ها را از یک طرف ، و خشک سالی و کم بارشی های پیش بینی شده را از طرف دیگر بر طرف نمود .

لئن شکرتم لازیدنکم

هنگامی که انجام وظیفه های عمومی در برابر فاطمهٔ زهرا و اخلاص ها و استغاثه های دلسوختگان به نتیجه رسید و آگاهان به الطاف الهی ، با زبان و دل و رفتار ، سپاسـگزاری کردنـد و برخلاف آنها که قرآن مجیـد دربارهٔ آنها می فرمایـد : (وَ کَأَیِّنْ مِنْ آیَـةٍ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَمُرُّونَ عَلَیْها وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُون) ؛(1) یعنی چه بسیار نشانه هایی (از عظمت و الطاف الهی) که در آسمان ها و زمین است و آنها بر آن مرور می کننـد و از آن روی بر می گردانند (و وظیفـهٔ سپاسـگزاری را انجام نمی دهنـد) ، این بیداردلان ، در مجالس و محافل عمومی و خصوصی ارتباط بین توسلات و استغاثه ها را با برطرف شدن خطر آشوب ها و شورش ها و خشک سالی ، مورد توجه قرار

1- . یوسف / 105.

می دادند و مردم را به شکرگذاری در پیشگاه پروردگار و سپاسگزاری از ساحتِ قدسی فاطمی تشویق می نمودند .

به دنبال این وظیفه شناسی ، عنایت دیگری شد و از طریق الهامی راهگشا مشخص شد که برای برطرف شدن دیگر مشکلات عمومی که جامعه و کشور را رنج می دهد و طاقت فرسا شده است ، باقی بماند باید دست توسل به دامن مادر باران ، عروس حضرت زهرا(علیها السلام)یعنی حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)زد و با آگاه سازی جامعه نسبت به مقام و عظمت این بزرگ بانوی خاندان امامت ، یک خیزش اجتماعی برای متول شدن به ایشان ایجاد شود که با تکریم و تجلیل از این عزیز خدا و رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) قلب مطهّر و نازنین رحمت واسعهٔ الهی یعنی حضرت بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خشنود گردد و با نظرة رحیمه ای از آن اقیانوس رحمت ، مشکلات بسیار سنگین اجتماعی و فردی مردم بر طرف گردد .

این الهام الهی و راهنمائی غیبی ، آن چنان با نصرت های الهی و تأییدات گستردهٔ ولائی همراه شد که برای دست اندرکاران فعالیت های علمی و تبلیغی و اجتماعی برای بزرگداشت آن حضرت جای تردیدی باقی نگذاشت که این اقدامات گوناگون موجب خشنودی صاحبان ولایت و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد .

اقدامات گوناگون برای همراه شدن علما و مراجع و فعالان فرهنگی و شعرا و نویسندگان و ... به راحتی به ثمر می نشست و در فرصتی کوتاه ، یک جهش نورانی به سوی برنامه های بزرگداشت آن حضرت انجام گرفت که غیر قابل پیش بینی بود .

دیدارها با علما و بزرگان حوزۀ علمیّۀ قم و نیز جلسۀ مبلغین و شـعرا در شـهر قم و تشکیل مجلس بسیار با عظمت با حضور علما و فعالان تبلیغی و شـعرا عالیقـدر در مشـهد مقدّس و فراخوان ادبی مادرانه و دعوت از شـعرای سراسـر کشور در امامزاده جعفر بن الرضـا8در شهر اصـفهان و نیز جشن های بزرگ و متوسط و کوچک در مساجد و منازل علاقه مندان در شهر اصفهان و برخی شهرهای مجاور و بالاخص مجلس بسـیار مفصّـل و بـا عظمتی که در حسـینیۀ جوادالائمه (علیه السـلام) در آسـتانۀ میلاد مقـدّس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) (نیمه شعبان) در روز جمعه دهم شعبان المعظم 1444 قمری برابر با 12/ 12 /1401 با حضور علماء و شعراء و دانشگاهیان و اقشار مختلف مردم تشـکیل شـد و تحت عنوان مجلس بزرگداشت و توسل به جهت تجلیل و تکریم حضـرت نرجس(علیها السـلام)به منظور جلب رضایت و لطف حضـرت بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اجتماعی کم نظیر از نظر ابهت و معنویت شکل گرفت که همه را تحت تـأثیر قرار داد و احسـاس لطف مهـدوی به خوبی بر جلسه حـاکم بود ، و همه و همه نشانه هایی از نصـرت الهی و تأییدات صاحبان ولایت به شمار آمد و دل ها را امیدوارتر گردانید .

سرفصلی امیدوارکننده

پس از توسـلات و اقدامات خالصانه و ملتجیانه در تکریم حضرت نرجس(علیها السلام)که به منظور جلب عنایت و رضایت منجی عالم ، حضـرت بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) انجام گرفت ، اخباری منتشر گردید در مورد مذاکرات و توافقات بین المللی و منطقه ای که تنش های خطرساز و مشکل آفرین را

برطرف می سازد و قراردادهای امیدبخش و حرکت در مسیر حُسن همجواری با کشورهای دیگر (که مورد توصیه و تأکید مراجع معظم تقلید بالاخص مرحوم آیت اللّه العظمی آقای حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی (قدس سره) بوده) به سرعت در حال شکل گیری است و بسیار امیدوارکننده است و با نشانه های معنوی و بشارت های ولائی مشخص گردیده که این دوره ، سرفصلی موفق برای شیعه و پیروان مکتب اهل البیت(علیهم السلام)با عنایت و لطف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و با شفاعت مادر عزیزشان حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد .

در پایان ، از همهٔ بزرگان و علماء و مراجع معظم تقلید و شعرءا و نویسندگان و مبلغین دلباختهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عموم مردم با ایمان و ولایت که در این حرکت و جنبش عظیم با عشق و علاقه و جدیّت همراه بودند و در این مقطع از تاریخ ، در تکریم و بزرگداشت یکی از چهره های بزرگ خاندان امامت ، یعنی حضرت نرجس (علیها السلام) گام مؤثری برداشتند ، و زمینه را برای تجلیل گسترده تر در سال های آینده و در دیگر شهرها و کشورها فراهم نمودند ، قدردانی نموده ، و از آنها التماس دعا برای برآورده شدن حوائج متوسلین به حضرت نرجس (علیها السلام) را داریم .

در آستانهٔ سال نو و ماه مبارک رمضان

27 شعبان 1444 قمری برابر 29/12/1401

اصفهان - حوزهٔ علمیّه

میر سیّد حجّة موحّد ابطحی موسوی اصفهانی

تصوير

عجل فرجه
السلام عليك يا عين الحياة
السلام عليك يا صاحب الزمان
بقية الله

فصـل اول : اطلاـعیه هـا و بیـانیه های مراجع معظم تقلیـد و علما و محققین عالی مقام پیرامون اهمیّت بزرگـداشت مقام حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: 19

پیام حضرت آیة اللّه العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظله)

متن پیام مرجع عالیقدر حضرت آیة اللّه العظمی آقای کریمی جهرمی (دام ظله)

در پاسداشت مقام والای مادر گرامی امام عصر ارواحنا فداه

(حضرت نرجس (علیها السلام))

بسم الله الرحمن الرحیم

« السَّلَامُ عَلَى والِدَةِ الْإِمَامِ ، وَ الْمُودَعَةِ أَسْرارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ ، وَ الْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ »

سلام و درود مخصوص بر مادر پیشوای جهانیان بانوی بلند مقامی که ودیعه گاه اسرار و رموز خداوند علام است (عالم به کلیه امور جهان از آسمان و زمین و غیب و شهود) باد . معظمه ای که حامل شریف ترین و با عظمت ترین همهٔ آدمیان است .

در این میان اگر بخواهیم شریف ترین و پرافتخارترین بانوی بانوان جهان (بعد از معدودی بسیار کم همانند حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)) را بشناسیم کسی جز معظمه دوران و بانوی سراسر جهان حضرت نرجس ، خاتون هستی صلوات الله و سلامه علیها و علی بعلها و ولدها الحجه نیست .

سه امتیاز برای معدن کرامت و عظمت حضرت نرجس (علیها السلام) می باشد که در شناخت ایشان معیار کامل و به تمام معنی است :

1 : آن مکرمه ، مادر حجت بالغه الهی و پیشوای معصوم و مقتدای نسل بشر امام عصر ارواحنا فداه است . طاهره و مطهره ای که کل نظاموجود از او به وجود آمده و فرزندی را به جهان آفرینش آورده که جهان به وجود پاک وی مفتخر و سرافراز است .

2 : معظمه با جلالت و با عظمتی که اسـرار دقیق و رموز بسیار مخفی و پنهان و پوشیده ذات لایزال الهی در جهان خلقت به او سپرده شده و وجود نازنینش ودیعه گاه اسرار حضرت رب العالمین است .

قلب پاک آن مخدره محترمه مخزن اسـرار برتر و فراتر از عقول انسانی است و گویا عالم وجود ، با اشارات آسـمانی او هدایت یافته و راه به وظائف خود می برند .

3 : وجه امتیاز و برتری حضـرت نرجس (علیها السـلام) آن است که حامل شریف ترین و برترین انسان هاست و فرزندی را در درون خود پرورانیده که شریف ترین و با عظمت ترین همه مردمان و جهانیان است .

این بانوی آسمانی ، مظهر کمالات ، بزرگی ، سرافرازی و شرف و فضیلت است .

از سویی مادر در بین امت های با فرهنگ و مترقی خصوصاً اسلام موقعیتی بسیار والا و جایگاهی بس رفیع و شامخ دارد و فرزندان سرافراز و بزرگ و پرافتخار ، شدت دلدادگی نسبت به مادر دارند ، و از این جهت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه کمال دلبستگی و دلدادگی به مادر مکرمه شـان دارنـد و قطعـاً کسانی که به حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) متوسل شونـد و به ساحت آن ملکه قدسـی دنیا و آخرت خـدمتی ارائه کننـد نیز مورد توجه و رحمت خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) خواهنـد بود و چه بسا حوائـج بزرگ ، که درپرتو توسل به حضرت نرجس و به دعای فرزند ایشان ، امام زمان به احابت برسد .

حال جا دارد که همگان در بزرگـداشت شأن شامـخ حضـرت نرجس (علیها السـلام) قـدم بردارند تا از این رهگذر ، مشـکلات پیچیده و بزرگ و این گرفتاری های فلـج کننـده امروزی که جامعه دچار آن شده است به برکت توسل به آن معظمه و فرزند یگانه اش برطرف گردد و زندگی راحت و گوارایی برای جامعه پیش آید که قطعاً این گونه خواهد بود ... ان شاء الله .

در این میـان از جمله اقشـاری که جـا دارد پیشـگام این حرکت مقـدّس و نجـات بخش گردنـد ، وعـاظ و سـخنرانان معظم و ارباب قلم و صاحبان ذوق و قریحه شعری و مداحان عزیز می باشند .

وعاظ گرامی و خطباء محترم بکوشـند که با تحقیق علمی پیرامون شخصیت این بانوی محترمه ، فاخرترین مطالب مستند را با بیانی روان و دلپذیر برای مستمعین خصوصاً جوانان عزیز ، بیان نمایند .

نویسـندگان محترم و ارباب قلم از ر وح مطهر حضـرت نرجس مادر امام عصر ارواحنا فداه استمداد نمایند و پیرامون شرافت های گوناگون این بانوی بهشتی قلم فرسایی کنند و شاعران مخلص با قریحه و ذوق شعری ، ضمن سرودن اشعار پر مغز و وزین ، روح و جان تازه ای در کالبد خسته دلدادگان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدمند .

و در کنار آن مـداحان ارجمنـد با بهره از لطف الهی که به آنان شده ، با صدای خوش و دلنوازشان این اشـعار را برای شـیفتگان امام عصـر ارواحنافداه بخوانند تا همگان در پرتو این قبیل اظهار ارادت و علاقه ، مشـمول ادعیه خاصه و نافذ کهف حصین و یاور مظلومان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیریم

و به دعای خیر آن حضرت ، کشور امام زمان از بلاها و سختی هایی که با آنان روبرو شده است رهایی یابد .

در پایـان پیشـگامی عـالم دلسوخته و شـیفته واقعی خانـدان گرامی اهـل بیت صـلوات اللّه علیهم اجمعین آیت اللّه حاج آقا حجّت موحّد ابطحی دام بقاه در این امر مهم و ماندگار را گرامی داشـته و مزید توفیقات این روحانی با فضیلت در خدمت به اسلام و مسلمین را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم .

والسلام

علیکم و رحمة اللّه و برکاته

4 رجب المرجب 1444

علی کریمی جهرمی

تصویر

و به دعای خیر آن حضرت ، کشور امام زمان از بلاها و سختی‌هایی که با آنان روبرو شده است رهایی یابد .

در پایان پیشگامی عالم دلسوخته و شیفته واقعی خاندان گرامی اهل بیت صلوات اللّه علیهم اجمعین آیت اللّه حاج آقا حجّت موحّد ابطحی دام بقاه در این امر مهم و ماندگار را گرامی داشته و مزید توفیقات این روحانی با فضیلت در خدمت به اسلام و مسلمین را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم .

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

٤ رجب المرجب ١٤٤٤

علی کریمی جهرمی

*****

پیام حضرت آیة الله العظمی آقای حاج سیّد صادق حسینی شیرازی(دام ظله)

پیام مرجع عالیقدر ، حضـرت آیة اللّه العظمی آقای حاج سـیّد صادق حسـینی شـیرازی (دام ظله) به مناسبت بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم وله الحمد

قال الله عزوجل: « وَ مَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوب »

شعائر أهل البیت محمد وآله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین کلها من شعائر الله ، وکل ما کان یدل علی تعظیم محمد وآل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) یعتبر من (الشـعائر) والتجلیل من الوالـدة الجلیلـة والکریمةلسـیدنا ومولانا بقیة اللّه (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تجلیل لابنها ولآبائه(علیهم السلام) فهو (من الشعائر) وهذا من مصادیق (التقوی) ولا یلزم في المصادیق أن تکون موجودة في زمن المعصومین(علیهم السلام)، فانها من القضایا الحقیقیة التي کلما تحقق الموضوع تحکم الحکم وهو (من تقوی القلوب) .

وفق الله عزوجل القائمین بذلك وزاد في توفیقاتهم في المزید من امثال ذلك وتقبل منهم وأشرکنا معهم في الدنیا والآخرة .

قم المقدسة 10 / رجب المرجب

میلاد سیدنا ومولانا جواد الأئمه (علیهم السلام) جمیعاً

صادق الشیرازي

ص: 24

ترجمهٔ پیام ، آیة الله العظمی حاج سیّد صادق حسینی شیرازی (دام ظله)

ترجمهٔ پیام مرجع عالیقدر ، حضرت آیة الله العظمی آقای حاج سیّد صادق حسینی شیرازی (دام ظله) به مناسبت

بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

خدای عزوجل می فرماید : "وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ؛ و هرکس شعائر خدا را بزرگ دارد ، در حقیقت آن [حاکی] از پاکی دل هاست."

شعائر حضـرت محمد و خاندان پاک ایشان صلی الله علیه وآله وسلم همه از شعائر خدا است و هرچه دلالت بر تعظیم حضرت محمد و خاندان آن حضـرت صـلوات الله علیهم اجمعین کند، شعائر دینی محسوب می شود . از این رو گرامیداشت مادر بزرگوار و کریمه مولا و سرور ما ، حضـرت بقیـة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) همانا تجلیل از فرزنـد برومنـد ایشان و پدران بزرگوارشان (علیهم السلام)است پس این عمل نیز از شعائر محسوب می شود . و این عمل از مصادیق تقوا و پرهیزکاری است و در مصادیق لازم نیست که در زمان معصومین(علیهم السـلام) وجود داشـته باشـد . این از قضایای حقیقی به شـمار می آیـد که هر زمان موضوع آن تحقق یابـد ، حکم مربوط به آن نیز جاری می شود . پس این امر نشان از " تقوای قلب ها" است .

خـدای عزوجل برپاکننـدگان این مناسـبات را توفیق دهـد و بر توفیقات آنان در اقدام به انجام اموری از این دست بیافزاید ، و این عمل را از ایشان بپذیرد و ما را در دنیا و آخرت با آن ها شریک گرداند .

قم مقدّس 10/ رجب المرجب

میلاد مولا و سرورما حضرت جواد الائمه (علیهم السلام)جمیعا

صادق شیرازی

پیام حضرت آیة اللّه آقای حاج سیّد محمد جواد علوی بروجردی (دام ظله)

پیام فقیه ولائی و عظیم الشأن ، حضرت آیة اللّه آقای حاج سیّد محمّد جواد علوی بروجردی (دام ظله) به مناسبت مراسم بزرگداشت مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنين

چه خوش باشد که بعد از انتظاری *** به امیدی رسند امیدواران

جمال الله شود از غیب طالع *** پدیدار آید اندر بزم یاران

در دورانی که تلخی حوادث در دوران غربت شیعه و اوج محنت غیبت امواج سهمگین ناامیدی و یأس را به غرّش در آورده است ، نام و یاد مبارک او بذر امید را در جان های شیفته می افکند و آرزو و انتظار دیرینه ظهور او منتظران خسته را به وجد می آورد .

خستگان عشق با این پندار که در دل دوست به هر حیله رهی باید یافت برای تعجیل در ظهور حضرتش ، با تجلیل و بزرگداشت نام و یاد مادر گرانقدر او ، بزرگزاده ای از دیار روم که خداوند منّان پرورش چنین درّ ثمینی را در رحم پاک و مطهّر او مقرر فرموده است . دست توسل به سوی او بلند نموده و نظر عطوفت و پدری حضرت منجی را به احوال پریشان دوستان درمانده و رانده از همه جا و از سوی همه مدعیان ، جلب نماییم .

توجه خاص حضـرت بقیة الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفدا به مادر مظلومه ای که در هاله ای از نگرانی ناچار از پنهان نمودن حمل و ولادت کودک دلبنـد خویش بود و اینک خفته در خاک سامرا در خانه پـدری امام (علیه السـلام) همچنان نگران این فرزنـد دلبنـد و تحفهٔ آسـمانی خویش است ، مـا را بر آن می دارد که هم از این مادر به حرمت این فرزنـد و هم از این فرزنـد به حرمت این مادر بخواهیم که از خداوند قادر متعال تعجیل در ظهور حضـرتش را به اقتضاء رحمت واسعه خود مسئلت داشته ، تا به ارادهٔ حتمیّه او آن موعود از پرده غیبت به در آمده و خیل مشتاقان و منتظران را از رنج و محنت تاریخی تحمیل شده بر طائفه حقه برهاند .

10رجب المرجب 1444

محمّد جواد علوی بروجردی

*****

تصویر

توجه خاص حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفدا به مادر مظلومه‌ای که در هاله‌ای از نگرانی ناچار از پنهان نمودن حمل و ولادت کودک دلبند خویش بود و اینک خفته در خاک سامرا در خانه پدری امام علیه السلام همچنان نگران این فرزند دلبند و تحفهٔ آسمانی خویش است ، ما را بر آن می‌دارد که هم از این مادر به حرمت این فرزند و هم از این فرزند به حرمت این مادر بخواهیم که از خداوند قادر متعال تعجیل در ظهور حضرتش را به اقتضاء رحمت واسعه خود مسئلت داشته ، تا به ارادهٔ حتمیّه او آن موعود از پرده غیبت به در آمده و خیل مشتاقان و منتظران را از رنج و محنت تاریخی تحمیل شده بر طائفه حقه برهاند .

۱۰رجب المرجب ١٤٤٤

محمّد جواد علوی بروجردی

*****

پیام آیة اللّه آقای حاج سید علی حسینی میلانی(دام ظله)

پیام فقیه و محقق ولائی و عظیم الشأن ، مؤسّس عالیقدر بنیاد علمی امامت ، حضرت آیة اللّه آقای حاج سیّد علی حسینی میلانی (دام ظله) برای بزرگداشت مقام امّ المهدی ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین لا سیّما بقیة الله فی الارضین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین .

در این زمان که حقیقتاً « عظم البلاء » بر عموم شیعیان در کشورهای مختلف ، و در این شرایط سخت که واقعا « انقطع الرجاء » از همهٔ اسباب ظاهریّه ، وظیفه قاطبهٔ اهل ایمان تضرّع و التجاء به درگاه خدای رحیم رحمان و توسل به ولیّ عصر امام زمان است .

اما برای جلب عنایت آن حضرت ارواحنا فداه بایستی دست به دامن پاک والدهٔ ایشان بشویم که از جلالت شأنش و عظمت مقامش غافل هستیم .

از روایات شیخ صدوق و شیخ الطائفه و سایر بزرگان ، و نیز از زیارتنامهٔ آن مجلله که محدّث قمی آورده معلوم می شود که دارای فضائل و مناقبی بوده که در حالات اغلب مادران ائمه اطهار(علیهم السلام)نقل نشده با اینکه در بلاد غیر اسلامی و در جامعهٔ غیر مسلمین می زیسته .

سزاوار است که خطبـاء محترم ، در مجالس و محافل ، حق ایشان را ادا کننـد ، و صاحبان قلم کتاب هایی در احوالات ایشان بنویسـند ، و شاعران اهل بیت (علیهم السـلام)اشعاری در مدائح ایشان بسرایند ، و بدینوسیله در خواست شفاعتِ ایشان نزد خدای غفّار در جهت فرج فرزندشان و جلب عنایات آن بزرگوار بنمایند .

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

علی حسینی میلانی

4 رجب 1444

*****

تصویر

سزاوار است که خطباء محترم ، در مجالس و محافل ، حق ایشان را ادا کنند ، و صاحبان قلم کتاب‌هایی در احوالات ایشان بنویسند ، و شاعران اهل بیت علیهم السلام اشعاری در مدائح ایشان بسرایند ، و بدینوسیله در خواست شفاعتِ ایشان نزد خدای غفّار در جهت فرج فرزندشان و جلب عنایات آن بزرگوار بنمایند .

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

علی حسینی میلانی

٤ رجب ١٤٤٤

*****

پیام آیة اللّه آقای حاج میر سیّد محمّد یثربی (دام ظله)

پیام فقیه اهل بیت (علیهم السلام) آیة اللّه آقای حاج میر سیّد محمّد یثربی (دام ظله) به مناسبت بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسمه تعالی

« السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ ، وَ الْمُودَعَةِ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ ، وَ الْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ ، ... التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ ... الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ »(1).

(سلام بر مادر امام ، بانویی که اسرار فرمانروای بسیار دانا در نزد او به ودیعت گذاشته شده و به شریف ترین مردمان باردار شده است . سلام بر تو ای بانوی بسیار راستگو و پسندیده ... و ای بانوی پرهیزگار پاک ... و ای بانوی خرسند به قضای الهی و پسندیده).

به راستی این اوصاف شایسته بانویی است که خداوند او را برگزید تا دامن اش وعاء پرورش آخرین حجت بالغه الهیه باشد و اگر واجد این فضائل نمی بود هرگز تکوین « سرالله » به او واگذار نمی شد .

آری بانوی با عظمت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به نص زیارت نامه مزبوره از چنان اوصاف و ملکاتی برخوردار است که هر یک از این صفات جز بر حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) اطلاق نمی شود و می بایست اهل دانش و قلم و سخن در تک تک این صفات با تدبر و تأمل بنویسند و سخن برانند شاید بعض از حقوق فراوان این بانوی جلیل القدر ادا شود . خانمی کهشایستگی و لیاقت همسری امام و مادری امام (علیه السلام) را یافته چگونه بدین مرتبت نائل آمده که در پایان زیارت نامه این گونه او را می ستاید :

1- . المزار الکبیر ، ص 660 .

« فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ ، وَ أَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ ، فَهَنَّأَكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ أَمْرَأَكَ »(1)؛ (به تحقیق خداوند تو را سزاوار خوبی ها کرد و به تو از شرافت آنچه تو را بی نیاز کند بخشید ، و کرامتی را که به تو بخشید بر تو گوارا و سودمند گرداند) .

در ادامه زیارت نامه او را چنین توصیف می کند : «... عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ ».(2)

وی در اوج مرتبه معرفت به مقام امامت است ؛ مرتبتی که در کلام حضرت رضا (علیه السلام) آمده است : « أَجَلُّ قَدْراً وَ أَعْظَمُ شَأْناً وَ أَعْلَى مَكَاناً وَ أَمْنَعُ جَانِباً وَ أَبْعَدُ غَوْراً مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِآرَائِهِمْ ؛ امامت اندازه ای فراتر و مقامی والاتر و موقعی بالاتر و آستانی منیع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود به آن رسند و با نظر خود درک کنند ».

بالاتر و والاتر از آن است که در محدوده و توان اندیشه انسان ها بگنجد ، او هم عارفه بود و هم « مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ ».(3)

با این همه می سزد که صاحبان خرد و سلامت عقیده ، پیرامون مرتبت این بانوی عظیم القدر بیاندیشند و قلم زنند ... که به نص زیارت نامه : « أَحْسَنْتِ الْكَفَالَةَ ، وَ أَدَّيْتِ الْأَمَانَةَ ، وَ اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ ... ؛ تو از امامزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیکو کفالت کردی و امانت را اداء نمودی و در راه خشنودی خدا کوشیدی »(4).

فسلام الله علیها و علی بعلها و ولدها الامام الحجة الثانی عشر و رحمة الله و برکاته .

1- . المزار الکبیر ، ص 660 .

2- . همان.

3- . اصول کافی ، ج 1 ، ص 199 .

4- . المزار الکبیر ، ص 660 .

پیام آیة اللّه آقای حاج سید علی حسینی صدر (دام ظله)

متن اطلاعیهٔ محقق عظیم الشأن و استاد عالیقدر حوزهٔ علمیهٔ قم حضرت آیت الله آقای حاج سیّد علی حسینی صدر (دام ظله) دربارهٔ عظمت های حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

*****

مقام قدسی والدهٔ ماجدهٔ بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

یکی از مدارک و مصادر علمی بیانگر مقاماتِ قدسی حضرات معصومین(علیهم السلام)زیارات شریفه ایشان است که از لسان خود اهل بیت عصمت بیان شده است . و این راه و استدلال طریقی است مسدّد و مؤیّد برای معارف حقهٔ امامیه رضوان الله علیهم . و من جمله از این مصادر زیارت ملکهٔ جهان ، و معجزهٔ امامان بی بی حضرت نرجس خاتون مهیا شد که بزرگان علما نقل فرمودند ، مانند : شیخ مفید در مزار ، ص 323 ، و ابن المشهدی در مزار کبیر ، ص 66 ، و شهید اول در مزار ، ص 233 ، و سید ابن طاووس در مصباح الزائر ، ص 413 و غیرهم اوصاف جلیلهٔ ایشانکه در این زیارت وارد شده است دالّ بر مقاماتِ قدسیّه و درجات عالیهٔ آن بزرگوار است . چرا که صفات ایشان حقائق تالی تلوِ معصوم (علیهم السلام)می باشد.

به عنوان نمونه چند فراز از این زیارت شریف را متبرک شویم شاهد صدق است بر مقام ربانی آن مخدره .

ص: 32

« وَ الْمُودَعَةِ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ » ؛ اسرار الهی را دارا بوده مانند صدیقهٔ طاهره (علیها السلام) .

« الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ» ؛ این مقام انبیا و اوصیا است که دارا هستند .

« السَّلَامُ عَلَيْكِ وَ عَلَى رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ الطَّاهِرِ » ؛ اقتدا به اهل آیهٔ تطهیر نموده است .

« مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ» ؛ دارای بصیرت ذریه طاهره هستند .

« رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً » ؛ صفات فائقهٔ آل محمد(علیهم السلام)را داشتند .

سلام خداوند متعال باد بر این مادر عالی مقام ، و فرزند اطهرش مولا مهدی آل محمد(علیهم السلام) .

غلام ایشان : علی حسینی صدر

تصویر

« وَ الْمُودَعَةِ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ » ؛ اسرار الهی را دارا بوده مانند صدیقهٔ طاهره علیها السلام .

« الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ» ؛ این مقام انبیا و اوصیا است که دارا هستند .

« السَّلَامُ عَلَيْكِ وَ عَلَى رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ الطَّاهِرِ » ؛ اقتدا به اهل آیهٔ تطهیر نموده است .

« مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ» ؛ دارای بصیرت ذریه طاهره هستند .

« رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً » ؛ صفات فائقهٔ آل محمد علیهم السلام را داشتند .

سلام خداوند متعال باد بر این مادر عالی‌مقام ، و فرزند اطهرش مولا مهدی آل محمد علیهم السلام .

غلام ایشان : علی حسینی صدر

*****

پیام آیة اللّه شیخ نجم الدین طبسی (دام ظله)

پیام فقیه و استاد محقق و دلباختهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، حضرت آیة اللّه آقای شیخ نجم الدین طبسی (دام ظله) به مناسبت بزرگداشت والدة القائم ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین سیّما حجة الله فی الارضین مهدی آل محمد روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء .

احیای نام مبارک حضرت نرگس (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت بقیة الله فی الارضین ، یکی از حسنات و کارهای بزرگ در راستای احیاء شعائر اسلام و ترویج و نشر معارف و فرهنگ مهدویت است که واقعاً جای آن در ضمن مراسم بزرگداشت ها و مجالس مذهبی ما خالی است .

بسیار به جا بود که روزی را به نام این بزرگ بانو نام گذاری و در آن روز طی سخنرانی ها و نشست ها و خظابه ها ، جهان را بر موقعیت و عظمت این شخصیت والا و بانوی عفت و فضیلت و جایگاه ایشان آشنا می کردیم .بحمدلله که امید و آرزوی دیرینهٔ ما به دست عالمانی خیرخواه و ولایتمدار و پاکباختهٔ خاندان عصمت و رسالت محقق شد و با برگزاری نشست در راستای احیای جایگاه حضرت نرجس (علیها السلام) خدمتی بزرگ و قابل تقدیر و ستایش به فرهنگ مهدویت انجام گرفت .

توفیقات و تأییدات برگزار کنندگان این مراسم به ویژه حضرت آیت الله سیّد حجّت ابطحی سلمه الله را از خدای منّان خواستارم .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نجم الدین طبسی

قم مقدّس

13 رجب 1444/ 15 بهمن 1401

روز میلاد امیرالمؤمنین (علیه السلام)

اطلاعیهٔ آیة الله سیّد محمد تقی دیباجی اصفهانی(دام ظله)

متن اطلاعیه حضرت آیة اللّه آقای حاج سیّد محمد تقی دیباجی اصفهانی (دام ظله) دربارهٔ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَمَ ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلُمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَ يَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ يُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ .(1)

حضرت بقیةالله الاعظم امام مهدی (علیه السلام) در نیمه شعبان 255 یا 256 قمری در سامرا متولد شدند و حدود پنج سال تحت کفالت پدر بزرگوارشامام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر محترمه اش نرجس خاتون (علیها السلام) به طور مخفی – از شر دشمنان – زندگی نمود .

و در سال 260 هجری بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) امامت به او محول شد و تا سال 329 حدود 70 سال غیبت صغری داشت و مردم توسط نوّاب اربعه مسائل خود را از حضرتش سؤال می کردند و از 329 تا زمانی که خدا بخواهد در غیبت کبری زندگی می کند . اللّهم عجّل فرجه و سهّل مخرجه .

پدر بزرگوارش یازدهمین ستاره آسمان ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر محترمش نرجس خاتون(2) (علیها السلام) می باشند .

1- . بحارالانوار ، ج 101 ، ص 102 ؛ مصباح الزائر ، ص 128 ؛ منتهی الآمال ، ج2 ، ص 807 .

2- . علامه مجلسی دو نام دیگر برای نرجس خاتون ذکر می کند : صیقل و ملیکه . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 5 .

نرجس خاتون (علیها السلام) دختر یوشا فرزند سلطان روم و مادرش فرزند یکی از حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) بوده و نسب او به شمعون وصیّ حضرت عیسی (علیه السلام) می رسد . یوشا پدر نرجس خاتون (علیها السلام) در جنگ با مسلمانان در جنوب شرقی اروپا شکست خورد و نرجس خاتون (علیها السلام) و عده ای دیگر اسیر شدند و آنان را برای فروش به بغداد بردند .

نرجس خاتون (علیها السلام) شبی در عالم رؤیا می بیند پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و فاطمه زهرا (علیها السلام) نزد حضرت مسیح (علیه السلام) و حضرت مریم (علیها السلام) او را برای امام حسن عسکری (علیه السلام) خواستگاری نمودند و فاطمه زهرا (علیها السلام) اوصاف و محسّنات امامحسن عسکری (علیه السلام) را برای نرجس خاتون (علیها السلام) بیان نمود و عشق امام حسن عسکری (علیه السلام) در قلب نرجس خاتون (علیها السلام) راه پیدا کرد .(1)

امام هادی (علیه السلام) نامه ای برای نرجس خاتون (علیها السلام) نوشت و آن را به بشر بن سلیمان داد و فرمود : این نامه را در بغداد در بازار برده فروشان به دست نرجس خاتون (علیها السلام) بده . و نرجس خاتون (علیها السلام) در هنگام داد و ستد و خرید و فروش تمام خریداران را رد نمود تا بشر بن سلیمان ، نامه امام هادی (علیه السلام) را به دست او داد او تسلیم شد و بشر بن سلیمان ، نرجس خاتون (علیها السلام) را به خانه امام هادی (علیه السلام) آورد . امام هادی (علیه السلام) به خواهر خود حکیمه خاتون (علیها السلام) فرمود : « يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ خُذِيهَا إِلَى مَنْزِلِكِ وَ عَلِّمِيهَا الْفَرَائِضَ وَ السُّنَنَ فَإِنَّهَا زَوْجَةُ أَبِي مُحَمَّدٍ وَ أُمُّ الْقَائِمِ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ؛ ای دختر پیامبر! - ای خواهرم -

---

1- . ترجمه یوم الخلاص ، ص 86 ، لطیف راشدی .

نرجس خاتون (علیها السلام) را به منزل خود و ببر احکام الهی را به او یاد بده که او همسر و فرزندم ابو محمد الحسن العسکری (علیه السلام) و مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد ».(1)

حکیمه خاتون (علیها السلام) عمه امام عسکری (علیه السلام) می گوید :

هنگامی که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دنیا آمد . برای خدا سجده کرد و شهادتین بر زبان جاری نمود و بر جدش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و بر امامان معصوم (علیهم السلام)از امام علی (علیه السلام) تا امام عسکری(علیهم السلام) سلام داد . او را نزد پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (علیه السلام) بردم او فرزندش را در آغوش گرفت و به سینه چسبانید و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپش گفت . آنگاه زبانش را به دهان کودکنهاد و فرمود : فرزندم! صحبت کن او بعد از شهادتین و درود بر پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام)این آیه را تلاوت نمود :« وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِين »(2)

استاد ما حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته روزی در درس اصول خود در مسجد سلماسی قم به مناسبت توقیع شریف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که فرموده : « وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ احَادِيثِنَا »(3) فرمود: یکی از طریق توسل به حضرت بقیةاللّه (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دادن صدقات به فقرا و

1- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 10.

2- . قصص / 5.

3- . بحارالانوار ، ج 51، ص 3 و ص 19 ؛ منتخب الاثر ، ص 335 ؛ الغیبة للشیخ الطوسی ، ص 143.

انجام دادن خیرات به نیت امام حسن عسکری (علیه السلام) و نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد.

هر کس پدر و مادر خود را دوست دارد و امام زمان از این موضوع مستثنی نمی باشد . پدر و مادر خود را دوست دارد ، اگر بذل قربانی یا نذر قرآنی برای پدر و مادر آن حضرت انجام دهیم بالقطع و الیقین آن آقا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما را فراموش نخواهد کرد و ما را مشمول دعای خود قرار خواهد داد . ان شاءالله .

آن سفرکرده که صد (صدها) قافله دل همره اوست *** هر کجا هست خدایا تو نگه دارش باش

به امید آن روزی که حضرت بقیة اللّه الاعظم امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز عاشورا (روزی که امام حسین (علیه السلام) شهید شد) به اذن خداوند از مکه معظمه ظهور کند .و درحالی که ملبّس است به لباس و عمامه جدش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد الحرام بین رکن و مقام نماز بخواند و عیسی روح الله (علیه السلام) در نماز به او اقتدا کند .

سپس بر حجرالاسود تکیه زند و پرچم همیشه پیروزش را به یک دست و ذوالفقار جدش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) را به دست دیگر و صدای دل نشین و دل نوازش را به جوامع بشری برساند که :« بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ »(1) ؛ «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّه و حجته و خليفته عليكم ، أَنَا ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ ، أَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّه »(2)

1- . هود / 86 .

2- . بحارالانوار، ج 52، ص 223 ؛ الزام الناصب ، ص 176 ؛ منتخب الاثر ،92/448.

شایسته است شیعیان و محبین اهل بیت به روش فقها و علمای عظام و به حکم « وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ » با توسل به پدر و مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امام حسن عسکری (علیه السلام) و بانو نرجس خاتون (علیها السلام) موجبات تقرّب به درگاه خداوند منّان و جلب توجه و رضایت حضرت بقیة الله را فراهم ساخته و این حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایند .

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

سید محمدتقی دیباجی اصفهانی

*****

تصویر

شایسته است شیعیان و محبین اهل‌بیت به روش فقها و علمای عظام و به حکم « وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ » با توسل به پدر و مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه امام حسن عسکری علیه السلام و بانو نرجس خاتون علیها السلام موجبات تقرّب به درگاه خداوند منّان و جلب توجه و رضایت حضرت بقیة الله را فراهم ساخته و این حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

سید محمدتقی دیباجی اصفهانی

*****

بیانیهٔ حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سیّد محمّدباقر موسوی گلپایگانی

بیانیـهٔ آیت الله زادهٔ معظم ، حضـرت حجت الاسـلام و المسـلمین آقای حاج سـیّد محمّد باقر موسوی گلپایگانی ، یادگار مرجع عالیقدر شیعه آیة اللّه العظمی آقای حاج سیّد محمّد رضا موسوی گلپایگانی (قدس سره)

السَّلامُ عَلَی والِدَةِ الْإِمامِ ، وَالْمُودَعَةِ أَسْـرارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ ، وَالْحامِلَةِ لِأَشْـرَفِ الْأَنامِ ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرضِيَّةُ ، السَّلامُ عَلَيْكِ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسی وَابْنَةَ حَوارِيِّ عِيسی ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ ،السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ

سلام بر مادر امام و مأمن اسـرار فرمانروای بسـیار دانا و باردار به شـریف ترین مخلوقات ، سـلام بر تو ای صدّیقه پسندیده ، سلام بر تو ای همانند مادر موسی و دختر یاران عیسی ، سلام بر تو ای پرهیزکار بی عیب ، سلام بر تو ای خرسند به قضای حق و ای بانوی پسندیده .

شنیدسـتم که حضـرت جبرئیل امین (علیه السـلام) پیش از ولادت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بر حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسـلم) نازل گردیـد و عرضه داشت : مشـیّت الهی بر این شـده که به زودی چشـمت را به فرزنـدی روشن کنـد که امتت بعـد از رحلتت او را به شهادت خواهند رساند .

حضـرت رسول مکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) درکمال تأثر و تأسف عدم رضایت خود را از آمدن چنین کودکی ابراز نمودند و فرمودند : ای جبرئیـل! مـا را به چنین چشم روشـنی احتیاج نیست . این بحث وگفتگو سه مرتبه تکرار گردیـد . تا اینکه جبرئیل خبر داد این مولودی است که همهٔ امامان از او هستند و

وارث آثار پیغمبران و خازنان علوم اولین و آخرین است . و (مهدی این امّت از نسل این پسر خواهد بود).

حضـرت رسول اعظم (صـلی الله علیه وآله وسـلم) ، حضـرت امیرالمؤمنین علی اعلی (علیه السلام) را طلبیدند و جریان را با حضرت در میان گذاشـتند . حضـرت اصبر صابرین امیرالمؤمنین علی (علیه السـلام) از شـنیدن این نبأء عظیم به فغان آمـده و عرضه داشت : ما را به چنین عطیّه ای حاجت نیست . این بحث مکرر گردید ، تا اینکه حضـرت رسول (صـلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند : یا علی! در عوض ، نسل همه امامان از این حسین (علیه السلام) هستند و آنان وارثان پیغمبران و خازنان علوم اولین و آخرین خواهند بود . و (مهدی این امت از نسل این پسر خواهد بود).

حضـرت امیرالمؤمنین (علیه السـلام) بـا شـنیدن این پیام بر آن شدنـد که به خـدمت حضـرت زهرا (علیها السـلام) ابلاغ کننـد و رضایت حضـرتش را جویا شوند . حضـرت زهرا (علیها السلام) هم با شنیدن این خبر اسفناک ناله ای حزین از دل کشیده ، و با گریه فرمودند : مرا احتیاجی به چنین فرزندی نیست .

این بحث و گفتگو سه مرتبه بین مولی الموحّدین امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بی بی دو عالم انسیهٔ حورا (علیها السلام) رد و بدل گردید و حضـرت مولا (علیه السـلام) او را بشارت به فرزنـدان امامان از او و پیشوایان و وارثان و خازنان علم نبوت به ویژه (مهـدی این امّت که از نسل این پسر خواهد بود) دادند وجود مقدّس حضرت زهرا (علیها السلام) از این هبهٔ الهی راضی و مسرور گردید .(1)

1- . جلاء العیون ، ج 2 ، ص 434 .

این حـدیث گویای این است که : گر چه حضـرت حجت بن الحسن العسـکری (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) از دامان پاک حضـرت نرجس (علیها السـلام) قدم به جهان نهادند ، ولی مادر اصلیشان حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) است ؛ زیرا تا زمانی که حضـرت زهرا (علیهـا السـلام) مژدهٔ آمـدن منتقـم خـون حسـین مظلومشـان را نپـذیرفته بودنـد ، آرام دل برقرار ننمـوده بودنـد و رضـایت پروردگارحاصل نبود و این درحالی بود که مشیّت الهی بر این مقرّر شده بود که نسل امامت از حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) باشد به شرط قبول شهادت حضرتش .

در این میان رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از اصلی ترین هاست .

از این رهگذر ، قدر و منزلت خانم نرجس خاتون (علیها السـلام) عیان می شود که در حقیقت نوری از انوار مقدّسه از مقام عظمای فاطمهٔ زهراست که دامن پـاکش قابلیت چنین گوهر ارزشـمندی را داشت که سـیزده معصوم پاک ، آمـدنش را در طول دویست و پنجاه سال مژده داده اند و تا به امروز (که سال 1444قمری می باشد) جهان چشم انتظار چنین مولودی می باشد .

در این میان به یاد خاطره ای از بزرگ مرجع عالم تشـیّع حضـرت آیة اللّه العظمی آقای حاج سیّد محمدرضا گلپایگانی (قدس سره) افتادم که در (15 شعبان 1413) که پس از (1158) در جشن بزرگداشتی که بدین مناسبت در بیت معظم له تشکیل گردیده بود و طبق برنامهٔ سنواتی ، تعـداد بسـیاری از سـربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) ، به دست مبارک معظم له معمّم شدنـد و مادحان اهل البیت(علیهم السـلام)یکی پس از دیگری عرض اخلاص خود را در ثنای این مولود مسـعود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) و مادر گرامیش نرجس خاتون (علیها السلام) تقدیم می کردند ، در

این میان نوبت به فخرالمادحین و شیخ الذّاکرین ، آقای حاج غلامرضا سازگار رسید ، قصیدهٔ 70 بیتی جدیدی که در شأن و منزلت مولود نیمهٔ شـعبان و مادر دلبندش و چگونگی داسـتان اسیری و تشرّف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به خدمت حضرت عسکری (علیه السلام) را سروده بودند ، برای اولین بار در حضور این مرجع عالیقدر ، قرائت کردند .

مجلس با حضور نائب بر حق حضـرت مهـدی (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) مشـعل فروزان فقاهت ، قائـدی از قبیلهٔ قائم (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) مملو از معنویت گشته بود و هیچ چشمی نبود که با دلی سوخته اشک هایش روان نباشد که همراه با اشک هایی که ازچشـمان دُرر بار آیت اللهیش ، این عاشق دلسوخته و این دلباختـهٔ حضـرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) به پهنای صورتش روان بود ، همگـام با آه و ناله ای که از همـهٔ مجلس بلنـد بود خواننـده اشـعار تحت تأثیر احساس حضار قرار گرفته و اظهار داشت من که مولودیه امام زمان را می خوانم ، من که مدح نرگس خاتون (علیها السلام) را می گویم این همه آه و گریه برای چیست ؟

و این بود اشعاری که قرائت گردید .

اینک برای تبرّک چند بیت از آن قصیدهٔ نورانی را نقل می نماییم :(1)

از قلب دریا کاروان نور پیداست *** چون مهر تابان کشتیی از دور پیداست

می گشت تا گم گشتهٔ خود را بجوید *** وز فیض او آئینهٔ دل را بشوید

1- . تمامی قصـیده در بخش سـروده ها دربارهٔ حضـرت نرجس (علیها السـلام) به نقل از کتاب « نخل میثم » ج 1، ص 366- 363 در اختیار علاقمندان قرار می گیرد .

می کرد فیض فاطمی در خویشتن حس *** افتاد ناگه چشم حق جویش به نرجس

*****

زهرا مرا در وادی غم رهبری کرد *** امیدوارم بر وصال عسکری کرد

زهرا زلطف و مهربانی دست افشاند *** چون دخترش زینب مرا بر سینه چسباند

سزاوار است برای عرض ارادت به حضرت زهرا ، ام الائمه (علیها السلام) و ساحت مقدّس ائمهٔ معصومین(علیهم السلام)به

ویژه به ساحت قطب عالم امکان ، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر کس به هرگونه می تواند در بزرگداشت این بانوی دوسرا کوتاهی نکند ، از سرودن اشعار تا نوشتن مقالات و گفتار مبلغان و کتابت مؤلفان و صرف اموال متمولان همه و همه باید در نشر فضائل و ترویج مناقب این بانو قرار گیرد تا اندوخته ای باشد برای « یَوْمَ یَنْظُرُ الْمَرْءُ ما قَدَّمَتْ یَداهُ ».

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

*****

تصویر

می‌کرد فیض فاطمی در خویشتن حس
افتاد ناگه چشم حق جویش به نرجس

*****

زهرا مرا در وادی غم رهبری کرد
امیدوارم بر وصال عسکری کرد
زهرا زلطف و مهربانی دست افشاند
چون دخترش زینب مرا بر سینه چسباند

سزاوار است برای عرض ارادت به حضرت زهرا ، ام الائمه علیها السلام و ساحت مقدّس ائمهٔ معصومین علیهم السلام به ویژه به ساحت قطب عالم امکان ، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هر کس به هرگونه می‌تواند در بزرگداشت این بانوی دوسرا کوتاهی نکند ، از سرودن اشعار تا نوشتن مقالات و گفتار مبلغان و کتابت مؤلفان و صرف اموال متمولان همه و همه باید در نشر فضائل و ترویج مناقب این بانو قرار گیرد تا اندوخته‌ای باشد برای « **يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ ما قَدَّمَتْ يَداهُ** ».

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

*****

فصل دوم : مقالات گوناگون دربارهٔ شخصیت و مقامات روحی و اجتماعی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: 45

زندگی و شخصیت حضرت نرجس(علیها السلام)در یک نگاه / شیخ علی اکبر مهدی پور

اشاره

به قلم : نویسندهٔ محقق و نامدار

آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

*****

زندگی و شخصیت

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

در یک نگاه

نام نامی : نرجس

القاب گرامی : سیّدة الإما، و خیرة الإماء .

کنیه : ام محمد

نام پدر : یَشوعا

نسبت والا : از دودمان شمعون صفا

همسر : امام حسن عسکری (علیه السلام)

فرزند : حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مدفن : سامرا

نام نامی

محدثان ، مورخان ، سیره نویسان و تراجم نگاران برای آن مخدره نُه اسم نقل کرده اند که عبارت اند از : ملیکه ، حکیمه ، سبیکه ، نرجس ، سوسن ، مریم ، خمط ، ریحانه و صیقل .

نگارنده معنی و شرح هر یک از این اسامی را در کتاب : « گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور » بیان کرده است .(1)

جـالب توجه است که برای حضـرت فاطمه زهرا (علیها السـلام) نیز نُه اسم آسـمانی روایت شـده است و آن ها عبارت انـد از : صـدیقه ، مبارکه ، طاهره ، زکیّه ، رضیّه ، مرضیه ، محدّثه ، زهرا و فاطمه .(2)

به هنگام ولادت نرجس خاتون (علیها السـلام) ، پدر و مادرش او را « ملیکه » نام نهادند .(3) ولی آن ها نمی دانستند که این نوزاد روزی ملکهٔ جهان خلقت خواهد شد .

هنگامی که او را اسیر گرفتند ، خود را نرجس معرفی کرد(4) تا به اسرار او پی نبرند و شاهزاده بودنش آفتابی نشود .

نسبت گرامی

فضل بن شاذان از محمد بن عبدالجبار روایت کرده ، هنگامی که امام حسن عسـکری (علیه السـلام) وصـی و جانشـین خودش را معرفی نمود ، پرسـیدم مادرش کیست ؟ فرمود : من ابنة ابنِ قَیْصَرَ مَلَکِ الرُّومِ، أَلا إنه سَیُولَدُ وَ یَغیبُ عَنِ النّاسِ غَیبةً طَویلَةً ثمَّ یَظهَرُ ؛ از دختر پسر قیصر ، پادشاه روم ، آگاه باش که

1- . گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور، ص 16-12.

2- . امالی شیخ صدوق ، ص 474 .

3- . غیبت شیخ طوسی ، ص 210 .

4- . کمال الدّین ، ج 2 ، ص 423 .

در آینده ای نزدیک متولد می شود ، مدتی بس طولانی غائب می شود ، سپس ظاهر می شود .(1)

نام پدر

نام پدر بزرگوارش را « یَشوعا » ذکر کرده اند . (2)

درمورد پدرِ یشوعا به این نتیجه رسیدیم که او فرزند «تئوفیل » پسر میخائیل دوم بود ، که در سال 829 میلادی بر تخت نشست و در سال 842 میلادی درگذشت و تخت و تاج سلطنت را به پسرش میخائیل سوم به ارث گذاشت .(3)

نگارنده در کتاب « مدفونین سامرا » جنگ هایی که در عهد میخائیل سوم در میان مسلمانان و رومیان اتفاق افتاده و حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در آن جنگ ها به اسارت رفته ، با تاریخ دقیق و تعداد اسیرانی که مبادله شده اند به تفصیل آورده است .(4)

نام پدربزرگ

شیخ صدوق با سلسله اسنادش از بِشر نخّاس نقل کرده که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نسب خودش را این گونه بیان کرد :

1- . کفایة المهتدی ، ص 535.

2- . غیبت شیخ طوسی ، ص 210 .

3- . المختصر فی تاریخ البشر ، ج2 ، ص 35 .

4- . مدفونین سامرا ، ص 122-115.

من ملکه دختر یشوعا ، فرزند قیصر پادشاه روم هستم ، مادرم نیز از تبار « شمعون » وصی حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد .(1)

هنگامی که خدا خواست حضـرت عیسی (علیه السلام) را به آسمان ببرد ، به او فرمان داد که نور ، حکمت و علم کتاب را به « شمعون بن حَمّون صفا » تعلیم کند و او را جانشین خود در میان اهل ایمان قرار دهد .(2)

شمعون پسر عمهٔ حضرت مریم (علیها السلام) بود .(3)

در انجیل به هنگام شمارش رسولان دوازده گانه آمده است :

اول «شمعون » معروف به «پطرس » .(4)

مفسّران انجیل اتّفاق نظر دارند که نام پطرس ، « شمعون » می باشد .(5)

نام حضرت نرجس (علیها السلام) در انجیل

در نسخهٔ خطی انجیل که به زبان یونانی و مربوط به قرن پنجم میلادی است و نسخهٔ آن در یکی از موزه های واشنگتن نگه داری می شود و تصویر آن در تهران در مؤسسهٔ بشـارت قابـل دسترسـی است ، نـام حضـرت نرجس (علیهـا السـلام) در انجیل مرقس ، فصل سوم ، فراز هفدهم قرار دارد و در یک فراز پیش از آن (فراز شانزدهم) نام حضرت شمعون وصی حضرت عیسی (علیه السلام) و جد

1- . کمال الدین ، ج2 ، ص 420.

2- . همان ، ج1 ، ص 225.

3- . بحارالانوار ، ج 25 ، ص 186 .

4- . عهد جدید ، انجیل متّی ، فصل دهم ، فرازهای 8-2.

5- . قاموس کتاب مقدّس ، ص 220.

مادری نرجس خاتون (علیها السلام) به چشم می خورد . در ترجمه های مختلف عهد جدید ، گلواژهٔ « نرجس » در همان فراز از انجیل مرقس موجود است ، جز این که در مقام ترجمه طوری تعبیر شده که ارتباط آن با حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) کم رنگ شده است .

القاب گرامی

برای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، دو لقب از پیشوایان معصوم(علیهم السلام) رسیده است :

1) سیّدة الإماء ، یعنی : سرور کنیزان

1 :امام مجتبی (علیه السلام) در وصف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید :

ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ او نهمین فرزند برادرم حسین (علیه السلام) ، پسر سرور کنیزان است .(1)

2 :امام صادق (علیه السلام) در مقام معرفی آن حضرت فرمود :

يَا أَبَا بَصِيرٍ ! هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ ای ابوبصیر

! او پنجمین فرزند پسرم موسی می باشد ،او فرزند سرور کنیزان است .(2)

3 :امام کاظم (علیه السلام) نیز در مقام معرفی آن حضرت فرمود :

ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ او فرزند سرور کنیزان است .(3)

1- . احتجاج طبرسی ، ج2 ، ص 290 .
2- . اعلام الوری ، ج2 ، ص 241 .
3- . کمال الدین ، ج2 ، ص 369 .

4 : امام رضا (علیه السلام) نیز در همین رابطه فرمود :

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛او چهارمین فرزند من ، فرزند سرور کنیزان است .(1)

در این چهار حدیث ، از چهار معصوم ، از آن حضرت « سیدة الإماء » تعبیر شده است .

2) خیرة الإماء ؛ بهترین کنیزان

در احادیث فراوان در مقام معرّفی حضـرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آن حضرت به عنوان فرزند بهترین کنیزان تعبیر شده است ، از جمله :

1 : مولای متقیان پس از تشریح حوادث آخرالزّمان و بیان این که این فتنه ها توسط مردی از اهل بیت من برطرف می شود فرمود :

بِأَبِي ابْنُ خِيَرَةِ الْإِمَاءِ ؛ پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان .(2)

2: امیرمؤمنان (علیه السـلام) در مقام شـمارش اوصاف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند : بِأَبِي ابْنُ خِيَرَةِ الْإِمَاءِ ؛ پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان .(3)

3 :هر وقت امام حسین (علیه السلام) به محضر پدر بزرگوارش مشرف می شد مولای متقیان (علیه السلام) می فرمود :

1- . همان ، ص 372 .

2- . بحارالانوار ، ج 33 ، ص 368 .

3- . غیبت شیخ طوسی ، ص 470 .

بِأَبِي أَنْتَ يَا أَبَا ابْنِ خِيَرَةِ الْإِمَاءِ ؛ پدرم به فدای تو ، ای پدر فرزند بهترین کنیزان .

می پرسیدند : منظور کیست ؟

می فرمود : آن غایب دورافتاده : محمد بن حسن ...

پس نسب آن حضرت را تا امام حسین (علیه السلام) برمی شمرد .(1)

4: ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام) روایت کرده که در مقام معرفی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود : اِبْنُ خِيَرَةِ الْإِمَاءِ ؛ فرزند بهترین کنیزان .(2)

برای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) چه مدال افتخاری بالاتر از این پیدا می شود که سه تن از پیشوایان معصوم:از ایشان « بهترین کنیزان » تعبیر فرموده اند و چهار معصوم:از وی « سرور کنیزان » یاد کرده اند .

کنیه

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به مناسبت حضرت بقیةالله ارواحنا فدا « ام محمد » کنیه گرفته است .(3)

ملیکه در مکتب حکیمه

خداوند اراده فرمود که مادر فرمانروای جهان هستی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از خاندان قیصر روم و پایتخت بیزانس بر گزیند .

1- . مقتضب الاثر ، ص 31 .

2- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 41 .

3- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 431 .

پس از وقوع یک سلسله حوادث تلخ و شیرین در کاخ امپراطوری بیزانس ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به دنبال خواب های سرنوشت ساز ، در جنگی که پدربزرگش علیه سپاهیان اسلام اعلام کرده بود ، خود را در لباس اسارت در میان اسیران جنگی قرار داد و در بغداد توسط بِشر نخّاس ازسوی امام هادی (علیه السلام) خریداری شده به سامرا انتقال یافت .(1)

امام هادی (علیه السلام) به وی فرمود :

می خواهم به تو پاداشی بدهم ، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوش تر است ، یا مژده ای که در آن شرف جاودانه است ؟

عرضه داشت : مژدهٔ فرزند برای من .

فرمود : مژده باد تو را به فرزندی که شرق و غرب جهان را به سیطرهٔ خود درآورد و جهان را از عدل وداد آکنده سازد ، همان گونه که از ظلم و ستم آکنده شده باشد .(2)

در آن هنگام خواهرش حکیمه (علیها السلام) را فراخواند و به او فرمود :

ای دختر رسول خدا ! او را به خانه ات ببر و فرایض دینی و سنّن اسلام را به او بیاموز ، که او همسر ابومحمد و مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد .(3)

1- . داستان شگفت انگیز حضرت نرجس (علیها السلام) را به تفصیل در کتاب « گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور » ، ص 43-12 آوردیم .

2- . غیبت شیخ طوسی ، ص 214 .

3- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 417 .

پس از آن که ملیکه (حضـرت نرجس (علیها السـلام)) آموزش کمالات دینی و فرائض اسلامی را در مکتب حکیمه فرا گرفت امام هادی (علیه السـلام) امر فرمود که نرجس خاتون (علیها السـلام) را به خانهٔ امام حسن عسـکری (علیه السلام) بفرستد . پس مراسم زفاف وی از سوی حکیمه خاتون فراهم شد .(1)

چیزی نگذشت جز این که میلاد مسـعود موعود کعبه حضـرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) در شب جمعه پانزده شـعبان 255 قمری اتفاق افتاد .(2)

مدفن

حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) در سامرا ، در خانـهٔ امام هادی (علیه السـلام) در کنار مضـجع منوّر و قبر مطهّر امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) به خاک سپرده شد .

در داخل ضریح مقدس عسکریین (علیهما السلام) قبر مطهّر حضرت نرجس (علیها السلام) و قبر مطهّر مادر امام عسکری (علیه السلام) نیز قرار دارد .

در طول قرن ها روی قبر مطهّر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) لوحی بود که در آن نوشته شده بود :

هذا قبر امّ محمّد ؛ این قبر جناب « ام محمّد » یعنی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد .(3)

1- . نوادر فیض کاشانی ، ص 215 .

2- . او خواهد آمد ، ص 92-61 به نقل از 50 منبع از بزرگان تشیّع و تسنّن .

3- . همان .

زیارت نامه

تا جایی که ما اطلاع داریم ، در میان مخدّرات اهل بیت (علیهم السلام) فقط برای حضرت معصومه (علیها السلام) زیارت مأثور داریم ، ولی شیخ مفید بعد از شرح اعمال سرداب مقدّس می نویسد :

آنگاه به حرم عسکریین (علیهما السلام) برگرد ، در بالین قبر مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بایست بایست و بگو :

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ .... السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ وَ الْمُودَعَةِ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَّام ...

پس زیارت نامهٔ مفصلی نقل فرموده است . (1)

ابن مشهدی(2)

و شهید اول(3)

و سید ابن طاووس(4) نیز عین همان زیارت نامه را نقل فرموده اند .

*****

تصویر

ص: 55

1- . المزار الکبیر شیخ مفید ، ص 323 .

2- . المزار الکبیر ابن مشهدی ، ص 66 .

3- . مزار شهید اول ، ص 233.

4- مصباح الزائر ، ص 413 .

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم / شیخ علی اکبر مهدی پور

اشاره

به قلم : پژوهشگر و محقق عظیم الشأن

و نویسندهٔ نامدار

آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

پیوند نور

یا سرگذشت حضرت نرجس (علیها السلام)

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم (علیه السلام)

در میان میلیون ها بانوی پرده نشین که در نیمهٔ قرن سوّم هجري در شرق و غرب جهان در سرا پردهٔ عفّت و پاکی جای داشتند ، آفریدگار جهان تنها در یکی از آنان این لیاقت و شایستگی را به ودیعت نهاده بود که وعاءِ نور یزدان قرار بگیرد ، به سرا پردهٔ خاندان عصمت و طهارت راه یابد ، و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد .

جالب تر این که بانوی بی همتا ، ملکهٔ دو سرا ، مادرِ یوسف زهرا ، و وعاءِ نور خدا ، دخت یشوعا و از تبار حواریونِ حضرت عیسی (علیه السلام) انتخاب شده است .

خداوند حکیم از روی حکمت بالغه اش مادرِ فرمانروای جهان هستی حضرت حجّة بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده بود .

ص: 56

آنجا که کسری و قیصر درهم می آمیزد :

فرعون ده ها هزار کودك را سـر برید تا از تولّد حضـرت موسی (علیه السلام) جلوگیری کند ، ولی خدا خواست که حضرت موسی در خانهٔ فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او درهم پیچد .

کسـری و قیصـر نیز قرن ها با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند ، ولی خدا خواست که در هم کوبنده اکاسره و قیاصره از تبار کسری و قیصر باشد، و اینك به دو حدیث زیر توجه فرمائید :

1 : یزدگرد به هنگـام فرار از مـدائن – پس از جنگ قادسـیّه – در برابر ایوان مـدائن ایسـتاد و گفت : « ای ایوان خـداحافظ ، من رفتم ولی به سوی تو باز می گردم ، خودم و یا یکی از فرزندانم که هنوز هنگام ظهورش نرسیده است ».

سلیمـان دیلمی می گویـد : « به خـدمت امام صادق (علیه السـلام) عرض کردم : تعبیر « یا یکی از فرزنـدانم » در گفتار یزدگرد چیست ؟ فرمود :

« ذلِكَ صاحِبُكُمُ الْقائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ – عَزَّوَجَلّ – اَلسّادِسُ مِنْ وُلْدي ، قَدْ وَلَّدهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وَلَدُهُ »: « مقصود از او صاحب شـما حضـرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد ، او ششمین فرزند من و از تبار یزدگرد است » .(1)

با توجه به اینکه « شهربانو » دختر یزدگرد مادر امام سجاد (علیه السلام) است(2)

حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - از تبار یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی، (متوفّای 31 هجری) می باشد .

1- . بحار ، ج 51 ، ص 164 .

2- . ینابیع الموده ، ج 3 ، ص 151 .

2 : هنگامی که از امام رضا (علیه السلام) پرسیدند : « قائم آل محمّد چه کسی است؟ » فرمود :

« اَلرّابِعُ مِنْ وُلْدي ، اِبْنُ سَيِّدَةِ اْلاِءماءِ » ؛ « او چهارمین فرزند از تبار من است ، او فرزند بانوی کنیزان است ».(1)

و هنگامی که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند : « قائم آل محمّد کیست؟ » فرمود : « يا ابابَصيرُ ، هُوَ الْخامِسُ مِنْ وُلْدِ اِبْني مُوسي ، ذلِكَ اِبْنُ سَيِّدَةِ اْلاِءماءِ » :« ای ابا بصیر ! او پنجمین فرزند از تبار پسرم موسی (بن جعفر) است ، او پسر بانوی کنیزان است ».(2)

هنگامی که امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) از مادر حضرت بقیّة اللّه – ارواحنا فداه – سخن می گفتند ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) هنوز به دنیا نیامده بود ، و شاید پدرش « یشوعا » نیز دیده به جهان نگشوده بود .

نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون (علیها السلام)

مورّخان برای آن ملکهٔ دو سرا ، و همسر بی همتای امام عسکری (علیه السلام) نه

اسم نوشته اند : ملیکه ، حکیمه ، سبیکه ، نرجس ، سوسن ، مریم ، ریحانه ، خمط و صقیل .(3)

1- . اعلام الوری ، ج 2 ، ص 241 .

2- . بحار، ج 51 ، ص 146.

3- . روزگار رهایی ، ج 1 ، ص 177.

تعـدّد اسـامی معمولاًـ به جهت شخصـیّت فوق العـاده صـاحب نـام است ، چنانکه امام صادق (علیه السـلام) به هنگام شـمارش مناقب حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید : برای حضرت فاطمه (علیها السلام) در نزد خداوند متعال نه اسم است :

فاطمه ، صدیقّه ، مبارکه ، طاهره ، زکیّه ، رضیّه ، مرضیّه ، محدّثه و زهرا .(1)

به هنگام ولادت ، پدر و مادرش او را « ملیکه » نام نهادند ولی آنها غافل بودند که چه اسـمی با مسـمّی برای فرزند خود برگزیده اند .(2) و او روزی ملکهٔ دو سرا خواهد بود ، او به حقّ شایسته این نام است .

هنگامی که او به اسارت مسـلمانان در آمـد خود را « نرجس » معرّفی نمود(3) تا احـدی از اسـرار او آگاه نشود ، و شاهزاده بودنش آفتابی نگردد .

چون به خاندان عصـمت و طهارت :راه یافت او را با نام های مختلفی صدا زدند تا جاسوسان خلیفهٔ عباسی بر شرافت نسب او واقف نشوند و متوجّه نشوند که او همان صدف سیمین آفرینش است که یکتا گوهر جهان خلقت از او خواهد بود .

و اینك نگاهی گذرا بر اسامی گرامی آن حضرت:

1 : « نرجس » : نام گلی از رده تك لپه ایها ، و سـر دسـته گیاهان تیره نرگسی مي باشد ، که گل هایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارد و به جهت زیبایی فوق العاده اش چشم معشوق را به آن تشبیه می کنند .(4)

1- . امالی شیخ صدوق، ص 474 .
2- . دلائل الامامه ، ص 491 ؛ غیبت طوسي ، ص 210 .
3- . کمال الدین ، ج 2 ، ص423 ؛ روضة الواعظین ، ج 1 ، ص 255.
4- . فرهنگ معین، ج 4 ، ص 4702.

گلِ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نیز در جهان خلقت منفرد است و در انتهای این جهان قرار دارد و همه عاشقان در آرزوی گوشه چشمی از آن محبوب گمگشته به سر می برند ، به یادش زنده اند و در فراقش جان می سپارند .

2 « سوسن » : نیز گلی فصلی و دارای گل های زیبا و درشت به رنگ های مختلف است . اصل این گل از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست .(1)

اما گلِ جناب سوسن ، گل همیشه بهار است که گذشت زمان و موسم خزان هرگز از طراوت او نکاهد ، و اصل او از جهان عُلوی است و نور مقدّسش از اشعّه انوار قدسی است ، چنانکه پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) تعبیر می فرماید :

« بِأَبي و اُمّي سَمِيّي ، وَ شَبيهي وَ شَبيهِ مُوسيَ بْنِ عِمْرانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعاعِ الْقُدْسِ » :«

پدر و مادرم به فدای او باد که همنام منست و شبیه من و شبیه حضرت موسی بن عمران است ، هاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته ، اشعهٔ انوار قدسی از او ساطع است ».(2)

نسب او از طرف پدر به شرق و از طرف مادر به غرب منتهی می گردد.

3 : «سَبیکَه » : طلای ناب و نقرهٔ خالص را گویند که پس از گداخته شدن ناخالصی های آن جدا گردد و طلای ناب و نقرهٔ خالص به صورت شِمش در قالب ها ریخته شود .(3)

1- . همان مدرك ، ج 2 ، ص 1954.

2- . كفاية الاثر ، ص 159.

3- . لسان العرب، ج 6 ، ص 162.

او در پایتخت بیزانس در عشق امام عسکري (علیه السلام) گداخته شد و همه ناخالصی های امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا (علیها السلام) از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد .

4 : « حَکیمه » : بانوی دانشمند ، فیلسوف و فرزانه را گویند . و او بانوی فرزانه ای است که علم و حکمت را نخست در پایتخت بیزانس از معلم خصوصی و عرب زبان فرا گرفته ، سپس فرائض دینی و سنن اسلامی را از پیشگاه « حکیمه » دخت گرامی امام جواد(1) (علیه السلام) آموخته است .(2)

5 : « ملیکه » : به معنای ملکه و شهبانوست ، و او مادر فرمانرواي جهان هستی است ، که همه سلاطین روی زمین پیشانی ادب بر آستانش می سایند .

6 : « مریم » : نام مادر گرامی حضرت عیسی (علیه السلام) است ، و او مادر منجي جهان بشریت است ، که حضرت عیسی (علیه السلام) ، به اتّفاق علمای شیعه و سنی به او اقتدا کرده در پشت سرش به نماز خواهد ایستاد .(3)

7 : « ریحانه » : هر گیاه خشبو و معطّر، دسته ریحان ، دسته شاهسپرغم ، صعتر هندی ، روزی ، رحمت ، و نوری را گویند که در اثر ریاضت در انسان حاصل شود .(4)

1- . غیبت شیخ طوسي ، ص 213 ؛ کمال الدین ، ج 2 ، ص 423.
2- . دلائل الامامه ، ص 469 ؛ بحار الانوار ، ج 51 ، ص 10 .
3- . مصنّف ابن ابي شیبه ، ج 15 ، ص 198 ، ح 19495 .
4- . فرهنگ معین ، ج 2 ، ص 1702 .

وه چه نـامي منـاسب با مادر ريحانـهٔ وجود ، كه همه جهان معطّر از عطر او ، هر غمی زدوده با يك نگاه او ، هر دردی شـفا يافته از صـعتر كوی او ، جمله خلائق بر سر سفرهٔ عام او ، جهان هستی به طفيل عنايت او ، و مهر و ماه منوّر از فروغ روی او .

8 : « خَمّـط » : نـام درختي است كه ميوه خوردني دارد ، و به هر چيز تازه و خوشـبو ، و به درياي خروشان گفته می شود .(1) و همهٔ اين تعبيرات با آن بانوی بی همتا تناسب دارد .

9 : « صَـقيل » : هر شـی ء نورانی ، صيقلی و جلا داده شده را می گويند . شيخ طوسی و شيخ صدوق می فرمايند : « پس از آنكه حضرت نرجس خاتون (عليها السلام) به ولی عصر – ارواحنا فداه – حامله شد او را صقيل نام نهادند ».(2)

علاّمه مجلسـی (قـدس سـره) پس از نقل فراز بالا از شـيخ صـدوق ، می فرمايد : « نرجس خاتون (عليها السـلام) پس از آنكه به آن وجود نورانی حامله شد، هاله ای از نور و ضياء او را فرا گرفت ، آنگاه به جهت اين نورانيّت فوق العاده او را صقيل نام نهادند ». (3)

اگر بنا باشد نور فاطمه زهرا (عليها السلام) در پيشانی حضرت خديجه (عليها السلام) هويدا باشد ، نور يوسف زهرا (عليها السلام) چرا در پيشانی حضرت نرجس خاتون (عليها السلام) ساطع نباشد ؟ در حالی كه او نور يزدان و مهر فروزان است و به هنگام تولّد نوری از

1- . لسان العرب ، ج 4 ، ص 220.

2- . غيبت طوسی ، ص 393 ؛ كمال الدّين ، ج 2 ، ص 432.

3- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 15.

او ساطع شده که همه اطراف و اکناف جهان را تا آفاق آسمان روشن نموده است !!(1)

و اینك در پی آنیم که ببینیم ریحانهٔ قیصر چگونه ریحانهٔ پیمبر شد ؟! و این همه راه دور و دراز را از هفت تپهٔ قسطنطنیه تا کرانه های سامره چگونه پیمود ؟ و سرانجام تعلقات خود را از خاندان قیصر چگونه گسست و به دودمان پیامبر پیوست ؟!

از کاخ قیصر تا محضر امام معصوم (علیه السلام)

گزارش دقیق و مستند از حوادث شگفت در امپراطوری روم ، و مسافرت پر ماجرای ملکهٔ دو سرا ، از کرانه های دریای مرمره تا ساحل سامرا را در ضمن حدیثی مورد اعتماد و استناد ، از زبان آن خاتون دو جهان می شنویم : شیخ صدوق در « کمال الدین » ، شیخ طوسی در « غیبت » ، طبری در « دلائل الامامه » ، ابن شهر آشوب در « مناقب » ، نیلی در « منتخب » ، ابن فتال نیشابوری در « روضه » ، شیخ حر عاملی در « اثبات الهُداة » ، سید هاشم بحرانی در « حلیة الابرار » و علامه مجلسی در « بحارالانوار » مشروح این گزارش را از« بِشر بن سلیمان » ، از اصحاب امام هادی (علیه السلام) روایت کرده اند ، که ما متن کامل گزارش را از دو سند نخستین « کمال الدین » و « غیبت » ، ترجمه و نقل می کنیم :

1- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 431.

بِشر بن سلیمان نخّاس ، از نسل « ابوایوب انصاری » که از اصحاب و ارادتمندان امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بود و به خرید و فروش غلام و کنیز اشتغال داشت ، می گوید :

سرور من ابوالحسن ، حضرت هادی (علیه السلام) ، احکام مربوط به خرید و فروش بردگان را به من آموخته بود ، من نیز معمولاً بدون اجازهٔ ایشان خرید و فروش نمی کردم ، و از موارد شبهه اجتناب می کردم . کم کم در این زمینه شناخت من کامل شد و موارد حلال را از موارد شبهه ناک شناختم . شبی در سامرا در خانه ام ، که در نزدیکی منزل امام هادی (علیه السلام) قرار داشت ، نشسته بودم ، پاسی از شب گذشته بود که درِ خانه ام کوبیده شد . شتابان به سوی درِ خانه رفتم و در را گشودم ، « کافور » خادم و فرستادهٔ امام هادی (علیه السلام) بود که مرا به حضور ایشان فراخواند .

لباس پوشیده به خدمت آن حضرت شتافتم ، چون وارد خانه شدم دیدم که با فرزند بزرگوارش ، امام حسن عسکری (علیه السلام) مشغول گفت وگو است ، و خواهرش « حکیمه » پشت پرده قرار داشت .

همین که نشستم فرمود : « ای بشر! تو از اعقاب انصار هستی ، محبت و دوستی ما همواره در دل های شما پایدار بود ، و هر نسلی از شما محبت و مودّت ما را از نسل پیشین به ارث برده است . و اینک من می خواهم رازی را باتو در میان بگذارم و تو را دنبال کاری بفرستم ، و از این طریق با فضیلت ویژه ای تو را گرامی بدارم ، که در این فضیلت ، گوی سبقت را از همهٔ شیعیان ببری » .

آنگـاه نامـهٔ ظریفی را به زبان رومی و به خط رومی نوشت و مهر خویش را بر آن زد . سـپس چنتـهٔ زردی را بیرون آورد که در آن دویست و بیست دینار بود . نامه و چنته را به من داد و فرمود :

این ها را بگیر و به سوی بغداد عزیمت کن و پیش از ظهرِ فلان روز در گذرگاه « فرات » حضور پیدا کن .

هنگـامی که قایق های حامل بردگان رسـید و کنیزان پیاده شدنـد ، گروه بسـیاری از خریـداران را مشاهـده می کنی که از طرف فرمانـدهان عباسی دور آن ها را گرفته اند ، در آن میان ، تعداد اندکی نیز از جوانان عرب را می بینی که به قصد خرید ، حضور یافته اند .

تو در آن روز از دور مواظب برده فروشـی به نام « عَمرو بن یزید » باش ، تا هنگامی که کنیزی را با این خصوصـیات ، در حالی که دو جامهٔ حریر تازه ، خوش رنگ و درشت بافت بر تن دارد ، برای فروش عرضه کنـد . خواهی دیـد آن کنیز اجازه نمی دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره اش باز گیرد ، یا جامه از تنش کنار زند ، و یا اندامش را لمس کند .

در آن هنگام برده فروش در صدد آزار او برمی آید و او سخنی به زبان رومی می گوید و فریاد برمی آورد . معنای سخنان او این است که از حال خود شِکوه می کند و از کشف حجابش برحذر می دارد .

در این هنگام یکی از خریـداران خواهـد گفت : « من این کنیز را به سـیصد دینار می خرم ؛ زیرا عفت و پاک دامنی او موجب رغبت شدید من شده است » .

و آن کنیز به زبان عربی به او خواهد گفت : « اگر در جامهٔ حضـرت سلیمان (علیه السلام) و بر فراز تخت شاهی ظاهر شوی ، من رغبتی به تو نخواهم داشت ، و لذا مالت را بیهوده خرج نکن » .

برده فروش به آن کنیز خواهـد گفت : « چاره چیست ؟ ناگزیر تو را بایـد فروخت کنیز » . کنیز در پاسخ می گوید : « این همه شـتاب برای چیست ؟ باید خریداری باشد که دل من به سوی او کشش پیدا کند و به صداقت و امانت او اعتماد کنم ».

در این هنگام تو برخیز و پیش عَمرو بن یزید برده فروش برو ، و به او بگو :

« من نامـهٔ دلگرم کننـده ای را از یکی از اشـراف به همراه دارم ، که آن را به زبـان رومی و به خـط رومی نوشـته ، و در آن کرم و وفا و خرد و سخای خود را منعکس نموده است ، این نامه را به او بده تا آن را مطالعه کند و اخلاق و رفتار نویسنده اش را در لابه لای سطورِ آن جستجو نماید ، اگر به نویسندهٔ آن تمایل پیدا کرد و تو نیز مایل بودی ، من از طرف نویسندهٔ نامه وکالت دارم که او را از تو خریداری کنم » .

بشر بن سلیمان می گوید : من همهٔ دستورات سرور خودم امام هادی (علیه السلام) را به طور کامل انجام دادم ،

همین که آن کنیز در نامه نگریست به شدت گریست و به « عَمرو بن یزید » گفت :

« باید مرا به نویسـندهٔ این نامه بفروشـی » و سوگند یاد کرد که اگر از فروختن او به صاحب نامه خودداری کنی در معرض تلف قرار خواهد گرفت .

آنگاه من در مورد قیمت کنیز با برده فروش وارد مذاکره شدم و سـرانجام به همان مبلغی که مولا یم در چنته همراه من فرسـتاده بود به توافق رسیدیم .

آنگاه آن بانو را درحالی که شاداب و خندان بود از او تحویل گرفتم و به خانه ای که در بغداد آمد و شُد داشتم بردم .

آن بانو از شـدت خوشـحالی آرام نداشت ، نامه امام هادی (علیه السـلام) را بیرون می آورد ، آن را می بوسـید و بر صورت خود می نهاد و دست بر آن می کشید .

با شگفتی به او گفتم : « نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی ؟!!».

آن بانو پاسخ داد : ای عاجز و ناتوان از شناخت مقامِ اولاد پیامبران ، خوب گوش کن و به گفتارم دل بسپار تا به حقیقت راه یابی .

سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون (علیها السلام)

من « ملیکه » دختر « یشوعا » پسـر قیصـر رومم ، مادرم از تبار حواریون است و نسب من از طرف مادرم به « شـمعون » وصـی حضـرت مسـیح (علیه السلام) می رسد من اکنون تو را از یک حادثه وحشت انگیز و شگفت آور آگاه می سازم : هنگامی که سیزده بهار از عمر من گذشت ، پدر بزرگم قیصر تصمیم گرفت مرا به عقد برادرزادهٔ خود در آورد .

سیصـد تن از اعقـاب حواریـون که همگی کشـیش و راهب بودنـد را گرد آورد ، و هفت صـد تن از دیگر کشـیشان که از موقعیت ویژه ای برخوردار بودند فراخواند ، آنگاه چهار هزار نفر از فرماندهان سـپاه و امیران لشکرها وسرپرستان عشایر دعوت کرد و از مال ویژه خود تختی مُرصع و مزیّن به انواع جواهرات بیاراست و آن را در حیاط کاخ و برفراز چهل پایه قرار داد .

اجتماعی نافرجام

چون برادرزاده اش بر فراز آن تخت قرار گرفت و صـلیب هـا را در گرداگرد او بگردانیدنـد ، و اُسـقف هـا به حـال تعظیم برخاسـتند و اوراق اناجیل را بگشودند ، و مهیّا شدند که مراسم ازدواج را به جای آورند ، ناگهان همهٔ صلیب ها سرنگون شدند ، پایه های تخت به لرزه درآمد و فرو ریخت ، آن جوان که بر فراز تخت قرار داشت مدهوش بر زمین افتاد .

رنگ کشیشان پرید و لرزه بر اندامشان افتاد ، و اُسقف اعظمشان به پدربزرگم گفت :

« پادشاها! ما را در مورد این حوادث نافرجام و نحوست بار که پیش درآمدِ نابودی آیین مسیحیت و شیوهٔ امپراطوری است معذور بدار » .

پدربزرگم که شدیداً از این پیشامد ناگوار افسرده بود و آن را به فال بد زده بود ، به کشیشان گفت :

«این پایه را اسـتوار سازید و این صلیب ها را یک بار دیگر بر پا دارید ، آنگاه دیگر برادر این داماد نگون بخت را فراخوانید ، تا این دختر را به ازدواج او درآورم ، تا این نحوست با فرخندگی او برطرف شود».

بار دیگر که مجلس بیاراسـتند و فرمان او را به کار بستند نظیر همان حوادث وحشتناک به وقوع پیوست ، همه وحشت زده پراکنده شدند ، و پدربزرگم افسرده و دل مرده برخاست و به حرم سرا رفت و پرده ها را بیاویخت .

رؤیایی سرنوشت ساز

در آن شب خوابی شگفت دیدم که سرنوشت مرا تغییر داد :

در خواب دیـدم که حضـرت مسـیح (علیه السـلام) و شـمعون و گروهی از حواریون در کاخ پدربزرگم گرد آمده اند و منبری از نور در آن نصب شده است که در شکوه و عظمت سر بر آسمان می ساید .

این منبر را درست در نقطه ای گذاشته بودند که پدربزرگم تختش را در آن جا قرار داده بود . در

آن هنگام حضـرت محمد (صـلی الله علیه وآله وسـلم) با وصـی و داماد خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و گروهی از فرزندانش وارد شدند .

حضرت مسیح (علیه السلام) پیش رفت و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را در آغوش کشید .

آنگاه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت مسیح (علیه السلام) فرمود :

« ای روح الله ! من آمده ام که از وصـی تو « شـمعون » دخترش « ملیکه » را خواستگاری کنم . و با دست خود به سوی « ابومحمد » پسر نویسندهٔ این نامه اشاره فرمود .

حضرت عیسی (علیه السلام) به سوی شمعون نگریست فرمود :

« ای شـمعون ! شـرف و فضیلت به سوی تو روی آورده است ، خاندان خود را با خاندان آل محمد پیوند بزن » . شمعون گفت : « اطاعت می کنم » .

در آن هنگام رسول اکرم (صـلی الله علیه وآله وسـلم) بر فراز منبر تشـریف بردنـد . خطبه ای ایراد فرمودند و مرا به همسـری فرزند خویش درآوردند .

حضرت عیسی (علیه السلام) ، حواریون و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) گواهان عقد بودند .

هنگامی که از این رؤیای طلایی بیـدار شدم ، ترسـیدم که اگر خواب را با پدر و پدربزرگم در میان بگذارم مرا بکشـند ، و لذا آن را پوشـیده داشتم و برای

آنها بازگو نکردم . ولی سینه ام چنان از محبت « ابومحمد » آکنده شد که دیگر میل به خوراک را از دست دادم ، و به همین سبب سخت بیمار و رنجور شدم .

در شهرهای روم هیچ پزشکی باقی نماند جز این که پدربزرگم برای معالجهٔ من فراخواند ولی نتیجه ای نداشت . چون پدربزرگم از معالجهٔ من مأیوس شد از روی شفقت به من گفت :

« ای نور دیده ام آیا خواهش و آرزویی در دل داری؟ که در این دنیا برای تو فراهم کنم ؟ ».

گفتم : « پدرجان! درهای گشایش را به روی خود بسته می بینم ، ولی اگر فرمان دهی که از دست و پای اسیران مسلمانان که در زندان تو هستند بند و زنجیر بردارند و از شکنجهٔ آنان دست نگه دارند و بر آنان منت نهاده فرمان آزادی آن ها را صادر کنی ، امیدوارم که حضرت مسیح (علیه السلام) و مادرش حضرت مریم (علیها السلام) سلامتی را به من ارزانی دارند ».

چون پدربزرگم خواسته ام را برآورد تلاش کردم که خود را سالم تر نشان دهم ، و اندکی خوراک تناول کردم ، پدربزرگم خوشحال شد و محبت بیشتری در مورد اسیران مبذول داشت .

دومین رؤیا

پس از گذشت چهارده شب از خواب نخستین ، در عالم رؤیا دیدم که سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه (علیها السلام) درحالی که حضرت مریم (علیها السلام) و هزار تن ازخدمتکاران بهشتی ایشان را همراهی می کردند ، به دیدار من تشریف فرما شدند .

حضرت مریم (علیها السلام) به من فرمود : « این بانوی دو جهان ، و مادر شوهرت ابومحمد است» .

من به دامان حضـرت فاطمه (علیها السـلام) آویختم و گریسـتم ، و از این که ابومحمد به دیدار من نمی آید شـکوه کردم . حضـرت فاطمه (علیها السلام) فرمود :

« تا هنگامی که تو مشـرک هستی پسـرم ابومحمـد به دیـدار تو نخواهـد آمد ، این خواهرم مریم دختر عمران است که از آیین تو به پیشـگاه حضـرت احدیت بیزاری می جوید . اکنون اگر خواهان خوشنودی خدا و مسیح و مریم (علیهما السلام) هستی ، و اشتیاق دیدار ابومحمد را داری ، بگو : «اشهد ان لا اله الله و اشهد ان محمداً رسول الله » .

چون این دو گواهی را به زبان راندم ، حضرت فاطمه (علیها السلام) مرا به سینهٔ خود چسباند و مرا دلشاد ساخت و فرمود : « از حالا انتظار دیدار ابومحمد را داشته باش ، من او را به نزد تو خواهم فرستاد » .

بیدار شدم و در انتظار دیدار ابومحمد ثانیه شماری می کردم و با خود می گفتم : « وه چقدر به دیدار ابومحمد اشتیاق دارم ».

شب بعـد او را در خواب دیدم و به محضـرشان عرض کردم : ای حبیب من ! پس از آن که در دلم جای گرفتی و دلم آکنده از مهر تو شد و در این راه جانم در معرض تلف قرار گرفت ، بر من جفا کردی و این مـدت به دیدار من نیامدی » .فرمود : « تأخیر من در دیدار تو به سـبب شرک تو بود و اکنون که به راستی اسـلام آوردی ، همه شب به دیـدار تو خواهم آمد ، تا روزی که خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند ».

از آن شب تاکنون هیچ شبی مرا از دیدار خود محروم نساخته است .

شاهزاده و اسارت !

بِشر می گوید : به او گفتم : پس چگونه اسیر شدی ؟! گفت :

در یکی از شب ها « ابومحمد » در خواب به من فرمود :

« در همین ایام فلان روز پدربزرگت لشکری به جنگ مسلمانان گسیل می دارد ، خود نیز از پی لشکریان روان می شود ، تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتکاران همراه دیگر زن ها از فلان راه به آن ها بپیوند » .

من فرمان او را اطاعت کردم ، ناگاه پیشتازان مسلمانان بر ما تاختند ، من هم اسیر شدم ، بدون این که کسی تاکنون متوجه شده باشد که من نوهٔ قیصر امپراطور روم هستم . جز تو ، که اکنون خودم برایت بازگو کردم . کسی که من در سهم او قرار گرفتم ، چون از نام من پرسید ، نام خود را از او مکتوم داشتم و گفتم : « نرگس » ، گفت : آری از نام های کنیزان است .

بِشر می گوید : به او گفتم : عجیب است که شما رومی هستید و این چنین به لهجهٔ عربی سخن می گویی !

گفت : آری ! پدربزرگم از شدت علاقه ای که به تعلیم و تربیت من داشت و مایل بود که آداب ملل و اقوام را یاد بگیرم ، به یکی از بانوانی که مترجم اوبود دستور داد که هر روز بامدادان و شامگاهان به پیش من بیاید و به من عربی بیاموزد . و بدین گونه زبان عربی را فراگرفتم و زبانم به آن گویا شد » .

دختر قیصر در دودمان پیمبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

بشـر می گوید : چون او را به سامرا و حضور مولا یم ابوالحسن امام هادی (علیه السـلام) بردم ، آن حضـرت به او فرمود : « عزت اسـلام ، ذلت مسیحیت ، و شرف خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام)را چگونه یافتی؟ »

عرض کرد : « ای پسر رسول خدا ! چیزی را که شما از من به آن آگاه تر هستی چگونه به شما وصف کنم ؟» .

امام هادی (علیه السـلام) فرمود : « می خواهم به تو پاداشی بدهم ، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوش تر است یا مژده ای که در آن شرف جاودانه است؟ » .

عرضه داشت : «مژدهٔ فرزند برای من » .

فرمود : « ابشری بولد یملک الدنیا شَرقا و غَرباً و یَملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظُلما و جُورا »(1) ؛

« مژده باد تو را به فرزنـدی که خاور و باختر گیتی را به ملک خویش درآورد و جهان را از عـدل و داد آکنـده سازد ، پس از آن که از ظلم و ستم آکنده باشد ».

نرجس خاتون (علیها السلام) پرسید : « پدر این مولود فرخنده کیست ؟ » .

فرمود : « همان که پیامبر اکرم (صـلی الله علیه وآله وسـلم) در فلان شب از فلان ماه از فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری کرد ».
پرسید : از حضرت مسیح (علیه السلام) و

1- . غیبت طوسی، ص 214؛ کمال الدین ، ج2، ص 423 ؛ دلائل الامامة، ص 495 ؛ و مناقب ابن شهر آشوب، ج4 ، ص 474 .

وصـی او؟ فرمود : آری ! حضـرت مسـیح (علیه السـلام) و وصی او ، تو را به عقد چه کسی درآوردند؟ عرضه داشت : « فرزند گرامی شما ابومحمد (علیه السلام) ».

فرمود : او را می شناسی ؟

گفت : « چگونه نشناسم درحالی که از شبی که به دست بانوی بانوان جهان « حضرت زهرا (علیها السلام) » به شرف اسلام مشرف شده ام ، شبی نگذشته که به دیدار من نیامده باشد ».

ملیکه در مکتب حکیمه

در آن هنگام حضرت هادی (علیه السلام) به خدمتکار خود « کافور » فرمودند : « خواهرم حکیمه را فراخوان ».

هنگامی که حکیمه به محضر امام هادی (علیه السلام) شرفیاب شد و به او فرمود : « ها هیه » ، «این همان بانوی معهود است ».

حکیمه خاتون مدتی بس طولانی او را در آغوش کشید و ابراز شادمانی فرمود .

آن گاه امام هادی (علیه السـلام) فرمود : « ای دختر رسول خـدا! او را به خانه خود ببر ، فرائض دینی و سـنن اسـلامی را به او بیاموز ، که او همسر ابومحمد ، و مادر حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد .(1)

1- . غیبت طوسی، ص 214-208 ؛ کمال الدین ، ج2، ص 423-417 ؛ دلائل الامامة، ص 496-490 ؛ مناقب ابن شهر آشوب ، ج4 ، ص 474-472 ؛ روضة الواعظین ، ج1 ، ص 255-252؛ اثبات الهداة ، ج 3 ، ص 365-363 و 408 و 409 ؛ بحارالانوار ، ج 51 ، ص 10-6 ؛ حلیة الابرار، ج5، ص 149-141؛ منتخب الانوارالمضیئه ، ص 60-51.

چند نکته :

اشاره

در پایان بخش گزارش نور یادآوری چند نکته را در این زمینه لازم می دانم :

1 . گزارشگر گزارش نور

گزارشگر این گزارش شگفت انگیز « بِشر بن سلیمان نَخّاس » از شیعیان خالص امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) و مورد وثوق و اعتماد آن دو امام همام می باشد ، که امام هادی (علیه السلام) او را برای چنین مأموریت حساسی برگزیده است .

علامه ممقانی در رجال خود او را ستوده ، و بر وثاقتش تأکید نموده است .(1)

شیخ طوسی و شیخ صدوق بر این روایت اعتماد نموده و در کتاب های خود آن را نقل کرده اند .(2)

محدثان و مورخان بعدی نیز به استناد روایت شیخ طوسی و شیخ صدوق ، این روایت را در کتاب های خود آورده اند .(3)

2. دختِ یشوعا

در مورد نسب نرجس خاتون (علیها السلام) و این که او دختر یشوعا پسر امپراطور روم است ، علاوه بر حدیث فوق حدیث دیگری از امام عسکری (علیه السلام) داریم، که آن را فضل بن شاذان قبل از تولد حضرت بقیةالله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یک واسطه از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده اند، و اینک متن حدیث : فضل بن شاذان از

1- . تنقیح المقال ، ج1، ص173.

2- . غیبت شیخ طوسی ، ص208 ؛ کمال الدین صدوق ، ج2، ص417 .

3- . مناقب ابن شهر آشوب ، ج4 ، ص 472؛ اثبات الهداة ، ج3 ، ص363 ؛ بحارالانوار ، ج 51 ، ص6 .

محمد بن عبد الجبّار روایت می کند که گفت:

به محضـر سـرورم امام حسن عسـکری (علیه السـلام) عرض کردم : ای پسر رسول خدا ! جانم به فدایت باد، من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست ؟ فرمود :

«إن الإمام و حجـة اللّه من بعـدي ابني سـميّ رسول اللّه و كنيّه الـذي هو خاتم حجـج اللّه و آخر خلفائه ؛ « امام و حجت خدا بعد از من فرزند منست ، که هم نام رسول خدا و هم کنیة آن حضرت است ، او پایان بخش حجج الهی وآخرین خلیفه از خلفای پروردگار است ».

پرسیدم : مادرش چه کسی خواهد بود ، ای پسر رسول خدا ؟ فرمود :

من ابنة ابن قيصر ملك الروم ألا إنه سيولد و يغيب عن الناس غيبة طويلة ثم يظهر ؛ « از دخترِ پسرِ قیصر ، نوة امپراطور روم ، آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولّد می شود ، مدتی بس طولانی در پشت پردة غیبت از مردم عزلت می گزیند ، سپس ظاهر می شود ».(1)

این حدیث قبل از تولد حضـرت بقیةالله ارواحنا فداه از امام حسن عسـکری (علیه السلام) صادر شده و شخصیت مورد اعتماد و استنادی چون فضل بن شاذان آن را در کتاب گرانقدر « اثبات الرجعه » درج کرده، و میان فضل بنشاذان و امام حسن عسـکری (علیه السلام) ، فقط یک واسطه است ، و او محمّد بن

1- . اثبات الهـداة ، ج3 ، ص569 ، ح679 ؛ مختصـر اثبات الرجعه - مخطوط - حـدیث نهم ؛ کفایـة المهتـدی - مخطوط - ح28 ؛ گزیدة کفایة المهتدی ، ص133؛ کشف الحق ، ص15 و 149؛ مستدرک الوسائل ، ج12، ص280.

عبدالجبّار است ، که شیخ طوسی بر وثاقتش تأکید نموده است .(1)

این حدیث در حد اعلای صحّت است و می تواند بر استحکام حدیث « بشر بن سلیمان » بیفزاید و آن را بیش از پیش مورد اعتماد و استناد قرار دهد .

روی این بیان هیچ تردیدی نیست که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) دخت یشوعا ، فرزند قیصر ، و نوة امپراطور روم هستند .

3 . یشوعا ، یا یسوعا ؟

نام پدر نوجس خاتون س در اکثر منابع حدیثی : « یَشُوعا » ذکر شده ،(2) ولی طبری آن را « یَسُوعا » ثبت کرده است .(3)

« یَسُوع » در عبری به معنای نجات دهنده است و در انجیل پنجاه مرتبه یسوع به کار رفته و منظور از آن حضرت عیسی (علیه السلام) است ، و در زبان عبرانی بین « یسوع » و « یشوع » فرقی نیست و هر سه به یک معنا می باشند .(4)

بنابر این « یشوعا » یک نام مسیحی ، بر گرفته از « یشوع » به معنای نجات دهنده و معادل « یوشع » می باشد .

اما « یسوعان » فرقه ای از مسیحیان هستند که به سه اصل : تقوی ، فقر واطاعت از پاپ معتقدند .(5)

1- . رجال شیخ طوسی ، ص423 و 435.

2- . کمال الدین ، ج2، ص420 ؛ الغیبة طوسی ، ص210؛ مناقب ابن شهرآشوب ، ج4، ص473؛ حلیةالأبرار ، ج2، ص145.

3- . دلائل الإمامه ، ص492.

4- . قاموس کتاب مقدس ، ص951 و952.

5- . فرهنگ معین ، ج5 ، ص2335.

4. پدر یشوعا کیست؟

اکنون نوبت آن رسیده ببینیم قیصری که پدر یشوعا می باشد ، کیست ؟ و نام او چیست ؟

اگر سن شـریف حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) را به هنگام تولد حضرت ولی عصر ارواحنا فداه پانزده فرض کنیم ، تاریخ ولادت ایشان با 240 ش منطبق می شود . و اگر سن پـدرش « یشوعـا » را به هنگام تولـد نرجس خاتون (علیها السـلام) بیست سال فرض کنیم ، تاریخ تولد او با سال 220قمری منتهی می شود . سال 220 قمری با سال 835 میلادی تطبیق می شود .(1)

با نگاهی گـذرا به تاریخچهٔ امپراطوری روم جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که امپراطور روم در آن روزگار « تئوفیل » پسـر میخاییل دوم (829 -820 میلادی) بود .

تئوفیل ، سی و پنجمین امپراطور روم بود ، که بعد از مرگ پدرش « میخائیل دوم » به سال 829 میلادی (214 قمری) تاج و تخت بیزانس را تصاحب کرد ، به مدت چهارده سال سـلطنت کرد . سرانجام در سال 842 میلادی (227 قمری) یعنی در همان سالی که الواثق بالله عباسی به خلافت رسید او درگذشت و تاج سلطنت را به پسرش میخاییل سوم و همسرش« تئودوره » به ارث گذاشت .(2)

1- . تقویم تطبیقی ، ص44.

2- . المختصر فی تاریخ البشر ، ج2 ، ص35.

همهٔ کسانی که سیرهٔ حکومتی تئوفیل را نوشته اند ، از او به خوبی یاد کرده اند . ویل دورانت در ضمن شرح رخدادهای امپراطوری روم می نویسد :

« تئوفیلوس » (842 - 829 میلادی) مصلح قوانین ، امپراطور آبادکننده ، و مدیر با وجدانی که رسم تمثال شکنی (بت شکنی) را زنده کرد و بر اثر ابتلا به اسهال خونی درگذشت . بیوه اش « تئودوره » به عنوان نایب السلطنه ای قابل (856 -843 میلادی) به آزار و اذیت مردم پایان داد .(1)

استاد معین نیز در این زمینه می نویسد :

وی برای استقرار عدالت بی رحمانه کوشید ، سرداری عالی قدر بود و موجب توسعهٔ امپراطوری گردید .(2)

تئوفیل در مدت چهارده سال امپراطوری خود با مأمون و معتصم معاصر بود . او در سال 217 قمری با مأمون درگیر شد(3) و به سال 223 قمری با معتصم درگیر شد .(4)

مورخان تصریح کرده اند که به هنگام درگذشت « تئوفیل » پسرش« میخائیل » خردسال بود ، و لذا همسرش « تئودوره » صاحب تخت و تاج شد .(5)

پس از تحقیق عمیق و بررسی دقیقِ نکاتی که در لابه لای تاریخ ثبت شده ،

1- . تاریخ تمدن ، ج4 ، ص550.

2- . فرهنگ معین ، ج5 ، ص377.

3- . الکامل ، ج6 ، ص521.

4- . تاریخ الاسلام ، ج16، ص14.

5- . الکامل ، ج6 ، ص528 .

و تطبیق دقیق رخدادهای تاریخی ، به این نتیجه می رسیم که « یشوعا » فرزند « تئوفیل » است و از نظر تاریخی نمی تواند فرزند « میخائیل بن تئوفیل» باشد .

و اینک نگاهی گذرا به تاریخ زندگانی « میخائیل بن تئوفیل » مشهور به « میخائیل سوم » :

میخاییـل سوم ، سـی و ششـمین امـپراطور روم است که از سـال867 - 842 میلاـدی برابر 227 تا 253قمری بر سـرزمین پهناور روم حکومت می کرد .

قلمرو بیزانس در زمان میخائیل سوم شـبه جزیرهٔ بالکان ، ایتالیا ، آسـیای صغیر و قسمت هایی از سوریه و مصر و لیبی بود . بعد که با عرب ها درگیر شدند سوریه و مصر و لیبی را از دست دادند و آسیای صغیر و شبه جزیرهٔ بالکان برای آن ها باقی ماند .(1)

میخائیل سوم 25 سـال بر سـرزمین روم و جهـان پهناور بیزانس سـلطنت کرد ، و در دوران امپراطوری 25 ساله اش با شـماری از خلفای عباسـی ، چون واثق ، متوکل ، منتصر ، مستعین ، معتز ، و مهتدی معاصر بود . میخائیل به ادارهٔ کشور تمایل نداشت ، او همواره سعی می کرد که ادارهٔ مملکت را به دیگری واگذار کند و خود فقط سلطنت نماید .

از این رو نخست ادارهٔ کشور را به مـادرش « تئودوره » سپرد ، هنگـامی که مادرش به سال 856 میلاـدی از دنیا رفت، حکومت را به دایی اش « بارداس » واگذار نمود .

1- . موسوعة المورد ، ج2 ، ص143.

در عهد بارداس ، برزگرزاده ای از اهل مقدونیه به نام « باسیلیوس» مهتریِ اسب میخائیل را به عهده داشت . او اگر چه بی سواد محض بود ، ولی در اثر کاردانی از مهتری به ریاست تشریفات دربار ارتقا یافت . کم کم درصدد اشغال امپراطوری برآمد .

او نخست میخاییل را متقاعد نمود که « بارداس » برای خلع کردن میخائیل توطئه می کند ، سپس او را در سال 866 میلادی خفه کرد .

میخائیل که سالیان درازی عادت کرده بود سلطنت کند نه حکومت ، اینک باسیلیوس را در امپراطوری خود شریک نمود ، و تمامی امور مملکت را به دست او سپرد .

باسیلیوس ، کم کم نقشهٔ قتل میخائیل را نیز مطرح کرد، و با کشتن میخائیل وارث تاج و تخت وی شد .(1)

مورخان اسلامی اتفاق نظر دارند که میخائیل به سال 257قمری در عهد امام حسن عسکری (علیه السلام) به

دست باسیلیوس به قتل رسید .(2)

5. مبادلهٔ اسرا

در عهد امپراطوری میخائیل در میان سپاهیان اسلام و روم جنگ های شدیدی روی داد و اسیران بی شماری از طرفین به دست یکدیگر افتاد .

در عاشورای231 قمری (برابر با سپتامبر 845 میلادی) اسیران جنگی

1- . تاریخ تمدن ، ج4 ، ص550 .
2- . تاریخ طبری ، ج7 ، ص608 ؛ تاریخ الاسلام ذهبی ، ج19، ص25 ؛ البدایة و النهایة ، ج11، ص29 .

میان مسلمانان و رومیان مبادله شد .

تعداد اسیران مسلمان را که در آن روز بازخرید کردند 4460 نفر نوشته اند .(1)

و در این زمان بود که نواحی « آدانا » به دست مسلمانان فتح شد .(2)

مسعودی به هنگام بررسی مبادله و بازخرید اسرای جنگی در میان مسلمانان و رومیان می نویسد :

سومین بازخرید اسیران در خلافت الواثق بالله درمحرم 231قمری بود ، که امپراطور در آن زمان « میخائیل بن تئوفیل » بود ، و سرپرست این بازخرید از طرف خلیفه ، خاقان – غلام ترک خلیفه – بود . در این تاریخ 4362 نفر اسیر مسلمان در ظرف ده روز بازخرید شدند .(3)

سپس می نویسد : چهارمین بازخرید اسیران در زمان متوکل ، در شوال 241 قمری بود ، و امپراطور روم « میخائیل بن تئوفیل » بود ، و سرپرست این بازخرید از طرف خلیفه « شُنَیف » بود . در این تاریخ 2200 نفر اسیر بازخرید شدند .(4)

یعقوبی – مقدّمِ مورّخان اسلامی – نیز گزارش کوتاهی از مبادله و بازخرید اسیران در عهد متوکل در تاریخ ارزشمند خود آورده است (5).

1- . تاریخ مختصر الدول ، ص141.

2- . قاموس الأعلام ، ج 2 ، ص1437.

3- . التنبیه و الاشراف ، ص161.

4- . همان مدرک ، ص164.

5- . تاریخ یعقوبی ، ج3 ، ص223.

طبری در حوادث 241 قمری می نویسد :

تئودوره ، مادر میخائیل و امپراطور روم ، شخصی را به نام « جرجیس بن فرنافس » برای بازخرید اسیران رومی به نزد متوکل فرستاد . تعداد اسیران رومی در دست مسلمانان در حدود 20000 نفر بودند .

پس از شرح مبسوطی ادامه می دهد :

این مبادله و بازخرید اسیران در روز 12 شوال 241 قمری انجام پذیرفت . و تعداد اسیران مسلمان 758 نفر بود ، که 125 نفر آنان را زنان تشکیل می دادند .(1)

به هنگام فتح « عموریه » رومیان 30000 نفر کشته دادند و 30000 نفرشان به اسارت رفت .(2)

یاقوت می نویسد : در واقعهٔ « یرموک » قیصر روم تا انطاکیه آمده بود که جنگ را از نزدیک رهبری کند . هنگامی که مطلع شد رومیان شکست خورده اند ، انطاکیه را به قصد قسطنطنیه ترک کرد .

قیصر به هنگام ترک انطاکیه خطاب به تپه های سوریه گفت : « ای سوریه! خداحافظ ، دیگر امید ندارم که به سوی تو بازگردم » .(3)

شکیب ارسلان در گزارش ارزشمند خود می نویسد : به سال 244 قمری سپاه اسلام به فرماندهی عباس بن فضل از راه دریا با رومیان جنگیدند ، چهل کشتی جنگی رومیان برای مقابله با سپاه اسلام وارد معرکه شد . پیکار سختی

1- . تاریخ طبری ، ج7 ، ص376.

2- . تاریخ الخلفا ، ص336.

3- . معجم البلدان ، ج3 ، ص280.

درگرفت . رومیان شکست خوردند و مسلمانان ده کشتی را با سرنشینان آنها از آنان به غنیمت بردند .

سپس عباس به جنگ « قیصریانه » رفت ، در آنجا مردی را اسیر کرد . او نقطه ای از حصار شهر را به عباس نشان داد .

عباس از همان نقطه به شـهر رخنه کرد و وارد نبرد شد . مردم شـهر درهای شـهر را گشودند و تسـلیم سـپاه اسـلامی شدند و غنایم فراوانی نصیب مسلمانان گردید .

متعاقب آن پادشاه قسـطنطنیه سـیصد کشتی جنگی پر از سـرباز به جنگ مسـلمانان فرستاد ، همین که به « سرقسوسه » رسیدند ، عباس با سپاهیانش به جنگ آنها رفت و رومیان را شکست داد ، و یکصد کشتی را از آنها به غنیمت گرفت .(1)

هنگامی که هرقل پیشـرفت سریع مسلمانان را مشاهده کرد خطاب به رومیان گفت : ای سپاه روم ! مطمئن باشید که مسلمانان به شهرهایی که فتح کرده اند بسنده نمی کنند ، تا آخرین شهر شما را فتح کنند ، زنان و کودکان شما را اسیر بگیرند و شاهزادگان شما را بردة خود سازند . بیایید از حریم خود وامپراطور خویش دفاع کنید .(2)

1- . تاریخ فتوحات اسلامی ، ص189.

2- . معجم البلدان ، ج3 ، ص280.

6. آزادی زندانیان

مسعودی در ضمن شرح حال « میخاییل بن تئوفیل» می نویسد :

شخصی به نام « ابن بقراط » از شاهزادگان پیشین از اهل « عموریّه » در امپراطوری میخائیل با وی به منازعه پرداخت، میخاییل در برابر او صف آرایی کرد و همهٔ زندانی های مسلمان را برای نبرد با او از زندان آزاد کرد با ساز و برگ نظامی آنها را مجهز کرده و به نبرد ابن بقراط فرستاد . بدین وسیله بر او پیروز شد .(1)

در اینجا اگر چه موضوع آزادی زندانیان به عنوان نبرد با دشمن امپراطوری مطرح شده ، ولی جملهٔ : « قد اخرج من فی سجونه من المسلمین » حائز اهمیت است ؛ زیرا در متن گزارش آمده بود که قیصر همهٔ زندانیان مسلمان را خواهش حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) آزاد کرد و با آنها خوش رفتاری نمود .

7 . پیرامون رؤیا

برخی از خوانندگان گرامی ممکن است به مسئلهٔ خواب حساسیت داشته باشند و از جهت شامل بودن گزارش به چند رؤیا ، سؤالاتی برایشان مطرح باشد ، که در این جا نمی توانیم وارد این بحث بشویم ، علاقه مندان را به مطالعهٔ کتاب ارزشمند « دارالسلام » توصیه می کنیم که مرحوم محدث نوری آن را در این رابطه تألیف کرده ، و در ضمن چهار مجلّد تمام ابعاد مسئله را بررسی نموده است .

در این جا فقط یادآور می شویم که رؤیاهای نرجس خاتون (علیها السلام) یقیناً رؤیای صادقه ، بلکه در حد مکاشفه بود . و در قرآن کریم رؤیای حضرت

1- . التنبیه و الاشراف ، ص145.

ابراهیم خلیل الرحمان(1)، رؤیای حضـرت یوسف، رؤیای عزیز مصـر، و رؤیای دو زندانی دیگر که با یوسف در زندان بودند ، آمده است (2).

8 . شمعون، جد اعلای نرجس خاتون (علیها السلام)

جد مادری نرجس خاتون (علیها السـلام) ، جناب « شـمعون » وصـیّ حضرت عیسی (علیه السلام) است ، چنان که در احادیث فراوانی آمده است هنگامی که خداوند متعال خواست حضـرت عیسی (علیه السلام) را به آسمان ها ببرد ، به او فرمان داد که نور و حکمت و علمِ کتاب را به « شمعون بن حمّون صفا » تعلیم کند ، و او را جانشین خود در میان اهل ایمان قرار دهد .(3)

شمعون صفا سومین سفیر حضرت عیسی (علیه السلام) به انطاکیه است که در سورهٔ « یس » آیهٔ 14 بیان شده است .(4)

شمعون در میـان مسـیحیان به « پطرس » معروف است ، چنـان که در متن انجیل آمـده است : « و نا م های دوازده رسول این است : اول شمعون ، معروف به « پطرس » ... این دوازده را عیسـی فرستاده ، به ایشان وصیت کرده گفت : «... بیماران را شفا دهید ، ابرصان را طاهر سازید ، مردگان را زنده کنید ».(5)

مفسران انجیل نیز اتفاق نظر دارند که اسم پطرس « شمعون » می باشد .(6)

1- . سوره صافات ، آیات 105 -102 .

2- . سوره یوسف ، آیه های 5-4 ، 41-36، و 49-43 .

3- . کمال الدین، ج1، ص225.

4- . تفسیر صافی، ج4، ص247، البرهان، ج4، ص8.

5- . انجیل متی، باب دهم، بندهای 8-2 .

6- . قاموس کتاب مقدس، ص220.

« شـمعون » در زبان عبری به معنای : شـنونده است و در انجیل ده نفر به عنوان « شـمعون » آمـده است که یکی از آنها « پطرس » وصـیّ حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد .(1)

طبق روایات ، شمعون پسر عمهٔ حضرت مریم (علیها السلام) است .(2)

9. نتایج به دست آمده :

از نکات یاد شده در ذیل « گزارش نور » به این نتیجه رسیدیم که :

1 . حضرت نرجس خاتون اهل قسطنطنیّه ، پایتخت بیزانس ، استانبول کنونی است .

2. نـام شـریفش : « ملیکه »است و به هنگـام اسارت خود را « نرجس » معرّفی کرده ، و به نام های مختلف در خانـهٔ امام حسن عسـکری (علیه السلام) خوانده شده است .

3 .پدرش : « یشوعا »پسر قیصر روم است .

4 . قیصری که در آن روزگار بر اریکهٔ امپراطوری تکیه کرده بود میخائیل سوّم بود .

5 . میخائیل سوّم از سال 277 تا 253 هجری در این مسند بود .

6 . به ظنّ قوی « یشوعا » پسـر« تئوفیل بن میخائیل » است ، و احتمال این که وی پسر « میخائیل » باشد از نظر تاریخی سازگار نمی باشد .

1- . همان مدرک، ص533.

2- . بحارالانوار، ج25، ص186.

7 . در عهـد میخائیل برخوردهای نظامی بین قوای مسـلمین و رومی ها مکرّر به وقوع پیوسـته ، و در این درگیری ها هزاران نفر از طرفین به اسارت رفته اند .

8 . یکبار میخائیل همهٔ زندانیان مسلمان را آزاد کرده است .

9 . روایت بشر بن سلیمان مورد اعتماد و استناد بزرگان علما در طول یازده قرن می باشد .

10 . علاوه بر روایت بشـر ، به طریق صحیح از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت شده که مادر حضرت بقیة اللّه (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دخترِ پسرِ قیصر روم می باشد .

و در نتیجه از پذیرش گزارش بشر بن سلیمان هیچ مانعی وجود ندارد .

*****

تصویر

۷ . در عهد میخائیل برخوردهای نظامی بین قوای مسلمین و رومی‌ها مکرّر به وقوع پیوسته ، و در این درگیری‌ها هزاران نفر از طرفین به اسارت رفته‌اند .

۸ . یکبار میخائیل همهٔ زندانیان مسلمان را آزاد کرده است .

۹ . روایت بشر بن سلیمان مورد اعتماد و استناد بزرگان علما در طول یازده قرن می‌باشد .

۱۰ . علاوه بر روایت بشر ، به طریق صحیح از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که مادر حضرت بقیة اللّه عجل الله تعالی فرجه دخترِ پسرِ قیصر روم می‌باشد .

و در نتیجه از پذیرش گزارش بشر بن سلیمان هیچ مانعی وجود ندارد .

*****

کتابنامه حضرت نرجس(علیها السلام) / شیخ علی اکبر مهدی پور

به قلم : استاد عظیم الشأن و محقق نامدار

آقای شیخ علی اکبر مهدی پور

*****

کتابنامه حضرت نرجس (علیها السلام)

کتاب های مستقل

1. آخرین سفیر

حجا زی ، جما ل الدین ، 1332 - 1400

- تهران : دارالثقلین ، 1387 ا 248صفحه

2. آخرین عروس : داستان حضرت نرجس (علیها السلام) مادر امام زمان

خدامیان آرانی ، مهدی

- قم: وثوق، 1392 ا 144 صفحه

3. آسمان در آسمان

روشن بین، ایمان، 1358 -

- تهران: منیر، 1388 ا 40 صفحه ، مصور (رنگی)

4. ادله ولادت

طبسی ، نجم الدین ، 1334 -

- قم: مرکز تخصصی مهدویت ، 1399 ا 2 جلد، 272 + 272 صفحه رقعی

5. اسیری و عروسی: فرازها یی از زندگی نرگس خا تون (علیها السلام)

زواریا ن ، زهرا ، 1340 -

- تهران: قدیانی، 1394 ا 64 صفحه، مصور (رنگی)

6. الاسيرة الرّوميّة

قپانچی ، سید باقر ، تصویرگر : شبر ، حسنین

- نجف اشرف : مرکز الدراسات التخصصیه ، 1426ق | 48 صفحه وزیری ، مصور (رنگی)

ص: 89

7. الاسيرة الرّوميّة ، السيدة نرجس أم الإمام المهدى

كندى، وارث

• بيروت : دارالعلوم ، 2010م | 16 صفحه ، مصور (رنگى)

8. با قاصدک : داستان هاى امام زمان از تولد تا امامت

يوسفيان ، محمد ، 1348 - ؛ تصويرگر: نظرى، كلثوم

• قم : مهدى موعود ، 1393 | 30صفحه، مصور (رنگى)

9. بانوى انجيل (ترجمه السيدة نرجس (عليها السلام))

شيرازى ، سيد مرتضى ، 1384ق - ؛ برگردان : صفرزاده ، داود

• تهران : آفاق ، 1400 | 168 صفحه رقعى

10. بانوى عشق (فيلمنامه)

صالحى ، نسرين• تهران : سروش (صدا و سيما) ، 1382 | 118 صفحه رقعى

11. بانوى كنيزان

داستانى بنيسى ، اسد الله ، 1325 - 1383

• قم : بنيس ، 1399 | 32 صفحه وزيرى ، مصور (رنگى)

12. بانوى نور

بصيرى ، مريم

• قم : دفتر تبليغات اسلامى ، 1377 | 89 صفحه وزيرى

13. بانويى به اسم مليكه

كلهر ، فريبا

• تهران : قديانى ، 1394 | 12 صفحه خشتى ، مصور

14. بر بام رم : حضرت نرجس (علیها السلام)

کمساری ، علی

• قم : بوستان کتاب ، 1392 | 40 صفحه

15. به دنبال آفتاب

حجا زی ، جما ل الدین ، 1332 - 1400ش؛ بازنویسی : رحیمی، مهدی

• تهران : نبأ ، 1378 | 40 صفحه رقعی

16. به دنبال آفتاب (In pursuance o (عجل الله تعالی فرجه الشریف) the sun)

حجا زی ، جما ل الدین ، 1332 - 1400ش ؛ برگردان : عباسی، علی

• تهران : نبأ ، 2002م | 55 صفحه پالتویی

17. به طراوت با ران

حسینی اخگر ، زهرا السا دات ، 1357 -

• قم : فخر دین ، 1390 | 88 صفحه

18. پژوهشی نو دربا ره ما در اما م زما ن

طیبی ، نا هید ، 1342 -

• قم : مؤسسه بوستا ن کتا ب ، 1392 | 308 صفحه وزیری

19. حدیث بشارت (منظوم)

سالم دزفولی ، هبة اله ، 1327 -

• قم : گنج معرفت ، 1386 | 128 صفحه

20. حدیث شب میلاد

بحرینی ، مجتبی ، 1325-

• تهران : منیر ، 1379 | 120 صفحه رقعی

21. حضرت نرگس مادر امام زمان

هادی منش ، ابوالفضل ؛ تصویرگر : سلیمانی ، احسان

• قم : حدیث نینوا ، 1393 | 12 صفحه، مصور (رنگی)

22. خاتون عشق (رمان)

زواریا ن ، زهرا ، 1340 -

• تهران : قدیانی ، 1378 | 100 صفحه رقعی

23. خاطره ی آن شب

حجا زی ، جما ل الدین ، 1332 - 1400

• تهران : 1371 | 96 صفحه رقعی

24. خواب دیدن مادر امام زمان نرگس

کمره ای ، میرزا خلیل ، متوفای 1405ق. به همت : محمدحسین صدریه

• قم : اسلامیه ، بی تا | 159 صفحه

25. خواستگاری

کلهر ، فریبا

• تهران : قدیانی ، 1394 | 12 صفحه خشتی ، مصوّر

26. داستا ن زندگا نی ما دراما م زما ن

حسینی تهرانی ، سیدابوالحسن ، 1340 -

• قم : اکرام ، 1389 | 160 صفحه

27. دختری از روم

زواریا ن ، زهرا ، 1340 - ؛ تصویرگر : قاضی زاده ، خشایار

• تهران : ایتا ، 1381 | 28 صفحه ، مصور (رنگی)

28. رؤیای نرجس

نعمتی ، نسرین

• ا ، مصور

29. زیباترین داستان جهان ، مادر مصلح کل

موسوی ، سیدمحمدباقر ، 1314 - 1400ش

• قم : ارم ، 1374 ا 295 صفحه رقعی

30. السیدة نرجس مدرسة الاجیال

شیرازی ، سید مرتضی ، 1384ق -

• بیروت : الرسول الاعظم ، 1418ق ا 264 صفحه رقعی

31. شاهدخت رومی ، بانو نرگس مادر گرامی امام زمان (ترجمه الاسیرة الرّومیّة)

کندی ، وارث ؛ برگردان : واحدیان ، زهره ؛ تصویرگر : منعمی ، فرشته

• قم : براق ، جامعة القرآن الکریم ، 1390 ا 16صفحه ، مصور (رنگی)

32. شاهزاده بیزانس

حجتی ، پروین ؛ تصویرگر: کشاورز ، راضیه

• قم : شجره طیبه ، 1382 ا 12 صفحه ، مصور

33. شاهزاده روم

مومنی تنکابنی ، سیدمحمدحسن

• قم : دلیل ما ، 1394 ا 64 صفحه

34. شهزادی ملیکه

نورانی، اقبال

• کراچی : ایم ایم اکادمی ، 2011م =1433 ق ا 16 صفحه، مصور

35. طلوع یک ستاره

عبدالله زاده حسینی ، زهره

- تهران : آبرون ، 1392 | 24 صفحه، مصور

36. عروس آفتاب ، داستان ورود ملیکا (مادر حضرت مهدی) به خاندان اهل بیت

موسوی گرمارودی ،عاطفه

- قم :دلیل ما ، 1388 | 40 صفحه

37. عروس بیزانس

تفکری آرانی ، عباس

- قم : وثوق ، 1400 | 184 صفحه رقعی

38. عطر نرگس

وحیدی صدر ، مهدی ؛ تصویرگر : توسلی ، طیبه

- قم : مجمع جهانی اهلبیت ، بی تا | 12 صفحه ، مصور

39. غریبه آشنا : همسفر باملیکا مادر امام زمان از قصر قیصر روم تا سامرا

پهلوانیان ، احمد ، 1354 -

- قم : بوستان کتاب ، 1380 | 48 صفحه رقعی

40. قصص حجّتیّه

میرخلف زاده ، قاسم

- قم : بی نا ، 1379 | 192 صفحه رقعی

41. کودکی در آسما ن

زواریا ن ، زهرا ، 1340 - ؛ تصویرگر: ملایی ، فریدون

- قم : خیمه ، 1391 | 16 صفحه، مصور (رنگی)

42. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور

مهدی پور، علی اکبر، 1324 -

• قم : رسالت ، 1383 | 88 صفحه رقعی

43. گل نرجس

بلاغی، سیدعبدالحجة، متوفای 1397 ق

• بی جا : چاپخانه خواجه ، 1342 | 13 صفحه وزیری، به پیوست حجت بالغه ، صفحه 110 - 123

44. گل نرگس

شهاب، محمد علی

• تهران : نذیر ، 1381 | 48 صفحه رقعی

45. ما در اما م عصر

حسین انصا ریا ن ، 1323 -

• قم : دارالعرفا ن ، 1388 | 35 صفحه

46. مادر باران

گروهی از نویسندگان

• اصفهان : بی نا ، 1401 | 92 صفحه رقعی

47. مادر منتظر

اسبقی ، فاطمه

• کرج : گردوی دانش ، 1398 | 100 صفحه

48. ما در موعود

غلامی مهرآبا دی ، مهدی ، 1354 -

• قم: حق بین، 1394 | 152 صفحه

49. مختصری از شرح حال علیا حضرت ملکه جهان مادر بزرگوار اعلی حضرت ولی عصر

فتوحی ، مهدی

- مشهد : 1386ق | 50 صفحه

50. مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)

مؤذنی ، علی

- قم : جمکران ، 1419ق=1377 | 138 صفحه رقعی

51. ملیکا (نمایشنامه)

مؤذنی ، علی

- تهران : امیرکبیر ، 1386 | 186 صفحه

52. ملیکا "نرگس": شرح زندگی حضرت نرگس خاتون

اسدی ، داوود

- تهران : نگاه بینه ، 1385 | 120 صفحه

53. ملیکا مام خورشید عدالت

توکلی ، امین ؛ تصویرگر: شاهوردی، مهرداد

- تهران : دانش آموز ، 1390 | 76 صفحه رحلی ، مصور (رنگی)

54. ملیکا نوه امپراطور مادر امام زمان مسیحی بود مسلمان شد

محمدی ، علی اکبر ، 1336 -

- تهران : علی اکبر محمدی، 1381 | 154 صفحه

55. ملیکا ، سرگذشت زندگی نرجس خاتون، مادر امام زمان (کتاب صوتی)

محمودی ، محمد

- وبسایت ایران صدا ، 1397 | 134 دقیقه

56. ملیکا ، عروس آسمانی (رمان)

ارشدی ، فاطمه

• شیراز : نویسندگان پارس ، 1399 | 313 صفحه رقعی

57. ملیکه

داستانی بنیسی ، اسدالله ، 1325 - 1383

• قم : مصعب ، 1365 | 32 صفحه، مصور

58. من ما در اویم

داستانی بنیسی ، اسدالله ، 1325 - 1383

• قم : بنیس ، 1399ق | 32 صفحه وزیری ، مصور

59. مهدی در دامان نرجس

معتمد لاری ، طوبی ، 1343 -

• تهران : اندیشه مهر ، 1383 | 76 صفحه ، مصور (رنگی)

60. نرجس حیاتها و جهادها

ربیعی ، بتول

• بی جا : بتول ربیعی [محبة العترة] ، 1422ق | 142 صفحه

61. نرجس خاتون عروس زهرای اطهر

فریدونی ، حسین ، 1321 -

• تهران : آلباتروس ، 1400 | 104 صفحه رقعی

62. نرجس خاتون مادر امام زمان

صبوحی ، مهدی

• قم : دارالکتاب ، 1358 | 30 صفحه وزیری

63. نرجس خاتون مادر امام زمان، حضرت ولی عصر

پزشکیان نژاد ، اسماعیل

• تهران : پزشکیان نژاد ، 1358 | 23 صفحه

64. نرجس مادر امام زمان

مهاجرانی ، سیدمحمد ؛ تصویرگر : فلاحی ، نسیم

• تهران : مدرسه ، 1395 | 24صفحه ، مصور

65. نرجس مادر حضرت حجت (بانویی پاک از خاندان بزرگ)

محمدی ، محمد

• قم : حجت ، بی تا | 32 صفحه وزیری ، مصور (رنگی)

66. نرگس "همدم خورشید"

پورامینی ، محمدباقر ، 1347 -

• قم : سازمان تبلیغات اسلامی ، پژوهشکده باقر العلوم ، انتشارات نور السجاد ، 1378 | 108 صفحه

67. نرگس خاتون در راه است

کلهر ، فریبا

• تهران : قدیانی ، 1394 | 12 صفحه خشتی ، مصور

68. نرگسدان: داستا ن تولد اما م زما ن (منظوم)

ذبیحی یزدی ، ملا اسما عیل ، به سال 1115ق. با تصحیح : منصف ، مصطفی

• اصفهان : نقش نگین ، 1388 (این کتاب به سال 1385 ش در تبریز ، در مطبعه آقا مشـهدی اسد آقاچاپ شده است) | 180 صفحه وزیری

69. نفحات من حیاة السیدة نرجس

المرزوق ، فوزیة محمد ، 1977 م -

• بیروت : موسسة الامام علی ، 1429ق 180 صفحه

70. نور امید

فیروزخانی ، حسن

- تهران : مفید ، 1376 | 32 صفحه رقعی

71. والدة الحجة المنتظرعلوية مطهرة ، پژوهشی جامع پیرامون نسب مادر امام زمان

تربتی کربلایی ، حیدر

- قم : مولف ، 1441ق | 90 صفحه رقعی

72. ولادة الامام المهدی

نجفی ، شیخ بشیر

- قم : آستان مقدس حضرت معصومه ، 1385 | 114 صفحه رقعی

*****

تصویر

۷۰. نور امید

فیروزخانی ، حسن

• تهران : مفید ، ۱۳۷٦ | ۳۲ صفحه رقعی

۷۱. والدة الحجة المنتظرعلوية مطهرة ، پژوهشی جامع پیرامون نسب مادر امام زمان

تربتی کربلایی ، حیدر

• قم : مولف ، ۱٤٤۱ق | ۹۰ صفحه رقعی

۷۲. ولادة الامام المهدی

نجفی ، شیخ بشیر

• قم : آستان مقدس حضرت معصومه ، ۱۳۸۵ | ۱۱٤ صفحه رقعی

*****

سیمای حضرت نرجس خاتون(علیها السلام)در منابع مختلف / شیخ علی اکبر مهدی پور

اشاره

به قلم : استاد محقق و نامدار

آقای علی اکبر مهدی پور

*****

سیمای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در منابع مختلف

در غالب منابع تاریخی ، رجالی ، تراجم و سیره از حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سخن به میان آمده است ، استقصای آنها امکان پذیر نمی باشد ، در این جا فقط به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم :

1) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب تفسیری

1: تفسیر البرهان ، تألیف : سید هاشم بحرانی ، متوفای 1107 ق ، ج 7 ، ص 318 -316.2: تفسیر نورالثقلین ، تألیف : عبد علی بن جمعه حویزی ، متوفای 1112 ق ، ج 4، ص 110 ، ح 13.

2) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع حدیثی

3: اثبات الوصیه ، تألیف : علی بن حسین مسعودی ، متوفای 346 ق ، ص 222-218 .

:4

اثبات الهداة ، تألیف : شیخ حرّ عاملی ، متوفای 1104 ق ، ج 3 ، ص 511-506، ح 338-315.

5: اکمال الدین ، تألیف : شیخ صدوق ، متوفای 381 ق ، ص 434-417 ، باب 41 و 42 .

6: بحارالانوار ، تألیف : علامه محمدباقر مجلسی ، متوفای 1110 ق ، ج 51 ، ص 28-2 .

7 : دلائل الامامة ، تألیف : محمد بن جریر طبری ، قرن پنجم ، ص 501 ـ 489 .

8 : الغیبة ، تألیف : شیخ طوسی ، متوفای 460 ق ، ص 251 –229 .

9 : کشف الحق ، تألیف : میر محمدصادق خاتون آبادی ، متوفای 1272 ق ، ص 34–15 و ص 149 ، ح 1 ، 2 و 22 .

10 : کفایة المهتدی ، تألیف : محمد بن محمد میرلوحی ، متوفای حدود 1060 ق ، ص 556 ـ 535 ، ح 31– 28.

11 : مختصر کفایة المهتدی ، تعریب : سید یاسین موسوی ـ معاصر ، ص 123–107 ، ح 31 ـ 28.

12 : گزیدهٔ کفایة المهتدی ، تألیف: میرلوحی ، ص 154 ـ 133 ، ح 31 ـ 28 .

3) حضرت نرجس (علیها السلام) در منابع سیره ، تاریخ ، فضائل و مناقب

13: الائمّة الاثنا عشر ، تألیف : شمس الدین محمد بن طولون ، متوفای 953 ق ، ص 117 .

14 : الارشاد ، تألیف : شیخ مفید ، متوفای 413 ق ، ج 2 ، ص 339 .

15 : إعلام الوری ، تألیف : امین الاسلام طبرسی ، متوفای 548 ق ، ج2 ، ص 217 ـ 214 .

16 : اعیان الشیعه ، تألیف : سید محسن امین عاملی ، متوفای 1371 ق ، ج 2 ، ص 46 –44.

17: اعیان النساء ، تألیف : شیخ محمدرضا حکیمی ، متوفای 1412 ق ، ص 610 ـ 605 .

18: الانوارالبهیة ، تألیف : شیخ عباس قمی ، متوفای 1359 ق ، ص 340 ـ 335 .

19 : تاریخ حبیب السّیر ، تألیف : خواندمیر ، متوفای 942 ق ، ج2 ، ص 100 .

20 : شجرة الولی ، تألیف : سید هاشم بحرانی ، متوفای 1107 ق ، ص 41 –31 .

21 : التّتمّة فی تواریخ الائمّة ، تألیف : سید تاج الدین عاملی ، قرن 11 ، ص 148 -146 .

22 : تحفة الابرار ، تألیف : عمادالدین طبری ، قرن هشتم ، ص 179 .

23 : تذکرة الخواص ، تألیف : سبط بن جوزی ، متوفای 654 ق ، ج2 ، ص 511 .

24 : تواریخ النبی و الآل ، تألیف : شیخ محمدتقی تستری ، متوفای 1415 ق، ص 98 -95 .

25 : الثاقب فی المناقب ، تألیف : عمادالدین ، ابن حمزة ، قرن شـشم ، ص 52 و 203-201 ، ح 178 .26 : حلیة الابرار ، تألیف : سید هاشم بحرانی ، متوفای 1107 ق، ج 5 ، ص 186-141 .

27 : الخرائج و الجرائح ، تألیف : قطب الدین راوندی ، متوفای 573 ق ، ج 1 ، ص 456 -455 .

28 : روضة الواعظین ، تألیف : محمد بن فتّال نیشابوری ، متوفای 508 ق ، ج2 ، ص 11- 3.

29 : ریاحین الشّریعه ، تألیف : شیخ ذبیح الله محلاتی ، متوفای 1406 ق، ج3 ، ص 32 ـ 25 .

30 : زنان قهرمان ، تألیف : دکتر احمد بهشتی ، معاصر ، ج 1 ، ص 258 -250 .

31 : سفینة البحار ، تألیف : شیخ عباس قمی ، متوفای 1359ق ، ج4 ، ص 488 .

32 : شیعه در منابع اهل سنّت ، تألیف : احمد باقریان ، معاصر ، ص 484-483.

33 : الصّراط المستقیم ، تألیف : شیخ زین الدین نباطی بیاضی ، متوفای 877 ق ، ج2 ،ص 209 .

34 : فرائد السمطين ، تأليف : ابراهيم بن محمد جوينى حموينى ، متوفاى 722 ق ، ج2 ،ص 337 ، ح 590 .

35 : الفصول المهمّة ، تأليف : ابن صباغ مالكى ، متوفاى 855 ق ، ص 299 .

36 : قادتنا ، تأليف : آية اللّه سيد محمد هادى ميلانى ، متوفاى 1395ق ، ج7 ، ص 216 ـ 204 .

37 : كشف الغمّة ، تأليف : على بن عيسى اربلى ، متوفاى 693 ق ،ج3، ص 293.

38 : ماثر الكبراء ، تأليف: شـيخ ذبيح الله محلاتى ، متوفاى 1406 ق، ج1 ، ص 234 -217 .39 : مدينة المعاجز ، تأليف : سيد هاشم بحرانى ، متوفاى 1107 ق، ج8، ص 42 ـ 5 .

40 : مستدرک سفينة البحار ، تأليف : شيخ على نمازى ، متوفاى 1405 ق، ج 10 ، ص 24 .

41 : معجم احاديث الامام المهدى ، تأليف : جمعى از محققان ، ج 6 ، ص233 -205.

42 : المعجم الموضوعى لاحاديث الامام المهدى ، تأليف : شيخ على كورانى ، معاصر، ص 781 -772 .

43 : منتخب الاثر ، تأليف : آيت الله حاج شيخ لطف الله صافى ، متوفاى 1443ق ، ج 2 ، ص 416 -369 .

44 : منتخب الانوار المضيئة ، تأليف : بهاء الدين نيلى نجفى، قرن هشتم ، ص 121 ـ 104 .

45 :الهداية الكبرى ، تأليف : حسن بن حمدان خصيبى ، متوفاى 334 ق ، ص 357 -354 .

46 : ينابيع المودّة ، تأليف : سليمان بن ابراهيم قندوزى ، متوفاى 1294 ق ، ج3 ، ص 171 ، 215، 305 -302 ، 328 و 392. (چاپ اسوه) .

4) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب انساب

47 :عمدة الطّالب ، تألیف : ابن مهنّا ، متوفای 828 ق ، ص 199.

48 : المجدی ، تألیف : نجم الدین علوی ، قرن پنجم ، ص 130.

5) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب رجالی

49 : تنقیح المقال ، تألیف : حاج شیخ عبدالله مامقانی ، متوفای 1351 ق ، ج3، فصل نساء ، ص 76 ، (چاپ سنگی).50 : الرجال ، تألیف : ابوالعباس احمد بن علی نجاشی ، متوفای 450 ق ، ص 347 ، رقم 938 .

6) حضرت نرجس (علیها السلام) در کتب لغت

51 : فرهنگ فارسی ، تألیف : دکتر محمد معین ، متوفای 1350ش، ج 6 ، ص 2114.

52 : لغتنامه ، تألیف : علی اکبر دهخدا ، متوفای 1334ش ، حرف ن ، ص 420 .

7) حضرت نرجس (علیها السلام) در دائرة المعارف شیعی

53 :دائرة المعارف تشیّع ، ج 16 ، ص 90-89 .

8) حضرت نرجس (علیها السلام) در آثار نگارنده

54 : او خواهد آمد

55 : چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان ، ص 55-51 .

56 : چهل حدیث پیرامون نور یزدان ، ص 57- 9 .

57 : چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا ، ص 35 ، 45.

58 : مدفونین سامراء .

صفات ارزندۀ حضرت نرجس خاتون(علیها السلام) / آیت الله شیخ محسن فقیهی

اشاره

به قلم : فقیه محقق ، استاد بزرگوار حوزۀ علمیّۀ قم ، آیة اللّه آقای حاج شیخ محسن فقیهی (دام ظله)

*****

مقاله ای تحقیقی دربارۀ

صفات ارزندۀ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

نرجس خاتون (علیها السلام) نام مادر گرامی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد . آن بانوی بزرگ دارای شخصیت ممتازی بود که به همین سبب افتخار مادری حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به دست آورد . داستان زندگی او و نحوه مسلمان شدن و جدایی از مسیحیان و کنیز شدن و خریداری او توسط امام هادی (علیه السلام) ، همگی نشان می دهد یک اتفاق عادی نبوده و دست تدبیر الهی در پس همه این ماجراها قرار دارد و ارادۀ الهی بر این بوده تا برای به دنیا آمدن مولودی که قرار است همه جهان را پر از عدل و داد کند ، مقامش را از سال ها قبل فراهم کند و شخصیت ممتازی مثل نرجس خاتون (علیها السلام) را به هر طریق ممکن به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) برساند تا ازدواج مبارک او با امام حسن عسکری (علیه السلام) رخ داده و زمینه سا ز ولادت موعود بزرگ شود .

درباره داستان زندگی نرجس خاتون (علیها السلام) و نحوه به اسارت در آمدن و ... نوشته هایی وجود دارد که موضوع سخن این مقاله نیست . در این نوشتار قصد داریم تا برخی از ویژگی های برجسته اخلاقی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را بررسی کرده تا زمینه آشنایی بیشتر مردم با این بانوی نمونه فراهم شود و در نتیجه بتوانیم از ایشان الگو گرفته و خود را هر چه بیشتر به

آن کمالات نردیک کنیم . البته ویژگی های حضـرت نرجس خاتون (علیها السلام) منحصر در موارد ذکر شده نیست و اینها فقط بخشی از صفات برجسته آن حضرت می باشد .

ویژگی های اخلاقی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

هر چنـد در مورد زنـدگی نرجس خاتون (علیها السـلام) مطالب زیادی نقل نشده (مخصوصاً تا پیش از به اسارات در آمدن) ، ولی با این وجود می توان از منابعی که درباره این بانوی بزرگ سخن گفته اند ، به برخی نکات دست یافت .

1 . ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام)

حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) با وجود اینکه نوه قیصر روم بوده و طبیعتاً از نظر وضع امکانات مادی در جایگاه خوبی قرار داشته است ، اما با این وجود به عشق اهل بیت (علیهم السـلام) ، حاضـر می شود خود را اسیر مسلمانان کرده و به صورت کنیز از آن مکان دور شود و به خـدمت امام (علیه السـلام) برسـد . این نشان از عشق و ارادت ویژه ایشان به ائمه و پـذیرش ولایت آنهاست . و گرنه تحمل این سختی ها برای رسیدن به امام ، کار هر کسی نیست . در زیارت نامه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانیم :

« أَشْـهَدُ أَنَّكِ ... وَ رَغِبْتِ فِي وُصْـلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ ، مُسْتَبْصِـرَةً بِأَمْرِهِمْ ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ ، مُؤْثِرَةً هَوَاهُم ».(1)

1- . المزار الکبیر ، ابن مشهدی ، ص 661 ؛ المزار ، شهید اول ، ص 212 ؛ بحارالانوار، ج 99 ، ص 71 ؛ زادالمعاد ، ص 540 .

در این فراز از زیـارت نـامه ، مـا شـهادت می دهیم که ایشان در رسـیدن به فرزنـدان پیامبر راغب بوده و به حق آنها معرفت داشـته است . منزلت اهل بیت (علیهم السـلام) را قبول داشـته ولایت آنها را پذیرفته و به گونه ای بوده که خواست آنها را بر خواست خود ترجیح می داده است . این ویژگی هـا نشان دهنـده این است که نرجس خاتون (علیها السـلام) از نظر تبعیت از ولیّ و امام خود در مقام بسـیار بالایی قرار داشته است .

2 . ترحم مهربانی

یکی دیگر از ویژگی های آن بانوی بلنـد مرتبه ، ترحّم و مهربانی است که در زندگی او مشاهده می شود . در داسـتان زندگی نرجس خاتون (علیها السـلام) آمـده است که : زمانی که در روم بوده ، به بیماری سـختی مبتلا شـده بود ؛ به گونه ای که پزشـکان روم از درمان او عاجز بودند . پادشاه روم که پدر بزرگ نرجس خاتون (علیها السلام) بود ، وقتی از معالجه نوه اش نا امید شد ، به او گفت : آیا خواهش و آرزویی داری که در این دنیا برای تو فراهم کنم . نرجس خاتون (علیها السـلام) گفت : درهای گشایش را به روی خود بسته می بینم ولی اگر دستور بدهی که دست از شـکنجه مسـلمانان بردارند و آنها را ازاد کنند ، امید است که حضـرت مسـیح و حضـرت مریم (علیهما السـلام) شـفا عنایت کنند . پادشاه روم خواستهٔ نرجس خاتون (علیها السلام) را اجابت کرد . حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نیز پس از این اتفاق سعی کرد خودش را سالم تر جلوه دهد و مقداری غذا بخورد تا موجبات خرسندی پادشاه از تصمیمش را فراهم سازد .

این داستان نشان می دهد که این بانوی بزرگ چقدر مهربان بوده که چنسن خواسته ای از پدرش داشته است . یعنی معلوم می شود از شکنجه آنها در عذاب بوده و به همین جهت از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را کرده تا موجبات رهایی آنان را فراهم کند .(1)

آری ، کسی که قرار است حمل کنندهٔ یکی از بهترین مخلوقات خدا باشد که پیام آور عدالت و صلح و صفا بین مردم است ، باید هم این چنین مهربان باشد .

3 . صبر و بردباری

یکی از نکاتی که از مطالعه زندگی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به دست می آید این است که صبر و تحملی که او داشته بسیار ستودنی است . از طرفی تا پیش از اینکه او را به عنوان کنیز به خدمت امام هادی (علیه السلام) بیاورند ، چه سختی های زیادی را پشت سر گذاشت و خود را به اسارت در آورد ، و از طرف دیگر در دوران بعد از ازدواج با امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز با توجه به اینکه امام در تبعید بودند و حکومت ، ارتباط با ایشان را محدود کرده بود ، طبیعتاً از این نظر همسان امام نیز در سختی و اذیت بود ، ولی با این وجود با حمایت و پشتیبانی از امام حسن عسکری (علیه السلام) ، یاور خوبی برای ایشان بود .

اگر چه ائمهٔ دیگر نیز تحت فشار بوده اند ولی به دو دلیل فشارها در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) بیشتر شده بود : یکی اینکه در زمان ایشان ،

1- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 8 .

شیعه به صورت یـک قـدرت عظیم در آمـده بود و همه می دانسـتند که این گروه به حکومت معترضـند و حق حـاکمیت را به ائمه (علیهم السـلام) اختصاص می دهند . دلیل دوم نیز این بود که : خاندان عباسـی بر اساس روایات متواتری که وارد شده بود می دانسـتند حضـرت مهدی (که قرار است حکومت های ظالم را نابود کند) از امام حسن عسـکری (علیه السلام) متولد خواهد شد . به همین جهت به شدت اوضاع را کنترل می کردند تا به محض ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را به قتل برسانند .(1)

4. عفت و حیا

یکی دیگر از ویژگی های برحسـته حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) عفت و حیایی است که در زنـدگی ایشان وجود داشـته است . ایشان نه تنها بعد از ازدواج با امام حسن عسکری (علیه السلام) ، حتی در زمان اسارت نیز عفیف بودند .

وقتی امام هادی (علیه السـلام) یکی از یاران خود به نام « بشـر » را برای خرید کنیز به بازار برده فروشان می فرستد ، مشخصاتی را برای آن کنیز ذکر می کند . یکی از ویژگی هایی که امام ذکر می کند این است که وقتی برده فروش او را برای فروش عرضه می کند ، خواهی دید آن کنیز اجازه نمی دهـد که هیـچ خریداری نقاب از چهره او بردارد یا لباسـش را کنار بزند یا بخواهد او را لمس کند .(2) این قضیه نشان می دهد ایشان چقدر عفیف بوده اند که حتی

1- . سیره پیشوایان ، ص 645-644 .

2- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 6 .

قبل از اینکه به خانه امام هادی (علیه السلام) بیایند نیز مقیّد به رعایت حدود الهی بودند .

آری ، با اینکه قرآن کریم خطاب به زنان پیامبر می فرماید : «یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساء »(1)

و جایگاه خاص آنان را (که مستلزم رعایت برخی نکات است) به آنها یادآور می شود . ولی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) بیش از اینکه همسر امام شود نیز احترام این جایگاه را حفظ می کرده است .

5 . زهد و عدم دلبستگی به دنیا

یکی از صفات برجستهٔ نرجس خاتون (علیها السلام) ، زهد و عدم دلبستگی به دنیا است که از رفتارهای ایشان این ویژگی قابل برداشت است . به عنوان نمونه وقتی نرجس خاتون (علیها السلام) را به عنوان کنیز خریداری کرده و به خدمت امام هادی (علیه السلام) آوردند ، امام به ایشان فرمود : می خواهم تو را گرامی بدارم ؛ کدامیک نزد تو بهتر است : اینکه اکنون ده هزار دینار به تو بدهم یا اینکه تو را به شرف ابدی بشارت دهم ؟ در اینجا حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) با فهم و درایت بالا می گوید : مرا اعتنایی به مال دنیا نیست ، شرف ابدی را می خواهم . در این لحظه امام هادی (علیه السلام) ایشان را به فرزندی که عدل گستر عالم خواهد شد ، بشارت می دهند .(2)

1- . احزاب / 32 .

2- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 423 ؛ بحارالانوار ، ج 51 ، ص 10 - 9 .

این قضیه نشان می دهد او چقدر بلند نظر بوده است که شرافت ابدی را با دینارهای این دنیا عوض نکرده و به مال دنیا بی اعتنا بوده است .

همچنین در ویژگی های او آمده است : وقتی در معرض فروش قرار می گیرد و از برداشتن حجاب و لمس مشتریان امتناع می کند شخصی می گوید : من به خاطر عفاف او حاضـرم او را به سـیصد دینار بخرم . در این هنگام نرجس خاتون (علیها السلام) می گوید : اگر حکومت سلیمان را هم داشته باشی باز من رغبتی به تو ندارم . پس مالت را بیهوده خرج نکن .(1)

این مطلب نیز نشان می دهد نرجس خاتون (علیها السلام) به خاطر پول سرنوشت خود راتغییر نمی دهد .

آری ، کسـی که نوه پادشاه روم بوه و می توانسـته در ناز و نعمت زندگی کند ، ولی با این وجود خود را به اسارت در آورده ، معلوم است که هرگز حاضر به معامله شرافت ابدی با ده هزار دینار نخواهد شد .

6 . احترام به دیگران

یکی از نکاتی که در زنـدگی حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) مشاهده می شود احترام ویژه ای است که به حضـرت حکیمه (علیها السـلام) ، خواهر امام هادی (علیه السـلام) می گـذارد . حکیمه خاتون (علیها السـلام) می گوید : وارد بر نرجس خاتون (علیها السـلام) شدم او آمد و گفت : ای مولای من ! بگذارید کفشتان را از پای شما در بیاورم .

1- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 6.

حکیمه نمی پذیرد و می گوید : بلکه تو مولای من هستی و من باید به تو خدمت کنم نه اینکه تو به من خدمت کنی .(1)

این قضیه نشان می دهد علی رغم اینکه حکیمه (علیها السلام) مقام نرجس خاتون (علیها السلام) را بالاتر از خود می دید ، ولی این باعث غرور نرجس خاتون (علیها السلام) نشده و او را به دنیال خدمت به حکیمه (علیها السلام) بوده است .

نتیجه گیری

از مجموع مطالب این نوشتار نتیجه می گیریم که حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) دارای ویژگی های برجستهٔ اخلاقی زیادی بوده است که شایسته است همهٔ مؤمنین با الگو قرار دادن آن حضرت ، خود را به کمالات اخلاقی آراسته کنند .

*****

تصویر

حکیمه نمی‌پذیرد و می‌گوید : بلکه تو مولای من هستی و من باید به تو خدمت کنم نه اینکه تو به من خدمت کنی .[1]

این قضیه نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه حکیمه علیها السلام مقام نرجس خاتون علیها السلام را بالاتر از خود می‌دید ، ولی این باعث غرور نرجس خاتون علیها السلام نشده و او را به دنیال خدمت به حکیمه علیها السلام بوده است .

نتیجه گیری

از مجموع مطالب این نوشتار نتیجه می‌گیریم که حضرت نرجس خاتون علیها السلام دارای ویژگی‌های برجستهٔ اخلاقی زیادی بوده است که شایسته است همهٔ مؤمنین با الگو قرار دادن آن حضرت ، خود را به کمالات اخلاقی آراسته کنند .

*****

۱ . کمال الدین ، ج ۲ ، ص ٤٢٧.

1- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 427.

حافظ سرّ بزرگ خاندان امامت / شیخ محمد امیری سوادکوهی

اشاره

به قلم : نویسنده و محقق ولائی

آقای محمد امیری سوادکوهی

*****

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

حافظ سرّ بزرگ خاندان امامت

خـدای متعـال در آسـمان پر فروغ ولایت و از پس ابرهای رحمتِ عفاف و نورانیت، بانوی با عظمتی را به جهان بشـریت هـدیه نمود که به عنوان ظرف وجودی آخرین ذخیرهٔ عترت ، حامل اسـرار نبوت و ودیعه ای بی بدیل برای نجات بشریت بوده که با شکوه و رحمت الهیه اش تسکین بخش تلخی های دوران غربت ولیّ خدا به شمار می رود .

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، همسر با عظمت یازدهمین پیشوای مسلمانان جهان ، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر مظلومهٔ امام زمان ارواحنافداه ، شاهزاده ای رومی از تبار جناب شـمعون ، وصـی حضـرت مسـیح (علیه السـلام) می باشـند که به مصالحی در تاریخ به سوسن ، صیقل ، ملیکه ، ریحانه و ... موصوف بود .

پدر ایشان «یشوعا» پسر قیصر روم شرقی و مادرش از نوادگان وصی مسیح به شمار می رفت .

نرجس خاتون (علیها السـلام) از نگاهی دیگر نهال مقدسـی است که از بوسـتان کنیز خدا مریم (علیها السلام) به گلزار ام ابیها و عصمت اللّه الکبری فاطمه زهرا (علیها السلام) پیوند یافت .

آن دوشیزهٔ پاکدامن و نیکبختی که در خواب بیدار شد و در عالم معنا ، خاتم پیامبران (صلی الله علیه وآله وسلم) و عیسی روح الله (علیه السلام) با شکوه ترین جشن عروسی را برای او فراهم آوردند و شگفت انگیزترین رویدادهای تاریخی به وقوع پیوست تا زمینهٔ ولادت منجی عالم بشریت از مادری والاتبار و نیک سیرت فراهم آید و جهان برای طلوع آخرین خورشید ولایت در آسمان عترت مهیا گردد .

تلألوی نام نرجس قبل از تولد در حدیث لوح

سال ها قبل از رؤیت ظاهریِ ستارهٔ وجودی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در افق موعود ، نام مبارک آن خاتون دوسرا به صراحت در حدیث لوح حضرت زهرا (علیها السلام) بیان شد و جهان ، قرن ها چشم انتظار درک حضور بانویی والاتبار از دیار روم بود .

جابر بن عبد الله انصاری می گوید : به محضر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شدم تا ولادت حسین (علیه السلام) را تهنیت گویم که ناگاه صحیفه ای در دست آن حضرت دیدم . عرض کردم : ای سرور زنان ! این صحیفه ای که در دست شما می بینم چیست ؟ فرمود : اسامی ائمّه از فرزندان من در آن است ، گفتم : آن را به من بدهید تا در آن بنگرم . فرمود : ای جابر ! اگر منهی نبود ، چنین می کردم؛ ولی نهی شده است که جز پیامبر یا وصی و یا اهل بیت به آن دست بزند ؛ ولی به تو اجازه داده می شود که روی آن را بنگری و بدانی ! .

ص: 114

جابر می گوید : آن را تا آنجا خواندم که به نام مادر دوازدهمین وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدم . در آن نوشته بود :

«...أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّه تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمُ أُمُّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيهِمْ أَجمَعِينَ ؛ ابو القاسم فرزند حسن و او حجّت خدا بر خلقش می باشد . مادرش جاریه ای به نام نرجس ، صلوات الله علیهم اجمعین است ».(1)

از این رو نام مبارک نرجس (علیها السلام) در سالیان متمادی بر لسان مبارک ائمهٔ هدی (علیهم السلام) و اولیای خدا ساری و جاری بود و بزرگان مکاتب از نور حضرتش بهره مند و با تمسک به مقام والایش به خدای متعال تقرب می جستند .

خاتون دو سرا در آیینهٔ روایات

در این بین کلام صریح آل الله دربارهٔ آن علیا مخدره از اسراری نهان خبر دارد که حقیقتاً ظرف وجودی منجی بشریت و امام امت آخرالزمان که خواهد بود ؟!.

بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) بانوی با کرامتی است که صفات والا و پر شوکتش حکایت از شخصیت عمیق و برجسته اشان دارد و آشنایی با وجود گرانسنگشان از آینهٔ روایات ، عظمت مادر مظلومهٔ امام زمان ارواحنافداه را بیش از پیش بر ما نمایان و تداعی می سازد .

1- . کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 306.

در این باب مرجع عالیقدر و فقید شـیعیان جهان ، دلباختهٔ امام زمان ارواحنافداه ، مرحوم شـیخ الفقهاء آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (قدس سره) درکتاب فاخر « منتخب الاثر » به نُه روایت از بیانات گران سنگ ائمه اطهار (علیهم السلام) اشاره نموده و بدان می پردازند .

از جملهٔ احادیث نورانی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) دربارهٔ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) این است که پیشوایان دین و ائمهٔ اطهار (علیهم السلام) از او به عنوان شایسته ترین کنیزان ، بهترین زنان و یا سرور زنان یاد کرده اند .(1)

بهترین کنیزان

در ینابیع المودة آمده است که مدائنی می نویسد : امیرالمؤمنین علی (علیه السـلام) بعد از واقعهٔ نهروان خطبه ای خواند و در قسمتی از آن فرمود : ... پس ای فرزند بهترین کنیزان ! تا چه زمان منتظر می مانی ؟

امام صادق (علیه السلام) نیز در پاسخ به سؤال ابابصیر که پرسید قائم شما اهل بیت (علیهم السلام) کیست ؟

فرمود : ای ابابصیر! قائم ما پنجمین فرزند پسرم موسی است ، پسر بهترین کنیزان ... .(2)

1- . بحارالانوار ، ج51 ، ص 6 ؛ کشف الغمه ، ج 3 ص 265؛ منتخب الاثر ، ص 320.

2- . کمال الدین ، ص 240.

بهترینِ زنان

در روایتی دیگر است که از حضرت باقر العلوم ارواحنافداه پرسیدند ؛ آیا منظور امیرالمؤمنین (علیه السلام) از جملهٔ « بِأَبی یَابْنَ خِیرَةِ الإِمَاء» یعنی پدرم فدای تو ای فرزند بهترین زنان حضرت فاطمه (علیها السلام) است ؟

حضرت فرمود : « فاطمة خیرالحرائر»(1) فاطمه بهترین زنان آزاده است . یعنی مراد ، نرجس ، مادر حضرت حجت بن الحسن ارواحنافداه است .

سرور کنیزان

عالم آل محمّد (علیهم السلام) ، حضرت امام رضا (علیه السلام) نیز در پاسخ به سؤال یکی از شیعیان که قائم شما اهل بیت (علیهم السلام) کیست ؟ امام زمان ارواحنافداه را با عظمت و شکوهِ مادر با کرامتشان معرفی نموده و فرمودند :

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیِّدَةِ الْإِمَاءِ یُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کلِّ جَوْر ؛ چهارمین فرزند از فرزندان من و پسر سید کنیزان است. خداوند توسط او زمین را از هرستمی پاک خواهد کرد ».(2)

سیّدهٔ زنان

دومین پیشوای مسلمانان جهان ، حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پس از آتش بس با معاویه در جمع بیعت کنندگانش ، مظلومانه سخن می گفتند و می فرمودند :

1- . منتخب الاثر ، ص 240، به نقل از بحارالانوار .

2- . اعلام الواری ، ص 408.

«چه می دانید که من چه کردم ! آنچه کردم بهتر است برای شیعیانم از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب می کند . آیا من امام شما نیستم و طاعتم بر شما واجب نیست ؟! ...

پس خداوند متعال ولادت (قائم) او را مخفی نگاه داشته و او را غایب می کند . او نهمین فرزند برادرم حسین و پسر سیدهٔ زنان (سیدة الاماء) است ».(1)

نرجس، شاهزادهٔ روم

« محمد بن عبد الجبار » روایت می کند : به محضر سرورم امام حسن عسکری (علیه السلام) عرض کردم : ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت باد! من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست ؟ فرمود : «إِنَّ الْإِمَامَ وَ الْحُجَّةَ بَعْدِی ابْنِی سَمِی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) وَ کنیهُ الَّذِی هوَ خاتِمُ حُجَجِ اللَّه ؛ امام و حجت خدا بعد از من ، فرزند من است ، که همنام رسول خدا و هم کنیهٔ آن حضرت می باشد . او [پایان بخش و] آخرین حجج الهی [و خلیفه از خلفای پروردگار] است ».

پرسیدم : مادرش چه کسی خواهد بود ؟ فرمود :

« مِنْ اِبْنَةِ ابْنُ قَیصَر مَلَک الرُّوم، ألا أَنَّهُ سَیولَدُ وَ یغِیبُ عَنِ النَّاسِ غیبَةً طوِیلَةً ثُمَّ یظْهَرُ ؛ از دختر پسر قیصر ، نوهٔ امپراطور روم . آگاه باش که

1- . منتخب الاثر ، ص 206 ، به نقل از بحارالانوار ؛ پیام زن سال نهم ، شماره هشتم ، آبان1379، پیاپی 104 .

او در آینده ای نزدیک متولد می شود ، و به زودی غایب می شود از میان مردم ، غیبتی طولانی سپس ظاهر می شود ».(1)

بانوی عترت

حضـرت حکیمه خاتون (علیها السلام) « عمّهٔ با کرامت امام عسکری (علیه السلام) » که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است ، مادر بزرگوار امام زمان ارواحنافداه را بانوی خود و بانوی خاندان خویش می خواند و همواره خود را خدمتگزار او می دانست .(2)

همچنین در حدیث محمد بن عبد الله الطهوی از حضرت حکیمه خاتون (علیها السلام) است که حضرت إمام عسکری (علیه السلام) در آن فرمودند : « ... هَذَا ابْنُ نَرْجِسَ وَ هَذَا خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَ عَنْ قَلِيلٍ تَفْقِدُونَنِي فَاسْمَعِي وَ أَطِيعِي ... »(3)

زیباترین واژه ها

واژه هـای زیبا و عطرآگین در کلام ائمه اطهار (علیهم السـلام) و توصـیف گل ها بر مادر خوبی ها اشاره به آن داشـته که حضـرت نرجس خاتون (علیها السلام) در مرتبهٔ والایی از نورانیت قرار دارد که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) او را « بهترین » و « سیده » یاد نموده و حکیمه خاتون ، نام گل ها را (ریحانه ، سوسن و ...) بر او نهاد تا تاریخ حریم منور او را چنین معطر و خوشبو استشمام کند و این در حالی است که آن زمانی که آل اللّه از مادر بقیة اللّه سخن می گفتند ،

1- . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداة ، ج7 ، ص 137، ح670.

2- . مهدی پیشوایی ، سیره پیشوایان ، ص 66 ؛ درسنامه تاریخ عصر غیبت ، ص 30.

3- . کمال الدین ، ص 429.

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) هنوز به دنیا نیامده بود، و شاید پدرش « یشوعا » نیز دیده به جهان نگشوده بود .

بانوی برگزیده زمان خویش

وصف « ابن سَیِّدَة الإماءِ » و « ابن خیَرَة الإماء » در أحادیث ذیل اشاره به آن دارد که ایشان یکی از برترین زنان عالم بعد از حضرت زهرا (علیها السلام) است .

« سیّدة » ؛ یعنی بانو ، بی بی ، خاتون ، بزرگ ، شریفه ، فاضله ، دانا ، سرآمد ، والامقام ... بانویی که مقام بلند و منیعی دارد .

« خیرة » ؛ زن برگزیده شده ، برترین ، بالاترین ، با خیرترین ، نیکوکارترین سرآمد و زن والامقام است .

واژۀ « إماء » که جمع أمَة است به معنای کنیز و مملوکه می باشد .

خلاصۀ سخن آنکه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از چنان جایگاه رفیعی نزد قرآن و عترت برخوردارند که معصومین (علیهم السلام) چنین لب به مدحش گشودند و بر او مباهات می نمودند .

خاتون دوسرا

آری! در میان میلیون ها بانوی پرده نشین که در نیمه قرن سوم هجری در شرق و غرب جهان در سرا پردۀ عفت و پاکی جای داشتند ، آفریدگار جهان تنها در یکی از آنان این لیاقت و شایستگی را به ودیعت نهاده بود که وعاء نور یزدان قرار بگیرد ، به سرا پرده خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) راه یابد ، و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد .

این که بانوی بی همتا ، ملکه دو سرا، مادر یوسف زهرا، و وعاء نور خدا ، دخت یشوعا و از تبار حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) انتخاب شده است .

خداوند حکیم از روی حکمت بالغه اش مادر فرمانروای جهان هستی حضرت حجت ابن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده است .

فرعون ده ها هزار کودک را سر برید تا از تولد حضرت موسی (علیه السلام) جلوگیری کند ولی ، خدا خواست که حضرت موسی (علیه السلام) در خانه فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او در هم پیچد .

کسری و قیصر نیز قرنها با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند ولی خدا خواست که در هم کوبنده اکاسره و قیاصره از تبار کسری و قیصر باشد .

حافظ سرّ بزرگ خاندان امامت

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به واسطهٔ صفای باطن و نور عبادات به جایی می رسد که گنجینهٔ رازهای الهی می شود . آنجا که در زیارتنامه او می خوانیم : « وَ الْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ [سلام بر تو ای کسی که] اسرار و رازهای الهی به تو سپرده شده است ».

شاید منظور از اسرار پروردگار جهانیان وجود مقدس امام زمان ارواحنافداه است که مدتی نزد نرجس خاتون (علیها السلام) به ودیعه نهاده شد و شاید کراماتی که خداوند به خاطر شایستگی او به وی عطا نمود، مورد نظر است چنانچه در قسمت های پایانی زیارتنامه ایشان می خوانیم که :

« فهناک الله بما منحک من الکرام و امراک ؛ پس گوارا کند خداوند بر تو آن کرامتی را که به تو بخشید و آن را برای تو سودمند گرداند».

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از اسرار الهی بود که تولدش مخفیانه و زندگی اش نیز از اسرار آسمانی است . نرجس خاتون نیز بهترین حافظ این سر بود .

امام حسن عسکری (علیه السلام) به عمه خویش حکیمه خاتون (علیها السلام) فرمود :

(در طلیعهٔ فجر آثار جنین بر تو ظاهر می شود ؛ زیرا مثل او (نرجس) مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت اثری از بارداری او ظاهر نشده و احدی از حال او آگاه نگردید .)(1)

تکرار تاریخ

در تاریخ ، چند مادر بزرگوار وجود دارد که در بارداری با هم شباهت دارند . مادر حضرت ابراهیم و حضرت موسی ، مادر امام رضا (علیهم السلام) و نرجس خاتون (علیها السلام) که از این مادران هستند . این مادران برجسته به یقین از وضع حمل خود اطلاع داشتند ، ولی به علت آگاهی از وضعیت سیاسی و فرهنگی زمان خویش این سِرّ را همچنان تا هنگام ولادت فرزند حفظ می کردند و اگر چنین نبود در زیارتنامهٔ خاتون سامراء ، حضرت نرجس (علیها السلام) از صفت (حافظ سرّ اللّه) یاد نمی شد ؛ زیرا این فضیلت آنگاه وجود دارد که شخص از وجود سِرّ با خبر باشد . در زیارتنامه ایشان می خوانیم :

1- . اقتباس از بحار ، ج 5 ، ص 10 - 6 ؛ ریاحین الشریعه ، ج 3 ، ص32 - 24 .

« أَشْهَدُ أَنَّكِ ... وَ حَفِظْتِ سِرَّ اللّهِ ، وَ حَمَلْتِ وَلِيَّ اللّهِ ، وَ بَالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللّهِ ؛ شهادت می دهم که تو ... و نگاه داشتی راز خدا را و ولی خدا را حمل کردی و در نگهداری حجت خدا تلاش کردی ».

آنچه که در حیات طیبهٔ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) اهمیت دارد این نکته است که آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری به جایی رسید که مادر امام زمان ارواحنافداه شد و در شرایط سیاسی اجتماعی سخت و خطرناکی وارد خانهٔ امامت شد .

نقش حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در طول دوران حیات نورانی شان و به خصوص سال های آغازین عصر غیبت ، بسیار مهم و سرنوشت ساز بود .

آن بانوی با فضیلت که در فضای اختناق آمیز سامرّا در آن زمان و نگرانی های مادرانه اش ، برای حفظ جان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فداکاری های بی شائبه ای انجام داد و رنج زندان ، آزار ، اذیت و بازداشت های طولانی را تحمل نمود و انواع خطرها و رفتار آزار دهنده مأموران حکومت عباسی را به جان خرید تا بتواند سرّ بزرگ خاندان امامت را حفظ نموده و از یگانه منجی عالم حضرت بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دفع خطر نماید .

آبروی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نزد خدا

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به خاطر از خودگذشتگی هایش در محافظت از امام زمان ارواحنافداه و دفاع جانانه اش از حریم امامت ، از زنان آبرودار و صاحب مقام نزد خدای سبحان بوده که درگاهش پناهگاه بی کسان و

ناامیدان شده است . از این رو ، نزد مسلمانان و دلباختگان آل الله (علیهم السلام) ، منزلتی والا دارد و کرامت هایی از او نقل کرده اند .

از فضائل و ویژگی های مقام والای حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) مسـتجاب الـدعوة بودن آن مادر بزرگوار نزد خداونـد است تا جایی که این ادعا به تواتر برای اهل این زمان ثابت شده است .

از این رو اولیـای خـدا روش های مختلفی را بر اساس آنچه نزد خود می پنداشـتند به مردم توصـیه نموده و مردم را به توسل به ذیل عنایات مادر با عظمت امام زمان ارواحنافداه دعوت می کردند .

راه های توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

میرزای شیرازی و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

آیة اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی (قدس سره) (میرزای دوم) ، در جریان بیماری وبا به اهالی سامرا حکم فرمودند : همهٔ مردم ، به مـدت ده روز ، مشـغول خوانـدن زیارت عاشورا شوند و ثواب آن را به روح نرجس خاتون والده ماجده حضـرت حجة بن الحسن (علیهما السـلام) هدیه نمایند تا آن حضـرت در پیشـگاه خداوند شـفاعت کند که خداوند شـیعیان این سامان را از بیماری مهلک وبا نجات دهد و فرمودند : من ضامن می شوم هر کس این عمل را انجام دهد ، مبتلا به عارضه وبا نگردد .

آیة اللّه العظمی وحید خراسانی (دام ظله) و دعوت از مردم به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) برای دفع کرونا و ...

از آن جا که دعای دسته جمعی ، مورد تاکید و مقرون به استجابت است ، توصیه می شود ان شاءالله همگان در منازل و در جمع خانوده ، رأس ساعت یازده شب نیمهٔ شعبان ، دعای « الهی عظم البلاء » را خوانده و بعد از آن یک سورهٔ حمد ، هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمایند .

همچنین حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی می فرمودند :

کسی که هر شب سوره یاسین را قبل خواب بخواند و ثواب قرائت آن سوره شریفه را هدیه بدهد به روح حجه اللّه علی الحجج ، حضرت صدیقهٔ طاهره زهرای مرضیه (علیها السلام) و هر روز بعد از نماز صبح دعای عهد بخواند و هدیه بدهد به روح مادر مکرمه امام زمان(روحی له الفداء) خانم نرجس خاتون (علیها السلام) قطعاً عاقبت به خیر خواهد شد چه بخواهد و چه نخواهد .

همچنین معظم له در دستورالعملی برای شفای مؤسس دهۀ غدیر ، مرحوم آیة اللّه نظری خادم الشریعه (قدس سره) به توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) تأکید نمودند که بدین شرح می باشد :

الف . ختم قرآن یکی به نیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) و دیگری به نیّت حضرت نفیسه خاتون (علیها السلام) .

ب . یک گوسفند قربانی کنید و فقط بین فقرا توزیع کنید .

ج . 70 مرتبه سورهٔ حمد در موضع درد خوانده شود .

ص: 125

بیان آیت اللّه مجتهدی از توسل بزرگان به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

مرحوم آیت اللّه مجتهدی (قدس سره) در درس اخلاقشان می فرمودند :

چهل سال پیش ، من گرفتاری داشتم . آیت اللّه سیبویه ، عموی مرحوم آیت اللّه میرزا احمد آقای سیبویه واعظ که در کربلا ساکن و صاحب رساله بودند به من فرمودند : به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسّل شوید . ایشان چون مادر ولیّ وقت ما هستند ، به فرزندشان می فرمایند که : پسرم! این شخص به من متوسّل شده ، خواسته اش را بده .

هزار صلوات یا یک ختم قرآن نذر ایشان کن تا گرفتاریت برطرف شود ... .

توسّل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

دو رکعت نماز حاجت بخوانید . بعد سیصد و سیزده مرتبه صلوات بفرستید و یک بار « سورهٔ مبارکة انا فتحنا» را قرائت کنید و ثواب آن را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت امام زمان ارواحنا فداه هدیه کنید .

شیخ جعفر مجتهدی

به مسجد جمکران مشرّف شوید و نماز حضرت را بخوانید و ثوابش را به روح منوّرهٔ مادر بزرگوارشان بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه کنید . و پس از پایان صلوات هایی که در سجده بعد از نماز گفته می شود ، رو به قبله بنشینید و سیصد و سیزده مرتبه « یا حجّة الله » بگویید . سپس به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض کنید : « شما به فرزند عزیزتان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگویید مشکل مرا رفع کنند .» چون احسان و اکرام والدین واجب است، حتماً حضرت عنایت می فرمایند.(1)

1- . به نقل از خطیب توانا، حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسین هاشمی نژاد .

راز استجابت در توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

« تشرف خادم حرم عسکریین (علیهما السلام) با توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) و شفای بیمار سرطانی »

یکی از خدّام مخلص و با صفای حرم مطهر امامین عسکریین (علیهما السلام) در سامرا به نام سید عدنان که در شهر کوت زندگی می کرد و برای خادمی حرم در سامرا مستقر می شد ، کرامت شگفتی را نقل می کند که نتیجهٔ توسل به مادر با عظمت امام زمان ارواحنافداه ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد .

سید عدنان می گوید : مدتی بود که همسرم به بیماری سرطان مبتلا شده بود و هر چه برای مداوایش تلاش کردیم راه بجایی نمی بردیم و روز به روز حالش بد می شد . از آنجایی که مفتخر به خادمی درگاه عسکریین (علیهما السلام) بودم به حضرت هادی (علیه السلام) و سپس به امام عسکری (علیه السلام) و امام زمان ارواحنا فداه متوسل شدم پاسخی نشنیدم و در اضطراری سخت فرو رفتم . گویا شفای همسرم را به دیگری حواله نموده بودند و در آن مقام پاسخی به من نمی دادند .

پس از توسلات عدیده به دلم افتاد که دست التجاء و توسل را به سمت خاتون سامراء ، مادر مظلومهٔ امام زمان ارواحنافداه ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) بگشایم و به آن بانوی با فضیلت متوسل شوم ، تا شاید به عظمت عروس حضرت زهرا (علیها السلام) گوشهٔ چشمی به ما کنند .

با اضطرار و دلی شکسته به حرم مطهّر مشرّف شدم و مستقیماً به سمت قبر مطهر حضرت نرجس (علیها السلام) رفتم و خود را به ضریح مطهر چسبانیدم و به مادر خوبی ها متوسل شدم .به بی بی عرضه داشتم :

بی بی جان! من خادم حرم شما هستم !، جاروب کش آستان با کرامت شما هستم . همسرم به سرطان مبتلا شده ، خودتان عنایت بفرمایید و شفایش دهید... ، گوشهٔ چشمی کنید . به غیر از در خانهٔ شما کجا روم ؟! اگر نوکر مشکلی داشت ، به اربابش نگوید به چه کسی می تواند بگوید ؟! من هر چه به آقازاده تان امام زمان ارواحنافداه می گویم توجهی نمی کنند! هر چه به امام عسکری و امام هادی (علیهما السلام) متوسل شدم خبری نیست!. دست به دامان شما شدم . شما به آقا زاده تان حجت بن الحسن ارواحنافداه بفرمایید که فکری به حال من بیچاره و سرطان زنم بکنند .

درد دل ها و عقده گشایی ها کردم و با چشمی اشکبار از حرم بیرون آمدم .تا وارد ایوان حرم مطهّر شدم ، دیدم وجود نازنین امام عصر ارواحنا فداه تشریف آوردند .

وقتی نگاه مبارکشان به من افتاد سبقت در سلام داشته و با لحنی زیبا و مهربان خطاب به من جمله ای به این مضمون فرمودند : ... می دانی مرا از کدامین سرزمین به اینجا کشانیدی و چنین به مادرم شکوه نمودی ؟ می دانی تا چه اندازه گرفتاری دارم ؟ چقدر در پی نجات مردم مشغولم ؟ هزاران هزار نفر در دنیا من را صدا می زنند و به من متوسل می شوند. آیا می دانی از کجا سوی تو آمدم ؟

سپس حضرت روی سکویی در صحن ایوان نشستند و من هم در خدمتشان ایستاده بودم . از مهابت و عظمت حضرت ، بدنم خشکیده بود و همین طور از سر و صورتم عرق می ریخت . مثل چوب خشک شده بودم .

همین طور که عرق می ریختم ، حضرت چند مرتبه با انگشت مبارکشان عرق را از پیشانی من پاک کردند و دو بار پیشانی مرا بوسیدند .

بعد در خدمتشان به سرداب مقدّس رفتیم و به عبادت مشغول شدند و حدود دو ساعت در خدمتشان بودم .

بعد حضرت به من فرمودند : برو به کوت ، وقتی به کوت رسیدی ، من دو مرتبه به آنجا می آیم و خانمت شفا پیدا می کند .

بعد از آن دو مرتبه به کوت رفتم و حضرت دو مرتبه تشریف آوردند و خانمم شفا پیدا می کند . در خلال این دیدار به امام زمان عرضه داشتم ، آقا من می ترسم و نگرانم .حضرت فرمودند : برای چه ؟!

عرض کردم : ... مولای من! تولیت حرم عوض شده است و مدیران تغییر می کنند . می ترسم توفیق خدمت حرم سامرا را از من بگیرند .

حضرت فرمودند :« چه کسی جرأت دارد تو را بیرون کند تا من نخواستم ؟ تو متوجه نیستی! چند بار من مهدی ، حجت خدا آمده ام و کنار تو نشسته ام ، با تو غذا خورده ام ... و تو متوجه نبوده ای ... »..... و چنین شد به عنایت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) همسرم شفا گرفت و من هم به زیارت مولایم امام زمان ارواحنافداه نائل شدم و خادمی ام در حرم عسکریین (علیهما السلام) تثبیت شد (1).

1- . به نقل از دانشمند معزز ، حجت الاسلام والمسلمین معاونیان (در سخنرانی دهه محرم 1441 قمری ، در کربلا) به روایت از آقای شیخ سیف العائدی مسئول امور فرهنگی آستان مقدس عسکریین که این تشرف به تأیید حضرت آیة اللّه العظمی سند (دام ظله) نیز رسیده است .

نور ولایت در قلب مطهّر حضرت نرجس(علیها السلام) / خانم مجتهده زهرهٔ صفاتی

به قلم : مجتهـدهٔ ولایی و اسـتاد حوزهٔ علمیّهٔ قم برای بانوان ، حاجیه خانم زهرهٔ صـفاتی (مشـهور به بانو مجتهدهٔ صـفاتی) از بنیان گذاران حوزهٔ علمیّهٔ خواهران قم

*****

نور ولایت در قلب مطهّر حضرت نرجس (علیها السلام)

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین

درود بر پیامبر عظیم الشأن اسـلام و خاندان طاهرین آن حضـرت . خداوند ، اسـلام عزیز را به ما ارزانی داشت تا به سعادت ابدی انسان را رهنمون باشد .

حقیقت اسلام به دو امر قوام دارد . یکی مقام ولایت و دیگری رسالت. مقام ولایت ، مقام ایجاد است و مقام رسالت مقام تکمیل و فعلیت است . « بِنـا خلق الوری » و « بِنـا رزق الوراء » به مقام ولایت حضـرات معصوم (علیهم السـلام) اشاره دارد .به تحقیق این نفس انسانی ، حیثیت روحانی و مبداً قرب الهی دارد : « وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِي » رسول خدا دارای دو مقام بودند مقام ولایت که مقام ایجاد است و مقام رسالت که مقام تکمیل است .

مقام ولایت تعبیرات مختلف دارد . یکی از آن ها مقام عبـدیّت می باشد . بر این اساس در تشـهد نماز فرمودند : « أَشْهَدُ أَنَ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُه ».

همهٔ انبیا و اولیا و مقربین در عهد معهود پیمان و میثاق داشتند « وَ إِذْ أَخَذْنا مِنَ النَّبِیِّینَ میثاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسَی

ابْنِ مَرْیَمَ وَ أَخَذْنا مِنْهُمْ میثاقاً غَلیظاً »(1) و موظف به اظهار و اقرار در محضر ربوبی پروردگار حق متعال و جمیع ملائکه و روح القدس بوده اند .

مقام ولایت ، مقام ایجاد است و بر اساس همین سرّ ، خداوند تبارک و تعالی به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) امر به ابلاغ تمامیت رسالت نمود به حدی که « وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ »(2) و این بیان صریحی است در منوط نمودن مقام سالت به مقام ولایت .

شناخت نسبت به مقام ولایت مطلقهٔ پیامبر و خاندان مطهّر آن حضرت گنجینه ای است که خداوند به دوستداران این راه افاضه می کند .

یکی از برجسته ترین ویژگی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سوختن گرد شمع ولایت علی (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) است . داستان پر رمز و راز این بانوی بزرگ و انتقال از قصر پادشاه روم به خانهٔ امام هادی (علیه السلام) چیزی نیست که آن را به صورت یک اتفاق و رخ داد عادی تلقی کرد . بلکه این واقعهٔ مهم پر از رمز و راز است ، هر چه هست حاکی از نورانی شدن ضمیر و قلب مطهّرحضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به نور ولایت است ، همان چیزی که او را بی قرار و شیفتهٔ رسیدن به این نور نمود . او که از تبار شمعون وصی حضرت عیسی (علیه السلام) است با آمدن به خانهٔ امام هادی (علیه السلام) و پیوند ازدواج او با ابومحمد امام حسن عسکری (علیه السلام) در واقع بین خاندان شمعون و خاندان آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) پیوند زده شد .

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) این شایستگی و ظرفیت را داشت تا حامل خاتم اوصیاء و حقیقت همهٔ انبیاء و اولیاء باشد و اسرار پروردگار جهانیان

1- . احزاب / 7.

2- . مائده / 67 .

در دامن پاک نرجس خاتون (علیها السلام) که همان منجی جهان بشریت است پرورش یافت . و وضع حملش مانند مادر موسی (علیه السلام) است ؛ زیرا هنگام ولادت اثری از بارداری در او ظاهر نشده و کسی از حال او آگاه نبود . او ظرف وجود نورانی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و محل ودیعهٔ اسرار خداوند و گنجینهٔ اسرار الهی است ؛ زیرا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سرّالله است و نرجس خاتون (علیها السلام) امانتدار آن امانت الهی است و او به نیکوترین وجه از آن محافظت نمود و او را سرپرستی و نگهداری کرد و امانت دار امینی بود و در نگهداری ولی خدا سخت کوش بود . و لذا در فرازی از زیارت این بانوی دو سرا خطاب به ایشان عرضه می داریم که : شما در نگهداری حجت خدا سخت کوشیدی و نسبت به پیوند با فرزندان رسول خدا رغبت ورزیدی در حالی که به حقشان عارف و به صدقشان مؤمن و به مقامشان معترف و به کارشان بینا و بر آنان غمخوار بودی و محبت آنان را بر محبت دیگران ترجیح دادی . مادر والا گوهر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از پیش ، مورد توجه امامان معصوم (علیهم السلام) بوده و در معرفی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ویژگی های حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) معرفی می شود .

خداوندا ! ما را به راه اسلام و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم بدار . در پایان از همهٔ دست اندرکاران این برنامهٔ معنوی سپاسگزارم و توفیق بزرگوران را از خداوند متعال خواهانم .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

زهره صفاتی

10 رجب 1444

12 بهمن 1401

ص: 132

گنجینهٔ عصمت / آقای سید محمد موحد ابطحی

اشاره

به قلم : نویسندهٔ محقق حجت الاسلام

آقای سید محمّد موحّد ابطحی

*****

گنجینهٔ عصمت

حضـرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، بانوی عالی رتبه ای است که متاسفانه به خاطر قصور و تقصـیر جامعه شیعه و همچنین عناد مخالفین، زوایای مختلف زندگی و مقامات ایشان ناشناخته مانده است، عمر کوتاه این بانو و شـرایط خفقان و تقیه شدیدی که در زمانه ایشان حاکم بود ، امروزه ما را از معرفت و شـناخت کافی نسـبت به این بانو محروم کرده و جز انـدکی از مقامات و فضایل ایشان ، آگاهی چنـدانی در دست نداریم . شاید همین یک فراز از فرمایش امام صادق (علیه السـلام) برای نشان دادن فضای سـیاه و خفقان حاکم بر شـهر سامرا کفایت کند که سدیر صـیرفی گوید محضـر امام مشرف شدم و حضرتش را در حال گریه شدیدی دیدم همانند گریه زن جوان مرده!! وقتی علت گریه ایشان را پرسـیدم، حضرت فرمودند : هم اکنون کتاب جفر که در آن اخبار بلایـا و منایـا تـا روز قیامت آمـده را مطالعه می کردم و احوال ولادت قائم ما اهل بیت و غیبتش را میخوانـدم که باعث گریه و ناراحتی من همین بود(1). توجه به این مطلب ضروری است که وقتی احوال ولادت و زمانهٔ ولادت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و

سختی های آن باعث گریه و ناراحتی امام صادق (علیه السـلام) شـده ، شـخص نرجس خاتون (علیها السـلام) که در مرکز این حوادث و مشکلات قرار دارد و حامل این نور الهی

1- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج2 ، ص352.

است بیشترین فشـار و اذیت را متحمـل می شود . خصوصـاً که به خاطر حفظ جان امام ، بایستی جلالت قـدر این بانو بر دیگران مخفی و پوشـیده می ماند تا کمتر مورد حسادت و دشـمنی بنی العباس و گماشـته های آنان قرار بگیرد. چرا که از امام عسـکری (علیه السلام) نقل شده : بنی امیه و بنی العباس به دو دلیل دست به کشـتار ظالمانه خاندان رسالت می زدند ، اول اینکه می دانسـتند حق خلافت با ماست و می ترسـیدند که ادعـای خلاـفت کنیم و امر خلافت از دست آنان خارج شـده و در جای خودش قرار گیرد و دلیل دوم اینکه آنان از اخبار متواتر می دانسـتند که نابودی ملک و حکومت ظالمین به دست قائم ما خواهد بود و شـکی نداشتند که آن ظالمین خودشان هستند پس با تمام توان سـعی در کشـتار اهل بیت پیامبر می کردنـد به این امیـد که بتواننـد مانع متولد شدن قائم ما گردند یا اینکه بتوانند او را بکشـند و خداوند نیز اراده فرمود که امر ولادت او بر بنی العباس مخفی بماند تا نور خویش را در زمین کامل کند ولو اینکه کافرین نخواهند .(1)

به هر روی مجموع عوامل فوق باعث شد تا از فیض معرفت و شـناخت این بانو آن طور که شایسـته و بایسته است محروم بمانیم اما باز هم در لا به لای کلمات نورانی اهل بیت:، تلالؤهایی از مقامات حضرت نرجس

1- . قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ (العسـکری) (علیه السـلام) : قَدْ وَضَعَ بَنُو أُمَيَّةَ وَ بَنُو الْعَبَّاسِ سِتّ يُوفَهُمْ عَلَيْنَا لِعِلَّتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ فَيَخَافُونَ مِنْ ادِّعَائِنَا إِيَّاهَا وَ تَسْتَقِرَّ فِي مَرْكَزِهَا، وَ ثَانِيهِمَا أَنَّهُمْ قَدْ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ وَ الظَّلَمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا، وَ كَانُوا لاَ يَشُكُّونَ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَ الظَّلَمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صـلی الله علیه وآله وسلم) وَ إِبَارَةِ نَسْلِهِ طَمَعاً مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوَلُّدِ الْقَائِمِ (علیه السـلام) أَوْ قَتْلِهِ، فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلاَّ أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات ، ج 5 ، ص 195.

خاتون (علیها السلام) برای ما قابل مشاهده است که در این نوشتار با رعایت اختصار به ذکر چند نمونه از آنها خواهیم پرداخت ، امید که این ناچیز مقبول نظر یگانه فرزندش حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افتد .

سیّد و سرور بانوان (سیّدة الاماء)

یکی از مقاماتی که خاندان رسالت با آن مدح شده اند ، مقام سیّادت و برتری آنان بر دیگران است که گاه به صورت مطلق و گاه مقید بیان شده است به عنوان مثال در روایات معصومین:، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با القابی چون سیّدالعرب ، سیّدالخلایق ، سیّدالمؤمنین ، سیّدالمسلمین، سیّدالصّدیقین ، سیّدالمتّقین ، سیّدالموحّدین ، سیّدالزّهاد ، سیّدالاتقیاء، سیّدالصّادقین ، سیّدالشهداء ، سیّدالبرره ، سیّدالاوصیاء ، سیّد فی الدنیا و سیّد فی الاخره ، سیّدولد آدم یوم القیامه ، سیّدمبجّل(1)، و ... خوانده شده اند . بدیهی است این مقام سیّادت که صرفا توسط خداوند تبارک و تعالی عطا می شود چیزی فراتر از ریاست و زعامت اجتماعی و این دنیایی است و حاکی از علوّ واقعی و حقیقی روحی و جسمی صاحب لقب می باشد. که لازمهٔ این علوّ شأن و رتبه ، فرمان پذیری و تسلیم بودن دیگران نسبت به صاحب این مقام است .

در روایتی نقل شده زمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با لقب « سیّد العرب» خواندند عایشه که هیچ گاه تاب شنیدن فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را

1- . برای مطالعه اسناد و روایاتی که این القاب مبارکه در آن ذکر شده ر.ک به کتاب اسماء و القاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ، تألیف علی اصغر شکوهی قوچانی .

نداشت به ایشان اعتراض کرد که مگر شما سیّد العرب نیستید ؟ حضرت پاسخ دادند :

من سید فرزندان آدم هستم و علی سیّد العرب است .

سپس عایشه از ایشان پرسید معنای سیّد چیست ؟ حضرت در پاسخ فرمودند : سیّد کسی است که اطاعتش لازم و واجب است همانطور که اطاعت من لازم و واجب است .(1)

در روایت دیگری حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند :

مَا خَلَقَ اللَّهُ شَیْئاً إِلَّا جَعَلَ لَهُ سَیِّداً ؛ خداوند تبارک و تعالی هیچ خلقی را نیافرید الا اینکه برای آن سیدی قرار داد!!

از این دو رایت شریفه برداشت می شود که اولا مقام سیادت به جعل و وضع خداوند تبارک و تعالی است و تفضلی است که به برخی از آفریدگانش عطا می نماید و ثانیا این سیادت معنایی بسیار عمیق و والا دارد که به گوشه ای از معنای آن در روایت نبوی فوق اشاره شده بود .

حال روشن تر می شود که چرا چهار امام معصوم از سال ها قبل در بین کلمات نورانی خویش با اشاره به مقامات عالیه این بانوی بزرگوار ، نرجس خاتون را با لقب « سیادت »! یاد کرده و آیندگان را به عظمت وجود این بانو، متوجه ساخته اند .

1- . قَالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه وآله وسلم) : عَلِیٌّ سَیِّدُ الْعَرَبِ. فَقَالَتْ عَائِشَهُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ لَسْتَ سَیِّدَ الْعَرَبِ؟ فَقَالَ: أَنَا سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ عَلِیٌّ سَیِّدُ الْعَرَبِ . فَقَالَتْ: یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا السَّیِّدُ؟ قَالَ: مَنِ افْتُرِضَتْ طَاعَتُهُ کَمَا افْتُرِضَتْ طَاعَتِی. توحید الصدوق ، ص207.

زمانی که امام حسن (علیه السلام) مجبور به صلح با معاویه شدند ، برخی از جهال به حضرتش خرده گرفتند . ایشان در پاسخ، خطبه ای ایراد فرمودند و بیان کردند که مصلحت شیعه بر این صلح بوده و این عمل موجب حفظ آخرین وصیّ و خاتم الاوصیاء خواهد بود و ایشان را با انتساب به مادر مکرمه شان نرجس خاتون (علیها السلام) ، آن هم با لقبی بس سترگ معرفی نمودند و فرمودند :

ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ او نهمین فرزند برادرم حسین (علیه السلام) ، پسر سرور کنیزان است .(1)

در روایت دیگری هنگامی که امام صادق (علیه السلام) قصد داشتند حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای ابوبصیر معرفی و شباهت های ایشان را با انبیاء سابق ، بیان کنند؛ حضرتش را با نسبت مادری معرفی کرده و با اشاره به مقام سیادت این بانو، بلندی مرتبه نرجس خاتون را متذکر شدند. حضرت در این روایت شریفه فرمودند :

يَا أَبَا بَصِيرٍ ! هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛

ای ابوبصیر ! او پنجمین فرزند پسرم موسی می باشد ، او فرزند سرور کنیزان است. (2)

از حضرت موسی بن جعفر ، امام کاظم (علیه السلام) نیز روایت شده که حضرتش بعد از بیان برخی ویژگی های خاص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند :

1- . احتجاج طبرسی ، ج2 ، ص 290.

2- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 2 ، ص345.

... وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ و مهدی هموست که ... تمامی شیطان های رانده شده به دست او به هلاکت می رسند و اوست فرزند سرور کنیزان .(1)

حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نیز در روایتی که به بیان فضایل و خصائص حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می پردازند ، ایشان را با دو خصیصه مهم معرفی می کنند :

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ؛ او چهارمین فرزند من و زاده سرور کنیزان است .(2)

در روایت دیگری که مرحوم علامه مجلسی (قدس سره) در بحارالانوار از کمال الدین ذکر کرده اند مطلبی بس عظیم وجود دارد که از زبان حضرت حکیمه خاتون (علیها السلام) نقل شده است ایشان می فرماید : من بعد از شهادت امام هادی (علیه السلام) گاهی به زیارت حضرت امام عسکری (علیه السلام) می رفتم یک روز که به دیدار پسر برادرم امام عسکری (علیه السلام) رفته بودم :

فَجَاءَتْنِي نَرْجِسُ يَوْماً تَخْلَعُ خُفِّي وَ قَالَتْ: يَا مَوْلَاتِي نَاوِلْنِي خُفَّكِ ، فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَ مَوْلَاتِي وَ اللَّهِ لَا دَفَعْتُ إِلَيْكِ خُفِّي لِتَخْلَعِيهِ وَ لَا خَدَمْتِنِي بَلْ أَخْدُمُكِ عَلَى بَصَرِي فَسَمِعَ أَبُو مُحَمَّدٍ (علیه السلام) ذَلِكَ فَقَالَ جَزَاكِ اللَّهُ خَيْراً يَا عَمَّةِ ...؛

نرجس (علیها السلام) نزد من آمد تا کفش از پایم بیرون آورد و گفت : ای بانوی

1- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 2 ، ص 369.

2- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 2، ص 372.

من! بگذار تا کفش شـما را در بیاورم به او گفتم : من مولای تو نیسـتم بلکه تو سـیده و مولای من هستی و الله اجازه نمی دهم که کفشم را دربیاوری و خـدمت من کنی بلکه من خـدمت کردن به تو را به روی چشم می پـذیرم !!! چون امام عسـکری (علیه السـلام) گفتگوی ما را شنیدند فرمودند: ای عمه! خداوند جزای خیر به تو عنایت کند.(1)

برای فهم بهتر روایت فوق ، لازم است بدانیم بی بی حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) و خواهر امام هادی (علیه السلام) و عمه امام عسـکری (علیه السـلام) بوده اند . علاوه بر جلالت قدر ایشان ، که به فرموده علامه مجلسـی از سـفراء حضرت و ابواب امام عسکری (علیه السلام) و از مخصوصین ائمه و صاحب سر حضرتش بوده اند(2) مربی و استاد حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نیز می باشند با این وجود نه تنها اجازه نمی دهند که نرجس خاتون (علیها السلام) ایشان را سیده خویش بخواند ، بلکه حضرت نرجس را سیده خویش خطاب می کنند و مهم تر اینکه امام عسکری (علیه السلام) مهر تأییدی بر این عمل زده و این اعتقاد حکیمه

1- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 12 .

2- . مرحوم علامه مجلسی ، در جلد 99 کتاب بحارالانوار در ص 78 با این عبارات حکیمه خاتون را معرفی می کنند : اعلم أن في القبة الشـريفة قبرا منسوبا إلى النجيبـة الكريمـة العالمةالفاضـلة التقيـة الرضـية حكيمـة بنت أبي جعفر الجواد (عليهما السـلام) ولا أدري لِمَ لَم يتعرضوا لزيارتها مع ظهور فضلها وجلالتها ، وأنها كانت مخصوصة بالأئمة عليهم السلام ومودعة أسرارهم ، وكانت أم القائم عندها وكانت حاضرة عند ولادته (عليه السلام) ، وكانت تراه حينا بعد حين في حياة أبي محمد العسكري وكانت من السفراء والأبواب بعد وفاته ، فينبغي زيارتها بما أجرى الله على اللسان مما يناسب فضلها وشأنها والله الموفق.

خاتون را امضاءمی فرماینـد، تا جای هیـچ شک و شـبهه ای بر دیگران باقی نمانـد و عظمت شأن این مخـدرهٔ والامقدار ، مادر گرامی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر همگان روشن گردد .

بانوی برگزیده

یکی دیگر از مقاماتی که نشانگر علوّ رتبه و شأن این علیا مخدره است ، مقام اختیار و برگزیده شدن توسط خداوند تبارک و تعالی می باشد که در روایات متعدد از حضرات معصومین:، حضرت نرجس (علیها السلام) موصوف به این مقام « خِیرَة الاماء » شناسانده شده اند و حق هم همین است ، چرا که مقـدّر شـده، ایشـان حمل کننـده نور خاتم الاوصـیاء باشـد که طبق روایات در بین انوار معصومین « کالْکَوْکَبِ الدُّرِّیِّ » است طبعا بایستی بانویی برای این مهم برگزیده و اختیار شود که سر آمد زنان بوده و شایستهٔ لقب «خیرة الاماء» باشد .

امیرالمؤمنین (علیه السـلام) در خطبه ای که بعـد از جنگ نهروان ایراد کردنـد، از آخرالزمان و فتنه های آن خبر دادند ، در این بین یکی از مستمعین از حضرتش پرسید : بعد از این همه فتنه و مصیبت چه خواهد شد ؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند :

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یُفَرِّجُ الْفِتَنَ بِرَجُلٍ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ کَتَفْرِیجِ الْأَدِیمِ ، بِأَبِي ابْنُ خِیَرَةِ الْإِمَاء ... ؛ سپس

خداوند این فتنه را توسط مردی از ما اهل بیت بر طرف کرده و مانند جدا کردن پوست از گوشت ، فتنه ها را از شما دور و

جدا می سازد . پدرم فدای فرزند برترین کنیزان .(1)

روایت دیگری نیز از امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده که عبارت آن حاکی از این است که : سیره و عادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این بوده که هر گاه امام حسین (علیه السلام) بر ایشان وارد می شدند می فرمودند :

«بِأَبِي أَنْتَ يَا أَبَا ابْنِ خِيَرَةِ الْإِمَاءِ...؛ (2) پدرم فدای تو باد ای کسی که پدرِ ، زادهٔ برترین کنیزان هستی .

طبق روایت فوق دو نکته مهم در سیرهٔ امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر ما مشخص می شود اول اینکه ایشان اهتمام فراوانی به ذکر و یاد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته اند که البته این اهتمام در دیگر خطبه ها و فرمایشات حضرت نیز کاملاً مشهود است .

دوم اینکه یاد امام عصر قرین با یاد مادر بزرگوارشان و اشاره به مقام والای برگزیده شدن نرجس خاتون (علیها السلام) توسط خداوند بوده است .

در ادامه بحث ، ذکر این نکته ضروری است که القاب و کلماتی که از لسان حضرات معصومین:صادر می شود دارای وجوه متعدد معنایی است و همانطور که خود ائمه (علیهم السلام) فرموده اند : همانند کلام اللّه دارای بطون مختلف هست .(3)

1- . الغارات ، ج1 ، ص12 .

2- . مقتضب الاثر ، ص31.

3- . روایات متعددی در این زمینه از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده و حتی به شیعیان توصیه شده که وجوه مختلف کلام اهل بیت را یاد بگیرند ، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که کلام ما بر هفتاد وجه معنا می شود و مرحوم علامهٔ مجلسی (قدس سره) نیز در جای جای کتاب شریف بحارالانوار بر این قاعده تصریح و تاکید دارند به عنوان نمونه ر.ک به: بحارالانوار ، ج 36 ، ص 413 ، و ج 55 ، ص45 و ج56 ، ص21.

در روایتی آمده که راوی از امام رضا (علیه السلام) سؤال کرد که چرا کنیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) « اباالقاسم » است ؟

حضرت پاسخ دادند :

چون ایشان فرزندی به نام قاسم داشتند از این روی مکنّی به ابوالقاسم شدند راوی (که از این قاعده تعدد بطون و معانی کلمات اهل بیت آگاه بوده) مجدداً سؤال می کند که آیا در من این اهلیت را می بینید که اضافه بر این معنا برایم بفرمایید ؟ امام رضا (علیه السلام) فرمودند : بلی آیا نشنیده ای که علی قسیم جنت و نار است ؟ پس او قاسم الجنه و النار است و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به منزله پدر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند ؛ لذا مکنی به ابوالقاسم شدند .(1)

بعد از توجه به این قاعده به این نتیجه خواهیم رسید که وقتی حضرات معصومین (علیهم السلام) برای این بانو از لقب « سیدة الاماء » و « خیرة الاماء » استفاده می کنند علاوه بر معنای ظاهری آن که اشاره به کنیز بودن حضرت نرجس (علیها السلام) (حسب ظاهر) و سیادت داشتن و برگزیده بودن ایشان بر دیگر کنیزان است و معنای عمیق تری هم دارد که همانا کمال عبودیت و بندگی خداوند تبارک و تعالی است، یعنی این مقام سیادت و اختیار را نسبت به همه زنان مؤمنه دارا بوده است همانطور که این تعبیر برای حضرت صدیقهٔ کبری (علیها السلام) نیز به کار برده شده و از ایشان به « أَمَةُ اللَّه » تعبیر شده است.

1- . بحار الانوار، ج 16 ، ص 94.

قَالَ رَسُولُ اللّه (صـلی الله علیه وآله وسـلم) :أَدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَیْتُ عَلَی بَابِهَا مَکْتُوباً بِالـذّهَبِ لَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ مُحَمَّدٌ حَبِیبُ اللّهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللّهِ فَاطِمَةُ أَمَةُ اللَّهِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَی مُبْغِضِیهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ. (1)

پیـامبر اکرم (صـلی الله علیه وآله وسـلم) فرمودنـد : هنگامی که در بهشت داخل شـدم مشاهـده کردم که با خط طلا بر درب بهشت این کلمات نوشـته شـده « خدایی جز الله نیست و محمد حبیب اوست و علی ولی خداست و فاطمه بنده اوست و حسن و حسـین برگزیدگان خدا هستند و لعنت و نفرین خداوند بر دشمنان آنها باد.»

البته در ضـمن مطلبی که در قبل ذکر شد و بی بی حکیمه خاتون حضرت نرجس (علیها السلام) را سیده و مولای خویش خواندند و تقریر امام بر عمل ایشان نیز شاهد دیگری بر صدق این ادعاست .

بانوی طاهره و مطهره

یکی از مقامات و شـئون بسـیار والا که جمیع مادران اهل بیت (علیهم السلام) دارا هستند، مقام طهارت است که این طهارت ذاتی لازمه تحمّل نور امامت است. روایات بسیاری بر این مطلب دلالت دارد که در ذیل به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم :

1 . حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند :

1- . خصال شیخ صدوق ، ص 324.

«لَمْ يَزَلِ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ يَنْقُلُنِي مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّيِّبَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ؛(1) پیوسته خداوند مرا از صلب های پاک به رحم های پاک منتقل می کرد .

این مضمون به قدری از حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در منابع فریقین به نحو متعدد روایت شده که عدهٔ کثیری از علمای فریقین بر صـحت این قاعده و تعدد طرق آن اقرار کرده و حتی کتب مستقلی در این زمینه تألیف کرده اند که پرداختن به آن در این مختصر نمی گنجد .

2 . در زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به حضرتش به همین مطلب شهادت داده و می خوانیم :

«أَشْهَدُ أَنَّكَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لَمْ تَزَلْ بِعَيْنِ اللَّهِ تَتَنَاسَخُ فِي أَصْلَابِ الْمُطَهَّرِينَ وَ تَنْتَقِلُ فِي أَرْحَامِ الطَّاهِرَاتِ الْمُطَهَّرَاتِ » ؛(2) شهادت می دهم که تو درخت و دودمان پاکی هستی که همواره در محضر خدا از صلب های پاک به رحم های پاک و پاکیزه شده منتقل می شوی .

3 . در زیارات متعدد حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) نیز عیناً به همین مطلب اشاره شده و شهادت می دهیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا» ؛(3) شـهادت می دهم که شما نوری بودید در

1- . البرهان ، ج7 ، ص 246.

2- . بحار الانوار ، ج97 ، ص 322.

3- . این تعبیر با کمی اختلاف در زیارت وارث، زیارت اربعین، زیارت عید فطر و قربان و غیر اینها نیز آمده است.

اصلاب والا و رحم های پاک که هیچ گونه نجاستی از نجاسات جاهلیت به شما ملاقات نکرده است .

4 . در زیارت ائمهٔ بقیع (علیهم السلام) نیز این مطلب آمده که :

« لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ- يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنْبَتُكُم»(1) ؛ پیوسته خداوند شما را در صلب های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاك نقلتان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و فتنه هایی که از خواهش های نفس پیدا می شود ، شریك و همتای شما نشده است ، پاکیزه اید و محلّ نشو و نمای شما نیز پاك و پاکیزه می باشد .

این مقام طهارت که نشانگر پاکی مادران اهل بیت (علیهم السلام) از هرگونه نجاست و آلودگی مادی و معنوی است و طبعاً دلالت بر پاکی و عصمت این مخدرات از هر گونه اشتباه و گناه می کند (چرا که جمیع انجاس جاهلی از این مخدرات نفی شده و اینان را مبرّا از هر گونه رجس و نجسی می داند) علائم و نشانه هایی را نیز به همراه دارد که یکی از این علامت ها دور بودن این بانوان از برخی ویژگی های زنان همانند دیدن خون حیض و نفاس است .

در مورد حضرت صدّیقهٔ کبری (علیها السلام) یکی از اسامی حضرتش « بتول » نامیده شده و در روایات متعدد بیان شده که بتول به بانویی اطلاق می شود که خون حیض و نفاس نمی بیند .

1- . مصباح المتهجد ، ص714.

در روایتی نقل شده که اسـماء بنت عمیس می گوید : در ولادت یکی از اولاد حضـرت زهرا (علیها السـلام) حاضـر بودم و هیچ خونی از حضرتش ندیدم ، علت را که از پیامبر جویا شدم . حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند : زیرا فاطمه طاهرهٔ مطهره است (1)!!

در روایت صـحیحه و مشـهوره امام کاظم (علیه السلام) نیز به مقام « طهارت و عصمت » صدیقهٔ کبری (علیها السلام) ، با اشاره به همین مطلب توجه داده شده که حضرت فرمودند :

إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السـلام) صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ وَ إِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَطْمَثْنَ؛ قطعاً فاطمه (علیها السلام) صدیقهٔ شهیده است و دختران انبیاء دچار حیض نمی شوند .

این مطلب با نقل روایتی که مرحوم علامه طبرسی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل می کند محکم تر می شود :

وقـد روی عنهم (علیهم السـلام) ان سبیـل أمهات الأئمـة (علیهم السـلام) سبیل فاطمـة (علیها السـلام) في ارتفاع الحیض عنهن ؛(2)به تحقیق از اهل بیت روایت شده که جریان امر در مادران ائمه (علیهم السـلام) ، مانند حضـرت فاطمه (علیها السلام) است در اینکه خون دیدن از آنان برداشته شده است .

بعد از بیان و اثبات این مطلب به نحو عام که مادران اهل بیت (علیهم السـلام) دارای مقام طهارت و عصـمت هستند و اینکه یکی از نشانه های این مقام ،

1- . عیون المعجزات، ص58 .

2- . تاج الموالید ، ص 79.

ندیـدن خون حیض و نفـاس است؛نقل مطلب مهمی از سـفیر دوم امام عصـر (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) جناب محمـد بن عثمان العمری از بی بی حکیمه خاتون ، دختر بزرگوار امام جواد (علیه السلام) شنیدنی خواهد بود که فرمود :

«وُلِدَ السَّيِّدُ (علیه السـلام) مَخْتُوناً ، وَ سَمِعْتُ حَكِيمَةَ تَقُولُ: لَمْ يُرَ بِأُمِّهِ دَمٌ فِي نِفَاسِهَا وَ هَكَذَا سَبِيلُ أُمَّهَاتِ الْأَئِمَّةِ (علیهم السلام) .»(1) ؛ سَیِّد (منظور امام عصـر (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) است) در حالی که ختنه شـده بود ، متولد گردید و از حکیمه شـنیدم که : مادر امام عصر خون نفاس ندید و همین است شیوه وضع حمل در مادران ائمه (علیهم السلام) .

وعاء مقدس

بعـد از ذکر برخی مقامات بانوی برگزیـدهٔ عالم ، حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) باید گفت : برترین فضـیلت این بانو که حاکی از عظمت طینت و خلقت و وجود این مخدره در عوالم تکوین می باشد ، این است که حضرت نرجس (علیها السلام) توسط خداوند تبارک و تعالی اختیار و برگزیده شده و طاهره و مطهّره گردید تا ظرف وجود نورانی حضرت خاتم الاوصیاء و صاحب العصر و الزمان قرار گیرد و بـدین سـبب به سـیادت حقیقی در دو عـالم نائـل گردد . همانطوری که در مورد مادر گرامی امام جواد (علیه السـلام) نیز که وعاء و ظرف وجودی امام بودند ، تصریح به این مقام شده است . حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) فرمودند :

1- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 433.

« قُدِّسَتْ أَمٌ وَلَدَتْهُ قَدْ خُلِقَتْ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً »(1) ؛ تقدیس شده مادری که او را به دنیا اورد و او طاهره و مطهره افریده شد .

توجه به این نکته ضروری است که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) تصریح شده که بعد از خمسه طیبه ، افضل اهل بیت (علیهم السلام) (2) و اعلم و احکم آنها(3) وجود نورانی حضرت قائم آل محمد (علیهم السلام) است طبعاً بانویی که قرار است وعاء و ظرف این نور قرار بگیرد بایستی از ظرفیت والاتری نسبت به بقیهٔ مادران اهل بیت (علیهم السلام) برخوردار باشد تا طبق اقتضای سنخیت قابل و مقبول ، عمل شده باشد .

ختامه مسک

بعد از بیان مقام وعاء بودن و ظرفیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) توجه به روایتی حایز اهمیت خواهد بود که نشانگر اهمیت این مقام و وظیفه

1- . بحار الانوار ، ج50 ، ص14.

2- . اشاره به روایتی که در المحتضر از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که فرمودند: اختار الله من الأيّام يوم الجمعه ومن الشهور شهر رمضان ، ومن الليالي ليلة القدر ، وإختار من النّاس الأنبياء والرسل ، وإختار منّي عليّاً ، وإختار من عليٍّ الحسن والحسين ، وإختار من الحسين الأوصياء يمنعون عن التنزيل تحريف الضالّين وإنتحال المبطلين وتأويل الجاهلين ، تاسعهم باطنهم ظاهرهم قائمهم وهو أفضلهم.

3- . اشاره به روایتی که در مقتضب الاثر ، ص 9 از رسول خدا ذکر شده که خطاب به سیدالشهداء فرمودند : يا أبا عبد الله أنت سيد من سادة ، وأنت امام بن امام، أخو امام، أبو أئمة تسعة، تاسعهم قائمهم ، امامهم أعلمهم أحكمهم أفضلهم.

شیعیان نسبت به نرجس خاتون بانویی که به شرافت مقام وعاء امامت و وجود خاتم الائمه ، حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نایل آمده، می باشد .

حضـرت امام سـجاد (علیه السـلام) به نقل از رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم) در بیان جریان حضـرت آدم و سـجده ملائکه می فرمایند : روزی پیامبر (صـلی الله علیه وآله وسـلم) خطاب به مردم فرمودند : یا عبادالله! زمانی که خداوند نور اشباح ما اهل بیت (علیهم السـلام) را از جایگاه ویژه اش در عرش به صـلب آدم منتقل کرد، حضرت آدم متوجه شد که نوری از وجودش ساطع می گردد ولی این که این انوار از کیست بر او تبیین نشد از همین روی از خداوند سؤال کرد که این انوار ، کیستند ؟

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: أَنْوَارُ أَشْبَاحٍ نَقَلْتُهُمْ مِنْ أَشْرَفِ بِقَاعِ عَرْشِي إِلَى ظَهْرِكَ وَ لِذَلِكَ أَمَرْتُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَكَ إِذْ كُنْتَ وِعَاءً لِتِلْكَ الْأَشْبَاحِ ... » ؛(1)

خداوند در پاسخ فرمود: اینان نور اشـباحی است که از برترین جایگاه عرش خودم به صـلب تو منتقل کردم و به همین خاطر به ملایکه امر کردم که بر تو سجده کنند !!! چرا که تو وعاء و ظرف این انوار قرار گرفتی ...

روایت فوق مطلب بسـیار بزرگی را برای ما بیان می کند: تمامی ملائکه مامور به سجده بر آدم می شوند به خاطر اینکه او ظرف و وعاء انوار اهل بیت (علیهم السـلام) قرار داده شده ، ابلیس لعین از درگاه الهی مطرود و ملعون واقع می شود چون حاضر به سجود و تواضع در برابر وعاء و ظرف نور اهل بیت (علیهم السلام) نشد!!

سجود والاترین مرتبه تواضع و فروتنی است . خداوند تبارک و تعالی امر فرموده که نهایت تواضع خود را برای کسی قرار دهید که وعاء نور اهل

1- . بحار الانوار ، ج 11 ، ص150.

بیت (علیهم السلام) قرار داده شده ، حال وظیفه ما در قبال مادران اهل بیت (علیهم السلام) که هر یک وعاء نور ذوات مقدسه در این عالم هستند، مشخص می شود خاصه در قبال حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که وعاء نور وجود حضرت ولی امر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند که در روایت معراج وقتی انوار اشباح اهل بیت (علیهم السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نشان داده شد نور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بین انوار اهل بیت مانند «کوکب الدُّری» می درخشید . (1)

از این رو جای آن دارد، مانند ملائکه تواضع کرده و سر به تیره تراب گذاشته و همنوا با دختر بزرگوار امام جواد (علیه السلام) و صاحب سرّ حضرت هادی و عسکری به محضر بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) عرضه بداریم :

یا سیدتی و یا مولاتی انا فداک و جمیع العالمین.(2)

سیّد محمّد موحّد ابطحی

13 رجب الخیر 1444

قم مقدّس(3)

1- . المحتضر ، ص 191.

2- . اشاره به روایتی که در بحار الانوار، ج 51 ، ص24 از حضرت حکیمه خاتون نقل شده که خطاب به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرضه داشتند جان من و همه عالمیان به فدای تو باد .

3- . بنای این نوشتار بر خلاصه و عدم تطویل بود به همین سبب فقط به ذکر برخی از روایات وشواهد مربوط به بحث پرداختیم، امید است که در آینده نزدیک توفیقی برای بیان تفصیلی مقامات این علیا مخدره حاصل شود.

مروری بر چهار اثر در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) / آقای سید محمد موحد ابطحی

اشاره

به قلم : نویسندهٔ محقق و ولائی

آقای سیّد محمّد موحّد ابطحی

*****

مروری بر چهار اثر نگاشته شده در مورد

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

الف : سیّدة الاماء

نام کتاب : سیده الاماء قراءة جدیدة فی هویّتها و سیرتها

مؤلف : الشیخ احمد سلمان ناشر : العتبة الحسینیة المقدّسه - 1442 ق

این کتاب که در 145 صفحه و به زبان عربی تنظیم و چاپ شده ، تحقیق نسبتاً جامعی در مورد بیوگرافی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد . مؤلف در مقدمه کتابش اشاره می کند : همانطور که تحقیق و بررسی در مورد ائمه اطهار (علیهم السلام) اهمیّت دارد ، تحقیق و بررسی در مورد مادران ایشان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است . از این روی می بینیم که همانطور که قلم های فاسد دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در مورد اهل بیت (علیهم السلام) از هیچ کذب و افترایی فروگذار نکرده اند در مورد مادران اهل بیت (علیهم السلام) نیز و خاصه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) همین گونه رفتار کرده اند تا جایی که سعی کرده اند شخصیت ایشان را با برخی دروغ ها و گاهی جسارت ها ناخوشایند جلوه بدهند .

این مطلب باعث شده که مؤلف گرامی دست به قلم برده در مورد شخصیت والای حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) قلم فرسایی کند . مباحث عمده ای که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته ، از این قرار است :

ص: 151

1 : نـام هـای حضـرت نرجس (علیها السـلام) و وجه تسـمیهٔ آن و پاسـخ به شـبهات نواصب در مورد تعـدد اسامی نرجس خاتون (علیها السلام) ؛

2: بررسی اقوال مختلف و شواهد متعدد در مورد نسب نرجس خاتون (علیها السلام) و بیان برخی شبهات و جواب های مربوط به آن ؛

3: بررسـی روایـات وارده از اهـل بیت (علیهم السـلام) در مورد مقامـات نرجس خاتون (علیها السـلام) و بیان تفصـیلیِ نکاتی که از آن روایات استفاده می شود ؛

4: بررسی اقوال مختلف در مورد تاریخ وفات نرجس خاتون (علیها السلام) ؛

5: بررسی شواهد و قرائنی که به تعبیر مؤلف « جهاد والای نرجس خاتون (علیها السلام) » مربوط به زمان بعد از ولادت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دوران غیبت صغری و مواجهه ایشان با بنی العباس و مدعیان دروغین آن دوران بوده است .

بعد از بیان مطالب فوق ، مؤلف در صفحات پایانیِ کتاب با یک جمع بندیِ کلّی ، نتایج تحقیقات خویش را به صورت خلاصه بیان کرده و کتاب را به اتمام می رساند .

ب : بانوی انجیل

نام کتاب : بانوی انجیل ، حضرت نرجس (علیها السلام) مام فضیلت ها

مترجم : داوود صفر زاده ناشر : آفاق معرفت ، 1400 ه ش

این اثر ، ترجمه و بازنویسـی شدهٔ کتابی است به نام « السیّده نرجس ، مدرسه الاجیال » تألیف دانشمند محترم و محقق آقای آیت الله سیّد مرتضی حسینی شیرازی که در سال 1417 هجری قمری نگاشته شده و در سال 1443 به زبان فارسی ترجمه شده است .

ص: 152

مؤلف در مقدمهٔ کتاب اشاره می کند ، زمانی که در زندان ظالمین محصور بوده به یاد سخن یکی از خطبا می افتد که :

هنگامی که قصد کردی خواسته و حاجتت برآورده شود به واسطهٔ مادران ائمهٔ معصومین (علیهم السلام) به آنان متوسل شو و مادرانشان را نزد آنان شفیع بگیر ؛ آیا ممکن است امامان معصوم (علیهم السلام) این شفاعت را رد کنند ؟

لذا تصمیم به تألیف کتابی در مورد مادر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گیرد تا از این بلای حصر نجات پیدا کند ، و کتاب مذکور درون زندان و به قصد توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به رشته تحریر در می آید . مؤلف در مقدمه اشاره می کند که با توجه به نبود منابع تحقیق در زندان ، این کتاب با نگاهی به زیارت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که در کتاب « مفاتیح الجنان » آمده و مطالبی که در حافظه بوده نگاشته شده است . متن کتاب داستان گونه و در عین حال به تحلیل وقایع زندگی حضرت نرجس (علیها السلام) و بیان برخی نکات اعتقادی و اخلاقی است .

در بخش پایانی کتاب مؤلف توصیه های مفید و مهمی در راستای بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) داشته و محققین را به بررسی چهار مقطع مهم زندگانی حضرت نرجس (علیها السلام) تشویق می نماید :

1: بررسی و توصیف دقیق زندگی پر زرق و برق خاندان سلطنتی و ارتباطات خاندان قیصر با دیگر حکومت ها و ممالک بر اساس مستندات تاریخی ... تا جایگاه سلطنتی این بانو بیش از پیش عیان گردد .

2: توصیف دقیق از شرایط اسارت و مهاجرت و مخاطرات این راه برای بانویی سلطنتی .

3: مطالعه دقیق شـرایط سیاسی و اجتماعی خاندان نبوت در برهه ای که حضرت نرجس (علیها السلام) بر ایشان وارد شد و بررسی دوران بارداری و بعد از ولادت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و شرایطی که حضرت نرجس (علیها السلام) با آنها مواجه شدند .

4: حوادث و تحولات بعد از هجرت حضرت نرجس (علیها السلام) بر جدش قیصر روم و سایر اعضای خاندان سلطنتی و اینکه آیا بین او و خاندان سـلطنتی در این بین ارتباطی بوده یا خیر و اینکه این وصـلت با خاندان رسالت احیاناً تأثیرات اجتماعی بر رومیان داشته یا خیر و اساساً تحقیق کاملی صورت گیرد که آیا رومیان از این هجرت و وصلت مطلع شدند یا خیر ؟

پیشـنهاد مؤلف برای مهیا شـدن شـرایط بهتر برای تحقیق و نتیجه گیری در این زمینه ، برگزاری همایش های سالیانه ، اختصاص یک روز یا یک هفته به نام ایشان و متعهّد شدن خطبا و دانشـمندان به سـخن گفتن در مورد شخصـیت ایشان و اهتمام شعرا و نویسندگان به سرودن و نوشتن در مورد شخصیت ایشان می باشد .

مؤلف نامگذاری فرزندان و مؤسّسات دینی و علمی و برنامه مختلف فرهنگی یا آموزشـی ، به نام حضـرت نرجس (علیها السلام) را نیز در رسیدن به این مهم ، مؤثر و مفید می داند .

ج: آخرین عروس

نام کتاب : آخرین عروس ، داستان حضرت نرجس (علیها السلام) از روم تا سامرا

مؤلف : مهدی خدامیان آرانی ، ناشر : انتشارات وثوق 1389 ه- ش

این کتاب که با زبان داستانی و رمان نگاشته شده ، ابتدا مخاطب را به شهر سامرا برده و بعد از آشنا کردن مخاطب با حال و هوای شهر در زمان امام عسکری (علیه السلام) به بیان داستان ازدواج و سفر حضرت نرجس (علیها السلام) از زبان حکیمه خاتون (علیها السلام) می پردازد . این رمان خواندنی در 132 صفحه تنظیم شده و انگیزه نگارش جالبی دارد که مؤلف در مقدمه کتاب بدان اشاره کرده است :

وی در بهار سال 1387 در سفری که به عربستان سعودی داشته ، به خاطر برخی مباحث اعتقادی توسط وهابیون دستگیر و محبوس می گردد به گفته مأموران بعد از تشکیل دادگاه حداقل حکم سه ماه زندان آن هم در عربستان وهابی!! در انتظار مؤلف بوده منتها ایشان در زندان به محضر نرجس خاتون (علیها السلام) توسل کرده و نذر می کند . ایشان در شرح این توسل و نذر چنین می نویسد :

نمی دانم چه شد که یاد مادرِ آقا افتادم . اشک در چشمانم حلقه زد و گفتم : « بانو! خودت کمکم کن! ». آن شب نذر کردم اگر نجات پیدا کنم ، کتابی برای بانو بنویسم تا جوانان با ایشان و ولادت فرزندش بیشتر آشنا شوند . فکر می کنم یک ساعت بیشتر نگذشته بود که من آزاد و رها ، دست بر پنجره های بقیع گرفته بودم و اشکِ شوق می ریختم ...

ص: 155

د: نرگسدان

نام کتاب : نرگسدان

سراینده : ملا اسماعیل ذبیحی یزدی ، ناشر : انتشارات کتاب جمکران 1389

منظومهٔ « نرگسدان » ، نخستین منظومه ای است که به صورت خاص ، داستان زندگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به نظم کشیده است . اشعار این منظومه در قالب مثنوی و توسط « ملا اسماعیل ذبیحی یزدی » در عهد صفویه سروده شده است . ذبیحی بعد از نعت حضرت رسول اللّه (صلی الله علیه وآله وسلم) و منقبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ستایش پادشاه زمان خود یعنی شاه سلطان حسین و وزرایش می پردازد و سپس داستان زندگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به نظم می کشد. هرچند ذبیحی در این منظومه چندان به آرایه پردازی توجه نداشته ، اما گاه آرایه های زیبایی نظیر : جناس ، پارادوکس ، تلمیح ، تضمین و... را در شعر خود درج نموده است . این کتاب که چندین نسخه خطی از آن در کتابخانه های خطی ایران موجود است ، به همّت آقای ابوالفضل حبیبی به همراه ترجمه و تفسیر ابیات آن در 118 صفحه تنظیم شده و بر آن بخش هایی از کتاب های « رجعت » ، « تمام النعمه » ، « الغیبه » و « بحارالانوار » که مورد استناد سراینده بوده ، ضمیمه شده است .

ص: 156

جایگاه اسرار الهی، حضرت نرجس(علیها السلام) / شیخ علیرضا نعمتی

به قلم : نویسندهٔ بزرگوار و ولائی

آقای شیخ علیرضا نعمتی ، قم

*****

جایگاه اسرار الهی

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الحمدالله والصّلوة والسّلام علی رسول الله و علی آله آل اللّه لاسیما بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء

سلام بر تو ای جایگاه امن اسرار پروردگار جهانیان.

سلام بر تو که در وصلت با تو سرور پیامبران حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) علاقه و رغبت نشان داد.

سلام بر تو و بر شوهر گرامی و فرزند عزیزت که جهان را با نور درخشانش روشن خواهد کرد و از ظلم و ستم و جهل و تیره روزی نجات خواهد داد.

سلام بر تو و بر روح و بدن پاک و دور از پلیدی تو.

سلام بر تو که فدایی خاندان رسالت بودی و سرّ خدای عالم را حفاظت نمودی و در حفاظت از حجت خدا نهایت سعی خود را مبذول داشتی .

سلام بر تو ای نرگس گلستان آل محمد (علیهم السلام) که از شکوفه ی وجودت خوشبوترین گل جان سر برآورد و بزودی فضای عالم را با عطر دل انگیز خود ، سرمست از بوی خوش عدالت و سعادت و رستگاری خواهد نمود .

ای گل گلستان آل محمد (علیهم السلام) ، خداوند عالم تو را برای بزرگترین امانت حفاظت شدهٔ خود برگزید و تو را جایگاه اسرار خویش قرار داد چرا که تو از ارواح برگزیده عالم پیش از خلقت ارواح بنی آدم در عالم اشباح و از شاگردان کلاس توحیدی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بودی تا شایستهٔ حمل بقیةاللّهی باشی که دل های مردم جهان را سرشار از نور توحید خواهد کرد و مرض شرک و بندگی غیر خدا را از صفحهٔ زمین پاک خواهد نمود.

مگر می شود جایگاهی که باید حامل یکی از شروط توحید و تحقق لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّه در عالم است، خود آلوده به شرک باشد ؟!

شهادت می دهم که فرزند تو نوری بوده در اصلاب شامخه و ارحام مطهّره که از وجود تو ظلمت جهان را روشنایی خواهد بخشید. تو از همان عالم برگزیده شدی تا مادر فرزندی باشی که روح الله عیسی بن مریم (علیهما السلام) پشت سرش نماز بخواند و او را امام خود بداند و پیروان او هم چشم و دلشان روشن شود که منجی عالم بشریت به آنان نیز انتساب دارد. به همین خاطر خداوند عالم تو را در شاخه ای از نسل بنی آدم قرار داد که وصیّ عیسی بن مریم (علیهما السلام) در آن شاخه است و بدین وسیله انس و الفت پیروان مسیح با مسلمین عمیق تر و ریشه دارتر باشد. تو از همان عالم قبل از این عالم، شاگرد ممتاز ارواح مطهّر چهارده معصوم (علیهم السلام) بودی که خداوند تو را برای حفاظت از اسرار خویش برگزید و به همین خاطر عارف به حق فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بودی و به جایگاه رفیع آنان در سروری بر جهانیان اعتراف داشتی. با آنان مهربان و دلسوز و فدایی ایشان بودی و خواسته آنان

را برخود ایثار فرمودی و بـدین وسـیله به پیروان راه حق تعلیم دادی که برای عزیز شـدن نزد پروردگار جهان، بایـد خواسـته امام زمانشان را خواسته ی خود قرار دهند؛ همان خصوصیتی که هر کس از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) به آن خصلت خود را بیاراید، مدال «مِنَّا أَهْلَ الْبَیْت» را به گردن می آویزد. شاید تنها همین یک خصوصیت در روح مطهر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که در زیارت شریفش آمـده: « وَ مُؤْثِرَةً هَوَاهُم » آن که خواسـته امام زمانش را خواسـتهٔ خود قرار می دهـد و خود را فـدای آنان می کند، موجب شده که از همان عـالم ارواح و ذرّ و میثاق ، برای این مأموریت مهم (به دنیا آوردن حجت خـدا) برگزیـده شود و شاگرد ممتاز کلاس توحیـدیِ رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسلم) و خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشد تا با زندگی کوتاه خود در خانهٔ امام عسکری (علیه السلام) معلم شیعیان و دوستداران این خاندان باشد که بدانند راه تقرب به خدا و رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمهٔ زهرا و امام حسن مجتبی و امام حسـین و نُه فرزنـد معصوم آن حضـرت ، صـلوات الله و سـلامه علیهم اجمعین آن است که خواسـته امام زمانش را بر خواست خود ایثار نمایند تا در اثر این ایثار به رشدی برسـند که امام زمانشان را مانند مغز و خود را ماند پوست ببینند و خواست و اراده ای جز آن چه این مغز جهان خلقت برایشان دارد، نداشته باشند.

آری ، حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) فارغ از مقامی که نزد خاندان عصـمت و طهارت (علیهم السـلام) دارند که در فهم ما نمی گنجد، آن چه را به عنوان تدریسدروس توحیدی بر صفحهٔ زندگی دوستداران و شیعیان بلکه هر

انسان حقیقت جوئی نوشته انـد، همان یک جمله است که: « وَ رَغِبْتِ فِي وُصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللّهِ ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ ، مُؤْثِرَةً هَوَاهُم » و شهادت می دهم تو در وصلت و اتصال به پسران رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسـلم) اشتیـاق تمام داشتی در حالی که ابتـداءً به حق آن ها عارف بودی و به درستی و صـداقت آنان ، کاملاً ایمان و باور داشتی و از پلیدیِ شک دربارهٔ آنان به دور بودی ، و به جایگاه و مقام والایشان در مرکزیت علم و عصمت و هدایت جهانیان اعتراف داشتی ، و به راه و مرامشان بینا و آگاه بودی و دل سوز و فدایی آنان بوده و خواسته ایشان را بر خواست خود ایثار می نمودی .

اینک بایـد به این معلم آموزش دهندهٔ مدرسهٔ توحید عرض کنیم که: هر چند پشت پرده اسـرار روح باعظمت تو ای مادر حجت خدا بر ما به جهت کوچـک بودن ظرفیت روحمـان، کـاسه در برابر دریاست . اما ظاهرِ تعالیم و دروس عملیِ تو در فـدایی بودن برای حجت خـدا ، بسان آب و بابایی است که معلمین بر تخته سیاه، جهت تعلیم به دانش آموز می نویسند.

ای مادر حجّت خدا! ما دانش آموزان مکتب توحیدیِ شـما هستیم. ای خاتون دوسـرا و ای ملیکهٔ امورَ ما در شب قدر که با شفاعت تو در پیشگاه فرزند عزیزت ، تقدیرات ما از شقاوت و محرومیت به سعادت و رحمت خاص « مقام مخلِصین » (به کسر لام و فتح آن) تغییر می کند.

ما را نزد فرزنـد دل بندت شـفاعت فرما تا راه و رسم فداییِ امام زمان را به ما بیاموزی و در مدرسه توحیدی ات معلمی توانا که تربیت شدهٔ خود شـما است بر مـا بگمار تا آب و بابای زنـدگی و حیات طیّبه را با ما هجّی کنـد و کلمه به کلمه و حرف به حرف به ما الفبای بنـدگی را بیاموزد. به راستی ای خاتونِ دوسـرا، آیا ما هم روزی را خواهیم دید که به سـفارش تو و دعای تو مدال « واَقِمنَا بِخِدمَتِهِ» را فرزند عزیزت به گردن ما بیاویزد که تمام قد در خدمت او باشـیم. «وَ حَالِی فِی خِدمَتِکَ سَرمَداً» را با خنکای وجودمان بچشیم و قطره ای از دریای عشق و محبتی که تو به همسرت و پدرانش و همسر و فرزند گرامش داری، در قلب ما بچکانی تا ما هم در این دریا غریق لطف و رحمت شویم که بـا چشم حقیقت بین قلب، عـارف به حق امـام زمانمان بشویم و او را مغز متفکّر پیکرهٔ بشـریت ببینیم و بفهمیم برای تکامل مقام انسانیت راهی جز اتصال باقلب عالم هستی و مغز آن امام زمان ارواحنا فداه نداریم و شاید بتدریج به این جمله در حدیث قدسی برسیم که خداوند متعال فرمود :

«وَ

مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْ ءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا ...؛(1) هیچ بنده ای به من نزدیکی نمی جوید به چیزی دوست داشتنی تر از آن چه بر او حتمی و واجب کرده ام و

1- . بحارالانوار، ج 72، ص 155؛ جامع الاحادیث، ش 265825.

قطعاً بنده ام پیوسته به من تقرب پیدا می کند به وسیلهٔ نافله (مستحبات) تا آن جا که من دوستدارش می شوم و آن گاه که دوستدارش شوم گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن حرف می زند و دست او می شوم که با آن کاری انجام می دهد ».

آری ، از پیله خود به درآمدن و پروانهٔ کوی او شدن، راه راست بندگی و عبودیتی است که انسان را چنان به امام زمانش وصل می کند که مَثل دست برای امام زمانش می گردد چرا که عمل از روی آتش محبت ، انسان را دگرگون می کند و دید وجودش را تبدیل به حور می کند . راه نافله پس از عبودیت و بندگی، یعنی راه عشق و محبت مُحب به محبوب که کم کم محبوب را وادار به محبت می کند و او را محبوب خود می گرداند. راه و رسم عاشقی و محبت اکسیر است که مس وجود را طلای ناب می کند و این راه را حضرت نرجس (علیها السلام) با عمل خود به ما آموخت که محبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر قدر با کیفیت تر و عمیق تر باشد ، انسان را طلایی تر می کند و چنان که رسم عشاق است «خواسته های عاشق تبدیل به خواسته های محبوب می شود» و لذا فرزند غریب و مظلومش که پس از وفات شهادت گونه ی مادر، دیگر جز غربت جایی برای سکنی نیافت و آواره بیابان ها شد فرمود:

« فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا ؛ پس هریک از شما به خاطر آنکه ظهور ما به طور ناگهانی و غیر مترقبه است، هر یک از شما باید با آن چه او را به محبت ما نزدیک می کند، عمل نماید و از آن چه موجب خشم و ناراحتی ما می باشد اجتناب کند.»

این گوی و این میدان تمرینات عملی اظهار محبت به شریف ترین عنصر خلقت آقا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که این بانوی کرامت و وفاداری به حجت خدا حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به ما آموختند که به تعبیر عرفانی بعضی از اهل معرفت همان گونه که حضرت نرجس (علیها السلام) جسم شریفش به همراه روحش، ظرفی برای پرورش جسم حجت خدا و نجات دهنده بشریت گردید، عشاق کوی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با تمرکز بر محبت آن یگانه حجت خدا در روی زمین به تدریج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در قلب خود بزرگ و بزرگتر می کنند و از دید اندک نسبت به او به دید والای «عارفین بحقکم» که در امثال سلمان ها و مقدادها به بلوغ و کمال خود می رسد، نائل شوند و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان در قلبشان بزرگ می شود که همه خواسته های قلبشان یک خواسته شده و دارای قلبی مجتمع می شوند، یعنی قلبی که همهٔ صفاتش با صفات امام زمانش یکی شده و صاحبش دارای نفس مطمئنه و راضیه و مرضیه گشته است و چیزی جز محبوب در آن یافت نمی شود. این گوی و این میدان مسابقه ای که خداوند متعال به راه انداخته و می فرماید :

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»

پس عصر غیبت را غنیمت بشماریم و در میدان سبقت جستن در خوبی ها بر یکدیگر سبقت بگیریم که در روز موعود هر کجا که باشید خدا شما را گرد یکدیگر (کنار کعبه و در حضور حجت خدا برای شروع قیام جهانی اش) جمع می کند.

دهم رجب المرجب 1444

12بهمن 1401

شرحی بر زیارتنامهٔ مادر امام زمان روحی فداه / شیخ ابالفضل سبزی

اشاره

به قلم : محقق و شاعر ولائی :

حجت الاسلام آقای ابوالفضل سبزی زید عزه

*****

شرحی بر زیارتنامه مادر امام زمان روحی فداه

بسم الله الرحمن الرحیم

یا صاحب الزمان! آقا جان مهربانم ، این نوشـتار به مادر معصومهٔ شما تعلق دارد ، پس خودتان در همه امور و در این نگارش یاری ام کنید ...

«السَّلاـمُ عَلَیٰ رَسّـولِ اللهِ صـَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ الْآ َمِینِ، السَّلاـمُ عَلَیٰ مَوْلانـا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ، السَّلاـمُ عَلَی الْآ َئِمَّةِ الطَّاهِرِینَ الْحُجَجِ الْمَیامِینِ...»

سلاـم و درود بر پیـامبر راستین و امین خـدا و آل پـاک آن عزیز بـاد، سـلام بر مولای ما امیر مؤمنان و سـلام بر تمام امامان پاک و طاهر و حجت های با برکت خدا...

سلاـم ، نشـانه دوستی است ، نشانه تسـلیم و بنـدگی و نشانه صـلح و ایمان است . سـلام ، کلیـد گشایش حرف های زیبا و برات ورود در دارالسـلام و خانه مهر و محبت و دوستی است . زیارتنامه های ما با سـلام شروع شده و با درود و تحیات همراه است ، از این رو کسی که زیارت نامه می خواند غرق سلام و محبّت اهل بیت (علیهم السلام) می شود ؛ زیرا جواب سلام واجب است و اهل بیت (علیهم السلام) بهترین عمل کنندگان به دستورات اسلام اند و به یقین جواب سلام ما را می دهند .

اهل بیت (علیهم السـلام) لسان الله هسـتند ، در واقع اگر اهل بیت (علیهم السـلام) به ما سـلام بدهند گویا خدا به ما سـلام داده است و کسی که خدا و اهل بیت بر او

سلام و درود می فرستند از تاریکی به سوی نور هدایت می شود ؛ زیرا این تصریح قرآن است که می فرماید : « هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا »(1)؛ « او کسی است که بر شما درود و صلوات می فرستد و فرشتگان او نیز بر شما درود می فرستند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور در آورند و او به مؤمنان مهربان است .»

بعد از سلام بر پیغمبر رحمت و اهل بیت (علیهم السلام) سلام به مادر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با این عبارت شروع می شود:

«السَّلامُ عَلَىٰ والِدَةِ الْإِمامِ...»

سلام بر مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، سلام بر کسی که اسرار فرمانروای دانای عالم به او سپرده شده، و این توفیق را پیدا کرده که مادر امام عصر روحی فداه باشد؛

«السَّلامُ عَلَىٰ والِدَةِ الْإِمامِ، وَالْمُودَعَةِ أَسْرارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ، وَالْحامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنامِ...» بزرگترین افتخار حضرت نرجس (علیها السلام) این است که توفیق یافته مادر حجت خدا حضرت ولی عصر روحی فداه باشد ؛ امام زمان آرزوی تمام انبیاء و اولیاء الهی است و به قول معروف « آنچه خوبان همه دارند تو یک جا داری »، او تجلی تمام پیامبران و امامان و خوبان عالم است به همین جهت لقب آن حضرت « اشرف الانام » است ، حال حضرت نرجس (علیها السلام) این افتخار را دارد که مادر چنین وجود مبارکی است .

1- . سوره احزاب ، آیه 43.

در واقع گوهر نابی که به حضـرت نرجس (علیها السلام) داده شده گوهری برگزیده شده از میان تمام انبیاء و اولیاء الهی است و همان طور که در حـدیث معراج آمده: «وَ اَلْحُجَّةُ اَلْقَائِمُ كَأَنَّهُ اَلْكَوْكَبُ اَلدُّرِّيُّ فِي وَسْطِهِمْ»(1) آن حضـرت همچون ستاره ای درخشان در میان انوار الهی می درخشـد . حال این گوهر که تمام زیبارویان و نیک دلان و خسـروان عالم هستی جا دارد به دیـدار رخش، ردا دراندازنـد و قالب تهی کنند و جان بازند در دامن این مادر عزیز جای گرفته است .

«وَالْمُودَعَةِ أَسْرارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ» ؛

سلام بر کسی که اسرار خداوند دانا به او سپرده شده است .

این عبارت نشان دهنـده جایگاه با عظمت مادر امام زمان روحی فداه است؛ سـلام بر کسـی که اسـرار الهی به او سپرده شده یعنی قلب او ظرفی بسـیار وسـیع و گسترده است که جایگاهی برای اسرار اهل بیت (علیهم السلام) شده است. امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرمایند : «إنّ هـذهِ القُلوبَ أوعِيَـةٌ ، فخَيرُها أوعاها لِلخَيرِ»(2)؛ «این دل هـا ظرف هسـتند و بهـترین دل آن دلی است که برای پـذیرش خوبی هـا و حقایق، ظرفیت بیشتری داشته باشد». ما باید همواره در درگاه خدا عرض کنیم « رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي »(3) و از خدا

1- . الغیبة للنعمانی ، ج 1 ، ص 93.

2- . غررالحکم ، ح 3449.

3- . سوره طه ، آیه 25.

بخواهیم که دلما را برای پذیرش معارف و حکمت های الهی و شناخت اهل بیت (علیهم السلام) وسعت بخشد.

اما مادر امام عصر روحی فداه جزء کسانی است که برای مادری حجت خدا انتخاب شده و دلش آنچنان وسعت دارد که معدن معارف و اسرار اهل بیت (علیهم السلام) است .

السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرضِيَّةُ

حضرت ملیکا صدّیقه است ؛ صدیقه یعنی وجودی که به تمام معنا اهل حقیقت و راستی و درستی است و کجی و دروغ در او وجود ندارد. حضرت نرجس (علیها السلام) با اقتدا به حضرت زهرا (علیها السلام) صدیقه است و تمام گفتار و رفتارش با رضای خدا تطبیق دارد .

او مرضیه است یعنی خدا به تمام معنا از او راضی و از او و زندگی اش خشنود است . کسی که سال ها عمر خود را در انتظار سپری نموده و در طول این مدت، با تمام وجود ، انتظار رسیدن به حجت خدا و وصال خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) را داشته و در این مسیر صبر نموده و از مسیر بندگی و اطاعت خدا خارج نشده قطعاً وجودش مرضیه خداست .

السَّلامُ عَلَيْكِ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسىٰ

سلام بر بانویی که شبیه مادر حضرت موسی (علیه السلام) است .

مادر حضرت موسی بانویی پاک و صبور بود که خدا به او وحی نمود که موسی را از شر فرعونیان حفظ کند و برای آنکه جانش در امان بماند او را در صندوق بگذارد و داخل نیل بیندازد . او نیز بندگی خدا را نمود و به این وعده الهی عمل کرد و در مسیر رسالت و نبوت فرزندش صابره بود .

مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) نیز محدثه بود ، یعنی ملائکه با او سخن می گفتند و او از اخبار خودش و فرزندش باخبر بود . او از طریق همین اخبار غیبی می دانست که با وجود نازنین امام حسن عسـکری (علیه السـلام) ازدواج می کنـد و مادر حجت خـدا حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهد بود . او نیز مثل مادر موسی مجبور بود به شیوه های مختلف محافظ جان فرزندش از فرعون های زمان باشـد و او نیز مانند مادر موسـی گاه به فراق فرزندش مبتلا می شد و در این جهت صبر می نمود به طوری که نقل شده است گاهی می دید که فرزنـدش در گهواره نیست و نگران می شـد لـذا به خـدمت امام عسـکری (علیه السـلام) می رسـید و از حال فرزندش جویا می شد ؛ حضـرت نیز با آرامش این حقیقت را یادآور می شد که جای نگرانی نیست ؛ زیرا فرشـتگان آسـمان آن حضـرت را به آسـمان برده اند تا از جمال او نور گیرند و به وجود او متبرک شوند. در این رابطه که حضرت نرجس به مادر موسی تشبیه شده نقل شده است :

حضـرت حکیمه خاتون (علیها السـلام) نقل می کنند : بعد از تولد حضـرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، امام حسن عسـکری (علیه السلام) به من فرمود : « فرزندم را نزد من بیاور .» من آن حضرت را برداشتم و نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) بردم ، چون در مقابل پدر بزرگوارش رسـید در حالی که در دسـتان من قرار داشت بر پدر بزرگوارش سـلام کرد . سپس امام حسن عسکری (علیه السـلام) او را از دست من گرفت و در آن حال ، فرشـتگانی به شـکل پرنـده بال های خود را بر سـر آن حضـرت گستراندنـد . امام حسـن عسکری (علیه السلام) به یکی از آن پرندگان فرمود : « او را بردار و از وی محافظت کن و در هر چهل روز او را به سوی ما

بازگردان .» پس آن پرنده،حضـرت را برداشت و به سوی آسـمان پرواز کرد و پرندگان دیگر ، به دنبال او پرواز کردند . امام حسن عسـکری (علیه السـلام) فرمود : « مهدی جانم! تو را به آن کسـی می سپارم که مادر موسی ، فرزندش را به او سپرد .» در این هنگام حضرت نرجس خاتون (علیها السـلام) شروع به گریه کردن نمود . امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود : « گریه نکن! او از غیر تو شیر نخواهد خورد و به زودی به سویت باز خواهد گشت همان طور که موسی (علیه السلام) به سوی مادر خود برگشت ، و این همان قول خداوند که فرمود : « پس موسی را به مادرش برگرداندیم تا دیده مادرش به او روشن شود و اندوهگین نشود .»(1) من پرسیدم : « این پرنده ، چه بود؟! » حضرت فرمود : «او روح القدس بود .»(2)

«وَابْنَةَ حَوارِيِّ عِيسىٰ»

سلام بر دختر حواری حضرت عیسی (علیه السلام)

حضـرت نرجس از نسل شـمعون حواری حضـرت عیسـی (علیه السلام) است . حواریون کسانی بودند که به دنیا و مال و مقام ظاهری آن پشت نموده و در مسـیر بندگی خدا و پاکی خویش حرکت می کردند. آن ها همچون پروانگانی به گرد حضـرت عیسـی (علیه السلام) می گردیدند و طبق فرموده امام رضا (علیه السلام) چون روح خود را از آلودگی ها و رذائل پاک کرده و در پی پاکی و شایسته سازی دیگران نیز بودند به آن ها حواری می گفتند.(3) شمعون بن

1- . سوره طه، آیه 40.

2- . روضة الواعظین ، ص 423 ، و کمال الدین، ج 2 ، ص 153.

3- . بحارالانوار ج 14 ص 272.

حمون، ملقب به صـفا (پطرس) یکی از این حواریون و دلدادگان عیسـی بن مریم (علیهما السلام) بود و در میان آن ها از دیگران شاخص تر بود و ریاست مؤمنان را بر عهـده داشت و طبق برخی نقل ها از پیامبران الهی و وصّ ی عیسـی بن مریم (علیهما السـلام) بود . زمانی که خداونـد اراده کرد که عیسـی (علیه السـلام) را به آسـمان ببرد، به او وحی کرد که نور الهی و حکمت و دانش کتاب خـدا را به شـمعون بن حمون الصـفا ، جانشـین خود بر مؤمنان بسـپارد و به این ترتیب ، شمعون پیوسته به فرمان خداوند گوش فرا می داد و به کمک هدایت های عیسوی بنی اسـرائیل را هدایت و با کفار مقابله می نمود . هر کس که شمعون را اطاعت کرد و دستوراتش را پاس داشت در زمرهٔ مؤمنان و هر کس که به مخالفت با او برخاست در زمره ی کفار قرار داشت .

حضـرت عیسـی (علیه السـلام) پیش بینی کرد که پس از وی مردم به سه گروه تقسیم می شوند که تنها پیروان شمعون از نجات یافتگانند . این سه گروه عبارتند از : مخالفان عیسـی (علیه السـلام) به ویژه یهودیان ، طرفداران نظریهٔ خدایی عیسی و طرفداران پیامبری مسیح ، یعنی پیروان شمعون که در طریق هدایت باقی ماندند . شمعون صفا سرانجام در مسیر حق گویی و مبارزه با باطل به شهادت رسید .(1)

حال از چنین شخصـی که تحت تربیت خاص حضرت مسیح (علیه السلام) بوده و زندگی اش سراسر پاکی و معنویت بوده است فرزندی به دنیا آمده به نام

1- . بحارالانوار ، ج 14، ص 336 و 515 و ج 45، ص 203.

ملیکا و خدا او را برای مادری حضرت حجت بن الحسن ارواحنا فداه انتخاب نموده است .

السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ

سلام برتو ای بانوی باتقوا و پاک.

مادران اهل بیت (علیهم السلام) تمامی پاک و پرهیزکار بوده اند و همه آن ها از عالم ذر به عنوان بانوانی برگزیده انتخاب شده اند تا ظرف وجود نازنین معصومان (علیهم السلام) باشند به همین جهت آن ها تمامی پاک و معصوم اند و در زیارت نامه ها به این حقیقت تصریح شده که آن ها ارحام مطهره هستند و هرگز آلودگی و گناه و معصیت نداشته اند .

«تقیه» یعنی وجودی که هر کاری را بر اساس تقوا و رضای خدا انجام می دهد و تمام امورش در مسیر تقوا تنظیم شده است و «نقیه» یعنی وجودی که از زشتی ها و پلشتی ها و گناهان، پاک و طاهر است.

السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ

سلام بر وجودی که راضیه و مرضیه است

رضیه و راضیه یعنی کسی که تسلیم پروردگار است و به تمام خواسته های الهی راضی است و هرگز در مقابل اوامر الهی ناخشنودی ندارد . و مرضیه یعنی وجودی که از هر جهت پسندیدهٔ خداست و خداوند از او و اعمال او راضی و خشنود است ، از این رو کسی که مرضیهٔ خدا باشد در واقع تمام افکار و اعمالش درست و نیک و شایسته است .

السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْإِنْجِيلِ

سلام بر وجود مبارکی که در انجیل توصیف شده است

گاهی اوقات ما ذکر خیر کسی را می نماییم یا از کسی تعریف می کنیم این خیلی مهم نیست اما اگر خدا از کسی تعریف و تمجید نماید در واقع او شأن و جایگاهی والا دارد.

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) وجود نازنینی است که خدای عزیز قرن ها قبل از تولد آن بانو در کتاب انجیل مدح ایشان را نموده است . همه می دانیم که نام و یاد چهارده معصوم (علیهم السلام) و بشارت ظهور پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) و مژده ظهور مصلح کل حضرت مهدی روحی فداه در کتاب های پیامبران گذشته آمده است و در این میان مسأله ظهور مصلح آخرالزمان از مهم ترین پیشگویی هایی است که در کتاب های آسمانی ذکر گردیده است. جالب اینجاست که از مادر حضرت مهدی روحی فداه نیز در برخی کتب آسمانی تجلیل شده که این فراز از زیارت به این حقیقت تصریح دارد .

الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وُصْلَتِها مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ

سلام بر بانویی که او را برای امام عسکری (علیه السلام) از حضرت مسیح (علیه السلام) خواستگاری کردند و آقای پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) مشتاق این وصلت بود .

حکایت خواستگاری و عقد و ازدواج بانو ملیکا در داستان زیبای آن حضرت نقل شده است . در مجموع این که بانویی با این تشریفات و برنامه های آسمانی به بیت امامت وارد شود و بالاترین شخصیت های عالم یعنی پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت زهرا (علیها السلام) خواستگار او باشند و آن عزیز

را برای پارهٔ وجودشان امام حسن عسکری (علیه السلام) خواستگاری کنند ، نشانگر جایگاه با عظمت آن بانوست . این که حضرت محمد (صـلی الله علیه وآله وسلم) خواهان این پیوند آسمانی بوده و به این پیوند علاقه و اشتیاق داشته و به زندگی و پیوند و تولد فرزندش حضرت مهـدی (عجـل الله تعالی فرجه الشـریف) بشارت داده نشان از مقام رفیع این بانوست . در واقع وجود مبارک پیامبر عزیز (صـلی الله علیه وآله وسـلم) چون آگاه بوده که ثمرهٔ این پیوند ، طلوع خورشـید مهدی آل محمد (صـلی الله علیه وآله وسـلم) در سـرای دنیاست به همین جهت همواره مشتاق این پیوند الهی بوده است .

وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارَ رَبِّ الْعالَمِينَ

همان طور که گفته شد حضـرت نرجس (علیها السـلام) این افتخار را دارد که صاحب سـرّ خاندان عصـمت و طهارت باشد و قلب پاک و بزرگش محل سپردن اسرار اهل بیت (علیهم السلام) گردد.

به طور کلی یکی از صـفات پسـندیدهٔ انسانی ، صفت امانت داری است تا جایی که دیگران نسبت به شخص امانت دار اعتماد کامل داشته باشند . حال بالاتر از امانت های ظاهری امانت های معنوی است ، حضرت نرجس آنچنان مورد اعتماد خاندان عصمت و طهارت است که امانت دار آن بزرگواران به حساب آمده و سرّ مستودع خداوند به او سپرده شده است .

یکی از مصادیق اسـرار مسـتودعه ، وجود نازنین حضرت ولی عصر روحی فداه است که سرّ نهان حضرت زهرا (علیها السلام) است و در دامان حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) جای گرفته است .

السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلَىٰ آبائِكِ الْحَوارِيِّينَ

سلام بر تو و بر پدرانت که از حواریان بودند

بر اساس این فراز از زیارت ، بسیار واضح است که پدران بانو ملیکا تمامی موحد و خداپرست و پیرو حضرت مسیح (علیه السلام) بوده اند . پیرامون جناب شمعون (علیه السلام) که وصی حضرت مسیح (علیه السلام) است در فرازهای قبل سخن به میان آمد .

السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلَىٰ بَعْلِكِ وَوَلَدِكِ

سلام بر تو و بر همسر و فرزندت

در این فراز ، سلام به بانو در کنار سلام به دو امام معصوم قرار گرفته است .

سلام بر تو ای بانویی که افتخار همسری امام عسکری (علیه السلام) را پیدا نمودی و این سعادت نصیب تو شد که مادر حجت خدا و موعود تمام انبیاء باشی .

بسیار واضح است که در کنار امام بودن افتخار نیست بلکه همراهی با امام ارزش دارد ، خیلی ها همسر پیامبر یا امام بوده اند ولی به این مقام معنوی دست نیافتند که در کنار پیامبر و امام معصوم به آن ها سلام و درود فرستاده شود و حتی چه بسا همسرانی بوده اند که از رحمت خدا دور گشته اند ، اما شخصیتی مثل حضرت نرجس (علیها السلام) آن چنان با اهل بیت (علیهم السلام) همراه شده که در معرض سلام و درود و تحیات خدا و اهل بیت (علیهم السلام) و مؤمنان واقع شده است .

السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلَىٰ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ الطَّاهِرِ

سلام بر تو و بر روح و بدن پاک و طاهرت

این فراز نیز دلیل دیگری بر پاکی ، عصمت و طهارت حضرت نرجس (علیها السلام) است . به عقیده ما تمام مادران چهارده معصوم (علیهم السلام) دارای عصمت بوده و از جانب پروردگار انتخاب شده بودند ؛ زیرا خدای حکیم وقتی از آغاز آفرینش، مقدّر فرموده که این چهارده نور پاک برای راهنمایی و هدایت مردم به سوی بندگی و سعادت به دنیا بیایند حتماً بر اساس عدل و حکمتش مسیر آمدن آن عزیزان را هم تقدیر فرموده است . از این رو آن ها را در یک مسیر کاملاً طیب و طاهر وارد عالم دنیا نموده است به طوری که در زیارتنامه معصومان (علیهم السلام) می خوانیم شما نوری در اصلاب شامخه و ارحام مطهره بودید ، یعنی هم از طرف پدر و هم از طرف مادر نسب و شجره شما طیبه است . توضیح بیشتر این مطلب را در کتاب « شهربانو مادر امامان و بانوی ایران » نوشته ام .

أَشْهَدُ أَنَّكِ أَحْسَنْتِ الْكَفالَةَ، وَأَدَّيْتِ الْأَمانَةَ

گواهی می دهم که تو به خوبی کفالت نمودی و امانت را ادا کردی

در این فراز به دو نکته مهم از زندگی نورانی حضرت نرجس (علیها السلام) اشاره شده است ؛ یکی کفالت نیکو و دوم ادای امانت ؛ اما کفالت چه کسی ؟ کفالت وجود مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تاج انبیاء و اولیاء و وارث تمام پیامبران و امامان و آقای خوبان . هر مادری فرزندش را میوه جان خویش می داند و به بهترین نحو از او مراقبت می کند حالا وقتی گوهر آفرینش در دامن

حضرت نرجس (علیها السلام) قرار گرفته و او نیز نسبت به این گوهر تابناک معرفت دارد به بهترین نوع ممکن مراقب آن وجود نازنین است و تمام وجودش را وقف رسیدگی به این گوهر الهی نموده و این امانت الهی را به بهترین شکل ممکن حفظ کرده است .

وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضاةِ اللهِ

و در مسیر رضایت خدا کوشیدی

همهٔ انسان ها تا در این دنیا هستند در تکاپوی رسیدن به خواسته ها و آرزوهای خویش هستند و در این مسیر حرکت می کنند . هر کس مشغول کاری است و همه به نوعی در حال تلاش و کوشش هستند اما خیلی از این تلاش ها در مسیر رضای خدا نیست . حتی خیلی ها سعی و همت والایی دارند و در مسیر خواسته های خود ، نهایت تلاش و کوشش و جهاد را دارند اما اجتهاد و جهادشان در مسیر خشنودی خدا نیست. بسیار واضح است که اگر سعی و کوشش انسان در مسیر رضای خدا و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همراه با تقوا و کاردرستی نباشد بی ارزش است. همان طور که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند : « وَاعلَمْ أنّهُ لا يَنفَعُ اجتِهادٌ لا وَرَعَ فيهِ »(1)؛ « بدان که سخت کوشی در کار یا عبادت اگر با پارسایی و تقوا همراه نباشد، بی فایده است .»

بنابراین تلاش و جهادی ارزش دارد که در مسیر خدا باشد و حضرت نرجس زندگی اش ، تلاش و مجاهدت در مسیر رضای خداست .

1- . امالی مفید ، ص 194.

وَصَبَرْتِ فِي ذاتِ اللهِ

و در طریق خدا صبر نمودی

به یقین صبری که برای خـدا باشد خیلی گرانبهاست . حضـرت زینب کبری (علیها السـلام) نمونه صبر و بردباری است و چون صبرش در مسیر خدا و برای امام زمانش بوده تمام سختی ها و مصائب را زیبا می بیند و می فرماید : « مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلًا »(1)

حال بانو ملیکا نیز صبر را در عمل به نمایش گذاشته است زیرا این بانو مجبور بوده بخشی از عمر خود را در قصری سپری کند که خیلی ها در مسیر عقیده و اندیشه زیبای او نبوده اند ولی در عین حال با آن ها صبر نموده و با متانت و اخلاق و مدارا این دوره را سپری کرده است.

جهـاد صبر دیگر او صبر و انتظار او در دورانی است که آن بانو از محبوب خویش جـداست و مجبور است فراق امام حسن عسـکری (علیه السلام) را تحمل کند تا زمانی که به آن حضرت برسد .

و صبر مهم تر آن بانو زمانی است که در مراسم عقد و عروسی او ، سه مرتبه زمین می لرزد و تخت واژگون می شود و مراسم عقد او به هم می خورد و برخی با کنایه و زخم زبان او را شـر می خوانند ولی او صبر نموده و تحمل می کند و همچنان در طوفان حوادث منتظر رسیدن به حجت خدا می ماند .

1- . بحارالانوار ، ج 45 ، ص 115.

و اما صبر و جهاد بالاتر او زمانی است که ناچار است در قالب اسیر خود را وارد اسراء نماید تا به این طریق به محبوب خویش دست یابد . آن حضـرت با این که بانوی اول و شاهزاده است اما حاضـر است برای رسـیدن به حجت خدا و امام زمانش تمام شخصـیت خود را پایین بیاورد و خود را در میان اسـیران و کنیزان قرار دهـد تا به این بهانه به امام خویش برسد . این صبر خیلی بزرگ و باعظمت است که شاهزاده باشـی ولی در میان اسـیران و فقیران قرار بگیری ، کاخ نشـین باشـی ولی برای وصال مولا کوخ نشین گردی! این تواضع و صبر بانو نشان گر یقین کامل و اعتقاد درست ایشان به جایگاه امامت و ولایت است.

این حرکت بـانو برای مـا درس هـای زیـادی دارد و رمزی برای وصـال یار است. یکی از درس های اخلاقی این حرکت، این است که اگر خواهان وصال یاری بایـد از منیت ها و جاه و مقام ظاهری خویش بگـذری . باید از لباس کبر و غرور و خودخواهی جدا شوی و در لباس تواضع به وصال محبوب برسی ، باید

در این خانه چون گدایان فروتن گردی تا حقیقت را دریابی . اگر خواهان وصال آقای عالم حضـرت صاحب الزمان روحی فداه هستی باید صاف و ساده و خاکی شوی ، گرد پایش شو تا بلندت کند ، مگر نشـنیده ای که فرموده اند : « مَن تَواضَعَ للّهِ رَفَعَهُ اللّهُ فَهُو في نَفسِهِ ضَعيفٌ وفي أعيُنِ النّاسِ عَظيمٌ »(1)؛ « هر که برای خدا فروتنی کند خدا او را بالا می برد. چنین شخص همواره خود را کوچک می بیند اما خدا او را در چشم دیگران بزرگ می نماید .»

1- . کنزالعمال ، ح 5737.

بایـد اسـیر این خانه شد تا از همه چیز و همه کس آزاد شد، بانو ملیکه خود با این که ملیکه بود اما خود را خاکی در خانهٔ اهل بیت (علیهم السـلام) نمود و مقامش آنچنان بالا رفت که اکنون بزرگان عالم بایـد به او متوسل شوند. او خود را اسـیر عشق مولا نمود و با این اسارت به تمام خوبی ها رسید و در آسمان عشق و بندگی پرواز نمود .

وَحَفِظْتِ سِرَّ اللهِ وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللهِ وَبالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللهِ وَ رَغِبْتِ فِي وُصْلَةِ أَبْناءِ رَسُولِ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم)

و راز خدا را حفظ نمودی و توفیق مادری ولیّ خدا را پیدا نموده و در حفظ حجت خدا تلاش کردی و همواره مشـتاق وصال فرزندان رسول خدا بودی .

رمز سـعادت انسـان در شور و اشتیـاق و شـیدایی او نسـبت به خانـدان عصـمت و طهارت (علیهم السـلام) است . هر چه انسان عشق و شیدایی اش به اهل بیت (علیهم السـلام) بیشتر باشد پیش خدا عزیزتر است، سعادت دنیا و آخرت در ارتباط و اتصال به اهل بیت (علیهم السـلام) است و خـدا در قرآن کریم بر این امر مهم تأکیـد نموده و فرموده است : « يَـا أَيُّهَـا الَّـذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّه لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ »(1) و امام صادق (علیه السلام) در رابطه با این آیه می فرماید: «وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَر» منظور از ارتباط در این آیه یعنی با امام زمانتان ارتباط وپیوند داشته باشید.(2)

1- . سوره آل عمران ، آیه 200 .

2- . تاویل الایات الظاهره، ص 133.

ما همچون قطره بارانی هستید که اگر به دریای اهل بیت بریزیم ابدی می شویم اما اگر در برّ بیابان نفس خویش بیفتیم تبخیر شده و از بین می رویم .

حضرت نرجس (علیها السلام) هم پیوند ظاهری و همسری با امام عسکری (علیه السلام) داشته و هم پیوند معنوی و قلبی و ولایی برقرار نموده است . بسیار واضح است که پیوند حقیقی در ازدواج نیست ؛ زیرا چه بسیار زنانی بوده اند که توفیق همسری انبیاء و اولیاء الهی را پیدا کرده اند اما معرفت و ولایت آن عزیزان را نداشته اند . پس پیوند حقیقی همان پیوند معرفتی و مودّتی است که قرآن کریم به آن دستور داده و فرموده : «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»(1) و این پیوند محدود در ازدواج نیست و برای همگان ممکن است .

عارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ

کسی که به جایگاه و حق اهل بیت (علیهم السلام) معرفت و به راستی آنان باور داشت .

ارزش هر انسانی به قدر معرفت و ایمان اوست ، هرچه معرفت و باور انسان نسبت به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بالاتر رود ارزشش نیز بالاتر می رود . در روایات شیعه و سنی این روایت نقل شده است که پیامبر عزیز (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند : « مَنْ ماتَ وَ لَمْ يعْرِفْ إمامَ زَمانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيةً »(2)

در واقع کسی که این جلسه امتحان دنیا را ترک کند در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است یعنی گویا اصلاً دین و

1- . سوره شوری ، آیه 23.

2- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 410.

آیین اسلام را درک نکرده و با مردم نادان عصر جاهلیت تفاوتی ندارد اما در مقابل اگر معرفت حاصل شود کار به جایی می رسد که انسان به ملکوت عالم راه می یابد و حقایق را درک می کند و می بیند آنچه را که دیگران نمی بینند و می شنود آنچه را که دیگران نمی شنوند همان طور که امام زین العابدین (علیه السلام) می فرمایند : « حَتَّی تَخرِقَ أَبصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ إِلَی مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصِیرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِک » ؛ چشم دل و فهم و درک انسان پرده ها و حجاب های نورانی و ظلمانی را در هم شکسته و به سرچشمه عظمت و کرامت دست می یابد و روح آدمی را در آستان قدسی پروردگار به پرواز در می آورد .

همچنین در روایت دیگر به صراحت می فرمایند : «إِنَّکُم لَا تَکُونُونَ صَالِحِینَ حَتّی تَعرِفُوا وَ لَاتَعرِفُوا حَتّی تُصَدِّقُوا وَ لَاتُصَدِّقُوا حَتّی تُسَلِّمُوا »(1) شما به مقام صلاح نمی رسید و صالح نمی شوید مگر این که معرفت پیدا کنید و معرفت پیدا نمی کنید مگر این که حقیقت را تصدیق کنید و حقیقت را تصدیق نمی کنید مگر این که بنده و تسلیم شوید .

وجود مبارک مادر امام عصر روحی فداه بحر معرفت بود و معرفتش را مستقیم از طریق خود اهل بیت (علیهم السلام) و از طریق الهامات قطعی الهی به دست آورده بود و پس از پیوستن به اهل بیت (علیهم السلام) امام حسن عسکری (علیه السلام) او را به صورت ویژه تحت تربیت خاص خویش قرار داده و از کوثر بیکران خویش بهره مندش نموده بود . به عنوان نمونه امام عسکری (علیه السلام) از حضرت حکیمه

1- . الکافی ، ج 2 ، ص 47

خاتون (علیها السلام) عمه خویش خواستند تا معارف الهی را به ایشان فرا دهند . بنابراین حضرت نرجس (علیها السلام) عارفه ای بود با ایمان بود که حقیقت را تصدیق نموده و تسلیم اوامر الهی بود.

مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ

و از روی ایمان و یقین به جایگاه والای اهل بیت (علیهم السلام) اقرار می نمود .

یکی از کارهای پسندیده و ارزشمند ، اقرار به حقیقت است . به عنوان نمونه زیارت آل یاسین یک اقرارنامهٔ معرفتی برای منتظران و دوستداران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که شایسته است منتظران با توجه کامل آن را بخوانند و در محضر خدا و امام عصر روحی فداه به این معارف الهی اقرار نمایند .

مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ

و بصیر به امر امامت اهل بیت (علیهم السلام) بود.

یکی از بهترین دعاها و تعقیبات نماز ، دعای بصیرت است ، آنجا که می گوییم : « وَاجعَلِ النّورَ فِی بَصَری وَالبَصیرَةَ فِي دینی وَالیَقینَ فِي قَلبي وَالإخلاصَ فِي عَمَلي » ؛ « خدایا ! دیده ام را روشن ساز و دینم را با بصیرت و بینش همراه کن و قلبم را پر از یقین فرما و عملم را برای خودت خالص کن » .

در واقع آن چیزی که باعث یقین در قلب و اخلاص در عمل و رسیدن به کمالات روحی و معنوی می شود بصیرت و آگاهی است . انسانی که نسبت به امر امامت و ولایت بصیرت نداشته باشد نمی تواند در جلسه امتحان دنیا به سلامتی و عافیت خود را به بهشت مقصود برساند، در واقعنور امامت و ولایت است که انسان را از کوری و ظلمت نجات می دهد و

به سعادت می رساند اما کسی که این نور را ندارد در ظلمات هوا و هوس خویش راه را گم می کند و به مقصود نمی رسد، همان طور که خدای عزیز می فرماید : « أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ » ؛(1)« همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ آن را می پوشاند ، و روی آن موج ، موج دیگری می آید و بالای آن ابری است و ظلماتی تو در تو (که شخص کافر در آن ها غرق شده است) و هر گاه دست خود را برآورد، آن را نمی بیند . آری! کسی که خداوند برایش نوری قرار ندهد، هیچ نوری برایش نخواهد بود .»

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند : « مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ أَيْ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ إِمَاماً فِي الدُّنْيَا فَمَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ نُورٍ إِمَامٍ يُرْشِدُهُ وَ يَتَّبِعُهُ إِلَى الْجَنَّةِ »؛(2)یعنی اگر کسی در این دنیا نور امامت را نداشته باشد در آخرت نیز این نور را ندارد تا به بهشت رهنمونش کند.

پس آن چیزی که ما را به بهشت می رساند بصیرت به مقام امام زمان روحی فداه و تبعیت از نور ولایت و امامت آن حضرت است .

مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ

غمخوار و دلسوز اهل بیت (علیهم السلام) بود .

1- . سوره نور ، آیه 40.

2- . بحارالانوار ، ج 23 ، ص 324 .

این عبارت درس بزرگی برای محبّان و منتظران امام عصر روحی فداه است، کسانی که دم از مهر و محبّت اهل بیت و امام زمان (علیهم السلام) می زنند باید این دلدادگی و عاشقی تا حدی باشد که دلشان هر لحظه برای آنان بتپد و برای مظلومیت و غربت آن عزیزان و به ویژه امام زمان مظلوم روحی فداه دل بسوزانند .

امام صادق (علیه السلام) پس از نماز خویش برای دل و دیدهٔ چنین عاشقانی به صورت ویژه دعا می کرد و می فرمود: «وَ ارحَمْ تِلكَ الأعيُنَ الّتي جَرَت دُموعُها رَحمَةً لَنا، وَ ارحَمْ تِلكَ القُلوبَ الّتي جَزِعَت وَ احتَرَقَت لَنا، وَ ارحَمْ تِلكَ الصَّرخَةَ الّتي كانَت لَنا، اَللّهُمَّ إنّي أستَودِعُكَ تِلكَ الأنفُسَ و تِلكَ الأبدانَ حَتّى تَروِيَهُم مِنَ الحَوضِ يَومَ العَطَشِ » ؛ « خدایا! این چشم هایی که از سر دلسوزی برای ما اشکهایشان جاری است و این دل هایی که در غم مصیبت ما بی تاب و سوزان است و این ناله و شیون هایی که برای ما بلند است را مشمول رحمت خویش بفرما. بار خدایا! من این جان ها و این پیکرها را به تو می سپارم تا در آن روز تشنگی از حوض کوثر سیرابشان کنی ».(1)

و نیز می فرمودند : «نَفَسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ »؛ « نَفَس شخصی که برای مظلومیت ماغصه می خورد تسبیح خداست و اندوه او به خاطر ما عبادت است و پرده پوشی اسرار ما جهاد در راه خداست ».(2)

1- .بحارالانوار ، ج 30 ، ص 8 .

2- . امالی مفید ، ص 338 .

مگر می شـود عـاشق بـود و مشـفق نبـود ؟! مگر می شود دلـداده بود و دل سوخته نبود ؟! مگر می شود بـا معرفت بود و بـا محبّت نبود ؟! معرفت بی محبّت همچون ریشه ای است که شـکوفا نگشـته و عاشق بی شـفقت گنـج نهانی است که پیدا نشده و دلداده ای که دل سوخته نیست دل بسته ای است که همراه نشده است .

یـک عاشق منتظر با اقتـدا به حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) همواره در تب و تاب امام زمان خویش است ، هیـچ لحظه ای از یاد مولایش غافل نیست، دلش برای مظلومیت و غربت اربابش آتش گرفته و فهم و بصیرتش همراه با احساس و عاطفه و عشق و محبت است .

امکان ندارد کسـی پنجرهٔ دلش به روی امام زمانش باز شده باشد و از جام معرفت مولا چشـیده باشد اما شـیدا نباشد و کسی که شیدا شده چگونه می تواند در غم مولا بی تاب نباشد ، مگر ممکن است کسی عاشق باشد ولی غمخوار امام زمانش نباشد ...

به یقین این غمخواری و این شفقت و دل سوختگی بالاترین عبادت منتظران است .

مُؤْثِرَةً هَواهُمْ

و خواستهٔ اهل بیت را بر خواستهٔ خود ترجیح می داد .

حضرت نرجس (علیها السلام) یک الگوی کامل برای دلدادگان و منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است . کسی که می گوید : « من امام زمانی ام » باید خواستهٔ امام زمانش را بر هوا و هوسش ترجیح دهد .

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند چرا شما دائم از سلمان فارسی به خوبی یاد می کنید و همواره ذکر خیر ایشان را به زبان دارید؟

حضرت فرمود : « لاَ تَقُلْ سَلْمَانُ اَلْفَارِسِيُّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانُ اَلْمُحَمَّدِيُّ أَ تَدْرِي مَا كَثْرَةُ ذِكْرِي لَهُ؟ قُلْتُ لاَ قَالَ لِثَلاَثٍ أَحَدُهَا إِيثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَ اَلثَّانِيَةُ حُبُّهُ اَلْفُقَرَاءَ وَ اِخْتِيَارُهُ لَهُمْ عَلَى أَهْلِ اَلثَّرْوَةِ وَ اَلْعَدَدِ وَ اَلثَّالِثَةُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ اَلْعُلَمَاءِ إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْداً صَالِحاً حَنِيفاً مُسْلِماً وَ ما كانَ مِنَ اَلْمُشْرِكِين » ؛ « نگو سلمان فارسی ، بگو سلمان محمدی ، اما من به خاطر سه ویژگی سلمان همیشه از او یاد می کنم :

اول این که او خواستهٔ امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بر خواستهٔ خود مقدم می داشت. دوم این که محرومان و فقرا را دوست داشته و بر ثروتمندان ترجیح می داد . و سوم این که همواره دوستدار علم بود و عالمان را گرامی می داشت ، سلمان ، عبد صالح خدا ، حق گرا و مسلمان بود و از مشرکین نبود ».(1)

وَأَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ

گواهی می دهم در حالی از این دنیا رفتی که نسبت به دین و امامت معرفت و بصیرت داشتی.

انسان در این دنیا هر چه بالا و پایین برود و اوج و فرود داشته باشد اگر آخر کار با معرفت و محبت و ولایت امام زمانش از دنیا برود ارزش دارد و گر نه همه عمرش هدر رفته است. امیرمؤمنان (علیه السلام) که خودش حقیقت دین است وقتی خبر شهادتش را از پیغمبر رحمت شنید از کیفیت شهادت خویش سوال نکرد بلکه پرسید :

1- . بشارة المصطفی، ج 1 ، ص 267.

«ذَلِکَ فِی سَلَامَةٍ مِنْ دِینی؟»(1) او خودش حقیقت دین و دلیـل سـلامت دین دیگران است اما برای اینکه به ما اهمیت زیبا زیسـتن و زیبا مردن را بفهمانـد می پرسد : آیا وقتی از دنیا می روم دل و دینم سـلیم است ؟ در واقع حضـرت به ما یاد می دهد که دغدغهٔ شـما عاقبت به خیری و سالم زیسـتن و سالم پریـدن باشـد زیرا این دغدغهٔ تمام انبیاء و اولیاء الهی بوده است . به عنوان نمونه در قرآن کریم آمده است که حضرت یعقوب به فرزندان خود سفارش کرد : « وَلَا تَمُوتُنّ إِلّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»(2)؛ «نمیرید مگر در حالی که تسلیم خدا و بنده او باشید» یعنی در حال بندگی بمیرید نه در حال نافرمانی و سرکشـی ، از این دنیا پر نکشید مگر با دل و جانی پاک و امام زمانی. اگر در این دنیا به ما صـد تا لقب یا مـدال یا لوح زرّین بدهنـد اما خروجی ما را امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) تأیید نکند تمام عمر ما ضایع شده است ؛ از قدیم گفته اند « جوجه را آخر پاییز می شـمارند » پس سعادت و شقاوت ما در لحظه رفتن روشنمی شود، آیا در آن زمان حساس ما با لبخند و تأیید امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جلسه دنیا را ترک می کنیم یا با قهر آن حضرت ؟!

زندگی حضـرت نرجس (علیها السلام) سراسر رضایت خداست به طوری که در این زیارتنامه گواهی می دهیم که ایشان تمام عمر خویش را با معرفت و بصیرت و رضایت مولای خویش سپری کرده است .

1- . اقبال الاعمال ، ج 1 ، ص 3.

2- . سوره آل عمران ، آیه 102.

مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ راضِيَةً مَرْضِيَّةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً فَرَضِيَ اللهُ عَنْكِ وَأَرْضاكِ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَمَأْواكِ، فَلَقَدْ أَوْلاكِ مِنَ الْخَيْراتِ مَا أَوْلاكِ

رمز رسیدن به سعادت ابدی و خشنودی خدا و امام زمان این است که ما به صالحان و شایستگان یعنی پیامبران و اهل بیت (علیهم السلام) اقتدا کنیم. حضرت امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند : «ألا و إنَّ أبغَضَ النّاسِ إلَى اللّه ِ مَن يَقتَدي بِسُنَّةِ إمامٍ و لا يَقتَدِي بِأعمالِه »(1)؛ « منفورترین مردم نزد خداوند کسی است که سیرهٔ امامی را بپسندد ولی به صورت عملی از کارهای او پیروی نکند ». همچنین امام عصر روحی فداه می فرمایند : « مَن أحَبّنا فَلْيَعمَل بَعَمَلِنا ، وَلْيَستَعِن بِالوَرَعِ ، فَإنّهُ أفضَلُ مايُستعانُ بِهِ في أمرِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ»(2)؛ « هر که ما را دوست دارد ، باید به کردار ما نیز عمل کند و در مسیر بندگی ، از پارسایی و تقوا مدد گیرد ؛ زیرا تقوا بهترین مددکار در امر دنیا و آخرت است ».

اگر این اقتدا در حرف و عمل شکل گرفت قطعاً ما به مقام رضا و تسلیم می رسیم و مُهر « راضية مرضية » و « تقية نقية » نصیب ما نیز می گردد . بنابراین طبق این فراز از زیارت ، برخی از صفات بارز حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) که زندگی زیبای او را ترسیم نموده است عبارتند از ؛

1- . الکافی ، ج 8 ، ص 234.

2- . الخصال ، ص 614 و تحف العقول ، ص 104.

1. اقتدا به اهل بیت (علیهم السلام) ، 2. در مسیر رضای خدا زیستن ،3. پرهیزگاری ، 4 . پاکی و طهارت در روح و عمل .

و نتیجه این زندگی زیبا عبارت است از :

1. رسیدن به خشنودی و رضایت خدا و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) . 2. بهشتی شدن زندگی دنیایی و رسیدن به بهشت جاودان ، 3. لطف و عنایت و احسان خاص خدا .

فَلَقَدْ أَوْلاكِ مِنَ الْخَيْراتِ مَا أَوْلاكِ

حضرت نرجس (علیها السلام) به صورت ویژه مورد لطف و عنایت خداست. اما احسان ویژه و بلکه بالاترین لطف خدا به این بانو این است که وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به او عنایت کرده است . در واقع وجودی را در دامن او قرار داده که سید الاخیار و خیرالابرار و نورالانوار و صاحب الخیرات است ، امامی که معدن همه خوبی ها و آقای همه نیکان در تمام دوران هاست . به قول شاعر:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد *** تمام هستی زهرا نصیب نرجس شد

وَأَعْطاكِ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْناكِ، فَهَنَّأَكِ اللهُ بِما مَنَحَكِ مِنَ الْكَرامَةِ وَأَمْرأَكِ

و از شرافت و بزرگی آنقدر به تو عطا کرد که شرافتت کامل است

برای این عبارت باید « الله اکبر » گفت! این چه عظمتی است که خدای تعالی به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عطا کرده که می گوییم : خدا

آنقدر به تو شرافت داده که دیگر بی نیازت ساخته است . پس آن چه خدا به تو عطا کرده برایت گوارا و مبارک گرداند .

پناهگاه درماندگان

مقـام مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) آن چنان بالاست که یادش احیاگر دل ها و قبر شـریفش محل توسل و توجه اولیاء خـداست . اگر می خواهیـد بیشتر مورد عنـایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) واقع شویـد برای مادر معصومه اش صـلوات بفرستید و گاه به محضر آن بانوی مهربان دو رکعت نماز یا آیاتی از قرآن را هدیه نمایید. اگر به سامرا رفتید از توسل به آن بانوی کرامت غافل نشویـد ، در این زیارت و توسل، گنج های گران بهایی نهفته است ، به همین جهت در دعای بعد از زیارت در درگاه خدا عرض می کنیم : « وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ » ؛ خـدایا من به قبر مادر ولیّت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) پناهنـده شدم . در واقع قبر بانو پناهگاه درماندگان و پناه جویان عالم است و دعا در این مکان مقدّس ، مستجاب است .

دعای بعد از زیارت بانو ملیکا (علیها السلام)

اللّٰهُمَّ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَ لِرِضاكَ طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيائِكَ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، وَعَلَىٰ غُفْرانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ، فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيارَتِها، وَثَبِّتْنِي عَلَىٰ مَحَبَّتِها، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ وَلَدِها، وَارْزُقْنِي مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْنِي مَعَها وَمَعَ وَلَدِها، كَما وَفَّقْتَنِي لِزِيارَةِ وَلَدِها وَزِيارَتِها، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأَئِمَّةِ

الطَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيامِينِ مِنْ آلِ طٰهَ وَيس أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ الَّذِينَ لَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ أَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَآمَنْتَ خَوْفَهُ، اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيَّاها، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْها أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ إِذا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِها، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفاعَةِ وَلَدِها وَشَفاعَتِها، وَاغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

خدایا تکیه گاه من تویی و من خواهان خشنودی ات هستم و به اولیایت دل بستم و با آنان به درگاهت متوسّل شدم و بر آمرزش و بردباری ات توکل نمودم و در پناه تو آمدم و به قبر مادر ولی تو پناهنده شدم ، پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به وسیله زیارتش سودمند کن و بر دوستی اش ثابت بدار و از شفاعتشو شفاعت فرزندش محرومم مکن و هم جواری اش را نصیبم فرما و با او و با فرزندش محشورم نما، چنان که به زیارت فرزندش و خودش موفّقم نمودی .

خدایا در درگاهت به وسیله امامان پاک رو می آورم و به حجّت های مبارکت از خاندان طه و یاسین توسل می جویم ، از تو می خواهم بر محمّد و خاندان پاک او درود فرستی و مرا از آرام گرفتگان ، رستگاران ، شادمانان ، مژده گیرندگانی قرار دهی که هیچ بیمی بر آنان نیست و هرگز اندوهگین نمی شوند و قرار ده مرا از آنانی که سعی شان را پذیرفته و کارشان را آسان نموده و گرفتاری شان را برطرف

ساخته و ترسشان را ایمن نموده ای . خدایا به حق محمّد و خاندان محمّد، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و این زیارت را آخرین بار من از زیارت این بانوی بزرگوار قرار مده و برگشت به زیارتش را تا زنده ام نصیبم فرما و پس از مرگ مرا در زمره ایشان محشورم کن و در شفاعت فرزندش و خودش واردم فرما و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان با ایمان را بیامرز و به ما در دنیا و آخرت خوبی عطا کن و ما را به رحمتت از عذاب دوزخ نگه دار، ای سرورانم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد .

خدایا ! به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که ملیکه بندگی و صلاح و رستگاری است فرج یوسف عزیزش را برسان و ما را از نوکران آن حضرت قرار بده .

*****

تصویر

ساخته و ترسشان را ایمن نموده‌ای . خدایا به حق محمّد و خاندان محمّد، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و این زیارت را آخرین بار من از زیارت این بانوی بزرگوار قرار مده و برگشت به زیارتش را تا زنده‌ام نصیبم فرما و پس از مرگ مرا در زمره ایشان محشورم کن و در شفاعت فرزندش و خودش واردم فرما و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان با ایمان را بیامرز و به ما در دنیا و آخرت خوبی عطا کن و ما را به رحمتت از عذاب دوزخ نگه‌دار، ای سرورانم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد .

خدایا ! به مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه که ملیکه بندگی و صلاح و رستگاری است فرج یوسف عزیزش را برسان و ما را از نوکران آن حضرت قرار بده .

*****

نرجس خاتون، بانوی پاک و برگزیده / شیخ غلامحسین مجلسی

اشاره

به قلم : نویسنده بزرگوار و ولائی

آقای شیخ غلامحسین مجلسی

*****

نرجس خاتون (علیها السلام) بانوی پاک و برگزیده

آیـا تا به حال به این نکته قرآنی توجه کرده ایم که نام هیـچ زنی در قرآن به صـراحت ذکر نشـده مگر حضـرت مریم (علیها السـلام) و قرآن مجیـد نه تنها نام او را ذکر کرده ، بلکه سوره ای به نام او نامگـذاری کرده و آیاتی در شأن و فضـیلت او ذکر شـده است . شایـد علت ، این باشد که او مادر حضرت عیسی (علیه السلام) یکی از پیامبران اولوالعزم است که خداوند به او عمر طولانی داده تا زمان ظهور را درک کند و پشت سـر پسر نرجس خاتون (علیها السلام) ، حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز بخواند و امّتش را به سوی اسلام و امام زمان دعوت کند .

قرآن کریم در شأن حضرت مریم (علیها السلام) می فرماید :

« وَ إِذْ قـالَتِ الْمَلائِکَـةُ یـا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلی نِساءِ الْعالَمین ؛ به یاد آور زمانی که فرشـتگان گفتنـد: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته است و تو را بر تمام زنان جهان برتری داده است.»(1)

در این آیه شریفه ، قرآن کریم چند صفت از اوصاف حضرت مریم (علیها السلام) را بیان می کند :

1- . آل عمران / 42.

الف : محدثه بودن حضرت مریم (علیها السلام) (1) و این که ملائکه با او صحبت کردند. «إِذْ قالَتِ الْمَلائِكَةُ يا مَرْيَمُ»

ب : برگزیده شدن حضرت مریم (علیها السلام) به طهارت و پاکی که همان مقام عصمت باشد «اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ»

ج : برگزیده شدن و برتری حضرت مریم (علیها السلام) بر تمام زنان جهان در زمان خویش.(2) « وَ اصْطَفاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمين ».

با جستجو در تاریخ و روایات در می یابیم که همهٔ مادران معصومین (علیهم السلام) و من جمله حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) این چند صفت را دارا بوده اند :

الف : محدثه بودن

یعنی آنها پیام ها را از عالم بالا درک می کردند و ملائکه با آنها سخن می گفتند . بلکه بالاتر ، پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا (علیهم السلام) با آنها سخن گفتند و مطالبی از عالم غیب و حوادث آینده برای آنها بیان کردند . مثلاً شهربانو همسر امام حسین (علیه السلام) و مادر امام زین العابدین (علیه السلام) می گوید : زمانی که من در کاخ یزدگرد پادشاه ایران بودم خواب رسول الله و امام حسین (علیهما السلام) را دیدم و پیامبر در عالم رؤیا از من برای امام حسین (علیه السلام)

1- . قرآن دربارهٔ مادر حضرت موسی (علیه السلام) نیز می فرماید : ما به او وحی کردیم .«وَ أَوْحَيْنا إِلى أُمِّ مُوسى أَنْ أَرْضِعيهِ فَإِذا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقيهِ فِي الْيَمِّ » (قصص/7) که کودکت را شیر بده و او را در دریا بینداز و در زیارت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانیم : السلام علیکِ یا شبیهة ام موسی.

2- . طبق روایت که سیدهٔ نساء العالمین من الاولین و الآخرین وجود مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد و مریم سیدهٔ زنان عصر خویش می باشند .

خواستگاری نمودند . شب بعد خواب حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را دیدم و دو کلمهٔ طیّبهٔ شهادتین را با تلقین ایشان بیان کردم (1).

و همچنین در قصه مشهور ملکه روم می خوانیم که نرجس خاتون (علیها السلام) فرمودند : یک شب بعد از به هم خوردن جلسه معظم عقد من و پسر عمویم ، در عالم رؤیا دیدم که حضرت مسیح (علیه السلام) و شمعون و جمعی از حواریین در قصر جدم جمع شدند و منبری از نور که از رفعت بر آسمان سر بلند می کرد بر پا نمودند پس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و وصی و دامادشان حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و جمعی از فرزندان بزرگوار ایشان قصر را به قدوم خویش منوّر ساختند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت مسیح (علیه السلام) فرمودند : ما آمده ایم ملیکه فرزند تو را برای فرزند خود امام حسن عسکری (علیه السلام) خواستگاری کنیم . و پس از چهارده شب که در عشق دیدار امام حسن عسکری (علیه السلام) آتش گرفته و می سوختم در خواب خدمت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) رسیدم در حالی که حضرت مریم (علیها السلام) با هزار حوریه بهشتی در خدمت آن حضرت بودند و با تلقین ایشان دو کلمهٔ طیّبهٔ شهادتین را تلفظ نمودم . پس حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مرا به سینه چسبانید و فرمودند : منتظر فرزندم باش که من او را به سوی تو می فرستم و پس از آن هر شب در عالم رؤیا جمال زیبای امام حسن عسکری (علیه السلام) را زیارت می کردم . تا شبی در عالم رؤیا امام عسکری (علیه السلام) به من فرمودند که در فلان روز ، قیصر لشکری به سوی مسلمانان می فرستد پس تو با لباس کنیزان در عقب لشکر حرکت کن . پس مسلمانان تو را اسیر می کنند و عاقبت کار تو خیر است .(2)

1- . منتهی الآمال ، ج 2 ، ص 31 ، باب 6 ، در تاریخ حضرت سیدالساجدین (علیه السلام)

2- . کمال الدین و اتمام النعمه ، ج 2 ، ص 132.

آیـا این اخباری که از پیامبر ، امیرالمؤمنین ، حضـرت فاطمه زهرا و امام حسن عسـکری (علیهم السـلام) هر شب به نرجس خاتون (علیها السلام) می رسیده او را بالاتر از محدثه بودن قرار نداده است؟! به همین علت در زیارت ایشان می گوییم :

السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ ، وَ الْمُودَعَةِ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ ... ، وَ الْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ سـلام بر مادر امام که در نزدش اسـرار خداوند علیم به امانت گذاشته شده است .(1)

ب: طهارت و پاکدامنی

یکی از نکات مهم و قابل توجهی که در تاریخ و روایات در مورد مادران ائمه (علیهم السـلام) به آن تصریح شده ، طهارت و پاکدامنی این بانوان بزرگوار است که ما در اینجا به صورت مختصر به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم :

1: شهربانو همسر امام حسین و مادر امام زین العابدین (علیهما السلام)

با اینکه دختر پادشاه است اما با لباس کامل و حتی با روپوش که صورت او پوشـیده است در بین اسـرا حاضـر می باشد و زمانی که خلیفه ثانی ، عمر می خواهد صورت او را ببیند ، او رخسار خود را می پوشاند و می گوید : « اف بیروج بادا هرمز » ؛ روی جدم هرمز سـیاه باد (که می خواهند روی دخترش را ببینند) .(2)

2: فاطمه بنت الحسن همسر امام باقر و مادر امام صادق (علیهما السلام)

1- . مفاتیح الجنان ، در زیارات سُرَّ من رای.

2- . اصول کافی ، ج2 ؛ مولد علی بن الحسین (علیهما السلام) ، ص 369، ح 1 .

امام صادق (علیه السلام) در حق مادرش فاطمه بنت الحسن می گوید : « كَانَتْ صِدِّيقَةً لَمْ تُدْرَكْ فِي آلِ الْحَسَنِ امْرَأَةٌ مِثْلُهَا ؛ او صدیقه (پاک و معصوم) بود که در دودمان امام حسن (علیه السلام) زنی مانند او نبود ».(1)

3: حمیده همسر امام صادق و مادر امام کاظم (علیهما السلام)

زمانی که او را نزد امام باقر (علیه السلام) آوردند حضرت از او پرسیدند تو باکره هستی یا ثیبه ؟ عرض کرد : باکره هستم . فرمودند : چگونه بوده که کسی به تو دسترسی پیدا نکرده است ؟

کنیز گفت : هرگاه صاحب من می خواست طرف من بیاید ، خداوند مردی را که موی سر و محاسنش سفید بود بر او مسلط می نمود و بر صورت او می زد تا از من منصرف شود و این قضیه چند مرتبه رخ داد .

و امام صادق (علیه السلام) در حق او فرمودند :

« حَمِيدَةُ مُصَفَّاةٌ مِنَ الْأَدْنَاسِ كَسَبِيكَةِ الذَّهَبِ ...؛ حمیده مانند شمش طلا از همهٔ بلیه ها پاک است . فرشتگان همواره او را نگهداری کردند تا به من رسید به جهت کرامتی که خدا نسبت به من و حجت پس ا زمن دارد .(2)

4:نجمه همسر امام کاظم و مادر علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)

نجمه ، ستاره ای بود درخشان و پاک که به خاطر طهارت و پاکی ، او را « طاهره » لقب دادند .(3)

5 : ریحانه همسر امام رضا و مادر امام جواد (علیهما السلام)

1- . اصول کافی ، ج 2 ، ص 373 ، ح 1، مولد ابی جعفر محمد بن علی (علیهما السلام) .
2- . اصول کافی ، ج 2 ، ص 384 ، ح 1 و 2 .
3- . منتهی الآمال ، ج2 ، ص 457 . در تاریخ امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) .

زنی از نسل ماریه قبطیه بود و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در اخبار غیبی خود از او خبر داده و بر پاکی او شهادت دادند و فرمودند : «بِأَبِي ابْنُ خِيَرَةِ الْإِمَاءِ ابْنُ النُّوبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ ؛ پدرم فدای بهترین کنیزان از اهل نوبه ، آن زن پاکیزه و طیبه باد ». و امام رضا (علیه السلام) نیز از او به عنوان بانوی منزه و پاکدامن همچون حضرت مریم (علیها السلام) یاد نموده و در حق او فرمودند : همسرم سبیکه (ریحانه) در قداست و پاکی چون حضرت مریم (علیها السلام) است او پاک و پاکیزه آفریده شده است .(1)

6 : سمانه همسر امام جواد ، و مادر امام هادی (علیهما السلام)

امام هادی (علیه السلام) در حق او فرمودند : «انَّها أُمَّةٌ عَارِفَةٌ بِحَقِّي، وَ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَقْرَبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَ لَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ هِيَ كانت بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ لَا تَتَخَلَّفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصِّدِّيقِينَ وَ الصَّالِحِينَ».(2)

مادرم عارفه است به حق من و او از اهل بهشت است و نزدیک نمی شود به او شیطان سرکش و نمی رسد به او مکر جبار عنید و خداوند نگهبان و حافظ او است و تخلف نمی کند از مادران صدیقین و صالحین و با آنها هم مرتبه است .

7: سوسن (سلیل) همسر امام هادی ، و مادر امام حسن عسکری (علیهما السلام)

در کتاب « اثبات الوصیه » روایت شده است که : زمانی که این بانوی بزرگوار را خدمت امام هادی (علیه السلام) آوردند آن حضرت در حق ایشان فرمودند : سلیل از هر آفت و بیماری و از هر پلیدی مبرّا شده و پاک و پاکیزه است . و در مقام عصمت و پاکی او همین بس که دستور داده شد که بعد از شهادت

1- . بحارالانوار، ج 50، ص 15؛ منتهی الامال ، تاریخ زندگانی امام محمد تقی 7، ج2 ، ص 572 .

2- . مدینة المعاجز ، ج 7، ص 420 .

امام حسن عسکری (علیه السلام) به جهت حفظ جان امام زمان مردم به این بانوی بزرگوار مراجعه فرمایند .(1)

8: نرجس خاتون همسر امام حسن عسکری و مادر امام زمان (علیهما السلام)

نرجس خاتون (علیها السلام) که در عفت و پاکدامنی او ، امام هادی (علیه السلام) شهادت دادند و فرمودند : او اگر چه در بین کنیزان است اما امتناع می کند که مشتریان به او نگاه کنند یا دست بگذارند .

و بشر بن سلیمان که مأمور خریداری او بود می گوید : زمانی که مشتریان عفت او را دیدند یکی از آنها گفت : من او را به سیصد اشرفی می خرم چون عفت او مرا در خرید او راغب تر گردانیده است.(2)

و زمانی که در مقام زیارت این ملکه دنیا و آخرت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) قرار می گیریم اینچنین به مقام عفت و عصمت ایشان سلام می دهیم :

السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ ، السَّلَامُ عَلَيْكِ وَ عَلَى رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ الطَّاهِرِ.

و در آخر زیارت در مقام شهادت قرار گرفته و می گوییم:

وَ أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ ، مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً ، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكِ وَ أَرْضَاكِ ، وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَ مَأْوَاكِ ، فَلَقَدْ أَوْلَاكِ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكِ ، وَ أَعْطَاكِ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكِ ، فَهَنَّأَكِ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكِ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ أَمْرَأَكِ .

1- . اکمال الدین صدوق ؛ منتهی الآمال ، ج 2 ، ص 702 . در تاریخ زندگانی امام عسکری (علیه السلام) .

2- . اکمال الدین ، ج 2 ، ص 132 .

و من گواهی می دهم که تو با علم وبصیرت کامل قدم برداشتی و به انسان های صالح و شایسته اقتدا کردی . خداوند از تو راضی و تو هم از خداوند خشنود بودی . تو پاک و پاکیزه بوده به همین جهت خداوند هم از تو راضی بود و تو را راضی کرد و بهشت را منزل تو قرار داد و تو را شایستهٔ آن همه خیرات دید و آنچنان از عزّت و شرف به تو کرامت کرد که بی نیاز شدی پس برای تو گوارا باد آن کرامتی که خدا به تو داد .(1)

همهٔ این کلمات معصومین (علیهم السلام) و جملات تاریخ نویسان بر این مطلب شهادت می دهد که این بانوان بزرگوار پاک و پاکیزه و مطهّر بودند چون قرار بود آنها همسر امامان معصوم باشند و از آنها امامانی معصوم به دنیا بیایند .

ج : برگزیده شدن

خداوند عزوجل این بانوان مکرم و پاک را ، از بین تمام زنان زمان خویش انتخاب نمود تا به عنوان عروسان حضرت زهرا (علیها السلام) و همسران امامان معصوم باشند و در دامن پاک آنها فرزندانی متولد و تربیت شوند در اوصیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و حجت خداوند بر روی زمین باشند و این بانوان با عظمت ، افتخار دارند که عمر خود را با پاکی و عصمت در خانه هایی گذراندند که قرآن در حق آن می فرماید :

« في بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فيها بِالْغُدُوِّ وَ الآصال رِجالٌ لا تُلْهيهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ وَ ...»(2)

1- . مفاتیح الجنان ، بخش زیارات ائمهٔ سُرَّ من رای، ص 781 .

2- . نور / 36 و 37 . (این چراغ های پر فروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود و در صبح و شام در آنها تسبیح او گویند . مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند .

محقق و عالم بزرگوار ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی (قدس سره) در « منتهی الآمال » دربارهٔ تمام مادران ائمه معصومین فرموده اند : آنها بهترین زنان زمان خویش بوده اند .

آری آنها منتخبین و برگزیدگان خدا در روی زمین بودند که قرار بود از آنها بهترین فرد روی کره زمین یعنی امام و حجت زمان به دنیا بیاید .

آری برده فروش دربارهٔ نجمه مادر امام رضا (علیه السلام) فرمود : زمانی که من این کنیز را از دورترین نقطه مغرب خریداری کردم زنی از اهل کتاب به من گفت : این کنیز از کیست ؟ او نباید نزد تو باشد . بلکه به زودی او در اختیار بهترین فرد اهل زمین قرار می گیرد و مدتی نمی گذرد که از او فرزندی متولد می شود که کسی در شرق و غرب عالم بهتر از او نخواهد بود . و همانگونه که گفته بود او در اختیار امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) قرار گرفت و زمانی که از او حضرت امام رضا (علیه السلام) متولد شدند امام کاظم (علیه السلام) به او فرمودند :

«هَنِيئاً لَكِ يَا نَجْمَةُ كَرَامَةُ رَبِّكِ ... خُذِيهِ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ».(1) گوارای تو باشد ای نجمه خاتون این کرامتی است از طرف پروردگار به تو او را بگیر که او باقیمانده حجج خدا روی زمین است .

بشر بن سلیمان نقل می کند زمانی که من نرجس خاتون را از بغداد به سامرا به خدمت امام هادی (علیه السلام) بردم در همان دیدار اول امام هادی (علیه السلام) به او بشارت دادند که : به زودی از تو فرزندی به دنیا خواهد آمد که پادشاه شرق و

1- . اصول کافی.

غرب عالم می شود و زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد . و در زیارت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانیم :

« السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ ... وَ الْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ ؛سلام بر مادر امام ، و سلام بر شما که حامل بهترین موجود روی زمین هستی (1).»

خاتمه

خلاصه اینکه ما اعتقاد داریم همانطور که مادران انبیا، بانوان خاص و پاک بودند که خداوند علیم آنها را از بین زنان زمان خودشان برگزید و آنها را پاک و مطهّر قرار داد . مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز

زنانی پاک و برگزیده می باشند که مثل مادران انبیاء اولواالعزم مورد خطاب الهی و ملائکه قرار می گیرند و خداوند برای آنها اخبار و اسراری را بیان می کند . و البته در بین این بانوان مکرم حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مقام ویژه ای دارد ، چرا که او مادر آخرین وصی آخرین پیامبر است او مادر باقی ماندهٔ حجت های خدا بر روی زمین است که قرار است او پرچم شریعت محمدی و عدل علوی را در سر تا سر جهان برافراشته و گسترده سازد . ان شاء الله

*****

تصویر

ص: 202

1- . مفاتیح الجنان ، بخش زیارات ائمهٔ سُرَّ من رای، ص 781 .

گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم / شیخ علی نظری مؤمن آبادی

اشاره

به قلم : نویسندهٔ متتبع و پر اثر

آقای شیخ علی نظری مؤمن آبادی (رفسنجانی)

*****

گلبرگی از زندگی نویدبخش مادر منجی عالم

پیگیری سرگذشت حیرت انگیز « نرجس خاتون (علیها السلام) » یکی از مصادیق بارز این آیه است : « لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ ؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است .» (1) که برای نسل جوان ، به ویژه دختران ، آموزه های بی نظیری دارد .

در این نوشتار سعی شده است ضمن آشنایی با این بانوی کرامت ، درس ها و پیام های سرگذشت ایشان را ارائه کنیم .

جناب نرجس خاتون (علیها السلام) ، همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر بزرگوار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، شاهزاده ای رومی بود و برای آنکه شناسایی نشود ، سوسن ، صیقل ، ریحانه و ملیکه(2) نیز نامیده می شد .

پدرش « یشوعا » پسر قیصر روم شرقی و مادرش ، از نوادگان شمعون (یار حضرت مسیح (علیه السلام) و وصی او) به شمار می رفت .

از امام هشتم (علیه السلام) پرسیدند : قائم شما اهل بیت کیست ؟ فرمود : « الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیدَةِ الْإِمَاءِ یطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کلِّ جَوْر ؛(3)

1- . یوسف /111.

2- . بحار الانوار ، ج 51، ص 15 و 7.

3- . کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر ، ص 275.

چهارمین فرزند از فرزندان من و پسر سیّد کنیزان است . خداوند توسط او زمین را از هرستمی پاک خواهد کرد .»

این دختر سعادتمند و یگانه همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) با اینکه در کاخ زندگی می کرد ، چنان پاک و با عفّت بود که از حیث اخلاق و رفتار به خانوادهٔ مادری اش شباهت داشت و همچون جدّش شمعون با الهام از حضرت عیسی و مریم (علیهما السلام) ، سرشار از معنویت و پاکی بود .

این دختر نجیب ، همواره دوست داشت با خانواده ای پاک و موحّد وصلت کند و خداوند او را یاری کرد تا به طور معجزه آسایی ، خود را به امام حسن عسکری (علیه السلام) برساند . هنگامی که به خانهٔ امام هادی (علیه السلام) وارد شد ، حضرت وی را به خواهرش « حکیمه خاتون » سپرد تا آموزه های اسلام را به او تعلیم کند .

مادر منجی

« محمد بن عبدالجبار » روایت می کند: به محضر سرورم امام حسن عسکری (علیه السلام) عرض کردم : ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت باد! من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست ؟ فرمود : «إِنَّ الْإِمَامَ وَ الْحُجَّةَ بَعْدِی ابْنِی سَمِی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) وَ کنّیهُ الَّذِی هوَ خاتِمُ حُجَجِ اللَّه؛ امام و حجت خدا بعد از من ، فرزند من است ، که همنام رسول خدا و هم کنیهٔ آن حضرت می باشد . او [پایان بخش و] آخرین حجج الهی [و خلیفه از خلفای پروردگار] است » .

ص: 204

پرسیدم : مادرش چه کسی خواهد بود ؟ فرمود : « مِنْ اِبْنَةِ ابْنُ قَیصَر مَلِک الرُّوم، ألا أَنَّهُ سَیولَدُ وَ یغیبُ عَنِ النَّاسِ غیبَةً طوِیلَةً ثُمَّ یظْهَرُ ؛ از دختر پسر قیصر ، نوهٔ امپراطور روم . آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولد می شود ، و به زودی غایب می شود از میان مردم ، غیبتی طولانی سپس ظاهر می شود .»(1)

نرجس در مصحف فاطمه (علیها السلام)

جابر بن عبد الله انصاری می گوید : به محضر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وارد شدم تا ولادت حسین (علیه السلام) را تهنیت گویم که ناگاه صحیفه ای در دست آن حضرت دیدم . عرض کردم : ای سرور زنان! این صحیفه ای که در دست شما می بینم، چیست ؟ فرمود : اسامی ائمّه از فرزندان من در آن است . گفتم : آن را به من بدهید تا در آن بنگرم . فرمود : ای جابر! اگر منهی نبود ، چنین می کردم ؛ ولی نهی شده است که جز پیامبر یا وصی و یا اهل بیت به آن دست بزند ؛ ولی به تو اجازه داده می شود که روی آن را بنگری و بدانی . جابر می گوید : آن را تا آنجا خواندم که به نام مادر دوازدهمین وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدم . در آن نوشته بود : «.... أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حجَّةُ اللَّه تَعَالَی عَلَی خَلْقِهِ الْقَائِمُ أُمُّهُ جَارِیةٌ اسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِمْ أَجمَعِینَ؛(2) ابو القاسم فرزند حسن و او حجّت خدا بر خلقش می باشد. مادرش جاریه ای به نام نرجس ، صلوات الله علیهم اجمعین است .»

1- . اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات ، ج 5 ، ص196.

2- . کمال الدین و تمام النعمه ، ج 1، ص 306 .

پیوند آسمانی

وجود خفقان و استبداد حاکم وقت باعث شد که مراسم وصلت امام حسن عسکری (علیه السلام) و نرجس به صورت مخفیانه و در خانهٔ حکیمه خاتون (علیها السلام) برگزار گردد . این عمهٔ بزرگوار امام عسکری (علیه السلام) در این باره می گوید :

« روزی برادرزاده ام ، امام حسن عسکری (علیه السلام) به دیدارم آمد و به نرجس (علیها السلام) نیک نظر کرد و فرمود: عمه جان! از او در شگفتم . عرض کردم : شگفتی شما از چیست ؟ فرمود : به زودی فرزندی از وی پدید می آید که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطهٔ او زمین را از عدل و داد آکنده سازد ، همچنان که پر از ستم و جور شده باشد . عرض کردم : ای آقای من! آیا او را می خواهی؟

فرمود : از پدرم در این باره کسب اجازه کن!

بعد از آنکه حکیمه خاتون (علیها السلام) از امام هادی (علیه السلام) اجازه گرفت ، امام به خواهرش حکیمه (علیها السلام) فرمود : ای مبارکه! خدای تعالی دوست دارد که تو را در پاداش این پیوند مقدّس شریک گرداند و بهره ای از خیر برای تو قرار دهد . حکیمه (علیها السلام) بی درنگ به منزل برگشت و مقدمات این وصلت زیبا را فراهم نمود . بدین ترتیب، ازدواج امام حسن عسکری (علیه السلام) با جناب نرجس خاتون (علیها السلام) در منزل عمه اش حکیمه (علیها السلام) برگزار شد . آنان بعد از چند روز به منزل حضرت هادی (علیه السلام) منتقل شدند .(1)

1- . بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، ج 51، ص12.

در آن دوران ، فضای سامرّا برای امام هادی (علیه السلام) و خانواده اش در اوج خفقان بود و تمام حرکات و سکنات آن بزرگواران همواره تحت نظر نظامیان و جاسوسان خلفای ستمگر عباسی بود ؛ امّا جناب نرجس (علیها السلام) ، با سعهٔ صدر تمامی سختی ها و ناامنی های موجود را برای خدا و به عشق اهل بیت (علیهم السلام) تحمل

می کرد و لحظه ای در دفاع از ارزش های الهی کوتاهی نمی کرد .

ثمرهٔ هجرت و اسارت

آری ، این چنین یک دختر پاک و دانا ، خود را از آلودگی کاخ شاهان نجات داد ، و در خطّ جدّ مادر خویش ، شمعون قرار گرفت ، و همین هدف و ایدهٔ مقدّس را دنبال کرد . خدا نیز او را یاری داد تا سرانجام افتخار و لیاقت آن را یافت که همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گردد . به این جهت ، حکیمه خاتون او را به عنوان « سیّده » می خواند .

این دختر شایسته در اثر تلاش های خود و لطف خداوند به مقامات عالیه و کرامات معنوی نیز دست یافت .

وفات نرجس خاتون (علیها السلام)

سال دقیق وفات نرجس خاتون (علیها السلام) مشخص نیست؛ مطابق با روایتی ایشان قبل از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) وفات نمود .(1)

و مطابق با روایتی دیگر ، وی پس از شهادت امام نیز زنده بوده است .(2)

1- . کمال الدین ، ج2، ص431.

2- . کمال الدین ، ج2، ص474.

در رجال نجاشی نیز آمده است که : مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس امام عسکری (علیه السلام) نیز در قید حیات و در خانه محمد بن علی بن حمزه بود.(1)

قبر نرجس خاتون در سامرا و در حرم عسکریین (علیهما السلام) در کنار قبر امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) قرار دارد .

توسّل به حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دو رکعت نماز حاجت بخوانید . بعد سیصد و سیزده مرتبه صلوات بفرستید و یک بار « سورهٔ مبارکة انا فتحنا » را قرائت کنید و ثواب آن را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هدیه کنید ؛ آیت اللّه سیبویه ، عموی مرحوم آیت الله میرزا احمد آقای سیبویه واعظ ، در کربلا ساکن و صاحب رساله بودند . ایشان از اولیا بودند روزی به من فرمودند : در زمان ما (عصر غیبت) توسّل به حضرت نرجس خاتون کارها را زودتر راه می اندازد ؛ چرا که وقتی مادر به فرزند حرفی بزند ، فرزند مجبور است به حرف مادر گوش بدهد .

استاد مجتهدی می فرماید : من هر موقع کارم گیر می کند ، هزار صلوات نذر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کنم و کارم درست می شود .(2)

استاد گرانقدرم آیه اللّه حاج شیخ علی اکبر فقیه (قدس سره) می فرمودند : به عدد10نذرحضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از نذرهای مجرب است .

حقیر حسب الامر ایشان در موارد متعددی نتیجه گرفتم و افراد زیادی را نیز توصیه کردم که به عنایت حضرت نرجس (علیها السلام) حاجت روا شده اند .

1- . رجال نجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی، ص268.

2- . https://noo.rs/SDXZm

20 درس اخلاقی و تربیتی

اشاره

از این بانوی با عظمت می توان درس های زندگی آموخت و از زندگی با برکتش پیام های آموزنده ای را دریافت نمود از جمله :

1: تدین و پاکدامنی در اوج زندگی اشرافی

بر اساس آنچه در آموزه های اسلامی آمده است حفظ دین و پاکدامنی در دربار پادشاهان بسیار سخت است ، شاهزادهٔ رومی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ضمن زندگی کاخ نشینی خود و در اوج اشرافی گری حاکم بر محیط سلطنتی پاکدامنی خود را حفظ و به آئین دینی خود پایبند بود .

2: پاسداری از ایمان در محیط آلوده

علیا مخدره ملیکه روم همچون آسیه همسر فرعون به تمام جوامع انسانی نشان داد که در سخت ترین شرایط زندگی و آلوده ترین محیط ها می شود از ایمان پاسداری کرد و گوهر ایمان را حفظ نمود .

3: امکان ازدواج دختری مرفه با اهل ایمان و ساده زیست

از آنجا که غالباً دختران جوان آرزوهای فراوان مادی و ظاهری و رسیدن به رفاه را در یک زندگی مشترک مد نظر دارند شاهزاده سعادتمند رومی با افکار ارزشمند و معنوی ملاک ازدواج خود را ایمان و ساده زیستی مسالمت آمیز قرار داد .

4: نقش امدادهای غیبی در زندگی

امدادهای غیبی خداوند تاثیر شگرفی در زندگی انسان ها دارد . در آموزه های اسلامی این موضوع به گونه ای تأکید شده که دیگر نمی توان

گفت امدادهای غیبی در زندگی انسان ها یک استثناء است و تنها در مواردی نادر نمایان می شود ، بلکه یکی از سنّت های الهی است که مؤمن می تواند در سختی های زندگی به آن دل ببندد و امید نجات داشته باشد ، در این راستا ملیکه روم با توجه به شایستگی هایی که داشت استحقاق دریافت یاری ویژهٔ الهی را به دست آورد .

5: اهمیت خواب های صادقانه در آینده انسان

رؤیای صادقانه همان کشف شهود است که بر اساس روایات علاوه بر پیامبران و امامان معصوم مؤمنان نیز می توانند رؤیای صادقه داشته باشند و این یکی از بشارت های خداوند به مؤمنان در دنیا می باشد و از حقایقی پرده برمی دارد که هیچ راه انکاری برای آن وجود ندارد و در بعضی موارد به تعبیر نیاز دارند .

6: معالجهٔ بیماری های روحی با نیکی به دیگران

از آنجا که انسان اشرف مخلوقات و همهٔ نعمت ها از جمله عقل و اختیار نزد اوست در مقابل این نعمت ها همهٔ خوبی ها از او انتظار می رود ، او خلیفهٔ خدا در روی زمین است و همهٔ انسان ها مانند یک پیکرند که اگر عضوی از اعضای این پیکر دچار نقص شد سایر عضوها باید به کمک عضو بیمار برسند و جز این عمل از انسان نمی توان انتظار داشت ، حتی جوامع غربی همه متوجه شده اند که برای درمان بیماری های روحی باید به دین پناه برد و به دیگران کمک کرد بدین جهت کمک پدر شاهزادهٔ روم به مسلمانان موجب بهبودی حال آن مخدره شد .

7: تلاش برای هجرت از محیط های آلوده

روح هجرت فرار از ظلمت به سوی نور ، از کفر به سوی ایمـان و از گنـاه و نافرمانی به سوی اطاعت از فرمان خـداست . سـکوت در برابر ظلم و بی عـدالتی و گناه خود گناهی نابخشودنی است که اگر امکان قیام وجود ندارد باید هجرت کرد ، چنانچه بسـیاری از پیامبران خدا از محیط آلوده و سـرزمین شرک خویش مهاجرت کردند . حضرت نرجس نیز به پیروی از انبیـا عظام مقدمـهٔ هجرت از روم به سامرا را برای خود فراهم نمود .

8: پاسداری از حجاب و عفاف در سخت ترین شرایط

از آنجا که کاخ سلاطین محل عیش و نوش و خوش گذرانی است اسلام برای پاسداری و نگهبانی از عفت زن و مرد در حقیقت برای کنترل غریزهٔ جنسی و در عین حال رسیدن به آرامش به عنوان راه حل امر به حجاب نموده است و در این زمینه ملیکهٔ روم مقید به اوامر الهی بود .

9: برجستگی حیا و شرم در زندگی یک دختر

بدون شک یکی از ضـروری ترین شاخص های زندگی سالم که باید برای تحقق آن از همه عوامل و ظرفیت ها اسـتفاده نمود ، حیا و شـرم یکی از عواملی است که وجود آن سبب تحکیم خانواده و تأمین امنیت جامعه است . لذا یکی از خصلت های آدمی به خداوند زمینه های آن را در نهاد تمامی انسان ها قرار داده است حیا می باشـد که هر فردی می توانـد با کوشـش و مجاهـدت به آن دست یابد و این خصـلت ارزشمند تأثیر به سزایی در استحکام روابط جمعی و خانوادگی دارد .

10: نقش امام شناسی

از آنجا که معناگرایی امر فطری است و روح جستجوگر انسان در هر برهه ای از زمان طالب آن بوده و یکی از اصول بنیادین معنویت فطری توجه به خدا و تقرب به اوست کارکرد شـریعت های آسمانی غفلت زدایی از انسان مادی و هدایت و رستگاری انسان است و امام شناسی تنها راه رسیدن به نورانیت در دنیا و آخرت می باشد و برای سعادت و سلامت جامعهٔ انسانی و اسلامی ضروری است .

11: عشق به ولایت و امامت

از مهم ترین اصول اسلام « ولایت » است ، ولایت به معنای پذیرفتن رهبری پیشوای الهی و اعتقاد به اینکه ائمه هدی پس از پیامبر اسلام از سوی خداونـد بر مردم ولایت دارنـد . لـذا عشق به اهلبیت پیامبر اکرم (صـلی الله علیه وآله وسـلم) زمینه ساز عشق به خداونـد است و دوست داشتن آنها مهر ورزیدن به ارزش های والای الهی می باشد . عواطف پاک و اظهارعشق و علاقه نسبت به معصومین علیهم السلام و خاندان پاک پیامبر عامل ثبات قدم در راه دین و دینداری است .

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی *** عشق محمد بس است و آل محمد

12: انتخاب عزت و شرف در مقابل متاع دنیا

یکی از گرایش های فطری انسان گرایش به لذت و خوش گذرانی و راحت طلبی است که طبعا توأم با رنج گریزی و فرار از درد و ناراحتی

خواهـد بود و به طور تکوینی در انسان نهاده شده است که انبیا و اولیا الهی و مؤمنین در موارد گزینش عزت و شـرف در مقابل متاع فانی و لذت های زودگذر دنیوی عزت و شرف و سعادت را انتخاب می کنند .

یکی درد و یکی درمان پسندد *** یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران *** پسندم آنچه را جانان پسندد

13: استقبال از آموزش معارف دین

اهمیت علم و تعلیم و تعلم در اسلام انکار ناپذیر و دربارهٔ آن سخن فراوان است و اولین کریمهٔ وحی خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید :

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ يَعْلَمْ »(1)

قرآن کریم یکی از اهداف بعثت پیامبران را آموزش قرار داده ، می فرماید:

« لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنينَ إِذْ بَعَثَ فيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ »(2)

و همین بس که قرآن کریم آموزش را مغروض وجدان ها دانسته می فرماید : «هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ »(3)

1- . علق / 5 - 1 .

2- . آل عمران / 164 .

3- . زمر / 9 .

14: انس با عالمان دین

عالمان مسلمان الگوهایی هستند که با انس و ارتباط عمل گرایانهٔ خویش با قرآن و سیرهٔ معصومین در آسمان فضیلت و انسانیت همچون ستاره می درخشند .

یکی از نیازهای اساسی بشر رسیدن به کمال است و یکی از راه های رسیدن به کمال و سعادت تحصیل علم و محبت و انس با علمای دین است چونکه عبادات ، معاملات ، معاشرات ، مناکحات و ... همگی نیازمند به وجود علم و علما هستند اگر انسان باعالمان دین مأنوس شود نتیجهٔ مفیدی عاید او خواهد شد چون هرکسی که در طلب علم خارج شود در راه خداست تا مادامی که به وطن خویش باز گردد .

15: ادب در مقابل بزرگان

در تمام دنیا با وجود عقاید مختلف به بزرگان خود احترام خاص می گذارند ، شهرها ، خیابان ها ، دانشگاه ها، فرودگاه ها ، مدارس و مؤسسات را با نام آنان نام گزاری می کنند .

در اسلام ریشهٔ قداست و کرامت هر چیزی وابستگی آن به ذات اقدس خداوند است و هرچه این وابستگی بیشتر باشد قداست هم بیشتر است و ما باید برای بزرگان احترام ویژه قائل باشیم و در مقابل آنها ادب نمائیم .

16: همسرداری و رازداری در فراز و نشیب های زندگی

رازداری در تمام مراحل زندگی مشترک یک رکن است و زوجین باید دقت داشته باشند که حتی به هنگام بروز حوادث و مشکلات و اختلافات با یکدیگر باید رازدار باشند .

رازداری از عوامل مهم استحکام خانه و خانواده و موجب ایجاد احساس امنیت ، عشق و محبت ، حفظ عزت و آبروی زوجین در زندگی مشترک می باشد .رازداری یکی از ویژگی های مثبت انسان است که نه تنها در زندگی فردی و شخصی می تواند به آنها کمک کند بلکه برای داشتن یک زندگی اجتماعی موفق هم مؤثر خواهد بود .

17: صبر و خویشتن داری

یکی از مباحث اخلاقی که بسیار حائز اهمیت است و در آموزه های اسلامی بدان تاکید شده ، فضیلت صبر است . زن و شوهر در زندگی مشترک نیاز به صبر و تحمل در برابر مشکلات دارند .

عدم بردباری در برابر ناملایمات محیط خانه را دچار نابسامانی می کنند ، اگر زن و شوهر صبوری نکنند دیگر پیوند محکم و پایداری نخواهند داشت ، در تاریخ نیز نمونه های بسیاری از الگوها و اسوه های صبر وجود دارد .

18: داشتن نام های زیبا

یکی از عوامل مهمی که در شکل گیری شخصیت انسان مؤثر می باشد انتخاب نام است که در واقع هستهٔ مرکزی شخصیت او و شعور ذاتی او را نیز شکل می دهد .

انتخاب اسم برای فرزندان نشانگر فرهنگ و تمدن جامعه می باشد و تأثیر آن علاوه بر صاحب اسم بر شنوندگان آن اسم نیز غیر قابل انکار است مثلا کودکی را « چنگیز » نام نهاده اند هنگام صدا کردن او دیگران هم از شنیدن این اسم به یاد خون آشامی های چنیگزخان مغول می افتند و

احساس نفرت می نمایند و با نام زیبا و دلنشین شاهزاده سعادتمند رومی به یاد زیباترین و آرامش بخش ترین گل ها « گل نرگس » می افتیم .

19:تربیت فرزند شایسته

از مهم ترین نکاتی که در خصوص آموزش دینی کودکان در آموزه های اسلامی آمده است ، مسئله فطری بودن توجه به دین و خداست چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و پرورش می یابد. مگر اینکه پدر و مادر او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشانند .(1)

کودکان باید به طور کامل با حد و حدود و خط قرمزها آشنا باشند و به وضوح بدانند چه کارهایی پذیرفته و کدام یک غیرقابل قبول هستند با تعیین حدو حدود برای فرزندان باید مشخص شود از او چه انتظاری دارید و محدودهٔ آزادی عمل او تا کجاست .

متأسفانه اغلب والدین برای برقراری آرامش در خانه و پایان دادن به گریهٔ فرزندشان قوانین را نقض می کنند .

نکته ای که باید در همه مراحل تربیت فرزند در نظر گرفته شود این است که محتوای آموزش و تعلیم باید با مسائل روز و مورد نیاز فرزندان و شرایط محیطی و اجتماعی آنها مرتبط باشد .

1- . بحارالانوار ، ج3 ، ص 281.

20: بریدن از فامیل برای رسیدن به حق

حق در لغت به معنـای مطـابقت و موافقت و در اصـطلاح حق آن است که هرچیزی در جایگاه خود واقع شود و به معنای« عـدل » هم به کار رفته است .

راه مسـتقیم همـان راه خـدا و راهی است که خداونـد برای سـعادت انسان تعیین فرموده راه حق و غیر آن باطل است . مجموعه بینش ها و دسـتور العمل هایی که تمام مسـیرحق را تشکیل می دهد« اسلام » نام دارد و اسلام حق و پیامبر اسلام بیانگر و معیار حق می باشد و غیر آن باطل است .

هر انسان دردمند و بیداری در هر زمان و جامعه ای در پی شـناخت حق و باطل است تا بتواند راه حق را برگزیند و به سـعادت و رستگاری نایل آید و در این راستا یکی از الگوها و اسوه های بارز ملیکه شاهزادۀ سعادتمند رومی است که از همۀ فامیل و بستگان و شهر و دیار خود برید تا به حق رسید و آخرین عروس خاندان پیامبر اسلام شد .

*****

تصویر

۲۰: بریدن از فامیل برای رسیدن به حق

حق در لغت به معنای مطابقت و موافقت و در اصطلاح حق آن است که هرچیزی در جایگاه خود واقع شود و به معنای« عدل » هم به کار رفته است .

راه مستقیم همان راه خدا و راهی است که خداوند برای سعادت انسان تعیین فرموده راه حق و غیر آن باطل است . مجموعه بینش‌ها و دستور العمل‌هایی که تمام مسیرحق را تشکیل می‌دهد« اسلام » نام دارد و اسلام حق و پیامبر اسلام بیانگر و معیار حق می‌باشد و غیر آن باطل است .

هر انسان دردمند و بیداری در هر زمان و جامعه‌ای در پی شناخت حق و باطل است تا بتواند راه حق را برگزیند و به سعادت و رستگاری نایل آید و در این راستا یکی از الگوها و اسوه‌های بارز ملیکه شاهزادهٔ سعادتمند رومی است که از همهٔ فامیل و بستگان و شهر و دیار خود برید تا به حق رسید و آخرین عروس خاندان پیامبر اسلام شد .

*****

جایگاه برجستهٔ توسل و استغاثه... / شیخ مهدی آقابابائی

اشاره

به قلم : نویسندهٔ متتبع و دلباختهٔ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای شیخ مهدی آقابابایی

*****

جایگاه برجستهٔ توسل و استغاثه ، و نمونه هائی از کرامات

حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

مقدمه

انسان برای رسیدن به مقام قرب الهی و گرفتن حاجت باید از وسایل استفاده نماید: « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَةَ وَ جاهِدُوا فی سَبیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرّب به خدا بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید .»(1)

توسل از ماده « وسل » به معنی تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود ؛ می باشد .(2)

و توسل شامل شفاعت نیز می شود . «شفاعت» از ماده «شفع» به معنی ضمیمه کردن چیزی به همانند او است .(3)

و در مفهوم قرآنی ، شخص گناه کار به خاطر پاره ای از جنبه های مثبت (مانند: ایمان ، عمل صالح و ...) شباهتی با اولیاء الله پیدا می کند و آنها

1- . مائده / 35.

2- . قاموس قرآن، ج7، ص218، ذیل ماده وسل.

3- . قاموس قرآن، ج4، ص48، ذیل ماده شفع.

با کمک های خود ، او را به سوی کمال سوق می دهند و از پیشگاه خداوند تقاضای عفو می کنند .

به عبارت دیگر می توان گفت : قرار گرفتن موجود قوی تر و برتر در کنار موجود ضـعیف تر و کمک نمودن به او در راه پیمودن مراتب کمال است .(1) توسل روح امیـد را افزایش داده ،روح یأس را کاهش داده و ایجاد رابطه معنوی با خدا و اولیاء الله و تحصـیل رضایت خداوند و توجه به سلسله شافعان و ... را به وجود می آورد .

مقام شفاعت نرجس خاتون (علیها السلام)

حضـرت نرجس ، بانوی نجابت و نیایش است ، که شمیم حضور او در سامرا ، پس از گذشت قرن ها ، جان شیعیان شیفتهٔ خاندان ولایت و امامت را طراوت می بخشد و در سایهٔ این آفتاب روشن اجابت ، دل ها آرام و قرار می گیرد .

یکی از فضیلت های این بانوی بزرگوار ، مقام شفاعت اوست .

سیـد بن طاووس در زیارت نامه ای که برای این بانوی ماجـده ذکر می کنـد می نویسد : «و سودمند کن مرا به زیارت آن بانو و بر دوستی و محبت او پایدار بدار مرا و از شفاعت او و فرزندش محروم مفرما و مرا با او و فرزندش محشور کن .»

1- . تفسیر نمونه، ج1، ص224.

انسان های کامل و اولیا برجسته الهی ، به اذن خداوند متعال ، دارای مقام شفاعت می شوند ، و این مقامی بس عظیم است .

پاک بانوی بیت امامت نیز از این مقام الهی بهره برده و شافع دوستداران خود و فرزندش می باشد . با نگاهی گذرا به شیوه های بزرگان و اندیشمندان دینی ، نقش شفاعتی ایشان در دنیا را می توان دریافت و شفاعت آخرت را به زمان دیگر واگذاشت .

یکی از وسائل مهم و مجرّب ، توسل به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می باشد . همانطور که بزرگان ما فرموده اند : « توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سرعت وصول وصال در حاجت را دارد ».

یکی از بزرگان اهل خطابه می گوید :

« هنگامی که قصد کردی خواسته و حاجتت برآورده شود ، به واسطهٔ مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) به آنان متوسل شو ، و مادرانشان را نزد آنان شفیع بگیر ؛ آیا ممکن است امامان معصوم (علیهم السلام) این شفاعت را رد کنند ؟» (1)

در این مقاله ، توسلات ، کرامات ، و زیارت حضرت را آورده ایم . امیدواریم که مورد رضایت امام زمان و مادر غریبشان واقع گردد .

1- . بانوی انجیل ، ص 16.

راهنمایی های آیت اللّه العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی (دام ظله)

ابواب رحمت خداوند متعال ، در شب نیمه شـعبان بر روی بندگان باز است . امیدواریم با توسّل به حضـرت ولی عصـر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، رحمت واسعه پروردگار، شامل حالمان شده و این بلا رفع گردد .

از آن جا که دعای دسته جمعی ، مورد تاکید و مقرون به استجابت است ، توصیه می شود ان شاءالله همگان در منازل و در جمع خانوده ، راس ساعت یازده شب نیمه شـعبان ، دعای « الهی عظم البلاء... » را خوانده و بعد از ان یک سوره حمد ، هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، نمایند .(1)

هر کس به هر قدر که برایش میسر است ...

در آستانه سال جدید و با توجه به مشکلات موجود در جامعه ، برای رفع مشکلات ، دو عمل ذیل را انجام دهند :

1. در شب یا روز 25 ماه رجب ، شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) که مصادف با اولین روز سال جدید است ، در منازل و در جمع خانواده، متوسل به باب الحوائج (علیه السلام) شوند و مصایب ان امام مظلوم را ذکر بنمایند.

2. هر کس به هر قـدر که برایش میسـر است، قرآن کریم را تلاـوت نمایـد و آن را به مادر بزرگوار امام زمان ارواحنافـداه، حضـرت نرجس خاتون هدیه نماید .

1- . سایت حوزه نت .

امیـد است که بـا این عمل، توجه و عنایت وجود مقـدس حضـرت ولی عصـر (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) شامل حالمان گردد. ان شاءالله

دستور العمل آیت الله العظمی بهجت (قدس سره) در زمینه توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یکی از طلاب حوزهٔ علمیّهٔ اصـفهان نقل نمودند : روز تشییع جنازه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیّد صادق روحانی (قدس سره) در حرم مطهّر حضـرت معصومه (علیها السـلام) خدمت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی بهجت فرزند مرحوم آیت اللّه العظمی آقای حاج شـیخ محمد تقی بهجت (قدس سـره) رسـیدم و سه نفر از زائرین حضـرت معصومه (علیها السـلام) در خدمت ایشان جهت رفع مشـکلات و گرفتاریهایشان درخواست دسـتور العملی نمودند . ایشان فرمودند : یکی از دستورالعمل های مرحوم پدرم (آیت الله بهجت) که مردم از آن حاجت می گرفتنـد این بود که : نیّت کنیـد چهل مرتبه زیارت عاشورای امام حسـین (علیه السـلام) بخوانید و هـدیه به حضـرت نرجس (علیهـا السـلام) مادر بزرگوار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) نماییـد و الآن بنـده از طرف آیت الله بهجت (قدس سـره) می گویم : چهل مرتبه زیارت عاشورا بخوانید و هدیه به محضر حضرت نرجس (علیها السلام) نمایید تا مشکلات و گرفتاری هایتان برطرف گردد ان شاء الله . این دسـتورالعمل را به اکثر افراد که گرفتار بودنـد تـذکر داده ام . مـدتی بعـد افراد به دفتر گزارش دادند که ما توسلی را که فرمودید انجام دادیم و به حاجت خود رسیدیم .

ص: 222

خواندن دعای عهد و هدیه به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مرحـوم آیت الله محمـد تقی بهجت (قـدس سـره) می فرمودنـد : هر کس هر روز سوره یس بخوانـد و ثواب آن را به حضـرت زهرا (علیها السلام) هدیه کند و همچنین دعای عهد را بخواند و ثواب آن را به مادر امام زمان ارواحنا فداه هدیه کند ، و سورهٔ واقعه هم خوانده و ثوابش را به أمیرالمؤمنین (علیه السلام) هدیه کند . چه بخواهد و چه نخواهد عاقبت بخیر می شود!

سفارش آیة اللّه العظمی آقای حاج شیخ جعفر سبحانی (دام ظله)

برای ظهور حضـرت دو کار را انجام دهیـد ؛ یکی برای سـلامتی ایشان صدقه بدهید و دیگری قران بخوانید و به مادر آن حضـرت ، نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه کنید تا حضرت را شاد کنید.(1)

خلاصی از وبا با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از حضرت نرجس (علیها السلام)

مرحوم آیة الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (قدس سره) می فرمودند :

اسـتاد بزرگ ما ، مرحوم آقای آقا سـیّد محمد فشارکی (قدس سره) فرمودند : ... من به تمامی شیعیان سامرا از زن و مرد حکم می کنم که هریك از ایشان یك فقره زیارت عاشورا نیابتاً از نرجس خاتون والـدهٔ ماجدهٔ حضـرت حجة (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) بخوانند و آن خاتون را نزد فرزند بزرگوارش شـفیع قرار بدهند که آن حضرت پیش حضرت خداوند عالم شفاعت نماید تا خداوند شیعیان سامرا را از این بلا نجات دهد .

1- . مجله افق حوزه، 12 تیر ماه 1392 ، شماره 367 .

فرمود : همین که این حکم صـادر گردیـد و چون مقـام مقـام ترس و بیمبود همه شـیعه های مقیم سامرا اطاعت نموده زیارت عاشورا را به همان قرار خواندند در نتیجهٔ آن ، یک نفر شیعه در سامرا تلف نشد در حالتی که هر روز ، ده پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند .(1)

مرحوم آیت الله مجتهدی (قدس سره)

اگر امید داری که کس دیگری خواسـته ات را استجابت می کند ، دعایت مستجاب نمی شود . اگر می خواهی که دعایت مستجاب شود ؛ ببین در دلت اگر به هیـچ کس امیـد نداری ، خدا را صدا بزنی ، خدا حاجتت را می دهد . توسل هم پیدا کنید مخصوصاً به (نرجس خاتون (علیها السـلام)) که مادر ولی وقت (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) است . وقتی به پسـرش بگویـد که کسـی به من متوسل شده ، پسـر مجبور است به حرف مادرش گوش دهد .

آیت اللّه مجتهدی (قدس سره) در درس اخلاقشان فرمودند :

بهترین وسیله رسیدن به خدا ، اهل بیت (علیهم السلام) هستند . چهل سال پیش ، من گرفتاری داشتم . یکی از اولیای خدا در (کربلا) به من فرمودند : به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسّل شوید . ایشان چون مادر ولی وقت ما هستند، به فرزندشان می فرمایند که : پسرم ! این شخص به من متوسّل شده . خواسته اش را بده.

هزار صلوات یا یک ختم قران نذر ایشان کن تا گرفتاریت برطرف شود .

آقـای الهی واعـظ از قول بنـده این مطلب را بر روی منبر نقـل کرده بودنـد . شخصـی پیش من آمـد و گفت : آقا من این کار را کردم و فوراً حاجتم را گرفتم.

1- . الکلام یجر الکلام ، ج 1 ، ص 54.

توسّل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دو رکعت نماز حاجت بخوانید . بعد سیصد و سیزده مرتبه صلوات بفرستید و یک بار (سوره مبارکه انا فتحنا) را قرائت کنید و ثواب ان را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر گرامی حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هدیه کنید .

آیت اللّه سیبویه ، (عموی مرحوم آیـة اللّه میرزا احمد . آقای سیبویه واعظ ، در کربلا ساکن و صاحب رساله بودند . ایشان از اولیا بودند) روزی به من فرمودنـد : در زمان ما (عصـر غیبت) توسّل به حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) کارها را زودتر راه می اندازد؛ چرا که وقتی مادر به فرزند حرفی بزند ، فرزند مجبور است به حرف مادر گوش بدهد .

استاد مجتهدی (قدس سره) می فرمودند:

من هر موقع کارم گیر می کند ، هزار صلوات نذر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کنم و کارم درست می شود .(1)

ختم قرآن به نیت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) جهت پیدا شدن چک یکی از فضـلای حوزهٔ علمیّهٔ قم در حرم مطهّر حضرت معصومه (علیها السلام) در مورد گرفتاری که برای آیت اللّه مجتهدی پیش آمده بود چنین فرمودند :

آیت اللّه مجتهدی یک چک بسـیار سنگینی از وجوهات پیش ایشان بود که می خواستند به دست صاحبانشان برسانند . در راه قم و طهران (جادهٔ قدیم) به امامزاده حسن (علیه السلام) مشرف می شوند . حواسشان نبود که

1- www.hozeh.net.

چک در پاکت است آن را دور می اندازند . یک مرتبه می فهمند که چک درونپاکت بوده و آن را دور انداخته اند . خیلی مضـطر و ناراحت می شونـد خدایا چه کنم ؟ امانتی بوده ، باید به دست صاحبانشان می رساندم . در همان لحظه یک ختم قرآن به نیابت از حضـرت نرجس خاتون (علیها السلام) نذر می نمایند . پس از مدتی کوتاه ، با ایشان تماس می گیرند و می گویند : شما چیزی گم کرده اید ؟ آقا می گویند : بله یک فقره چک گم کرده ام . می گویند : ناراحت نباشید پیش ماست و آمدند چک را تحویل دادند.

(گویا شـماره تلفنی که گوشـهٔ چک نوشـته شـده بود کمک کرده است که بتوانند آقای مجتهدی را پیدا نمایند . در حالی که می شد از بین برود یا به دست کسی برسد و به آقا تحویل ندهد. اما توسل به آن بانو کار را حل نمود).

سفارش آیت اللّه حاج سیّد محمّد علی روحانی (قدس سره)

یکی از شاگردان معظم له به نقل از حضرت آقا می فرمودند :

برای برآورده شـدن حاجت ، دویست مرتبه سورهٔ مبارکـهٔ « قدر » را به حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) و حضـرت خدیجه (علیها السلام) هدیه نمایید .

داستان تشرف حاج محمد به نقل از مرحوم آیت الله ناصری (قدس سره)

مرحوم آیة اللّه ناصری (قدس سره) روزی در منبرشان فرمودند :

... توسـلات خیلی اثر دارد . حضـرت بقیـة اللّه – روحی له الفداء– عنایتی به مادرشان دارند . این را مکرر از بزرگان شـنیده ام . مثلاً یک ختم قرآن برای حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) بخوان. به مسـجد وارد می شوی ، دو رکعت نماز مستحبی بخوان و ثوابش را هدیه کن برای نرجس خاتون (علیها السلام) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

خوشحال می شوند . به یاد مادر حضرت بودن ، یک عنایتی است . یکمحبتی است . عبادات ما که عبادت نیست ، پوک و پوچ است . از پوچ هم یک خرده آن طرف تر؛ لکن حضرت ، یک توجه دیگری دارد .

حاج محمد که از صلحا بود می گفت : مکه رفتم و اعمال حج که تمام شد ، یک روز گفتم یک عمره مفرده برای مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انجام بدهم و از بی بی درخواست کنم که از فرزندشان بخواهد که من ، چهره ایشان را زیارت کنم . طواف و نماز و سعی بین صفا و مروه را انجام دادم . سعی بین صفا و مروه که تمام شد ، طواف نساء و نمازش را خواندم و دیگر بی حال شدم . حدود یک ساعت و نیم به اذان صبح بود . دیدم پنج شش نفر پشت مقام ابراهیم نشسته و یک ظرف خرما جلویشان گذاشته اند . جمعیت هم همین طور که از مقام ابراهیم فاصله می گیرند ، از این ها هم فاصله می گیرند و اینها وسط نشسته و صحبت می کنند . یک آقایی هم آن بالا نشسته است که نمی شود چشم از او برداشت . خیلی فوق العاده است و برای بقیه صحبت می کند . وقتی این اقا را دیدم ، زانوهایم شروع کرد به لرزیدن . خرماها بیشتر جلب توجه ام کرد ؛ چون خیلی بی حال و خسته شده بودم . نشستم و تکیه دادم. آقا فرمود : (این حاج محمد برای مادر من یک عمره انجام داده است و خسته شده است . چند تا از این خرماها را به او بدهید) .

یک نفر فوراً بلند شد و بشقاب خرما را مقابل من آورد . من هم پنج شش تا برداشتم ؛ لکن به قدری خسته و بی حال بودم که دیگر توجهی به این حرف نداشتم . شروع کردم خوردن . دیدم دارند نگاه می کنند و تبسم می کنند .

بعد دو مرتبه فرمود : بله ؛ ایشان برای مادر من یک عمره ای انجام داد و به زحمت هم افتاد . خدا قبول می کند ؛ ان شاء الله.

یک دفعه نگاه کردم ، دیدم هیچ کس نیست . فوراً به خود آمدم . گفتم : اصلاً آرزویم همین بود که حضرت را ببینم و چقدر زود مستجاب شد . میگفت : به واسطه آن خرمایی که خوردم ، یک حالاتی برایم ایجاد شد .

توسلات را رها نکنید . رسیدی در مسجد ، قبل از این که بنشینی ، مسجد ، برگردنت حق دارد . همین طوری ننشین . هر مسجدی که رفتی ، دو رکعت نماز بخوان و بنشین . این حق مسجد است . وقتی این دو رکعت نماز را خواندی ، هدیه کن به محضر حضرت زهرا (علیها السلام) ، محضر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، ام البنین (علیها السلام) . نمازهای مستحبی را می توانی به محضر این بزرگوارها هدیه کنی و ان شاءالله از عنایاتشان بهره مند می شوید .(1)

تشرف خادم حرم عسکریین (علیهما السلام) با توسل به نرجس خاتون (علیها السلام) و شفای سرطان

خطیب نامدار ، آقای معاونیان در ضمن یک سخنرانی در دهۀ محرم 1441 قمری ، در شهر کربلا ، چنین گفتند :

چندی پیش ، تشرفی در سامرا اتفاق افتاده است . جناب آقای شیخ سیف العائدی ، از آقایانِ فضلا و طلّابِ بسیار نزیه و بسیار خوش نفس که در سامرا

1- . مجله خُلق، مهرو آبان، ش 19، سال 1389ش.

امور فرهنگی را برعهده دارند ، ایشان برای من این تشـرف را نقل کرد . بعداً ، در همین نیمه شـعبان ، خدمت اسـتادمان آیت الله سند ، در اصفهان بودیم .

ایشان فرمودند : چنین تشرفی را شنیدید ؟

گفتم : بله . شیخ سیف العائدی برای من نقل کرده است .

گفتند : من هم از شـیخ سیف شیندم . اما رفتم سراغ آن کسی که خودش خدمت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است . از خود او سؤال کردم و خود او برای من گفت : قصه این بوده است که یکی از خدّام حرمِ حضرات عسکریین (علیهما السلام) ، در سامرا به نـام سـید عـدنان این آقـا، خانمش و خانواده اش در کوت زنـدگی می کردنـد . نزدیک مرز مهران . خودش مقام خـدمت افتخاریِ حرم حضرات عسکریین (علیهما السلام) را داشته است .

خدمت افتخاری حرم

الان خدّامی هسـتند آنجا که زن و بچه شان مثلا در کربلا یند ، در نجف اند ، در کوت اند ، در جای دیگری هستند ، در بصره اند . اما می آینـد بیست روز- بیست روز خـدمت می کننـد ، دو روز می رونـد از زن و بچه شان خبر بگیرنـد و برمی گردند. این بندهٔ خدا ، آقای سـید عـدنان ، خانمش سـرطان می گیرد . می آید متوسل می شود به حضـرت هادی (علیه السـلام) جوابی دریافت نمی کند . به امام عسـکری (علیه السلام) که من خادم حرم شمایم . خبری نمی شود . به خود صاحب الامر ، صاحب الدار ، خبری نمی شود .

واقعا چقدر خوب است که انسان به هوش باشد و بفهمد که از کجا باید وارد شو د .در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد.

توسل به نرجس خاتون (علیها السلام)

آخر به دلش می افتد ، می رود ، می چسبد به ضریح حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، مادر امام زمان، عروس حضرت زهرا (علیها السلام) به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض می کند که :

بی بی! من خادم حرم شمایم . این جا جاروکشم . زنم سرطان گرفته است . خوب بروم به که غیر از شما بگویم ؟ اگر نوکر هر مشکلی دارد ، باید به اربابش بگوید . من هر چه به آقازاده ، امام زمان ، می گویم توجهی نمی فرمایند . به امام عسکری (علیه السلام) ، شوی شما می گویم ، خبری نیست. به امام هادی (علیه السلام) ، خبری نیست . دستم به دامن شما . شما امر بفرمایید به آقازاده تان حجة بن الحسن (علیه السلام) که فکری به حال من بیچاره و سرطان زنم بکند .

ایشان ، سید هم هست ، به آیت الله سند گفته و آقای شیخ سیف العائدی هم برای من نقل کرده است. من از دو طریق دارم نقل می کنم .

گفته است از حرم که آمدم بیرون ، بعد از توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، تا وارد ایوان شدم ، دیدم امام عصر تشریف آوردند .

یک جمله ای به این مضمون فرمودند که :

می دانی مرا از کجا کشاندی اینجا ، رفتی به مادرم گفتی ؟ می دانی من چقدر گرفتاری دارم ؟ چقدر مشغولم ؟ هزاران هزار نفر در دنیا من را صدا می زنند. الان می دانی من از کجا آمده ام ؟

بعد گفته که ، حضرت روی یک سکویی نشستند توی صحن و ایوان . من هم در خدمتشان ایستاده بودم. منتها از مهابت و عظمت حضرت ، بدنم

خشک شده بود ، همین طور عرق می ریخت از سر و صورتم. مثل چوب خشک شده بودم. من که همین طور عرق می ریختم ، حضرت چند مرتبه با انگشت مبارکشان عرق را از پیشانی من گرفتند و دو سه بار پیشانی مرا بوسیدند .

بعد ، در خدمتشان رفتیم سرداب ، سرداب عبادت ، و مشغول عبادت شدند . جمله هایی دیگر حضرت فرمودند . مطالبی حضرت فرمودند که مطالب فراوانی است . دو ساعت تقریباً خدمت حضرت بوده است . بعد حضرت به او می فرمایند برو کوت . وقتی به کوت رسیدی ، من دو مرتبه می آیم و خانمت شفا پیدا می کند .

بعد از آن دو ساعت ، به کوت می رود ، و حضرت تشریف می آورند و خانمش شفا پیدا می کند .

خوش به حالت که زنت شفا پیدا کرده است . چون سخت است بر یک مرد که ببیند زن جوانش ، مثل شمع ، دارد آب می شود...(1)

دستور توسل خاص به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ثواب آن هدیهٔ به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سیّد حسین هاشمی نژاد نقل کردند:

روزی یکی از دوستان طلبه ام برای حاجت بسیار مهمی به من مراجعه کرد و پس از بیان حاجتش تقاضا نمود تا با هم خدمت آقای مجتهدی برویم و از ایشان کمک بگیریم .

1- www.tasharro.at.org (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

بنده که تشخیص دادم حاجت او واقعاً سرنوشت ساز است ، در خواستش را پذیرفتم و با هم به منزل آقای مجتهدی رفتیم .

ایشان با این که کسالت داشتند بزرگواری کردند و ما را پذیرفتند .

پس از این که قضیه را خدمتشان عرض کردیم ، به دوست طلبه ام فرمودند :

شما به مسجد جمکران مشرف شوید و نماز حضرت را بخوانید و ثوابش را به روح منوّرهٔ مادر بزرگوارشان بی بی نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه کنید . و پس از پایان صلوات هایی که در سجده بعد از نماز گفته می شود ، رو به قبله بنشینید و سیصد و سیزده مرتبه « یا حجّة الله » بگویید . سپس به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) عرض کنید : « شما به فرزند عزیزتان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگویید مشکل مرا رفع کنند .» چون احسان و اکرام والدین واجب است ، حتماً حضرت عنایت می فرمایند .

پس از این که بیانات حضرت آقای مجتهدی تمام شد ، از خدمتشان مرخص شدیم . عصر همان روز دوستم به مسجد جمکران مشرف شد و به همان صورت که آقای مجتهدی فرموده بودند اعمال را انجام داد .

او فردای آن روز به سراغم آمد و گفت : به عنایت آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن مشکل بزرگ ، به راحتی حل شد!

از آن زمان تاکنون حدود بیست سال می گذرد و بارها خودم و هر کس را که به این دستور و توسل واداشته ام ، به لطف حضرت ، حاجت روا دیده ام.(1)

1- . لاله ای از ملکوت، ج 3 ، ص 201.

امیـد است در این عصـر غیبت که زمـان پریشـانی و غم و ابتلاسـت ، دوسـتان امـام زمـان (عجـل الله تعالی فرجه الشـریف) با توسل به حضرتش مخصوصاً توسلی که آقای مجتهدی به آن امر فرمودند دردهای خویش را درمان کرده و خود را از مهلکه ها نجات دهند .

برآورده شدن حاجات ، با خواندن زیارت عاشورا و هدیه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یك بنـده خدایی می گوید : دو مرتبه مشـکل مهمی برای من پیدا شد و با زیارت عاشورا بر طرف شد ، توسل اول : برای حقیر سه مشـکل مهم پیدا شده بود که سخت مرا نارحت کرده بود .

1 . مبلغ دویست هزار تومان بابت خرید منزل بدهکار بودم(1) که نزدیك نه سال طول کشیده شده بود و قدرت پرداخت آن را نداشتم.

2 . گرفتاری سخت دیگری که از بیان آن معذورم .

3 . از جهت امر معـاش سـخت در مضـیقه بودم . این سه گرفتـاری عرصه را بر من تنگ کرده بود ، بعـد از توسل به بی بی فاطمه معصومه (علیها السـلام) به خاطرم رسـید که چهل روز زیارت عاشورا را بخوانم و ثوابش را به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) هدیه نمایم که آن حضرت نزد فرزندشان آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شفاعت نموده که این سه گرفتاری بر طرف شود .

توسل را به این طریق شروع کردم :

بعـد از نماز صـبح هر روز زیارت امین اللّه به قصد زیارت امیرالمؤمنین (علیه السـلام) و سـپس زیارت عاشورا با صد لعن و صد سـلام و سجده و دو رکعت نماز و بعد

1- . در آن زمان مبلغ یاد شده بسیار زیاد بوده است.

از آن دعای معروف علقمه می خواندم . روز بیست و هفتم ، گرفتاری دوم به گونه ای خارق العاده بر طرف شد ، روز سی و هشتم شخصی از دوستان که اجمالا از بدهکاری بنده خبر داشت پس از احوال پرسی ، بدون مقدمه مبلغ دویست هزار تومان که مطابق با بدهکاری حقیر بود به اینجانب داد و گفت : این پول مال شما است بابت بدهکاری منزل ، بعد از اتمام چهل روز امر معاش به اندازه کفایت به گونه ای که در مضیقه نباشم حل شد و الحمدللّه تا این ساعت به مشکلی از جهت معاش برخورد نکرده ام (1).

متوسل شدن در امور مهمه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یکی از فضلای حوزهٔ علمیّهٔ قم نقل می نمودند که :

روزی پس از درس حضرت آیت اللّه العظمی آقای حاج میرزا یداللّه دوزدوزانی (دام ظله) خدمت آقا زادهٔ ایشان ، آیت اللّه زاده حجت الاسلام آقای شیخ حمید رضا دوزدوزانی رسیدم که صحبت از مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شد ایشان فرمودند : حاج آقا (پدر بزرگوارشان) در امور مهمه به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) متوسل می شوند .

مطلب جالبی بود تا اینکه چند روز بعد در محضر آیة اللّه دوزدوزانی (دام ظله) صحبت از آخرین عروس حضرت زهرا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به میان آمد . معظم له فرمودند : در خانهٔ ما رسم بر این است که به این بی بی (حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)) متوسل می شویم . و بنده تسبیح جداگانه ای برای توسل به ایشان دارم .

1- . کرامات الحسینیه، علی میر خلف زاده، ج2، ص7.

حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین انصاریان

خطیب توانا و نامدار ، حضـرت حجت الاسـلام و المسـلمین آقای حاج شـیخ حسین انصاریان زید عزه در مراسم بزرگداشت و تجلیل و تکریم از مـادر امـام زمـان (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) که در تاریـخ جمعه دهم شـعبان 1444قمری برابر با12/12/1401در حسینیهٔ حضرت جوادالائمه (علیه السلام) اصفهان برگزار شد چنین فرمودند:

من مشـکل ترافیک تهران را ، به نیت یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، 313 مرتبه صلوات به نیت مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حل می کنم و همیشه نیم ساعت قبل از شروع جلساتی که در شهر تهران دارم حاضر هستم و تا الآن که بیش از پنجاه سال است منبر می روم یکبار هم نشده دیر به جلسات برسم به خاطر توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) .

کرامت و عنایتی از حضرت نرجس (علیها السلام)

در خصوص آنچه از کرامت حضـرت نرجس (علیها السـلام) دیده شده ، یکی آن است که در نیمه دوم سال 1391 شمسی بود که یکی از بزرگواران اهالی شـهر اقلید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، بنده (پ.ت) را واسطه جهت استخاره گرفتن از مرحوم آیت الله حاج سید محمدباقر موحد ابطحی نمود . پس از استخاره مرحوم آقا فرمودند :

نتیجه خوب است و برای این نیّت اقـدام کنـد که بشـارتی در این عمـل است و در این مسـیر متوسـل به امـام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گردد .

شخص یاد شـده ، مدتی نزدیک به سـی سال از نعمت اولاد محروم بوده و این اسـتخاره جهت مراجعه به یکی از اطباء متخصـص نازایی بوده است . که بعد معلوم شد ایشان به مقتضای استخاره عمل نموده و متوسل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم گردیده و نذری هم در این خصوص نموده و خداوند به واسـطهٔ تفضل و توسـلات ، دختری به ایشان عنایت کرد که نام او را « نرجس » گذاشـتند . و این نبود مگر به عنایت والدهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فیها عبرة للمؤمنین.(1)

توسل به والدهٔ ماجدهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از افراد متـدیّن و مورد اعتمـاد جریـانی از عنایت حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) نقل می کرد که در سال 1401 شمسی در اصفهان رخ داده که به شرح ذیل است :

زمانی اقدام به خرید زمینی در اطراف اصـفهان به متراز 3000 متر کردم مالکین این زمین که بعـداً معلوم شـد افراد کلاه برداری بوده اند با زیرکی مبایعه نامه را به صورت کاملاً حرفه ای به نفع خود تنظیم نمودنـد و بخشـی از مبلغ زمین را نیز دریافت کردند ، ولی بعد از چند ماه پیگیری متوجه شـدیم که سـند زمین دارای اشـکال بوده و طبق متن قرارداد ما هیچ راهی برای احقاق حق خود نداشتیم ، از طرفی شـکایتی تنظیم کردیم و منتظر وقت دادگاه شدیم و از طرف دیگر با هر وکیل و فرد متخصصی که در این زمینه صحبت می کردیم بعد از

1- .داسـتان یاد شـده را حجت الاسـلام و المسـلمین آقای سـید محمد جواد ابطحی دام عزه نوهٔ آیت الله العظمی آقای گلپایگانی (قدس سره) نقل کردند و شواهد و نشانه های عظمت این کرامت روشن نرجسیه را به تفصیل بیان کردند .

خواندن متن قرارداد با صـراحت بیان می کرد که متن قولنامه به قدری دقیق تنظیم شده که هیچ راهی برای احقاق حق شـما وجود ندارد . از این روی تا زمان رسـیدن نوبت دادگاه تصـمیم گرفتم با توسل و دعا ، چاره ای برای مشکلم پیدا کنم و شروع کردم به خواندن تعداد زیادی صلوات و هدیه آن به مادران ائمه اطهار (علیهم السـلام) از حضـرت فاطمه بنت اسد مادر امیر المؤمنین (علیه السـلام) تا حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

بالاخره روز دادگاه فرا رسـید و در دادگاه نیز ما حرفی برای گفتن نداشتیم . طبعاً قاضی می بایست حکم داده و قضیه تمام شود ولی با کمال تعجب دیدیم که دسـتور داد پرونده برای کارشناسـی ارسال شده ، و شرایط زمین کارشناسی شود . بعد از این مرحله به مدت سه هفته هر روز زیارت عاشورا می خواندم و به حضـرت نرجس (علیها السـلام) هدیه می کردم و البته صـلوات ها هم به قوت خودش باقی بود تا روز جواب کارشناسـی فرا رسـید و با کمال تعجب متوجه شدیم که زمین از اموال دولت بوده و طرف ما محکوم به فروش مال غیر شده و حکم به نفع ما صادر شـد این در حالی بود که ما قبلاً اسـتعلام گرفته بودیم و متوجه این امر نشـده بودیم . به هر روی به برکت توسل به حضـرت نرجس خاتون (علیها السلام) حکم اولیه به نفع ما صادر شد و طرف دیگر محکوم به برگرداندن اموال ما و جریمه شد.

این بـار این شـخص کلاـهبردار از راه دیگری وارد شـد و بـا طرح ادعای اعسار (یعنی عـدم امکان پرداخت مال و جریمه) و گریه و زاری ساختگی می خواست از اجرای حکم فرار کنـد . جلسه به دو هفته بعد موکول شد و من هم همان برنامه زیارت عاشورا و صـلوات را ادامه دادم تا روز جلسه دادگاه

متوجه شـدیم که این شـخص دو نفر را آورده که به عنوان شاهـد شـهادت دروغ بدهنـد که وی فقیر بوده و بایستی حکم اعسار در موردش جاری شود .

در زمان جلسه با کمال تعجب دیدیم که هر دو شاهد که کاملاً آماده برای شـهادت دروغ بودند با یکی دو سؤال قاضی مات و مبهوت شده و ساکت شدند آن شـخص کلاهبردار هم وسط سؤال ها مجبور شد دروغی بگوید که قاضی متوجه شد و به یک مرتبه تمام نقشهٔ آنها نقش بر آب شده و قاضـی حکم اعسار را نیز رد کرد و رأی دادگاه با عنایات حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) به نفع ما صادر شد و این در حالی بود که طبق شواهد و مبایعه نامه و اقرار وکلای حاذق که در جریان دادگاه ما بودند هیچ راهی برای احقاق حق ما وجود نداشت .

برطرف شدن موانع ازدواج به برکت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

یکی از فضلا و مبلغین حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان نقل نمودند :

فرزندم به سن ازدواج رسـیده بود . وی این مسـئله را در خانواده مطرح نمود . موانعی مانند نرفتن سـربازی ، نبودن شـغل مناسب ، نداشتن خانه و وسیلهٔ نقلیه سر راهش قرار داشت . من هم از لحاظ اقتصادی در مضیقه به سر می بردم .

در این زمان که شـرایط ازدواج خیلی سـخت شده از یک طرف و موانع و مشـکلات اقتصادی و دیگر گرفتاری ها که سـر راه جوان ها قرار دارد از طرف دیگر ، باعث شده بود که اضـطراب و استرس در وجودم حاکم شده ، و پریشان حال شده بودم و از طرف دیگر نمی خواسـتم جوانم را رها کنم ؛ لذا هر کاری که از دستم بر می آمد انجام دادم ولی به نتیجهٔ مطلوبی نرسیدم . حتی

مقداری زمین و آب کشاورزی که ارث پدرم و پدر همسرم بود را برای فروش گذاشته بودم ، ولی کسی زیر بار خرید آن نمی رفت .

مـاه رجب المرجب شـد ، نیّت نمودم ، روزه گرفتم و نمـاز و دعاهایی که سـفارش شـده بود را انجام دادم حتی اعمال ام داوود و نماز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) در نیمـهٔ شب های جمعه می خوانـدم اما خبری نشد انگار که مصـلحتی خاص در کار بود . بر اثر توسلات یاد شده ، جرقه هایی زده شد و امیدواری هایی حاصل گردید و چشم انتظار مددی غیبی بودم .

روز ولادت با سـعادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به دعوت استاد بزرگوارم ، حضرت آیت اللّه سیّد حجّت موحّد ابطحی مجلسی جهت تکریم و تعظیم حضـرت نرجس خـاتون (علیها السـلام) در بیت العتره برگزار شـد که در آن با نیت برآورده شـدن حوائـج جوانان و گرفتاری ها شـرکت نمودم . هنگام مداحی آقای مکاریان که اشـعار توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را می خواند یک مرتبه دلم شـکست و نیّت کردم مجلس بزرگـداشتی در منزل برای مـادر امـام زمـان (عجـل الله تعالی فرجه الشـریف) بگیرم . به امیـد آنکه اثر توسلات ماه رجب را در توسل به مادر باران حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ببینم .

موضوع را با خانواده مطرح نمودم ، آنها شدیداً مخالفت نمودند و گفتند: اگر بنا بود مشـکل ما حل شود با این همه توسلاتی که انجام دادی حل می شـد . گفتم : شایـد ما قبلاً کاری کرده ایم که دل امام زمان را شکسـته ایم ، ان شاء اللّه با توسل به مادرشان ، آن حضـرت عنایتی بفرمایند و مشکل ما حل شود . گفتند : فقط به یک شرط راضی می شویم که پیش استادت حاج آقا حجت

استخاره کنی و نگویی به چه جهتی استخاره می خواهم . به یکی از دوستان زنگ زدم و گفتم : به حاج آقا بگویید یک استخاره بگیرد ولی نگویید برای چه کسی می خواهم . نیم ساعت بعد ایشان با من تماس گرفتند و گفتند : حاج آقا فرمودند : استخاره شما خیلی خوب است . خانواده رضایت دادند . گفتم: باید برای مادر حضرت تلاش مناسب کنیم و با اینکه از لحاظ معیشتی واقعاً در مضیقه بودم سی نفر از افرادی که اهل استغاثه و توسل بودند را دعوت نمودم . در شام ششم شعبان المعظم روز دوشنبه توسلی به این صورت انجام دادیم : دو رکعت نماز حاجت هدیه به محضر حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) به جا آوردیم ، بعد از آن 313صلوات فرستادیم و سورهٔ « فتح » را به طور دسته جمعی خواندیم و پس از آن یکی از روحانیون بر فراز منبر رفتند و فضائل حضرت نرجس (علیها السلام) را بیان نمودند و مداحی انجام گرفت و روضهٔ حضرت زهرا (علیها السلام) خوانده شد و سپس همگی بر سر سفرهٔ کریمانه حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نشستیم و از غذایی که آماده کرده بودیم بهره مند شدیم .

واقعاً شور خاص و معنویتی عجیب در جلسه حکمفرما بود ، که پس از جلسه من و خانواده ام به آرامش رسیدیم .

خدا را گواه می گیرم فردای آن روز یکی از دوستان ، خانواده ای را معرفی نمودند ، با اینکه هنوز موانع رفع نشده بود ، با نا امیدی برای خواستگاری رفتیم . وارد منزل عروس خانم که شدیم مورد احترام والدین ایشان قرار گرفتیم شروع به صحبت نمودم پدر دختر حرفی زد که تمام غم و غصهٔ من برطرف گردید . گفتند: حاج آقا! ما پدر و مادر و تمام فامیل شما را می شناسیم کاری

به شغل و درآمد فرزندتان هم نداریم ، همین که جوانی مؤمن و با تقوا است و اهل دود و سیگار نیست کافی است .

جالب اینکه در شام میلاد اقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک مشتری برای زمین و آب کشاورزی پیدا شد و معامله ای صورت گرفت و مشکل اقتصادی و وسیله نقلیه حل شد بدون اینکه مانعی سر راه پیش بیاید .

به برکت والدهٔ ماجدهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در روز جمعه هفدهم شعبان المعظم در « بیت العتره » توسط استاد گرانقدر ، حضرت آیت اللّه موحّد ابطحی دامت برکاته خطبهٔ عقد فرزندم جاری شد .

در یک کلام! توسلات در ماه رجب خلاصه شد و حواله داده شد به مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

همانطوری که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم : « يَا وَلِيَ اللَّهِ إِنَ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ ذُنُوباً لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُم » وقتی آقا راضی شد به سفارش مادرش کارها حل شد .

گره گشائی از سرباز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از طلاب حوزهٔ علمیّه که از دلباختگان اهل البیت (علیهم السلام) و فعالان در ترویج آنها است نقل نمود که :

مشکلی برایم پیش آمد که تمام فکر و ذهنم را به خود مشغول نمود و هر چه تلاش می کردم کارها به هم گره می خورد و مشکلاتی در زندگی ام به وجود آمده بود (مثل تصادف ماشین) که به هر دری می زدم به درب بسته

می خوردم . به یکی از دوستانم مراجعه نمودم وی با مسئول مربوط به کارم تماس گرفت ، یک مرتبه دیدم رنگ چهره اش تغییر نمود و خیلی ناراحت شد و تلفن را گذاشت و به من گفت : باید به خدمت سربازی بروی و هیچ راهی نداری و بعد از پایان خدمت بیایی تا پرونده جدید برایت تشکیل بدهیم .من که قبلاً به خدمت سربازی رفته بودم و هنوز پایان خدمت به من نداده بودند و حال آنکه چند سالی از آن می گذشت و آنان مدرک پایان خدمت می خواستند و به هیچ وجه عذرم را نمی پذیرفتند ، از دفتر کار آن مسئول بیرون آمدم در حالی که خیلی ناامید شده بودم . یاد سخن استاد بزرگوارم افتادم که می فرمودند : هر گاه و هر جایی به بن بست خوردید توسل پیدا کنید و درِ خانهٔ امام زمان را بزنید محال است که امام زمان جواب سربازشان را ندهند .

سوار ماشین شدم در حین رانندگی شروع نمودم با امام زمان درد دل نمودن و صحبت کردن و گفتم آقا جان! من چهل حدیث کسا هدیه به روح مادر بزرگوارتان حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) می خوانم . سپس گفتم : امام زمان من فکرم به جایی نمی رسد شما خودتان راهی جلوی این ناقابل بگذارید . همین که این حرف را زدم یک مرتبه به ذهنم خطور کرد که یکی از دوستانم گفته بود اگر یک موقع مشکل خاصی پیدا نمودید سراغ فلانی برو و به او بگو من از شاگردان فلان عالم دینی که دلسوز طلاب است می باشم و مرا فلان شخص معرفی نموده است . او تا جایی که از دستش برآید کمکت می کند . همان لحظه با وی ارتباط برقرار کردم و شماره تلفن ان شخص را گرفتم . چندین مرتبه به ایشان تلفن زدم فایده ای نداشت و جواب مرا نمی داد . با دوستم تماس

گرفتم و جریان را مطرح نمودم گفتند : ایشان به خاطر مشغلهٔ کاری که دارد به هیچ وجه جواب تلفن نمی دهد . پیامی به ایشان دادم و گفتم : ان شاء الله جواب پیام را خواهند داد .

وقتی به خانه آمدم به همسرم گفتم : مشکلی این چنین برایم به وجود آمده دعا کن به زودی برطرف شود . همسرم چهل زیارت عاشورا نذر مادر امام زمان ، حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) نموده بود و مدتی بود که به نذرش عمل می نمود . با مادرم تماس گرفتم و گفتم : مادر جان! برای فرزندت مشکلی پیش آمده باید شخصیت مهمی را ملاقات بنمایم دعا کنید که به من وقت ملاقات بدهد تا مشکلم برطرف شود .

همان شب همسرم طبق عهد و نذری که کرده بود زیارت عاشورایش را خواند و من هم توسلی پیدا نمودم و خوابیدم . فردای آن روز همسرم گفت : دیشب ساعت دوازده و نیم شب زیارت عاشورا را که خواندم منقلب شدم و گفتم : یا صاحب الزمان! شوهرم سرباز شماست و خدمتگزار اهل بیت (علیهم السلام) می باشد تا صبح جواب پیامش داده شود که باعث خوشحالی وی گردد و مشکلش حل شود . در همان ساعت هم ، در دل شب مادرم توسل پیدا کرده بودند و منقلب شده بودند .

هنگام نماز صبح که بیدار شدم ، بعد از نماز ، سراغ تلفن همراه رفتم ، دیدم از آن مسئول پیامی آمده است که ساعت دوازده و نیم شب بوده است . خوشحال شدم در حالی که همه می گفتند وی جواب نمی دهد و سرش خیلی شلوغ است . وی در پیام نوشته بودند فردا ساعت چهار بعد از ظهر به دفترم

بیـا. سـر سـاعت مقرر به دیـدار او رفتم و جریـان توسـل خودم ، همسـر و مادرم را برای او شـرح دادم . ایشان گفتنـد : کمکت می کنم تا مشکلت بر طرف شود .

با عنایات خاصهٔ حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) آن مسئول مشکلم را برطرف نمود . وقتی دوباره با دوستم که از آگاهان به مسائل بود تماس گرفتم و گفتم : مشـکلم حل شـد در جواب به من کفت : محال است و این کار نشدنی است چه کاری انجام دادی ، معجزه ای بایـد برایت اتفـاق افتـاده باشـد که این مشـکل حـل شـده است . بله وی درست می گفت ، فقـط کرامت و عنـایت مادر امام زمان و خود حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود که عنایت نمودند مشکلم بر طرف شد .

نذر تألیف کتاب برای حضرت نرجس (علیها السلام) برای بر آمدن حاجت مهم

دو حکایت زیر درباره دو تن از اهل قلم می باشـد که در زنـدان گرفتار بوده اند و با توسل به والدهٔ ماجدهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) ، حضـرت نرجس (علیها السلام) نجات پیدا نموده و به نذر خود وفا نموده و کتابی راجع به شخصیت و فضائل آن بزرگ بانو به رشتهٔ تحریر در آورده اند .

نجات از زندان ، کتاب آخرین عروس

صدای رعد و برق به گوشم می رسید ، بلند شدم از پشت میله ها به بیرون نگاه کردم . همه جا تاریک بود و باران تندی می بارید.

نمی دانم چه شد که ناگهان بغضم ترکید . چند ساعتی بود که بازداشت شده بودم . شاید بخواهی بدانی ماجرا چه بود .

بهار سال 1387شمسی بود و من در شهر مدینه ، مهمان پیامبرِ مهربانی ها بودم . در حرم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با چند جوان عرب در مورد آقا سخن گفته بودم ؛ غافل از این که سخن گفتن در مورد آقا در این شهر جرم است.

وهّابی ها به من گفتند که : تو را به دادگاه می بریم و باید محاکمه شوی . حدّاقل سه ماه در زندان خواهی بود .

حالا بایـد منتظر دادگاه می ماندم . نمی دانم چه شد که یاد مادرِ آقا افتادم . اشک در چشـمانم حلقه زد و گفتم : « بانو! خودت کمکم کن! ».

آن شب نذر کردم اگر نجات پیدا کنم، کتابی برای بانو بنویسم تا جوانان با ایشان و ولادت فرزندش بیشتر آشنا شوند .

فکر می کنم یک ساعت بیشتر نگذشته بود که من آزاد و رها ، دست بر پنجره های بقیع گرفته بودم و اشکِ شوق می ریختم...

امروز خدا را شکر می کنم که توفیقم داد تا به نذر خود عمل کنم و کتابم را بنویسم .

این کتاب را آخرین عروس نام نهادم ؛ زیرا همه می داننـد که حضـرت نرجس (علیها السـلام) تا قبل از آغاز روزگار غیبت ، آخرین عروسِ حضرت زهرا بوده است . نمی دانم از آقا چگونه تشـکّر کنم که لطف و عنایت کرد و حالا کتاب ، مهمانِ دستِ مهربان شـماست . برای ظهور آقا بیشتر دعا کنید .(1)

کتاب فوق در خردادماه 1389شمسی نوشته شده است .

1- . آخرین عروس ، داستان حضرت نرجس از روم تا سامرا ، ص 7 و 8 .

نوشتن کتاب « السیدة نرجس » در زندان با توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

کتاب « السیّده نرجس (علیها السلام) » به قلم محقق و دانشمند محترم آیت الله آقای سید مرتضی حسینی شیرازی می باشد که در زندان انفرادی در سال 1417 قمری نگاشته اند. آقای داوود صفرنژاد آن را ترجمه و بازنویسی نموده اند که چاپ اول آن توسط انتشارات آفاق معرفت در سال 1400 شمسی در 168 صفحه منتشر گردیده است .

اما داستان از این قرار است :

دنیا داربلاست و گاه بلا روی بلا بر سر آدمی خراب می شود . سالیانی قبل چنین شد. طوفانی بود و رعدو برقی ؛ گویی آن به آن حلقه های بلا تنگ تر می شد و امواج رنج ها قدرتمندتر و بزرگ تر . کمتر کسی آرامش ممتد و مستمر را در دنیا سراغ دارد. غلبهٔ ظلم بود و ایام بلاخیز حکومتِ ظالم .

در آن ایام ، سخن ارزشمند یکی از بزرگان اهل خطابه را به یاد آوردم که گفت : هنگامی که قصد کردی خواسته و حاجتت برآورده شود ، به واسطهٔ مادران ائمه معصومین (علیهم السلام) به آنان متوسل شو و مادرانشان را نزد آنان شفیع بگیر ؛ آیا ممکن است امامان معصوم این شفاعت را رد کنند؟

با خود گفتم: کتابی دربارهٔ مادر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بنویسم ، باشد که مشمول دعای حضرتش شوم و از دریای بلا نجات یافته و به خدای مهربان تقرّب جویم تا کاغذی مهیا شود و قلم بر لوح دفتر بچرخد و روان در سطور پیش رود ، وقفه و درنگی پیش آمد و یکی دو سؤال مرا به تأمل

واداشت ؛ چه بنویسم تا تکرار دیگر کارها نباشد؟ چگونه بنویسم که خواننده را در کوچه پس کوچه های عبارات، خسته و کسل نکنم ؟ در نهایت تصمیم گرفتم داستان باشد و توصیف و پر از استعاره و کنایه و تشبیه .

کاری آنچنان صورت نگرفته بود که از در و پنجره و هر روزنه بلا نازل شد . تحوّلات سیاسی باعث شد دوستان فراوانی در کنج زندان ، روزگار را به اسارت بگذرانند و نهایتاً زنجیر زندان دست و پای مرا نیز در بند کرد .

مجالی برای سخن گفتن آن ایام نیست و ضرورتی هم آدمی را بر آن کار وادار نمی کند . گذشت و البته بسیار سخت گذشت؛ شب ها و روزها در زندان انفرادی به کُندی در حرکت بود؛ هفته ها و ماه ها پر از تهدید و ارعاب و تحقیر و ...

با اندوهی جانکاه ،ایام سپری شد ؛ اما زندان را مکانی یافتم برای خلوت با خداو دست به دعا بر داشتم و با تضرّع و زاری و توسّل به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) افکارم را سامان دادم و حاجات خود را پنجاه خو استه متمرکز کردم که هم نظر به دنیا داشت و هم عقبی .

مهم ترین خواسته ام فرج امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود و خدمتگزاری بی شائبه و خالصانه و در خون غلتیدن در راه او و داشتن بصیرتی حق بین و بهره مندی از شفاعت سالار شهیدان و نوشیدن آب کوثر از دستان ساقی حوض و شکرگزاری شبانه روزی و ...

به هر حال کمتر از یک سال از عمر زندان سپری شد که مقداری کاغذ و قلم به دستم رسید و قسمتی از وقتم را به نوشتن مطالب مختلف دربارهٔ

ادعیهٔ برگزیده « صحیفهٔ سجادیه » و « مفاتیح الجنان » و مباحث اعتقادی و ولایی اختصاص دادم . هنگامی که نسیم رجب وزیدن گرفت و پیوسته «یا مَن اَرجُوه » بر لب جریان داشت (سال 1417 قمری) آن عهدِ فراموش شده را به یاد آوردم؛ این بار عزم جزم کردم و دست به دامان مادر حجت خدا (علیهما السلام) شدم و از او مدد خواستم و فرزندش را شفیع نزد خدا قرار دادم و با وجود نبود منابع در زندان، قلم به دست گرفتم .

در آن شرایط ، بی نیاز از راهنما و مشاور و همراه و کمک نبودم که محدّث قمی به فریادم رسید و زیارت نامهٔ حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) را سرمشق خود قرار دادم ؛ همان زیارتی که مرحوم حاج شیخ عباس قمی در «مفاتیح الجنان» نقل کرده است .

اما در مورد روش نکارش ، گاه تکیه بر توصیف و داستان کردم و گاه اشاره به نکات تربیتی و اعتقادی و زمانی تحلیل و تفسیر رخ دادهای تاریخی و ... .

کار آسانی نبود ؛ تکیه بر حافظه داشتم و البته سعی در امانت داری و نگاه به درهای زندان تا باز شود و از منابع بیشتر کمک بگیرم . در عین حال همواره ذهنم درگیر انتخاب یک روش مناسب نگارشی بود و در جستجوی مدام الفاظ و عبارات در تب و تاب بود. رنج و شکنجهٔ آن اتاق تنگ و فشارهای زندان بانان و گاه به آینده ای مجهول، این تردید را افزون می ساخت ...

در نهایت ، این مختصر فراهم شد و آمادهٔ عرضه . امید که مقبول نظر فرزندش قرار گیرد.(1)

1- . بانوی انجیل ، ص 18-15.

کتاب فوق در شب یک شنبه 11 شعبان المعظم 1417 قمری در سلول انفرادی زندان به اتمام رسیده است.

(جالب اینجاست که این حقیر (شیخ مهدی آقابابایی) در حالی دارم این داستان را تایپ و صفحه بندی می نمایم که شب یازدهم شعبان المعظم 1444 قمری مصادف با شب ولادت با سعادت حضرت علی اکبر (علیه السلام) می باشد).

نام فرزندم را «نرجس » گذاشتم

یکی از فضلای حوزهٔ علمیّهٔ قم نقل نمودند که :

در سامرّا کنار مرقد مطهّر حضـرت نرجس خاتون (علیها السـلام) عرض نمودم که بی بی جان من فرزند پسر دارم ، اما فرزند دختر ندارم ، اگر شـما واسـطه شوید و لطف کنید خداوند دختری به ما عنایت نماید نام آن را « نرجس » می گذاریم . بی بی لطف فرمودند وقتی دخترم به دنیا آمد نام او را به برکت حضرت ، « نرجس » نهادم . و الآن آن دخترم به برکت این اسم شریف ، در سلامتی به سر می برد .

تصویر

کتاب فوق در شب یک شنبه ۱۱ شعبان المعظم ۱٤۱۷ قمری در سلول انفرادی زندان به اتمام رسیده است.

(جالب اینجاست که این حقیر (شیخ مهدی آقابابایی) در حالی دارم این داستان را تایپ و صفحه بندی می‌نمایم که شب یازدهم شعبان المعظم ۱٤٤٤ قمری مصادف با شب ولادت با سعادت حضرت علی اکبر علیه السلام می‌باشد).

نام فرزندم را «نرجس » گذاشتم

یکی از فضلای حوزهٔ علمیّهٔ قم نقل نمودند که :

در سامرّا کنار مرقد مطهّر حضرت نرجس خاتون علیها السلام عرض نمودم که بی بی جان من فرزند پسر دارم ، اما فرزند دختر ندارم ، اگر شما واسطه شوید و لطف کنید خداوند دختری به ما عنایت نماید نام آن را « نرجس » می‌گذاریم . بی بی لطف فرمودند وقتی دخترم به دنیا آمد نام او را به برکت حضرت ، « نرجس » نهادم . و الآن آن دخترم به برکت این اسم شریف ، در سلامتی به سر می‌برد .

گزارشی از فعالیت های انجام شده برای بزرگداشت حضرت نرجس(علیها السلام) / شیخ محسن جلائی

به قلم : نویسندهٔ فاضل و دلباختهٔ اهل البیت (علیهم السلام) آقای شیخ محسن جلائی

*****

گزارشی از فعالیت های انجام شده

برای بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

بعد از سالروز ولادت حضرت زهرا (علیها السلام) (20جمادی الثانی 1444قمری) به مناسبت های مختلف ، استاد معظم حضرت آیت اللّه آقای حاج سیّد حجّت موحّد ابطحی (دام ظله) در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) و لزوم تجلیل و تکریم از شخصیت والای ایشان سخن می گفتند و در جلسات متعدد ، برای شاگردان و فعالان برنامه های مذهبی در این مورد تأکید فراوان می فرمودند .

ایشان بیان داشتند که این امر در ذهنمان نبود و ما توجّهی به آن نداشتیم ، قضیه ای رخ داد و مبشراتی پیش آمد که نشان می دهد یک عنایت ولائی در کار است که باید نسبت به تشریح مقام و شخصیت و عظمت حضرت نرجس (علیها السلام) اقدام شود . و صاحبان ولایت ،از وجود نازنین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا حضرت ختمی مرتبت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می خواهند حضرت نرجس (علیها السلام) را برای زمان ظهور در ذهن جامعه مطرح کنند ، تا دنیا بداند حضرت نرجس (علیها السلام) کیست و چرا بزرگ است و چرا مادر آخرین ودیعه الهی است .

به همین منظور به قصد توسل به حضرت نرجس (علیها السلام) با محوریت سه حاجت مهم زیر :

1 : تعجیل در امر فرج حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

2 : حاجت روائی همهٔ متوسلین به حضرت نرجس (علیها السلام) .

3 : موفقیت و سربلندی همهٔ کسانی که در راستای تعظیم و گرامیداشت آن حضرت قدم برمی دارند . توصیه های مکرر و معنوی و سازنده ای را مطرح می ساختند .

به دنبال این بیانات و تأکیدات ، اقدامات مؤثری با قدم صدق و اخلاص انجام گرفت که به اذعان همهٔ فعالان این عرصه ، هر قدمی برداشته می شد ، همانند صد قدم کارها به جلو می رفت و علاقه مندان ، مصمم تر و با انگیزهٔ بیشتری برنامه ها اقدامات را دنبال می کردند .

با پیگیری های آیت الله ابطحی (دام ظله) پوسترها و پرچم های مربوط به حضرت نرجس (علیها السلام) در طرح های زیبایی آماده و عرضه گردید ، همچنین مقالهٔ جامعِ نویسندهٔ محقق و استاد بزرگوار ، آقای شیخ علی اکبر مهدی پور (دام ظله) با چند مقاله دیگر سریعاً تایپ و تنظیم و به همراه اشعاری در مجموعه ای با عنوان « مادر باران » گردآوری شد و سریعاً به چاپ رسید و در اختیارنویسندگان و شعرا قرار داده شد ؛ تا سرنخ های نوشتن مقالات و سرودن اشعار پیرامون حضرت نرجس (علیها السلام) در اختیارشان باشد .

نمونه ای از فعالیت های مؤثر

سفر به قم و استعانت از حضرت معصومه (علیها السلام) و دیدار با علمای اعلام

برای این مهم ، حضرت آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) بامداد پنجشنبه 5/11/1401 (چهارم رجب المرجب 1444قمری) عازم شهر مقدّس قم شده و با استعانت از حضرت معصومه (علیها السلام) و ذیل عنایات ایشان ، به همراه

جمعی از جملـه : حضـرت آقـای مهـدی پـور و آیت اللّه زاده خـادم الشـریعه و... طیّ دو روز ، 20 دیـدار بـا علمای بزرگواری از جمله حضرات آیات و حجج اسلام آقایان : کریمی جهرمی ، علوی بروجردی ، میلانی ، طبسی ، شبیری زنجانی ، دوزدوزانی ، حسینی شیرازی ، شهرسـتانی ، حسـینی صدر و ... دام عزّهم ترتیب دادند و با اشاره به جایگاه حضـرت نرجس (علیها السلام) و تأثیر مادرانهٔ ایشان بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) در شـفاعت و امدادهای ایشان از امّت در اوضاع امروز جامعه و نیز برای زمینه سازی برای شـکوه بیشتر مراسم نیمه شـعبان ، بر لزوم اقدام برای تکریم حضـرت نرجس (علیها السلام) و برگزاریِّ مراسم ویژهٔ تجلیل و بزرگداشت در شأن و منزلت ایشان در آسـتانهٔ نیمه شـعبان 1444 قمری تأکیـد فرمودنـد و از محضـرِ حضـرات آقایـان ، پشتیبانی اجتماعی و معنوی این امر را خواستار شدند .

بحمدالله این دیدارها آثار و برکات فراوانی را در پی داشت و بازتاب آن در پیام ها و اطلاعیه هایی که از بزرگان یاد شده صادر گردید هویدا بود .

اولین جلسه رسمی و مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) قم ، بیت جناب جون غلام امام حسین (علیه السلام)

ضمن انجام دیدارها در قم ، برای تشـکیل جلسه مقدماتی تجلیل از مقام حضـرت نرجس (علیها السلام) در روز جمعه پنجم رجب برنامه ریزی شـد و از جمعی از علما ، محققین ، فرهیختگان و صاحبان قلم و نیز جمعی از شـعرای ولائی و برخی از فعالان برنامه های مـذهبی دعوت به عمل آمد .

روز موعود با حضور مدعوین ، اولین جلسهٔ رسـمی احیای امر حضـرت نرجس (علیها السـلام) در منزل آیت الله زاده ابطحی (مسـمّی به بیت جون غلام امام حسـین (علیه السـلام)) که در این ایام متبرک به مجلس سوگواری بر امام هادی (علیه السـلام) بود ، کلیـد خورد . در ابتدا عدّه ای از شعرا سروده های تازهٔ خود را در مورد حضرت نرجس (علیها السلام) با

سوز و شور قرائت نمودند ، سپس آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) مشرف به منبر شدند و از کم و کیف برنامه ها و مقدمات انجام شدهٔ آن ، از جمله تهیهٔ پوستر و آماده شدن کتاب « مادر باران » و... سـخن گفتند و از مجموع دیدارها گزارشی ارائه نمودند و بیان داشتند که : همه باید به میدان بیایند ، برخی خوب مقاله می نویسـند ، بنویسـند ، برخی خوب شعر می گویند ، بگویند ، برخی می توانند مجموعه ای را در این زمینه راه بیاندازند ، برخی می توانند مجلس بگیرند وشوق ایجاد کنند و ... همه و همه دست به کار شوند .

و در ادامه با حالتی منقلب و با اشـکی جاری افزودنـد : ما می خواهیم بازار خریداری یوسف رونق بگیرد ، این بازار رواج داشـته باشد اگر می توانیـد با همیانیاز طلا به صف خریـداری یوسف بیاییـد ، بیائیـد ، و اگر فقط می توانید با کلاف نخی بیایید ، بیائید ، می خواهیم صـف خریداران یوسف طولانی باشد و ...

به لطف الهی در پی این مجلس و دیدارهای گذشـته ، موج گسترده ای در راسـتای تکریم و گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) در قم به راه افتاد و دامنهٔ آن به شهرهای دیگر هم رسید .

ص: 253

جلسه توجیهی بانوان فرهیخته و تاثیرگذار در راستای گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

با توجه به تجارب به دست آمـده در اقـدامات گذشـته و اهمیت نقش بانوان در موفقیت های حاصل شـده ، در ادامـهٔ اقـدامات احیای امر حضـرت نرجس (علیها السـلام) تصمیم بر این شد که از جمعی از بانوان فرهیخته و تاثیرگذار (از معلمین ، اساتید حوزه ،خواهران طلبه ، بـانوان فعـال برنـامه های مـذهبی و بانوان صاحب قلم و سـخن) دعوت به عمل آیـد تا با شـرکت آنها در جلسـهٔ توجیهی برای برنامه های گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) از توانایی های آنها در احیای این امر به احسن وجه بهره برداری شود .

به این ترتیب ، بـا دعوت از آنهـا ، بعـد از ظهر روز دوشـنبه 10/11/1401 (8 رجب المرجب 1444قمری) محـل بیت العتره (علیهم السلام) پذیرای 120 نفر از بانوان برگزیدهٔ مؤثر در امور دینی و ولائی بود .

در آن اجتمـاع نورانی حضـرت آیت اللّه آقـای حاج سـیّد حجّت موحّـد ابطحی (دام ظله) ضـمن سـخنانی ارزشـمند ، اهمّ نکات و ابعاد مختلف موضوع را متذکر شدند و به کم و کیف احیای امر حضرت نرجس (علیها السلام) اشاره

نمودند و اهمیت نقش بانوان را در این رابطه تأکید کردند ؛ و با سـخنان پرشور و سوز و پر احساس و انگیزه ساز ایجاد موجی معنوی نموده ، و انگیزه ها را در شرکت کنندگان مضاعف ساختند .

در پایان مجلس از حضور پر شور مـدعوین تقـدیر شد ، و کتاب « مادر باران » و تعدادی پوستر یادبود بزرگداشت آن حضـرت در اختیار آنان قرار گرفت .

جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) اصفهان ، بیت العتره (علیهم السلام)

در ادامـهٔ راه ، در آسـتانهٔ ولادت آقا امیر المؤمنین (علیه السـلام) از علما ،خطبا ، مادحین ، شـعرا و فعالان مذهبی اسـتان اصـفهان، برای شرکت در جلسهٔ مقدماتی ، دعوت به عمل آمد ، و جمعی از بزرگواران هم ، از شـهر مقدّس قم و شهرهای اطراف برای حضور در مجلس دعوت شدند .

در ابتدا عدّه ای از مادحین و برخی از شـعرای گرامی که شـعرهایی تازه در مدح و منقبت حضـرت نرجس (علیها السـلام) سروده بودند ، افاضه نمودند .

سپس حضـرت آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) وارد میدان سخن شدند و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و آل او (صلی الله علیه وآله وسـلم) در ابتدای سـخن فرمودند : 34 سـال قبـل در بیت الزهرا (علیها السـلام) یک چنین مجلسـی با یک سوم جمعیت امروز تشـکیل شـد (و نهضت فـاطمیه شـکل گرفت که همچنـان منشـأ برکات است) امروز هم این جلسه و هـدف آن ، ما را به چنین موفقیتی امیدوار می کند .

آن روز تأسـیس اساس شد ، و امروز هم تأسـیس اساس است . و در ادامه از برکات نهضت فاطمیه اموری را بر شـمردند و افزودند : امروز سخن از حضرت نرجس (علیها السلام) است ، ایشان محل اسرار الهی و والدهٔ سرّ الهی اند ، سپس به نکاتی از زیارت ایشان اشاره نموده و با بیان گرم و پر احساس شان ادامه دادنـد : باید در مورد این شخصـیت بزرگ ، حرکت بزرگی شود ، همه باید به میدان بیا ینـد ، اگر اهل نوشتن هستید ، اگر اهل سرودن شعر هستید ، اگر مرد کار در فضای مجازی هستید ، اگر و اگر ....

همه بیایید ، می خواهیم بازار خریدن یوسف رواج داشته باشد و ...

سپس گزارشی از سفر قم و مجموع دیدارها و بازتاب آن را ارائه فرمودند . و در پایان از جمع حاضر تقدیر به عمل آوردند .

سفر به مشهد مقدّس و استعانت از حضرت رضا (علیه السلام) و تشکیل جلسه مقدماتی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

بحمدالله طیّ یک ماه اخیر با اقدامات خالصانه و صادقانه خادمین اهل البیت (علیهم السلام) موج گسترده ای در راستای گرامیداشت شأن و منزلت حضرت نرجس (علیها السلام) در شهرهای قم و اصفهان و دیگر شهرها شکل گرفت ، و دامنهٔ این موج عظیم به مشهد الرضا (علیه السلام) رسید .

حضرت آیت الله موحّد ابطحی (دام ظله) در ادامهٔ فعالیت ها به منظور توسل و استعانت از حضرت رضا (علیه السلام) سفر به مشهد را در دستور کار قرار دادند و مقدمات آن را آماده نموده ، جهت برگزاری جلسه مقدماتی بزرگداشت در مشهد مقدّس به وسیله فعالان ولائی ساکن مشهد از علما و خطبا و مادحین و شعرا و برخی دیگر از فرهیختگان دعوت نمودند ، و خودشان در ایام شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) عازم مشهد مقدّس شدند و در اولین اقدام ، با همکاری دوستان ولائیِ شهر مشهد در شام شنبه 27 رجب 1444 قمری برابر 29/11/1401 در سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) مجلس با شکوهی را در منزل حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن قاسمی دامت برکاته برگزار کردند که با حضور چهره های مؤثر از علما و خطبا و مبلغین و سعرا و مداحان و ... از شهر مشهد و مهمان هائی از دیگر

شهرها ، از کم وکیفی بسیار جالب برخوردار شد ، و با سخنرانی و توضیحات جناب آقای قاسمی و نیز بیانات حضرت آیت اللّه موحّد ابطحی دربارهٔ اهمیت بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) از نظر اجتماعی و معنوی و راهکارهای علمی این برنامه عظیم و نیز با شعرخوانی شعرا و مداحان دربارهٔ حضرت نرجس (علیها السلام) حال

و هوای ولائی و مهدویِ عجیبی در مجلس ایجاد شد که موجب به حرکت در آمدنِ احساسات پاک حاضرین برای بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) گردید ، و زمینه را برای اقدامات بعدی در این موضوع مهم و نورانی آماده نمود و خبر این مجلس مقدّس و فراخوانِ نورانی ، در میان علاقه مندان به اقدامات ولائی و مهدوی منتشر گردید و از طریق فضای مجازی در میان دلبستگان به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انعکاس وسیع یافت .

جلسهٔ توجیهی ، در مقدمهٔ مجلس اصلی بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام)

در مقدمهٔ مجلس بزرگداشت اصلی ، با دعوت از برخی چهره های موثر از علما ، خطبا ، مادحین ، شعرا ، هیئتی ها و فعّالان ولایی ، در سالروز ولادت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ، جلسه ای توجیهی در بیت العتره تشکیل گردید ، و کمّ و کیف مجلس بزرگداشت و اقدامات لازم برای هرچه بهتر برگزار شدن آن مورد بحث قرار گرفت .

در این جلسه ، آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) بعد از حمد الهی و صلوات بر پیامبر و آل او (علیهم السلام) ، متن اطلاعیهٔ مراسم بزرگداشت را قرائت فرمودند ، و بیان داشتند : سخن از تکریم و تجلیل است و این تکریم و تجلیل توسل است ، می خواهیم با تجلیل از حضرت نرجس (علیها السلام) از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تکریم

کنیم و نگـاه رحیمانـهٔ ایشان را جلب کنیم ، و چنین ادامه دادنـد که در سالیان گذشـته من از شخصـی ناراحتی عمیقی پیـدا کردم و با او به مشـکل روحی برخوردم ، تا اینکه مادرمان از دنیا رفتنـد ، در مراسم ایشان دیـدم آن شـخص به همراه دوسـتانش با یک حالتی آمدند که از چهره هایشـان مشـخص بود به جهت تکریم مادرمان آمـده انـد ، وقتی این صـحنه را از ایشان دیـدم ، تمام صـفحهٔ ذهنم از ناراحتی ها و کدورت ها پاک شد ، ...

سپس آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) با حالت منقلب و با گریه ، خطاب به جمع حاضـر فرمودند : فهمیدید می خواهم چه بگویم ! ما با امـام زمانمـان خوب رفتار نکرده ایم ، تعارف هم نـداریم ، هر کـداممان به نحوی قلب نازنینشان را آزرده ایم ، ایشان اگر به ما نگاه کننـد و ببینند ما مادرشان ، حضرت نرجس (علیها السلام) را مورد اکرام و احترام قرار داده ایم ، آیا نسبت به ما نرم و مهربان نمی شوند!؟

ایشان که رحمت واسـعه اند و مثل مادر مهربانند چنانچه امام رضا (علیه السلام) فرموده اند : الإمامُ کالأُمِّ البَرَّةُ بِالوَلَدِ الصَّغیرِ ، آیا امیدوار نباشیم ، اگر قدمی بر داریم ، دل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به دست می آوریم!؟

سپس گزارشـی از سـایر برنـامه هـا ، از جمله سـفر قم و مشـهد مقـدّس و برنامه های آن ارائه فرمودنـد و دوسـتان را برای چگونگی برنامه بزرگداشت ، توجیه و آماده نمودند . و در ادامه ، لزوم تبلیغ در فضای مجازی و نشـر مطالب راجع به حضـرت نرجس (علیها السـلام) ، (اعـم از پیام ها و اطلاعیه های صادر شـده ازعلما ، و نیز مقالات آماده شـدهٔ نویسـندگان ، و همچنین سـروده های شـعرا و فایل آماده شدهٔ پوسترها) را مورد تأکید قرار دادند .

آثار توجه عمومی به نام حضرت نرجس (علیها السلام) و برگزاری جلسات بزرگداشت

با آغاز ماه شـعبان المعظم و اعیاد شـعبانیه ، با توجه به توجیهات و اقدامات انجام شده ، شاگردان آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) اعم از طلاب ، ائمهٔ جماعات ، همسـران طلاب ، بانوان فرهیخته و وابسـتگان و زیر مجموعه های ایشان ، مشتاقانه نهایت سعی خود را در جهت تکریم و گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) به انحاء مختلف مبذول داشتند.

بدین ترتیب ، بسـیاری از مساجد ، هیئت ها و جلسات مذهبی ، اعیاد شـعبانیه و دههٔ مهدویت را با رویکرد تکریم حضرت نرجس (علیها السـلام) دنبال کردند . و چه بسـیار سفره های اطعامی که به نام حضرت نرجس (علیها السلام) در قالب جشن های متوسط و کوچک و با همکاری مشتاقانهٔ بانوان در منازل و در جمع های خانوادگی به قصد توسل گسترده شد .

گروه های تبلیغی هم در این ایام ، بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) را در برنامه های تبلیغیِ خود قرار دادند . برای نمونه برخی از گروه ها با حضور در مدارس (برای مقاطع مختلف تحصـیلی) نام حضـرت نرجس (علیها السلام) را مطرح نمودند .و جلسات موفق و پر اثری که مخصوص این امر در نقاط مختلف شـهر برگزار گردید و به فضل الهی ، نام حضـرت نرجس (علیها السـلام) فوق انتظار در جامعه مورد توجه قرار گرفت و ذیلاً به چند مورد آن اشاره می نماییم :

1 : مجلس عظیم بزرگداشت در حسینیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام) که در ادامهٔ این نوشتار به شرح آن می پردازیم .

2 : مجلس شام دوشنبه 8/12/1401 - 6 شعبان المعظم 1444قمری در منزل نویسندهٔ ارجمند جناب آقای شیخ مهدی آقابابایی که با حضور علما و خطبای شهر ، با سخنرانی استاد معظم ، آیت الله موحّد ابطحی (دام ظله) برگزار گردید .

3 : مجلس ظهر سه شنبه 9/12/1401 – هفتم شعبان المعظم که در مجموعهٔ فرهنگی هنری غدیرستان (مدرسهٔ علمیّهٔ خالصیه اصفهان) با حضور علما و فرهیختگان و فعالان دینی ، با سخنرانی استاد گرامی ، حجت الاسلام و المسلمین آقای سید امیرحسین طالقانی (دام ظله) و شعر خوانی شاعر محترم ، آقای سعید علامه برگزار گردید .

4 : مجلس شام دوشنبه 15/12/1401 – سیزدهم شعبان المعظم که در مسجد مرحوم آیت اللّه محقق (قدس سره) ، به همّت آیت الله زادهٔ فقیه امامی با حضور علما و هیئات مذهبی و عموم مردم با ایمان و سخنرانی پرشور و احساس آیت اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) برگزار شد .

5 : و ... مجالسی که از دیگر شهرها ، از جمله شهرضا گزارش گردید و ده ها مجلسی که در شماری از مساجد ، حسینیه ها و منازل ، با تلاش دوستان ولایی برگزار گردید . و به لطف الهی برگزاریِ این مجالس و توجه خاص به نام حضرت نرجس (علیها السلام) تا بعد از مراسم نیمهٔ شعبان (میلاد مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) هم ادامه یافت .

از جمله ، با خبر شدیم عدّه ای از دوستان اهل البیت (علیهم السلام) ، در نیمهٔ شعبان در بین الحرمین کربلا با گستردن سفره ای با نام حضرت نرجس (علیها السلام) از زائرانحسینی پذیرائی نمودند . و جمعی دیگر از علاقه مندان به اهل البیت (علیهم السلام) در مسیر قم – جمکران بخش هایی از مواکب پذیرائی را مزین به نام حضرت

نرجس (علیها السلام) نمودند و با نام مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پذیرای زائران حضرت بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدند . و نیز جمعی از ارادتمندان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، در معیت آیة اللّه موحّد ابطحی (دام ظله) در روز نیمهٔ شعبان در جوار آستان مقدّس حضرت جعفر بن الرضا (علیه السلام) به شکرانهٔ موفقیت ها در امر گرامیداشت حضرت نرجس (علیها السلام) با محوریت نام ایشان ، قافلهٔ شادمانهٔ ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را حرکت دادند ، و با شاخه های گل و ذکرهای مهدوی تهنیت گویان وارد حرم مطهّر شدند ، و پس از آن در هوای بارانی ، از فیض نماز استغاثه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با سر و پای برهنه و در زیر باران با شور وسوزی وصف ناپذیر و استثنایی بهره مند شدند .

همچنین شام 16شعبان ، مراسم اختتامیهٔ فراخوان جایزه ادبی شعر مادرانه با نام حضرت نرجس (علیها السلام) ، در حرم حضرت جعفر بن الرضا (علیه السلام) برگزار گردید ، و در آن مراسم شعرهای نو و تازه ای پیرامون شخصیت و عظمت حضرت نرجس (علیها السلام) قرائت گردید و با سخنانی مهیّج حضرت آیت اللّه آقای سیّد حجّت موحّد ابطحی (دام ظله) شور و هیجانی ولائی و مهدوی ایجاد گردید و در سطحی گسترده و نیز در فضای مجازی انعکاس یافت .

مجلس بزرگداشت در حسینیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام)

به فضل الهی در پرتو الطاف و عنایات گستردهٔ حضرات معصومین (علیهم السلام) و توجهات خاصهٔ حضرت بقیة اللّه الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، مجلس بزرگداشت حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) در تاریخ دهم شعبان 1444قمری برابر با 12/12/1401درحسینیه حضرت جوادالائمه (علیه السلام) فوق انتظار و در غایت شکوه و عظمت برگزار گردید .

حضور گستردهٔ علمای اعلام ، روحانیت معزز ، شعرای گرانقدر آئینی و ولائی ، مادحین گرامی ، فرهیختگان و فعالان دینی ، هیئت های مذهبی و سایر مردمان ولائی از اقشار مختلف و حضور مهمان هایی گرانقدر از دیگر شهرها تحسین بر انگیز بود و این اتفاق مبارک ، و تصویر بدنه های مختلف جامعه در کنار هم ، در قاب بزرگداشت حضرت نرجس (علیها السلام) برای جامعه غرور آفرین و امید بخش بود .

ورود قافلهٔ شادمانهٔ حضرت نرجس (علیها السلام) با دسته های گل نرگس با حضور حداکثری علما و فضلای حوزهٔ علمیّه و شور بخشی ویژه به مجلس و در ادامه ، شعر خوانیِ شعرای گرامی و مادحین ارجمند ، در مدح خوانی و توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، حضور پر شور و فوج فوج و گستردهٔ مردمان ولائی و خطابهٔ بسیار زیبا و شیوای خطیب توانا ، استاد معظم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسین انصاریان (دام ظله) ، اشک های جاری حاضرین و حالت انقلاب یکپارچهٔ مجلس در فرازهایی از سخنان ایشان ، در مجموع خاطره ای ماندگار برایمان رقم زد که یاد آن را هرگز فراموش نخواهیم کرد .

و در پایان ، رونمائی از سایت (مادر باران) (خِتَامُهُ مِسْکٌ) برای مجلس بزرگداشت گردید .

خدای را بر این نعمت بزرگی که روزیمان ساخت سپاسگزاریم و از درگاه وی فزونی برکات و آثار این حرکت مقدس را خواستاریم ، باشد که به فضل الهی دامنهٔ این تجلیل و بزرگداشت از حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) ، همچنان گسترده شود و برکات و آثار آن همواره مضاعف شود .

اللهم عجل لولیک الفرج

فصل سوم: سروده های شعراء عالیقدر پیرامون شخصیّت و کرامات مادر منجی و عروس حضرت زهرا (علیها السلام) حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: 263

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی / محمد آتشی (آتشی)

سرودۀ : شاعر نکته سنج و ولا یی

استاد محمد آتشی

از اصفهان

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی

بزرگواری حق بین و کار حضرت نرجس

چه خوب گشت به حق روزگار حضرت نرجس

که شد امام دهم خواستگار حضرت نرجس

و هست نور یقین گلعذار حضرت نرجس

همین بس است به دهر افتخار حضرت نرجس

مقدر است ز حق خدمت امام رسد او

ز روزگار اسارت بدین مقام رسد او

به مهربانی و بر مادری تمام رسد او

به خانوادۀ آل نبی بنام رسد او

که هست اصل ولا ، در کنار حضرت نرجس

ز عیسوی بگذشت و محمدی شده ، آری

گلی زگلشن خوشبوی سرمدی شده ، آری

که خاص خانۀ پر نور احمدی شده ، آری

به روزگار بزرگی سر آمدی شده ، آری

که لطف بی حد حق هست یار حضرت نرجس

به عسکری شده از مهر ، یار و یاور و همسر

شده به مهدی موعود ، او ز مرتبه مادر

ص: 264

ز مادری که مقامی نبود و نیست فراتر

خصوص اینکه عزیزی ز دودمان پیمبر

که مهر داشت بر او کردگار حضرت نرجس

ز روم آمد و شد میهمان خانهٔ مولی

عروس فاطمه گردیده او ز رتبت والا

چه میهمان عزیزی چه مادری به تولی

که گشت محرم آل نبی و محرم طه

که این شده است ز پروردگار حضرت نرجس

مسیح زادگی و شیوهٔ محمّدیش بین

اسیر بودن و آن عشق پاک سرمدیش بین

به اعتقادیِ او مرحبا ، مقیّدیش بین

به خواب دیدن او آفرین ، سر آمدیش بین

که آگه است از آن ، گلعذار حضرت نرجس

خدای خواسته این زن رسد به اوج سعادت

نشانه داشته با خود از آن به گاهِ ولادت

که بوده است در آئین خویش هم به عبادت

و در وجود خود او ، بر امام داشت ارادت

که هست پیش نظر یادگار حضرت نرجس

کسی که می کند از رتبه سروری به جهان، او ست

نه سروری به جهان، سروری به کون و مکان، اوست

بزرگ حجت بی چون حق ، امام زمان او ست

که هست قائم آل محمد و، ز توان او ست

ص: 265

که هست از دل و جان بی قرار حضرت نرجس

ز «آتشی » است سخن در رثای حضرت نرجس

و گفتگو است فزون در ولای حضرت نرجس

و هست شور سخن در ثنای حضرت نرجس

به یُمن مرحمتی از خدای حضرت نرجس

که جلوه کرده چنین روزگار حضرت نرجس

*****

تصویر

که هست از دل و جان بی قرار حضرت نرجس
ز «آتشی» است سخن در رثای حضرت نرجس
و گفتگو است فزون در ولای حضرت نرجس
و هست شور سخن در ثنای حضرت نرجس
به یُمن مرحمتی از خدای حضرت نرجس
که جلوه کرده چنین روزگار حضرت نرجس

*****

بانوی اجلال علییّن / جعفر رسول زاده (آشفته)

سرودۀ : شاعر با اخلاص و دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای جعفر رسول زاده (آشفته)

از کاشان

بانوی اجلال علییّن

حضرت نرجس ، به ایمانت سلام

بر تو و بر نور چشمانت سلام

هدیۀ رؤیایی آیات نور

کوثر تطهیر تورات و زبور

برقی از جلباب حسنت ، آفتاب

نور عصمت بسته بر رویت نقاب

عسکری را بر تو افزون ، اشتیاق

تا سرآمد ، روزگاران فراق

زادگاهت ، شد گل آذین از بهشت

ریخت در پایت ریاحین ، از بهشت

رونمایت بود ، عشق و دلبری

سجدۀ شکر امام عسکری

ای به چشم عترت طاها ، عزیز

صد فرشته درحریم تو ، کنیز

گوهر نسل یشوعای مسیح

در بشارت های زیبای مسیح

شد مقدر نور مهرآیین شوی

بانوی اجلال علیین شوی

عسکری ، آرام جانی چون تو داشت

دلستانی ، همزبانی چون تو داشت

حضرت نرجس، مقامت کوثری است

راز اعجاز تو ، مهدی پروری است

شاهزاده بانوی قصر طهور

نرگسی تو ، دست چین باغ نور

مادرِ ، زیباترین ، والاترین

نسلی از خورشیدها ، بالاترین

ای ملیکه ، کیست بردامان تو

چه گلی روییده در بستان تو

آفرین بر تو عروس فاطمه

کودکت گل کرده درچشم همه

مهدی آوردی ، گل عشق و بهار

صد بهار آورده ، این یک گل به بار

خود بگو ، او کیست؟ آن ماه تمام

می کند خورشید ، در پایش قیام

عشق فرزندت تمنای همه

او تمام آرزوهای همه

تا خدا عالم بهارستان کند

مهدی آید ، کارها آسان کند

روزگار عشق و زیبایی شود

سینه های تشنه ، دریایی شود

آید و برپا کند بی کاستی

دولت عشق و عدالت ، راستی

*****

تصویر

عشق فرزندت تمنای همه او تمام آرزوهای همه
تا خدا عالم بهارستان کند مهدی آید ، کارها آسان کند
روزگار عشق و زیبایی شود سینه‌های تشنه ، دریایی شود
آید و برپا کند بی کاستی دولت عشق و عدالت ، راستی
تا ، به پیوندش شود دل همنفس
ما همه فریاد و او فریادرس

*****

مادر طاووس جنّت / سید علی احمدی

سرودۀ : شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سیّد علی احمدی

از خمینی شهر

مادر طاووس جنّت

اگر از روم می خواهند مام عدل گستر را

بلرزانند از اول ، غرور قصر قیصر را

ندارد لحظه ای حتی عموزاده حَسَب اینجا

کجا دیده کسی پرواز غازی با کبوتر را؟

بگو با قیصر این دختر به خوابش بخت بیدار است

که او در آسمان سامرا دیده است اختر را

محبت هم اگر تصویر پیدا کرد نرجس شد

که بگذارد به زیر پای محبوبش، فقط سر را

چه حکمت داشت این که خادم نرجس حکیمه شد

کسی که حسرت خدمت به دل انداخت هاجر را

ادب کرد و خودش را برده کرد و شاه بانو شد

که جاری کرد در خود با تواضع ، نور کوثر را

اگر او مادر طاووس جنت هست ، جا دارد

نثار بال او کرده اگر جبریل شهپر را

*****

نرجس والا مقام / اکبر افشار زاده (افشار)

سرودهٔ : شاعر ولائی

آقای اکبر افشار زاده (افشار)

از اصفهان

نرجس والا مقام

فخر عالم ، اُمِّ باران، نرجس والامقام

هست جزو بهترینان ، نرجس والامقام

در درون کاخ قیصر حال مطلوبی نداشت

داشت آنجا حُزن دوران ، نرجس والا مقام

دید در رؤیا که مریم همره زهرا رسید

تا دهندش نیک عنوان ، نرجس والا مقام

فخر زنهای دو عالم تا پسندید این عروس

گشت آندم شاد و خندان ، نرجس والا مقام

او که از اولاد قیصر بود در رُم آن زمان

گشت سر ، از شاه و خاقان ، نرجس والامقام

خطبهٔ عقدی چو پیغمبر برایش خواند ، گشت

خرم و خندان و شادان ، نرجس والامقام

او که از نسل حواریون عیسی بوده است

شد ز جان و دل مسلمان ، نرجس والامقام

تا که در بغداد از خیل کنیزان شد جدا

روزگارش یافت سامان ، نرجس والامقام

تا بیاموزد اصول دین حق را ، ابتدا

با حکیمه بست پیمان ، نرجس والا مقام

ص: 270

حمل او از ابتدا پیدا نشد چون مادرِ

حضرت موسی بن عمران ، نرجس والا مقام

از ولی حق چو با عشقش پرستاری نمود

مادری ارزنده شد آن نرجس والا مقام

بوسه زد بر دست مادر ، حجت حق ، با سلام

چونکه مادر بود از جان ، نرجس والا مقام

بس که (افشار) از خدا خواهد ظهور مهدیش

از برایش خواهد امکان ، نرجس والا مقام

*****

انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام) / اسدالله امینی

سرودۀ : شاعر با اخلاص و ولائی

آقای اسداللّه امینی

از اصفهان

انتخاب حضرت زهرا (علیها السلام)

نرجس توئی که گوهر پاک حقیقتی

اسطورۀ کمال و جمال و شرافتی

جنت گرفته نور ز روی جمال تو

خورشید تابناک جهان هدایتی

کفو امام و ، مادر قائم توئی به حق

کانون مهر و بخشش و بذل و عنایتی

ای انتخاب حضرت زهرا ، معین خلق

در عالم وجود تو بانوی عصمتی

ص: 271

وصفت بس است مادر مهدی شدن تو را

سرچشمهٔ فضائل و دیوانِ وحدتی

فرزند تو ست منجی عالم در این جهان

الحق تویی که منبع جود و سخاوتی

در زهد و در تهجّد و در علم و در کمال

بی شک تویی که مظهر حلم و درایتی

در خانهٔ تو خیل ملک دارد افتخار

باشند خادمت که بگیرند خلعتی

راهِ ورود خیل ملک خانهٔ تو شد

باشد برای صاحب این در حکایتی

عرفان و عشق و بندگی و قرب بر خدا

با تو است ای کریمه ، که دریای رحمتی

من ناتوان از آنکه بگویم ز وصف تو

تو در مقام ، مادرِ ختم ولایتی

دارد امیدِ لطف (امینی) ز درگهش

شاید بر او شود ز کرامت عنایتی

*****

تصویر

وصفت بس است مادر مهدی شدن تو را
سرچشمهٔ فضائل و دیوانِ وحدتی
فرزند تو ست منجی عالم در این جهان
الحق تویی که منبع جود و سخاوتی
در زهد و در تهجّد و در علم و در کمال
بی شک تویی که مظهر حلم و درایتی
در خانهٔ تو خیل ملک دارد افتخار
باشند خادمت که بگیرند خلعتی
راهِ ورود خیل ملک خانهٔ تو شد
باشد برای صاحب این در حکایتی
عرفان و عشق و بندگی و قرب بر خدا
با تو است ای کریمه ، که دریای رحمتی
من ناتوان از آنکه بگویم ز وصف تو
تو در مقام ، مادرِ ختم ولایتی
دارد امیدِ لطف (امینی) ز درگهش
شاید بر او شود ز کرامت عنایتی

*****

ملیکهٔ عالم ، حضرت نرجس(علیها السلام) / احمد ایرانی نسب

سرودهٔ : شاعر خاندان آل اللّه

آقای احمد ایرانی نسب

از ساری

ملیکه عالم ، حضرت نرجس (علیها السلام)

سلامِ حضرت مریم ، سلامِ حضرت حوا

سلامِ حضرت آسیه و خدیجهٔ کبری

به قدر قطرهٔ باران و قطره قطرهٔ دریا

سلام عالمیان بر عروس حضرت زهرا

عروس فاطمه و بوتراب، حضرت نرجس

چگونه مدح کنم مادر امام زمان را

هزار بار بشویم به عطر و مشک ، دهان را

مگر بیان کنم این آسمانِ فوق بیان را

که نام حضرت نرجس بهار کرده خزان را

به قلب شبزده ها آفتاب ، حضرت نرجس

تویی ملیکهٔ عالم که عشق شد هنر تو

شکوفه های بهشتی ست تاج روی سر تو

کریمه ای و خلایق گدای پشت در تو

عفیفه ای و همیشه خداست در نظر تو

به لطف توست دعا مستجاب ، حضرت نرجس

تویی که بانوی صبر و عفاف و حجب و حیایی

تویی که آیهٔ حقی ، تویی که روح دعایی

تو مادریّ و همیشه به فکر عزت مایی

تویی که راهنمای مسیرِ سمت خدایی

به پرسش دل شیعه ، جواب حضرت نرجس

ص: 273

تویی که مادر باران شدیّ و علّت رحمت

امید پنجره ها رفته پشت پردهٔ غیبت

تویی که نور دمیدی به ما در این شب ظلمت

ز دامن تو شکوفا شده شکوفهٔ امت

و بر نگین ولایت رکاب ، حضرت نرجس

*****

مهر رخشان / سید علی اصغر هاشمی (بقا)

سرودهٔ : شاعر خاندان رسالت و امامت (علیهم السلام)

آقای سید علی اصغر هاشمی (بقا)

از اصفهان

مهر رخشان

الا مهر انور سلامٌ علیک

عروس پیمبر ، سلامٌ علیک

الا ای ز عیسی و مریم تو راست

نشان های بی مر ، سلامٌ علیک

الا همسر حضرت عسکری

به او یار و یاور ، سلامٌ علیک

تو ای مام باران و مام بهار

تو تفسیر کوثر ، سلامٌ علیک

تو ای مادر حجت ابن الحسن

زنان را تو سرور ، سلامٌ علیک

تو ای مهر رخشان که از مُلک روم

به عالم زدی سر ، سلامٌ علیک

الا ای که بنموده ای اقتدا

به زهرای اطهر ، سلامٌ علیک

الا نرجس ای گل ، که ملحق شدی

به گلزار حیدر ، سلامٌ علیک

الا ای که فرزند دلبند تو

به هستی است لنگر ، سلامٌ علیک

تو عین الیقین و ، تو نور مبین

تو ماه منوّر ، سلامٌ علیک

تو را هر چه گویم سلام و درود

دو صد بار دیگر ، سلامٌ علیک

الا ای که خواهم (بقا) را به یاد

بیاری به محشر ، سلامٌ علیک

سلام و نور / علی بیرقدار

سرودهٔ : شاعر دوستدار اهل البیت (علیهم السلام)

آقای علی بیرقدار

از مشهد مقدّس

سلام و نور

سوگند به فاطمه ، که بی همتایی

تو یک نفره شفیعهٔ فردایی

رؤیای تو پاکی تو را امضا کرد

عالم به فدای اینچنین رؤیایی

تو زینت آیه آیهٔ انجیلی

مخدومهٔ هر روز و شب جبریلی

فخر تو همین بس که پس از این ، بانو

با حضرت ختم الانبیا فامیلی

نور تو دل ظَلام بشکافته است

عیسی ز وجودت آبرو یافته است

مهدی تو یک تافتهٔ بی همتاست

این تافته را خدا جدا بافته است

سوگند به ربّنای نرجس خاتون

تا حشر منم گدای نرجس خاتون

واللّه شروع زندگانیّ من است ...

آن دم که شوم فدای نرجس خاتون

*****

تصویر

سرودهٔ : شاعر دوستدار اهل البیت علیهم السلام

آقـای علـی بیـرقـدار

از مشهد مقدّس

سلام و نور

سوگند به فاطمه ، که بی همتایی — تو یک نفره شفیعهٔ فردایی
رؤیای تو پاکی تو را امضا کرد — عالم به فدای اینچنین رؤیایی

تو زینت آیه آیهٔ انجیلی — مخدومهٔ هر روز و شب جبریلی
فخر تو همین بس که پس از این ، بانو — با حضرت ختم الانبیا فامیلی

نور تو دل ظَلام بشکافته است — عیسی ز وجودت آبرو یافته است
مهدی تو یک تافتهٔ بی همتاست — این تافته را خدا جدا بافته است

سوگند به ربّنای نرجس خاتون — تا حشر منم گدای نرجس خاتون
واللّه شروع زندگانیّ من است ... — آن دم که شوم فدای نرجس خاتون

*****

السلام علیک یا زوجة ولی الله

عروس ابوتراب / محمد علی بقائی

سرودۀ : شاعر ولائی خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای محمد علی بقایی

از مشهد مقدّس

عروس ابوتراب

عاشقان غرق نور می آیند

با شکوه و صبور می آیند

گاهی از کوچه ای به کوچۀ بعد

گاهی از راه دور می آیند

گاهی اوقات در دل آتش

گاه در بزم طور می آین–د

در مسیر گذشتن معشوق

به امید عبور می آین–د

گاه آرام مثل سیر نسیم

گاه در سلک شور می آین–د

مخفیانه امیدوار به حق

در مسیر ظهور می آین–د

خواب دیده است انتخاب شده است

که عروس ابوتراب شده است

در حضور نبی به دست بتول

نرجس از روم انتخاب شده است

در دل ظلمت زمین و زمان

نور رخشنده ، آفتاب شده است

با حضورش در آستانهٔ عدل

کاخ ظلم و ستم خراب شده است

چشم امید انبیا است به او

بحر اسلام فتح باب شده است

ناجی دین و مکتب احمد

مادر منجی کتاب شده است

آیهٔ حجب رد هر گامش

ای به قربان عصمت نامش

او عروس علی است ، شک نکنید

شیر درنده گر شود رامش

فاطمه دین و ، مرتضی مذهب

مرحبا مرحبا به اسلامش

بهترین سرنوشت ، بخت بلند

چون کبوتر نشسته بر بامش

که علیّ النقی فرستاده است

قاصد عشق را به اکرامش

کعبه او امام و ، رخت عروس

شد لباس سفید احرامش

چیست معصومهٔ تمام شدن

مادر آخرین امام شدن

قصد مرقومهٔ امام ، تو یی

متن این نامه را پیام شدن....

...به تو می آید ای کرامت محض

اینچنین لایق سلام شدن

دهر را خیر تو گرفته و نیست

جز تو شایستهٔ بنام شدن

هجرت از روم جانب بغداد ...

مصدر بهترین قیام شدن ...

شاهکار شماست بی بی جان

معنی تیغ در نیام شدن

*****

قدر و بهای حضرت نرجس(علیها السلام) / رضا رضائی (بی ریا)

سرودهٔ : شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای رضا رضایی (بی ریا)

از اصفهان

قدر و بهای حضرت نرجس (علیها السلام)

ثناگویم ز جان و دل ثنای حضرت نرجس

چه خوش باشد که من دارم ولای حضرت نرجس

زبانم قاصر است اما ز لطف حیّ سبحانی

بگویم دمبدم مدحی برای حضرت نرجس

همین بانو که شد مادر برای حضرت مهدی

صفا داده به دلها بس صفای حضرت نرجس

ملیکه سوسن و مریم سبیکه خمط و ریحانه

بود صیقل حکیمه نام های حضرت نرجس

شبی در عالم رؤیا به وصفش گفته پیغمبر

که نزد ما بود عالی لقای حضرت نرجس

ز بعد این چنین خوابی اسیر درد و محنت شد

روا باشد شود جانها فدای حضرت نرجس

مقام و عزتش افزون شد از بعد اسارتها

ندارد کس چنین قدری سوای حضرت نرجس

به گیتی او پذیرا شد زجانش شیعه بودن را

از این رو شد فزون قدر و بهای حضرت نرجس

عروس حضرت هادی بدنیا شد ز لطف حق

رقم بر او زده اینسان خدای حضرت نرجس

حسن نور دل هادی که دارد عسکری شهرت

چه نیکو همسری شد او برای حضرت نرجس

به دامن پرورش داده گل گلزار احمد را

که از نورش شده روشن سرای حضرت نرجس

زمین و آسمان نازد به فرزند برومندش

عجب بر پا شده زیبا لوای حضرت نرجس

به حکم امر یزدان و ز نسل این بهین بانو

به گیتی می رسد فیض از صلای حضرت نرجس

هر آنکس در جهان باشد مطیع و پیرو مهدی

بخوبی بشنود هر دم نوای حضرت نرجس

ص: 278

حقیقت یاب و جوینده شود هر کس درستی را

شود ره پوی ایمان و وفای حضرت نرجس

ز نسل قیصر روم و ، زِ نسل اهل بیت حق

به دنیا تا ابد ماند بقای حضرت نرجس

به دست نور چشمانش که باشد قائم هستی

رسد بر ما به هرجائی عطای حضرت نرجس

زدرگاه خدا خواهم شود شامل به حال ما

به هر محفل به هر منزل دعای حضرت نرجس

به اذن خالق سبحان بود پر نور درگاهش

کند روشن دل ما را ضیای حضرت نرجس

اگر روزی رسد پای مریضی بر سر کویش

شفا گیرد ز خاک پر شفای حضرت نرجس

ندارد (بی ریا) در دل غم فردای محشر را

که دل بسته به احسان و سخای حضرت نرجس

*****

نرگس که گلی ز گلشن ایجاد است

در بحر حیا عالمه و استاد است

این مادر با قدر و جلال و شوکت

مهدی پسرش مجری عدل و داد است

نذر مادر / نوید پور مرادی

سرودۀ : شاعر ولائی و خوش قریحه

آقای نوید پورمرادی

از قم

نذر مادر

لطف مادرها رسیده چون به نوکر بیشتر

غالباً هم می خورد این خانه ها در بیشتر

هر که بامش بیش برفش بیش اما رزق من

می شود با وُسع کم چندین برابر بیشتر

حضرت صدیقه از او خواستگاری کرده است

پس لیاقت داشت از هر شخص دیگر بیشتر

او اسیری رفته با پای خودش چون دوست داشت

خانه این شاه را از کاخ قیصر بیشتر

حاصل کار تمام انبیا و اولیا

روی زانو روی دستش رفته منبر بیشتر

لحظه تکبیرة الاحرام با یاد پسر

گفته چندین مرتبه اللّه اکبر بیشتر

از شلوغی ملایک محضر قنداقه است

دور این گهواره میریزد اگر پر بیشتر

حس این فرزند و مادر را میان آیه ها

دیده ام در سوره یاسین و کوثر بیشتر

سامرا جای تشرّف هاست چون آقای ما

مادری هست و به مادر میزند سر بیشتر

ص: 280

مسجد سهله به صحن حضرت نرجس رسید

عشق ، آنجا می شود با اسم مادر بیشتر

جمکران هم نذر این مادر پیاده میروند

از کنار دختر موسی بن جعفر بیشتر

حرف از فرزند و مادر می شود در روضه ها

می روم سمت رباب و سمت اصغر بیشتر

میزند قلب رباب و اهل خیمه تندتر

می رود این روضه وقتی رو به اخر بیشتر

این گلو را مانده ام خنجر بریده یا که هست

شعبه های تیر از پهنای حنجر بیشتر

*****

صداق نرجس(علیها السلام) / آرش پور علیزاده

سرودۀ : شاعر دوستدار اهل البیت (علیهم السلام)

آقای آرش پورعلیزاده

از رشت

صداق نرجس (علیها السلام)

آمد به خواب با کمرِ خم ، اشاره کرد

راوی خودِ گُل است به شبنم اشاره کرد

نوشید نرگس از لبِ زهرا ، شهادتین

آمد به آبِ چشمۀ زمزم اشاره کرد

مادر دوباره چادر خاکی به سر گذاشت

آمد به ماجرای مُحرّم اشاره کرد

ص: 281

خیلِ پیمبران اولوالعزم آمدند

تا حضرتِ مسیح به خاتم اشاره کرد

قیصر سؤال کرد ، صداقِ عروس را

خندید جبرئیل و به عالَم اشاره کرد

جمع حواریون همگی شمعدان به دست

شمعون به چند آیهٔ محکم اشاره کرد

از عهده ی تولدِ تو بر نیامدند

روح القُدُس به حضرت مریم اشاره کرد

تقویم های کهنه نوشتند از ملال

آیینه ی زمانه به مرهم اشاره کرد

از راویان ، حکایتِ شیخ صدوق ، بس

تاریخ اگر به نام شما کم اشاره کرد

*****

تصویر

خیلِ پیمبران اولوالعزم آمدند
تا حضرتِ مسیح به خاتم اشاره کرد
قیصر سؤال کرد ، صداقِ عروس را
خندید جبرئیل و به عالَم اشاره کرد
جمع حواریون همگی شمعدان به دست
شمعون به چند آیهٔ محکم اشاره کرد
از عهده‌ی تولدِ تو بر نیامدند
روح‌القُدُس به حضرت مریم اشاره کرد
تقویم‌های کهنه نوشتند از ملال
آیینه‌ی زمانه به مرهم اشاره کرد
از راویان ، حکایتِ شیخ صدوق ، بس
تاریخ اگر به نام شما کم اشاره کرد

*****

مادر پاک باران / محسن اسلامی (پویا)

سرودهٔ : شاعر ولائی و نکته سنج

آقای محسن اسلامی (پویا)

از اصفهان

مادر پاک باران

از قصر قیصر تا آسمان عترت

گفت ای مادر راز برخیز

ای ملیکای اعجاز برخیز

گفت درخواب با او که امشب

بال بگشا به پرواز برخیز

آمدم تا تو را برگزینم

ای عروس شب ناز برخیز

خفته در روم در بسته تا کی؟

مثل ماه فلک باز برخیز

جام وصلت به دست رسول است

با مسیحای اعجاز برخیز

پیش پای قدمهای مریم

دختر عشق پرداز برخیز

دست در دست اعجاز بگذار

سروِ در سایهٔ راز برخیز

سینه آماده کن نور جاری است

آتش از سینه ی طور جاری است

ای درخت گهر بار امید

سایه سار تو گلزار امید

روی هر برگ توایم عشق است

چیست بر شاخه ات ؟ بار امید

سینه های پُر از آیهٔ یأس

شد ازین وصل سرشار امید

بانگ حق می نوازد لب نی

دائم از نای نیزار امید

زیر هر سقفِ دل می تراود

چلچراغی از انوار امید

حلقهٔ سبز (اثنی عشر) را

دستهایت میاندار امید

با حضور تو با ذکر (والعصر)

می سراید سپیدار امید

(مادر پاک باران) توئی تو

مادر صبح دیدار امید

رازی از غیب مشهود داری

مُهری از مِهرِ موعود داری

گل در آغوش سبز چمن باز

دکمه واکرد از پیرهن باز

می گشاید بروی گل سرخ

باغ آغوشی از نسترن باز

جشن آواز گلبرگ و باد است

روی تن پوش دشت و دمن باز

می کند رقص در برکه خورشید

تا بشوید غباری زتن باز

(دختر روم) در گوش تاریخ

می کند باب سحر سخن باز

می تراود زدل هرچه شعراست

امشب از شوق در ذوق من باز

صد بهاران لب غنچه خندید

تاکه شد باغِ (حُسنِ حَسَن) باز

نو عروسی که از نور آمد

نورِ در نور مستور آمد

گل به خواب بهاران بر آمد

(مادر پاک باران) بر آمد

بر گلوی عطشناک انسان

نغمهٔ جویباران بر آمد

شمعی از (نسل شمعون) بر افروخت

در شب حق تباران بر آمد

مقدم سبز (خَیرُ الاِما) را

عشق از شوق خندان بر آمد

خانه ی (هادی) از نور لبریز

نو عروسش به ایوان بر آمد

چون نسیمی که می پیچد از عشق

از سر چشمه ساران بر آمد

یا گل نقره ای رنگِ مهتاب

در شب شب شکاران بر آمد

روشنی را بیا میهمان کن

هرچه می خواهی ای عشق . آن کن

شد به دیدارت ای تا خدا سبز

عشق تامرز بی انتها سبز

رفتی از باور عشق تا عشق

یعنی از خانهٔ سبز تا سبز

هرکجا میدود چشم سبز است

شد عبورت مگر تا کجا سبز ؟

سرخ شد چهرهٔ باغ از شوق

تاشد آن قامت حق نما سبز

با پرند سپیدار (نرگس)

بست پیمان دیرینه با سبز

تا ابد عطر شیرین این عشق

مانده در یاد هر آشنا سبز

شد به گرمای خورشید مهرش

عشق در جان اهل ولا سبز

عطر (نرگس) که در باغ جاری است

از تو زیباترین یادگاری است

ای فراتر از اعجاز نرگس

چشمت آیینه ی راز نرگس

دست خورشید عِقد پَرَن را

می کند پیش تو باز نرگس

می کند باغ سبزینه ها را

درنگاه تو ابراز نرگس

ناز کن مثل شبنم که پَر زد

پشتِ آبادی ناز نرگس

ای گلوبند باغ غزل پوش

شعر دیوان ایجاز نرگس

نردبان (ولایت) تورا بُرد

تا بلندای پرواز نرگس

(زُهره می خواند از کوچهٔ (شور)

در مدیح تو آواز نرگس

ای تو زیباترین آیه ی صبح

(همسرِ نور) و همسایهٔ صبح

نور از ساغر تاک رویید

عشق از نبض ادارک روئید

عطر (موعود) پیچید در دشت

لاله از سینه ی خاک روئید

ماه در آسمان سحرگاه

از گریبان صدچاک رویید

روی آئینه ی روشن ذهن

شور شعر فرحناک روئید

بال خورشیدی آسمان سیر

در فراسوی افلاک روئید

چشم از چشمهٔ نور جوشید

پاک از دامن پاک رویید

ذکر تسبیح نورانی عشق

بر لبِ نسل (لولاک) روئید

بال در بال پرواز گل کرد

باغ در باغ آواز گل کرد

ای درخشان تر از روی مهتاب

عطر پیچیده در کوی مهتاب

آمدی چون گل از شهر خورشید

میروی تا فرا سوی مهتاب

بسکه پیوند با نور داری

هستی آئینه ی روی مهتاب

کیستی ای سراپای خورشید؟

ای رخت باغ مینوی مهتاب

ای رها در نسیم نگاهت

زلف زیبای بانوی مهتاب

خواب آرام دریای چشمت

موج پرواز گیسوی مهتاب

آفتابی ترین خنده ی نور

خنده ی صبح تابنده ی نور

باب کن شهر آئینه ها را

سبز چون شنبه آدینه ها را

دست اعجاز را عیسوی کن

عافیت پوش کن سینه ها را

ای تو موعود عشق و عطوفت

ازدل ما ببر کینه ها را

کیمیای نفس را برآور

گوهری کن سفالینه ها را

باز کن رو به صبح ستایش

چشم سهراب و تهمینه ها را

چارده قرن پرواز کردم

رد شدم دام ها . چینه ها را

تا رسیدم ببام تو امروز

زنده کن یاد دیرینه ها را

سبز در سبز برما گذر کن

تا بهاری شوم یک نظر کن

باز ما را تو مهمان کن امشب

روح را غرق احسان کن امشب

مثل نبض دل ای فرصت عشق

خانه در کوچهٔ جان کن امشب

ای نگاهت مسیحای اعجاز

درد ما را تو درمان کن امشب

در کلاف دل افتاده صد بغض

مشکلش را تو آسان کن امشب

ای فراتر ز فیض بهاران

روح ما را گل افشان کن امشب

ای صدای خدا بار دیگر

خانه در خاک انسان کن امشب

چون حدیث سحر از فروغت

خاک را نور باران کن امشب

سینه چون مُشت هستی فشرده است

دل بنام عزیزت سپرده است

شعرم اعجاز شد بار دیگر

ساز دل ساز شد بار دیگر

شعر . بانام پاک تو گل کرد

قفل دل باز شد بار دیگر

شعر شعرائی ام گشت پویا

با تو دمساز شد بار دیگر

روح آشفتهٔ خاطر من

خلوت راز شد بار دیگر

بانگاه تو معراجی از نور

در دل آغاز شد بار دیگر

آمدی و نشستی به چشمم

وقت پرواز شد بار دیگر

با تو پرواز عین رهائی است

شوری از جذبهٔ کبریائی است

ای شده باغمت آشنا اشک

ما نوشتیم نام تو را اشک

نام پاکت عجب معجزی داشت

شعرمن شد بنام شما اشک

شعرِ باران شد و ذکرِ شاعر

(عطرِ نرگس) شد و (سامرا) اشک

شعر سرشار از عطر لبخند

شاعر اما ز سر تا بپا اشک

سینه در سینه دلهای ما شوق

چشمه در چشمه چشمان ما اشک

آفرین آفرین آفرین دل

مرحبا مرحبا مرحبا اشک

آخرین ماه خورشید منظر

بر جمال تو (اللّه اکبر)

عطر نرگس / علی رضا خیامی

سرودۀ : شاعر نوجوان هفده ساله و ولائی

آقای علی رضا خیامی

از اصفهان

عطر نرگس

عطرِ نرگس همه را واله و شیدا کرده است

دیدۀ خشک مرا چشمه و دریا کرده است

شاهزاده نه دگر ، گشته چو شهبانویی

که جهان را همه او غرقۀ سودا کرده است

خواب صادق خبر از وصلت عاشق می داد

به همایی که پر و بال ز دل وا کرده است

همچو پروانه در آتش شده لاکن از شوق

راز معشوق به یکباره هویدا کرده است

مِنَّتی بر سر عالم بِنَهاده است که او

گل نرگس به جهان از کَرم اعطا کرده است

کز گلِ روی گلِ نرگس زهرا ، عالم

وجهه ای تازه و بی شائبه پیدا کرده است

زاده بانوی جهان منجی این عالم را

که همه تلخیِ این دهر چو حلوا کرده است

(پیچکا) باز بگو بر همه عالم اینکه

عطر نرگس همه را واله و شیدا کرده است

*****

ص: 288

نو عروس فاطمه (علیها السلام) / سیدابوتراب هاشمی (تراب)

سرودۀ : شاعر خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

آقای سیّد ابوتراب هاشمی (تراب)

از اصفهان

نو عروس فاطمه (علیها السلام)

دختر رومی نسب ، حسن المآب

مادر وجه اللّه و ، ام الکتاب

از نفس هایش معطر شد زمین

ماه رویش طعنه زد بر آفتاب

آسمانی گشته این عیسی تبار

چونکه زهرایش نموده انتخاب

فاطمه گلبوسه از رویش گرفت

با بشارت داد بر او این خطاب

نو عروس خانۀ طاها توئی

« بوی گل را از چه جوئیم از گلاب »

شد حکیمه شاد از دیدار او

بوسه زد بر آن رخ چون ماهتاب

گفت با او : نو عروس فاطمه

مادر خورشید سامرّا بتاب

چشم نرگس تا که شد از خواب باز

نیمه شب شد جان او در اضطراب

یاس نرگس یاس یاسین یاس نور

یاس زهرا یاس یاس بوتراب

غنچه لبخند مهدی باز شد

از بهشت آمد تو گوئی درّ ناب

ای عروس خاندان مصطفی

لیلة القدر ولایت در حجاب

نرجس ای بانوی مظلوم و غریب

ای که مظلومیتت شد در نقاب

گر چه ما قدر تو را نشناختیم

مهر تو بر ما ببارد چون سحاب

روز رستاخیز دستم را بگیر

« اشفعی لی » خادمت هستم « تراب »

*****

نرگس که عروس خاندان زهراست

او مادر آئینه و باران بقاست

هر چند که تاج قیصری داشت به سر

مریم صفت است و ، صدف مهدی ماست

در وصف حضرت نرجس خاتون(علیها السلام) / رمضانعلی جان نثاری

سرودۀ : حافظ کل قرآن کریم و مدرس حوزۀ علمیّه

آقای شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

از اصفهان

در وصف حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

کیست نرجس مهدی صاحب زمان را مادر است

او امام عسگری را همدم است و همسر است

داد کوثر را به پیغمبر خدا و بی گمان

می توان گفتن که نرجس چشمه ای از کوثر است

هست یک معنای کوثر خیر بی حد و حساب

خیر نرجس از همه خیرات عالم اکثر است

حجت ابن العسگری در دامن او رشد یافت

مادری لایق برین فرزند نیکو منظر است

پور نرجس بر زمین و آسمان فرمانرواست

این سمت بر او مقرر از خدای اکبر است

روشنی بخش زمین و آسمان مهدی بود

تابش این نور را نرجس مکان و مظهر است

هم بود زوج الامام و هم بود ام الامام

هم عروس فاطمه است و هم عروس حیدر است

خلق عالم از عطای ابن نرجس جیره خوار

بهره مند از لطف او هر مومن و هر کافر است

در توسل ها به مهدی یابن نرجس هم به جاست

گرچه یابن العسکری با یابن زهرا اشهر است

ص: 290

این سخن در وصف او فرمود امام مجتبی

خیرة النسوان و بر کل کنیزان سرور است

پاک فطرت ، پاک طینت ، نیک رفتار و مدار

آنچنان کز ابتدا او را قیامت باور است

کنیه اش ام محمّد ، بُد ملیکه نام او

با حیا و عفت و از دودمان قیصر است

رو توسل جو به او تا حاجتت گردد روا

چون که او را آبرو پیش خدای داور است

هر چه از فرزند خود خواهد اجابت می کند

چون که آن مولا ز جان و دل مطیع مادر است

حق به نرجس کرده ارزانی بهشت جاودان

مهدیِ او ، از همه زیبا رخان ، زیباتر است

کیست جز نرجس که فرزندی چو مهدی آورد

هست طاووس بهشت ، این گفتهٔ پیغمبر است

هست نرجس مادر آن کس که فرموده امام

رتبه او از همه پیغمبران هم برتر است

هر چه خوبی هست در این یک پسر گردیده جمع

غیر نرجس ، کی چنین بانوی فرزند آور است

هر کسی باشد ارادتمند نرجس بی گمان

گر گناهی کرده مغفور است و دور از کیفر است

هست در حق محبان مهربانی شیوه اش

بر محبانِ خود آن بانو ، شفیع محشر است

از فضیلت های زهرا بهرهٔ وافر در اوست

بانوان را در دیانت اسوه است و سرور است

ص: 291

هست نرجس مادر فرخنده مولودی که او

دادگستر در جهان از باختر تا خاور است

یاری دین و امامت کرد تا پایان عمر

دید چون امر امامت بی معین و یاور است

داشت دشمن انتظار قطع نسل عسگری

کرد نرجس ثابت این معنا که دشمن ابتر است

کوکب رخشنده در بیت امامت نرجس است

آسمان فضل و تقوا را درخشان اختر است

من کجا قادر به احصای ثنای نرجسم

هر چه گویم باز هم باقی ثنای دیگر است

ما ز درک جاه و قدر و شأن نرجس عاجزیم

گفته ها در این مقال از آن که باید کمتر است

دارد از نرجس امید لطف و احسان (جان نثار)

خاصه در روزی که او بیچاره و بی یاور است

*****

تصویر

در مدح حضرت نرجس خاتون(علیها السلام) / سیدمحمد مهدی جزایری

سرودۀ : شاعر روحانی و دلدادۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سیّد محمّد مهدی جزایری

از اصفهان

در مدح حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

در کمال صداقت و تسلیم ، پاک و دلدادۀ امامان بود

شهر قسطنطنیه میلادش ، سرفرازی زینت نامان بود

دوستار عبادت و تقوی ، عفتش بی نظیر در آنجا

دور از جملۀ معاصی او ، از کبار زنان به عنوان بود

از تبار شهنشه روم و ، در نظرها سبیکه و نرگس

مریم و ماریه سلیل و نسیم ، نام های نکوی ایشان بود

خمط یعنی درخت بی خار و ، گل آن نیز حضرت مهدی

گل نرگس که خلق گویندش ، مادرِ او ملیکه ، ریحان بود

پس از آن آشنائی پر نور ، با امامان یازده گانه

مسلمه مؤمنه شد از آنکه ، همسرش اهل وحی و قرآن بود

سوسن و هم حدیثه و ورداس ، مرضیه راضیه و اُم امام

سروری از مسیحیان زمان ، در سرای ائمّه مهمان بود

گر چه بودش کمال و عزّت و شان ، مادری بر جلالتش افزود

الحق امّ امام گشتن هم ، از برایش مزید شایان بود

خواستار عدالت و اسلام ، دوستار محمّد و قرآن

بر نیاکان خود نمی نازید ، فخر او بر امام خوبان بود

همسر عسکری عروس نبی ، در دلش عشق حضرت زهرا

اینکه شد میهمان هادیِ دین ، همه از لطف حیّ سبحان بود

ص: 293

زینت فضل حضرت حجت ، در حدیث آمده به مادرشان

مادری در خطِ ولایت و دین ، در کنار امام ، سلطان بود

حضرت باقر این چنین فرمود ، به فدای نواده ای گردم

که بُود پور حضرت نرجس ، ارزش او چنین نمایان بود

تربیت از حکیمه خاتون داشت ، در مثل گشته بود بی مانند

الحق آن شاهزاده در عزّت ، خود عروس سرای ایمان بود

شد عروس ولایت و عصمت ، تا شود مامِ آخرین حجّت

پرده دار عدالت و عفّت ، عهده دار امام دوران بود

روز قبل از شهادت شویش ، شد روان سوی جنّت از دنیا

تا بدانند شیعیان نرگس ، پیش مرگ امامش از جان بود

*****

لطف مادری / مصطفی جلیلی نژاد

سرودۀ : شاعر ولائی خاندان رسالت (علیهم السلام)

آقای مصطفی جلیلی نژاد

از مشهد مقدّس

لطف مادری

چه عزتیست ز نامت کلام موزون را

که با دعای تو شاعر گرفته مضمون را ...

تو گنج وادی رومی دلیل آن این است

که در وجود تو حق داده دُرِّ مکنون را

ملیکه ای که ز بطن تو منجی آمده است...

به افتخار رساندی تو نسل شمعون را...

برای آمدن تو به خانه ی موعود ....

رسانده شوق وصالت حکیمه خاتون را....

ص: 294

به صبح روز قیامت ز لطف مادری ات...

به ازدحام ببینی تو خلق مدیون را....

تو مادر پسری گشته ای که آمدنش ...

به عدل و داد رساند جهانِ مفتون را....

دعا کنید ببینم به حق داغ علی

گرفته حق خود و انتقام آن خون را....

دعا کنید ببینم طلوع صبح ظهور

کِشَد ز خاک و زند سیلی آن دو ملعون را ....

*****

تسبیحی از انگور عسکری / عاطفه جوشقانیان

سرودۀ : شاعرۀ خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

خانم عاطفۀ جوشقانیان

از قم

تسبیحی از انگور عسکری

آکنده از ایمانی و از عشق سرشاری

باید دلت را دست این تقدیر بسپاری

ای دختر قیصر تو باید ساده تر باشی

قلب زمین می لرزد از آداب درباری

هرکس پیاده یا سواره رد شود از قصر

در جیب و در خورجین خشکش ابر می کاری

آماده شو تعبیر شد خوابت ملیکا جان

دیگر نمی گویم ملیکا ، نرگسی! آری ...

آنقدر دلتنگ حسن هستی که در دستت

تسبیحی از انگورهای عسگری داری

ص: 295

در را برای همسرت وا کن که دستت را

در دست های گرم آن خورشید بگذاری

تو حامل یاسینی و در انتظار او

آکنده از ایمانی و از عشق سرشاری

*****

سلام ای حضرت نرگس / فاطمه حبیبی

سرودۀ : شاعرۀ خاندان نبوت و امامت

خانم فاطمه حبیبی

از رشت

سلام ای حضرت نرگس

سلام ای حضرت نرگس، گل زیباتر از زیبا

سلام ای ساحل جاری شده در سینۀ دریا

سلام آغوش لبریز از شکوه دوستت دارم

سلام ای روشنی بخش دل تنهاتر از تنها

صدای بال پرواز پرستو در خیالی دور

سکوت عابران عاشق سرگرم با رویا

تویی تفسیر بارشهای مطبوع زمستانی

بهار از بارش چشم غزلخیز تو شد پیدا

نسیم غرق در لبخندهای روشن گل ها

که عطرت را خدا با دست خود پاشیده در هرجا

تویی که بی گمان نور حقیقت در دلت داری

ازآن روزی که تو پیدا شدی روشن شده دنیا

ص: 296

عروس خانوادهٔ موعود / احمد حیدری

سرودهٔ : شاعر ولائی و با ذوق

آقای احمد حیدری

از مشهد مقدّس

عروس خانوادهٔ موعود

سحر از آینه اش بی خبر نخواهد بود

به کوی او ، رهِ شب را گذر نخواهد بود

چه نسبتی است میان ستاره و خورشید

به یُمن آن دگر از شب اثر نخواهد بود

رسالتی که محول شده به این بانو

نصیب دختر شاهی دگر نخواهد بود

به خانوادهٔ موعود ، عروس آمده است

صداق آن جز صبح ظفر نخواهد بود

عروس فاطمه بودن! چه نیک مرتبه ای!

سفید بختی از این بیشتر نخواهد بود

به مهر مادری اش قصر نور ساخته است

که مالکش به جز آن گل پسر نخواهد بود

پسر ز طالع مادر طلوع خواهد کرد

به جا ز پرتوش آثار شر نخواهد بود

دعا کنید بیاید کسی که از قدمش

تبرکات جهان ، مختصر نخواهد بود

*****

ص: 297

خانهٔ شش گوشه / احمد حیدری

خانهٔ شش گوشه

شاهزاده بود و پیشش منصبش از یاد رفت

عطر نرگس در میان مهملی از باد رفت

عقد او در آسمانها بسته شد ، با این امید

از میان قصر قیصر با خیالی شاد رفت

حلقه ی وصل تمام انبیا این وصلت است

فخر ابنا نور شد ، اینگونه تا اجداد رفت

مثل خورشیدی که از مغرب به مشرق می رود

در صعودی نور او از روم تا بغداد رفت

مادر موعود بود آنکه به بازار جهان

در لباسی از کنیز آمد ولی آزاد رفت

فرش پیش پای او بال ملائک گشته بود

با قدومش لشکر شیطان به صد فریاد رفت

هجرتی تا عرش کرد و ، عشق هم ره توشه شد

از وطن دور است ، اما خانه اش شش گوشه شد

تصویر

خانهٔ شش گوشه

شاهزاده بود و پیشش منصبش از یاد رفت
عطر نرگس در میان مهملی از باد رفت
عقد او در آسمانها بسته شد ، با این امید
از میان قصر قیصر با خیالی شاد رفت
حلقه ی وصل تمام انبیا این وصلت است
فخر ابنا نور شد ، اینگونه تا اجداد رفت
مثل خورشیدی که از مغرب به مشرق می‌رود
در صعودی نور او از روم تا بغداد رفت
مادر موعود بود آنکه به بازار جهان
در لباسی از کنیز آمد ولی آزاد رفت
فرش پیش پای او بال ملائک گشته بود
با قدومش لشکر شیطان به صد فریاد رفت
هجرتی تا عرش کرد و ، عشق هم ره توشه شد
از وطن دور است ، اما خانه‌اش شش گوشه شد

آوای حضرت نرجس(علیها السلام) / جواد حیدری

سرودۀ : شاعر اهل بیت علیهم السلام

آقای جواد حیدری

آوای حضرت نرجس (علیها السلام)

من که خود عابدۀ والایم

نرجس–م همنفس مولایم

از عنایات خداوند کریم

مادر مهدیم و یکتایم

سامره کعبه و هم قبله من

سامره آخرت و دنیایم

نزد حق بوده ام آن قدر عزیز

که عزیز پسر طاهایم

نزد پیغمبر و زهرا و علی

باعث آبروی عیسایم

تا قیامت هم فخرم این است

من مسلمان شدۀ زهرایم

به دو عالم ثمر من مهدی است

گل نرگس پسر من مهدی است

فاطمه گوهر و هم گوهری است

وارث رتبه پیغمبری است

او پی گوهر ناب است بحق

کار او دُرّ و گُهر پروری است

خواستگارم شد و فخرم بخشید

دل من زنده ازاین مادری است

عشق نابی به دل من بسپرد

عشق ناب دل من عسکری است

گرچه آغاز مسیحی بودم

مذهب اصلی من حیدری است

من کنیز پسر فاطمه ام

تا ابد شیوه من کوثری است

شیعه را لطف و عطا می بخشم

حبّ مهدی به شما می بخشم

پسرم حاصل عمر زهراست

به خدا در دو جهان بی همتاست

آدم و نوح وشعیب وخضر است

اوخلیل است و مسیح و موساست

اوست طاووس بهشت اَزَلی

هر گل زیاد جمالش زیباست

همه قدرت حق در دستش

گرچه بنده است ولی عین خداست

رزق از او به همه می بخشند

او ثبات همه ارض و سماست

تا شما را برساند به حسین

دل بشکسته دعاگوی شماست

ثمره خطّ رسالت مهدی است

صاحب تیغ عدالت مهدی است

بهر تحمید و سپاس ای شیعه

پسرم را بشناس ای شیعه

معرفت بر دل او پیدا کن

باش با او به تماس ای شیعه

تا شود عاقبتت خیر بدان

حب او هست اساس ای شیعه

با ولایش منما عالم را

تو به یک لحظه قیاس ای شیعه

بهر عیدی شب قدر بگیر

از کف یار لباس ای شیعه

تا که خسران زده هرگز نشوی

مهدیم را بشناس ای شیعه

معرفت بر گل زهرا مظهر

از نماز تو بُود واجب تر

پسرم آید و غوغا بکند

زشت ها را همه زیبا بکند

حب آن تشنه لب زینب را

علنی در همه دنیا بکند

اشک او خون دلش گردد تا

یاد از زینب کبری بکند

بعد تکیه زدنش بر کعبه

تربت فاطمه پیدا بکند

او خودش طالب حکم فرج است

از خدا اذن تمنا بکند

خشک بر آن کس که برای فرجش

خویش را خوب مهیا بکند

شه رانده ز وطن می آید

به یقین یوسف من می آید

پسرم منتقم کرب و بلاست

غصه دار سر از جسم جداست

داغ دار گلوی اصغر اوست

روزه دار تن ارباً ارباست

بوسه بر دست علم دار زند

تشنه آب ز مشک سقاست

زائر قبر رقیه مهدی است

سحر از داغ رقیه شیداست

هر کجا مجلس روضه باشد

بانی و گریه کن بزم شماست

به خدا راه رسیدن بر او

گریه و معرفت کربلاست

در پی هدیه مهدی باشید

سائل گریه مهدی باشید

ص: 300

شبیه امّ موسی (علیه السلام) / مجتبی خرسندی

سرودۀ : شاعر جوان و ولائی آل الله

آقای مجتبی خرسندی

از قم

شبیه امّ موسی (علیه السلام)

زدی پیوند " آل هاشم " و " آل یشوعا " را

که تو از سال های قبل، دیدی خواب حالا را

اگر چه جسم تو در بند کاخ روم بود ، اما

دلت از شوق اقیانوس طی می کرد دریا را

کسی یارای هم کفو تو بودن را نخواهد داشت

که تنها خود خبر داری دلیل این معما را

اگر ذکر تو "لاخَوفٌ عَلَیهِم" شد در آن غربت

شنیده بوده ای از قبل "لا هُم یَحزَنون"ها را

چنان از شوق «سُرَّ مَن رَءا» از قصر می رفتی

که انگاری شبیه کعبه می دیدی کلیسا را

در آن شیرین ترین رؤیا چه ها رخ داد ای بانو

که در دامان خود دیدی مسیحای مسیحا را

همین که نام نرجس را برای خود پسندیدی

از آن پس تا ابد نشناختی دیگر ملیکا را

عروس حضرت زهرا شدن آن قدر لذت داشت

که با سختی نمی رفتی تو دشت و کوه و صحرا را

زبان شاعران حقا که در وصف تو الکن شد

چه باید گفت اوصاف "شبیه اُمّ ِموسی" را

ص: 301

جهان از ابجد نام بلند تو یقین دارد

که روزی فتح خواهد کرد فرزند تو دنیا را

گنه کاریم ، اما آرزوی وصل او داریم

بیا لطفی کن ای بانو شفاعت کن دل ما را

*****

تمنای تو نه والا شدن بود

نه صاحب نام در دنیا شدن بود

کمال آرزوهای تو تنها

عروس حضرت زهرا شدن بود

*****

هم نفس و همقدم نور / سید مسعود داستار

سرودۀ : شاعر دلباختۀ حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آقای سیّد مسعود داستار

شهرضا از استان اصفهان

هم نفس و همقدم نور

ای عروس علی و فاطمه نرجس خاتون

به تو و عطر دل آرای تو گل ها مدیون

گر چه از ایل و تبار و نسبی والایی

فخر تو این که کنیز پسر زهرایی

اهل رومی و تو را سوی عراق آوردند

تا که درمان بشود درد فراق آوردند

بود تقدیر تو تا از وطنت دور شوی

همسر و هم نفس و هم قدم نور شوی

مصلحت بود به بازار کنیزان بروی

مصلحت بود که در نزد عزیزان بروی

ص: 302

تا به بازار ، خریدار خودت را دیدی

لحظه ای خنده زدی و به خودت بالیدی

آمدی تا که پیام آور شادی باشی

نو عروس پسر حضرت هادی باشی

آمدی هم نفس روح عبادات شوی

تا عروس پسر مادر سادات شوی

خانه داری تو بر پایهٔ احسان بوده

روز و شب تکیه کلام تو حسن جان بوده

خوش به حال تو که اینقدر امانت داری

در گلستان وفا نرگس بی تکراری

سوسن و سنبل و مریم همه پابست تواند

عطر تو می وزد و شاپرکان مست تواند

چه مقامی که سرآغاز سر آغاز شدی؟

شد عنایت به تو و محرم این راز شدی

تو سر آغاز شدی شام به پایان برسد

تا نسیم سحری بر نفس جان برسد

تو رسیدی که رسد بغض رسالت پایان

تو رسیدی که شود معنی کامل ایمان

آمدی تا در توحید خدا باز شود

باز از دامن تو معجزه آغاز شود

آمدی همسر خورشید هدایت باشی

مادر شمع فروزان ولایت باشی

به تو ای مادر ارباب ارادتمندیم

درد ما را تو دوا کن همه حاجتمندیم

تو دعا کن که ظهور پسرت دیر شده

نوکرش از غم هجران رخش پیر شده

ص: 303

نام او را همهٔ اهل کسا می بردند

غصهٔ آمدنش را همگی می خوردند

مادری در پس در ناله زد ای مهدی جان

پدری وقت سحر ناله زد ای مهدی جان

حسن پاره جگر ناله زد ای مهدی جان

کربلا پیکر و سر ناله زد ای مهدی جان

در دعاهای سحرگاه ، امام سجاد

کرده از روز ظهور پسرت مهدی یاد

حضرت باقر و صادق که صدایش کردند

سر سجاده نشستند و دعایش کردند

نام او ذکر لبی گوشه ی زندان بوده

راحت جان و دل شاه خراسان بوده

ذکر او بوده شب و روز به لبهای تقی

در قنوت سحر و نافله و وتر نقی

پدرش گفت کجایی پسرم مهدی جان

آه از درد جدایی پسرم مهدی جان

مادر نور دعا کن که بیاید پسرت

عجّل اللّه بگو وقت قنوت سحرت

حال تو از غم او فوق بیان است هنوز

« چشم نرگس به شقایق نگران است هنوز »

به دعای تو رخ شمس عیان می گردد

« عالم پیر دگر باره جوان می گردد »

*****

ص: 304

همنشین گل زهرا(علیها السلام) / سید مسعود داستار

همنشین گل زهرا (علیها السلام)

دل کنده بودی از همه گل های صحرا

با پای دل می آمدی دریا به دریا

هدهد برای تو خبر آورد نرگس

از هم نشینی با گل زیبای زهرا

تعبیر رویای تو عشق و دلبری شد

قلبت قدمگاه امام عسکری شد

شان تو ای بانوی مادرها نهان است

عطر نفس های شما آرام جان است

نازل شدی سوی عراق ای سورهٔ روم

داری از عشق و عاشقی معنا و مفهوم

وقتی که آغاز تو حا و سین و نون است

تفسیر تو انا الیه الراجعون است

امشب به شعر مثنوی باران گرفته

از فیض تو مرغ خیالم جان گرفته

با واژه ها امشب دلم را صاف کردم

از درد هجران رو به سوی قاف کردم

با شوق وصل یار ، بال و پر گشودم

دل کنده از عالم به سویش رو نمودم

صحرا به صحرا پر زدم ، پرواز کردم

دلتنگ بودم عقده از دل باز کردم

ص: 305

با گریه گفتم ای گل نرگس کجایی؟

ای مهدی زهرا امان از این جدایی

نرگس معطر کن خودت دنیای ما را

بالا بیار ای مادرم دست دعا را

مادر دعا کن مونس دل ها بیاید

داغ رخ زیبای او بر دل نماند

*****

حضور سبز حضرت نرجس(علیها السلام) / مهدی داعی

سرودۀ شاعر و ذاکر اهلبیت (علیهم السلام)

و دلدادۀ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آقای مهدی داعی

از اصفهان

حضور سبز حضرت نرجس (علیها السلام)

سلام مادر باران سلام مادر عشق

سلام اسوه ی پاکی تمام باور عشق

سلام ای گل ایمان شکفته در جانت

کویر روح بشر تشنه کام بارانت

سلام بر تو و فرزند برگزیده ی تو

که روشن است از او چلچراغ دیدۀ تو

حضور سبز تو زیباتر از بهاران بود

وچشمت آینه گردان روی جانان بود

تو جان به پیکر افسردهٔ جهان دادی

نوید آمدن صاحب الزمان دادی

و اعتبار تو پیوند با ولایت بود

واتصال به زنجیره ی امامت بود

ص: 306

به خاک تشنه تو دادی نوید باران را

صلای سبز شکوفایی بهاران را

شبیه مادر موسی و نسل شمعونی

به آخرین غزل عاشقانه مضمونی

طلوع ماه تو پایان ظلمت شب بود

شروع روز رهائی و رحمت رب بود

در انتظار قدومش فرشته چشم به راه

به دست او علم لا اله الا الله

که آن ذخیرهٔ خلقت ز پرده کی آید؟

ظهور او گره از کار بسته بگشاید

که ناگهان همه جا پر ز عطر نرگس شد

(ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد)

چمن چمن گل نرگس به هر دیار شکفت

جوانه زد گل و از مقدمش بهار شکفت

سروش مژده رسانید بر تمام فِرَق

که نوبت (زهق الباطل است و جاء الحق)

به صف شوید خلایق که شاه می آید

به شام تیره ی ما نور ماه می آید

خبر دهید که فصل ظهور شد امشب

همه زمین و زمان مهد نور شد امشب

خدای را مددی ای نسیم صبح بهار

سلام این دل عاشق ببر به محضر یار

بگو که جان به لب عاشقان رسید بیا

شبی به خلوت این جمع نا امید بیا

دهان به خنده گشودی بهار پیدا شدز

روی و موی تو لیل و نهار پیدا شد

ص: 307

آرامش بعد از طوفان / محسن درویش هرندی

سرودهٔ : شاعر نکته سنج ولائی

آقای محسن درویش هرندی

از اصفهان

آرامش بعد از طوفان

در خواب تا دیدار جانان شد نصیبم

در ابتدای راه ، هجران شد نصیبم

وقتی اسیر عشق آل الله گشتم

همراه بودن با اسیران شد نصیبم

آشوب دریا را که پشت سر نهادم

آرامشی از بعد طوفان شد نصیبم

در دین عیسی بودم اما زندگانی

در سایه ی آیات قرآن شد نصیبم

من دختر شهزاده ی رومم که با صبر

در سامرا فرزندسلطان شد نصیبم

خوشبخت تر از من در این دنیا زنی نیست

زیرا پناه اهل ایمان شد نصیبم

تقدیر تا نام مرا نرگس رقم زد

هم صحبتی با باغ و ریحان شد نصیبم

در دامنم خورشید عالم پرورش یافت

آن مهر که در ماه شعبان شد نصیبم

مام ختم الاُوصیا / محمد رضا رمضانی (ذوالفنون)

سرودۀ : شاعر و مداح دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای محمدرضا رمضانی (ذوالفنون)

از قم

مام ختم الاُوصیا

السلام ای فخر و عز رومیان

السلام ای مادر صاحب زمان

السلام ای معدن حجب وحیا

السلام ای مام ختم الاوصیا

ای عروس خاتم پیغمبران

برسرت لطف الهی سایه بان

قدر تو داند امام عسکری

میشناسد قدرگوهر گوهری

درمیان قوم خود بودی عزیز

گشتی اما بیت زهرا را کنیز

مرحبا بر بخت وبر اقبال تو

هستی زهرا همه شد مال تو

مهدی ات دار و ندار فاطمه

در دوعالم افتخار فاطمه

این فضیلت بس تو را در برتری

قائم آل نبی را مادری

صد چو مریم مبتلای بند تو

صد چو عیسی در پی فرزندتو

ذات یزدان ارزیاب مهدی ات

پور مریم در رکاب مهدی ات

مهدی ات بر روزگاران حکمران

حکمرانیش از کران تا بیکران

عالمی روشن ز نور مهدی ات

کی رسد بانو ظهور مهدی ات

کاش آید آن شه والا مقام

گیرد از هرجبت و طاغوت انتقام

چون که او میگسترد در این جهان

سایهٔ عدل و عدالت هر زمان

میکنم من جان فدای مهدی ات

سربلندم از دعای مهدی ات

نیست وصفت در توان ذوالفنون

عاجز از مدحت بیان ذوالفنون

واژه ها نارس زبان الکن بود

وصف تو نه کار همچون من بود

بخت بلند حضرت نرجس(علیها السلام) / محمد حسن زاده (راضی)

سرودۀ : شاعر دلداده و دلسوختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای محمد حسن زاده (راضی)

از اصفهان

بخت بلند حضرت نرجس (علیها السلام)

دنیا به درد و رنج و مصیبت دچار بود

دلها برای امر فرج بیقرار بود

شیعه برای آل علی عدۀ کمی

دشمن برای آل علی بیشمار بود

حق شد به دست لشکر باطل محاصره

چشم انتظار دست خدا ذوالفقار بود

دلهای غصه دار غم غربت علی

امیدشان به آخر این انتظار بود

لطفی شد و دوباره برای مقدمه

رو کرده بود چشم قضا سوی فاطمه

زهرا اراده کرد و پیمبر شروع کرد

بختی بلند قسمت بنت یشوع کرد

عیسی رسول ، مریم و زهرا برابرش

عرض ادب به محضرشان با خشوع کرد

ذکر شهادتین ملیکه به روی لب

یعنی که او به اصل وجودش رجوع کرد

آرام شد به دیدن محبوب ، قلب او

خورشید در برابر چشمش طلوع کرد

خود را اسیر کرد که آزادگی کند

با یار دلربای خودش زندگی کند

آماده بود تا که شود همسر حسن

همراه و همنفس و یاور حسن

رنج سفر کشیده ، رسیده ، به سامرا

با شوق و عشق آمده در محضر حسن

مثل صدف به دامن دریا رسیده تا

پیدا شود به دامن او گوهر حسن

آری اراده کرده خداوند فاطمه

ظاهر کند برای همه حیدر حسن

در مکتب حکیمه رسیده به معرفت

اسلام را شناخته با این مصاحبت

نرگس ملیکه ای به زمستان این جهان

نوریه ای که نور خدا را دهد نشان

نرگس حکیمه ای که امامان ستوده اند

در وصف شأن او همه هستیم ناتوان

نرگس عفیفه ای که خدا برگزیده تا

خورشید روی مهدی زهرا شود عیان

هر کس شود به او متوسل بدون شک

پاسخ دهد به او پسرش صاحب الزمان

(راضی) بیا زیارت مهدی از او بخواه

با واسطه به یوسف زهرا بِبَر پناه

*****

ای واسطهٔ سرّ الهی نرجس

بر هادی دین انیس راهی نرجس

زهرا که تو را برای خود خوانده عروس

بر پاکی تو داده گواهی نرجس

*****

دختر مریم و عروس حضرت زهرا(علیها السلام) / اطهرهٔ رضائی

سرودهٔ : شاعرهٔ ولایی

خانم اطهرهٔ رضائی

از آران و بیدگل

دختر مریم و عروس حضرت زهرا (علیها السلام)

دختر شاهزاده ای از روم

یا کنیزی عرب زبان باشد

این که فرقی ندارد آن بانو

مال هرجای این جهان باشد

نسبش می رسد به چشمه و ماه

او که تقدیر روشنی دارد

سادگی در مرام او هرچند

قصر سبز و مزینی دارد

هم ملوکانه هم ملیکانه

هم در آئینه ها تماشایی

دشت نرگس شکفته در چشمش

مادرش زاده ای مسیحایی

باغ انگور عسکری گل کرد

یک شبی در حلولِ رؤیایش

خواب خورشید سامرا را دید

بعد از آن شد قشنگ ، دنیایش

شرح این عاشقانه طولانی است

باید آورد قول محکم را

باخلوص و صفا رعایت کرد

شآن دوشیزه ای مکرم را

اصلا این داستان بگو جعلی است

اصل این ماجرا نجابت اوست

قدر او کم نمی شود هرگز

او که آیینگی اصالت اوست

دختر مریم است و بعد از آن

نوعروس عزیز زهرا شد

تا به او مژده پسر دادند

در دلش آسمان شکوفا شد

مادری از تمام خوبان سر

از تمام بهشتیان بهتر

این جهان تا کنون ندیده به خود

پسری بهتر و چنین مادر

آن که احیاکننده عشق است

نبض تند و تپندهٔ عشق است

لا اله به جز اله العشق

هر که با اوست بنده عشق است

بعد از او نور در جهان جاری است

عشق یک انتخاب اجباری است

او که اعجاز سبز لبخندش

فصل پایان هر گرفتاری است

در روایات آمده یک روز

بی گمان آن سوار می آید

سر هر کوچه سرو می کارد

در زمستان بهار می آید

مادرانه بخوان به نام پسر

آیه های زلال کوثر را

اوشکوهی دوباره خواهد داد

دین عین الیقین مادر را

*****

تصویر

خواب خورشید سامرا را دید / بعد از آن شد قشنگ ، دنیایش
شرح این عاشقانه طولانی است / باید آورد قول محکم را
باخلوص و صفا رعایت کرد / شأن دوشیزه ای مکرم را
اصلا این داستان بگو جعلی است / اصل این ماجرا نجابت اوست
قدر او کم نمی‌شود هرگز / او که آیینگی اصالت اوست
دختر مریم است و بعد از آن / نوعروس عزیز زهرا شد
تا به او مژده پسر دادند / در دلش آسمان شکوفا شد
مادری از تمام خوبان سر / از تمام بهشتیان بهتر
این جهان تا کنون ندیده به خود / پسری بهتر و چنین مادر
آن که احیاکننده عشق است / نبض تند و تپندهٔ عشق است
لا اله به جز اله العشق / هر که با اوست بنده عشق است
بعد از او نور در جهان جاری‌است / عشق یک انتخاب اجباری است
او که اعجاز سبز لبخندش / فصل پایان هر گرفتاری است
در روایات آمده یک روز / بی گمان آن سوار می‌آید
سر هر کوچه سرو می‌کارد / در زمستان بهار می‌آید
مادرانه بخوان به نام پسر / آیه‌های زلال کوثر را
اوشکوهی دوباره خواهد داد
دین عین الیقین مادر را

*****

قلب حضرت صدّیقه میهن او / علی رضوانی

سرودۀ : شاعر جوان و دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای علی رضوانی

از قم

قلب حضرت صدیقه میهن او

اسیر لکنت محضیم از ستودن او

قلم به حال سجود است در سرودن او

حجابِ نور ، نگهبان معجر نور است

و چشم ها همه کورند وقت دیدن او

رُم است خانۀ اجداد طاهرینش؟؟ نه

که قلب حضرت صدیقه است میهن او

دخیل بسته به حبل المتین که از آغاز

علیست نقش نگین مدالِ گردن او

در آن مقام که او سیّد کنیزان است

به روی خاک مذلّت نشسته دشمن او

به عرشیان برسانید ای ملائک نور

که مهدِ مهدی زهراست عرشِ دامن او

سلام بانوی عصمت به عصمتت سوگند

به اشک شوق تو در لحظۀ چکیدن او

«ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

تمام هستی زهرا نصیب نرجس شد»

عروس خاندانِ عصمت (علیهم السلام) / عباس جواهری (رفیع)

سرودۀ : شاعر خوش ذوق آل عصمت (علیهم السلام)

آقای عباس جواهری (رفیع)

از قم

عروس خاندانِ عصمت (علیهم السلام)

خدا در اوج شادی،گاه غم بخشید انسان را

در آغوش بهار انداخت سرمای زمستان را

یقین در تار و پود پیله ها پروانه خواهد شد

تحمل میکند هر کس مصیبتهای زندان را

به حکم البَلاءُ لِلْوَلای عشق ، تن داده

اگر شهزاده ای بر تن کند رخت کنیزان را

تو را در خواب ، زهرا خواستگاری کرده از مریم

که حق پیوند داده است از ازل انجیل و قرآن را

عروس خاندان عصمتی آنگونه که خالق

گزیده از میان سوره های خویش رحمان را

تو راضیه،تو مرضیه ،تو نرگس هستی و بی شک

گرفتی از خود زهرا کرامات فراوان را

سه شنبه عطر تو در جمکران می پیچد و جمعه

تحمل میکنی مانند ما اندوه هجران را

شبی از راه می آید سوار سبز پوش تو

کویر تشنه میفهمد از آن پس طعم باران را

شبیه حضرت زهرا(علیها السلام) / احمد رفیعی وردنجانی

سرودۀ : شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای احمد رفیعی وردنجانی

از شهرکرد

شبیه حضرت زهرا (علیها السلام)

اگر چه دختری از قصر قیصری بانو

برای دین خداوند یاوری بانو

شبیه حضرت زهرا ، ولی شناس شدی

که در مسیر خدا ، یارِ حیدری بانو

کجا اریکۀ قیصر چنین توانی داشت

ز عشق یافته ای این توانگری بانو

به دست خالق بخشنده برگزیده شدی

که نور را تو به دنیا بیاوری بانو

تویی که همسر نوری و بعد مادر نور

شده ست سهم تو هم نورگستری بانو

بهشت لطف خدا آنِ توست وقتی که

عروس حضرت زهرای اطهری بانو

درودْ حضرت نرجس ، درود اُم امام

ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

تو آمدی پسرت منجی جهان باشد

تو آمدی پسرت صاحب الزمان باشد

تو آمدی که نماند غریب مظلومی

تو آمدی پسرت یار بی کسان باشد

ص: 315

تو آمدی که پس از هر سلام بر مهدی

همیشه نام تو هم ورد هر زبان باشد

تو آمدی که امانت به دست تو بدهند

تو آمدی پسرت بر جهان ، امان باشد

اگر چه هست به غیبت ولی به واسطه اش

برای خلق عنایات حق ، عیان باشد

تو آمدی که حضور و ظهور فرزندت

برای پیکر رنجورِ دهر ، جان باشد

درود مادرِ والا مقامِ ماهِ تمام

ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

دوباره بر سر سجاده ، در دعا مادر

بخواه آمدنش را تو از خدا مادر

بخواه آمدنش را که سخت دلتنگیم

از این زمانهٔ لبریز از ریا مادر

دعا بکن که دعای تو مستجاب شود

دعا بکن تو برای دعای ما مادر

دعا بکن ، به دعای تو منتقم برسد

برای خون شهیدان کربلا ، مادر

دعا بکن که همه کائنات منتظرند

شکوه آمدن مهدی تو را مادر

دعا بکن که مگر زودتر بیاید او

جهان رها شود از جور اشقیا مادر

ص: 316

دعا بکن که بگیرد جهان مان آرام

ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

تو آمدی که شود زادهٔ تو نورِ نجات

تو آمدی پسرت روشنی دهد به حیات

به صبح آمدنش زندگی شود آغاز

خدا به لطف حضورش دهد به خلق ، برات

به صبح آمدنش ، وقتِ انتقام شود

شود به هر قدمش وعده های حق اثبات

تو آمدی که ز عطر تبسم پسرت

رسد برای زمین و زمان ما برکات

به ما همیشه نظر می کند ، امام زمان

ولی چقدر غریب است بین ما ، هیهات

تو مادرانه دعا کن برای ما ، مادر

دعا بکن که نظر می کند خدا به دعات

شود دعای تو منجر به صبح سبزِ قیام

ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

*****

تصویر

دعا بکن که بگیرد جهان مان آرام
ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

تو آمدی که شود زادهٔ تو نورِ نجات
تو آمدی پسرت روشنی دهد به حیات
به صبح آمدنش زندگی شود آغاز
خدا به لطف حضورش دهد به خلق، برات
به صبح آمدنش، وقتِ انتقام شود
شود به هر قدمش وعده‌های حق اثبات
تو آمدی که ز عطر تبسم پسرت
رسد برای زمین و زمان ما برکات
به ما همیشه نظر می‌کند، امام زمان
ولی چقدر غریب است بین ما، هیهات
تو مادرانه دعا کن برای ما، مادر
دعا بکن که نظر می‌کند خدا به دعات
شود دعای تو منجر به صبح سبزِ قیام
ز ما به ساحت پاک و مقدّس تو سلام

*****

نوعروس حضرت زهرا / حسین برادران (درویش)

سرودۀ : شاعر مکتب اهل البیت (علیهم السلام)

آقای حسین برادران (روشن)

از اصفهان

نو عروس حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت نرجس امید شیعیان

آن گرامی مادر صاحب زمان

چون امام عسکری آن مقتدا

همسر او گشت از امر خدا

گر چه او از امّت عیسی بوَد

نو عروس حضرت زهرا بود

چون حکیمه شد بر او آموزگار

یافت مجد و اعتبار و افتخار

با کفایت مادری عظمی است او

مادر منجیّ این دنیاست او

چونکه باشد مادر صاحب زمان

فخر این دنیا بود در هر زمان

او که بر نسوان دوران سرور است

مادر نو باوه ای از حیدر است

مایۀ فخر امام عسکری است

هم امید فاطمه هم حیدری است

چون قبول حق دعای مادر است

وین بیان از جانب پیغمبر است

حضرت نرجس! دعا بنما ز جان

بر ظهور حضرت صاحب زمان

تا بیاید منجی خلق جهان

تا شود دنیا سراسر گلستان

با ظهورش این جهان گیرد صفا

عدل او باشد چو عدل مرتضی

روز « روشن » شد قرین شام تار

از غم هجر رخ آن شهریار

ص: 318

تمام عزّت نرجس / علی پاکدامن (روضه خوان)

سرودۀ : شاعر و مداح دلسوختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای علی پاکدامن (روضه خوان)

از مشهد مقدّس

تمام عزّت نرجس

سلام اللّه علی نرجس کنیز حضرت یکتا

سلام اللّه علی نرجس شبیه مریم عذرا

سلام اللّه علی نرجس عزیز عترت طاها

سلام اللّه علی نرجس عروس حضرت زهرا

که امشب دربغل دارد سلام خالق منّان

سلام اللّه علی نرجس بر او که فخر عیسا شد

براو که مریم عذرا به پیش پای او پا شد

به مدحش بس نصیب او تمام هست زهرا شد

پس از نامش دگر واجب سلام الله علیها شد

که او شد مادر مهدی یگانه منجی دوران

سلام اللّه علی نرجس فلک قربان این بانو

حیا مبهوت این بانو شرف حیران این بانو

به حیرت مؤمنون آری شدازایمان این بانو

پسندیده خدا تنها که در دامان این بانو

گشاید چشم خود مهدی چه زهراییست این دامان

سلام اللّه علی نرجس بنام حضرت نرجس

به نام پاکی و شرم و وقار و عصمت نرجس

ص: 319

نصیبم تا کند رحمان نگاه رحمت نرجس

بخوانم مدح مهدیش تمام عزّت نرجس

به جمع عاشقان او به شوق نیمه شعبان

بخوانم مدح آن نوری که نورلا مکان باشد

بگویم فیض خورشیدی که از دیده نهان باشد

نهان از دیده ها اما به هر جایی عیان باشد

دم از یاری زنم امشب که یار بی کسان باشد

بلرزانم تن نحس عدوی عترت و قرآن

به لرزه پیکر اهل سقیفه زین بیان آید

چنان ملعونه میسوزند اسمش بر زبان آید

کسی که می زند آتش تن آن غاصبان آید

یگانه وارث تیغ امیر مؤمنان آید

دو چشم مرتضی روشن لب زهرا شده خندان

کلام و وعدهٔ صدق خدای ذوالمنن آمد

تمام چهارده معصوم وجود پنج تن آمد

نبی و فاطمه حیدر حسین آمد حسن آمد

بگو بت های عالم را که از ره بت شکن آمد

خلیل اللّه می آید تبر بر دوش ای انسان

که باشد او که می پاشد قدومش کاخ استبداد

زیک لبخند او گردد بهاران عالم ایجاد

به کعبه می دهد تکیه به کعبه می زند فریاد

که حق تنها علی باشد همه عالم علی آباد

ص: 320

شود روز ظهور او ظهورش آرزویمان

چه روزی میشود روزی که سوزد قاتل زهرا

کسیکه آتش از کین زد تمام حاصل زهرا

شود راضی ، شود خشنود آن لحظه دل زهرا

دعا کن منتقم آید بگو ای سائل زهرا

هزاران لعن بر آن دو ، به هر کس پیرو آنان

کسی که بی تبری شد تولی هم ندارد او

نه حقی و ، نه انصافی که عدلی هم ندارد او

خسی خشکیده باشد او ، و فضلی هم ندارد او

به نزد حضرت مهدی ، محلی هم ندارد او

به روز حشر جای او یقیناً می شود میزان

سلام اللّه علی مهدی ، سلام اللّه علی مصلح

سلام اللّه علی المنجی ، علی مولا اباصالح

سلام اللّه علی جده ، سلام اللّه علی آله

بر او که می شود ظالم به سُم مرکب او لِه

بر آن مقصود دوران ها بر آن موعود جاویدان

ندارد عالمی باللّه چنین آقا که من دارم

به لب هر روز و شب هرجا ، به شوقش این سخن دارم

،،،مراعهدیست با جانان ، که تا جان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جانِ خویشتن دارم،،

به پای هر که قربانش ، شده جان و تنم قربان

سلام اللّه علی غایب ، به رخسار نهان او

زِ کی گیرم سراغ او ، کجا جویم نشان او

به خون بنشسته چشمانِ تمام عاشقان او

خدا دیگر بیاید او ، بیاید او ، به جان او

نفس آمد به لبهامان ، نمانده بر تنِ ما ، جان

نه سوزی بر جگر مانده ، نه حالی در دعا مانده

نمانده هیچ اخلاصی ، فقط کبر و ریا مانده

زِهجرانش فقط کوهی ، زِ درد بی دوا مانده

همه گشتیم سرخورده ، همه گشتیم وامانده

فقط لفظ بیا مانده ، زِ نُدبه های بی پایان

بیا آقای خوب من ، بیا ای جان به قربانت

بیا و یک نگاهی کن ، بر این عُشاق گریانت

به راهت منتظر زهرا ، نشسته دل پریشانت

به حق عمه ات زینب ، به حق جدِّ عطشانت

بیا و انتقامش را بگیر از لشکر دونان

هنوز از پشت در آید ، صدای نالهٔ مادر

فتاده بر زمین سقا پر از خون اکبر و اصغر

هنوز عمه زند بر سر ، کنار پیکر بی سر

هنوز از گوشهٔ ویران ، رسد آوای یک دختر

به حقّ مادرت نرجس ، بیا آقایِ (روضه خوان)

معمای قصر قیصر / ابراهیم زمانی

سرودۀ : شاعر دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای ابراهیم زمانی

از قم

معمای قصر قیصر

اسیر خار ولی مثل گل معطر بود

گلی که تشنه ی پیوند با صنوبر بود

حکیمه ای که به فردا شدن می اندیشید

ملیکه ای که معمای قصر قیصر بود

کنیز نه ... بنویسید ماه بانویی

اسیر جاذبه ی آفتاب دیگر بود

به شب نشینی خورشید سامرا می رفت

به سوی آنچه که در طالع اش مقدر بود

بهشت فرش قدم های ساده اش می شد

بهشت با خبر از احترام مادر بود

و ناگهان خبری سبز مثل گل رویید

گلی که ناب ترین یادگار کوثر بود

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند

در آن سیاهی شب آسمان منوّر بود

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

انیس و مونس شب های تار نرجس شد

به نام دلبر خوش قد و قامت نرجس

ردیف شد غزلی با قیامت نرجس

ص: 323

که سر به زیر ولی سربلند می آید

اسارت است شروع اصالت نرجس

چقدر رفته به زهرا شباهت زینب

چقدر رفته به زینب شهامت نرجس

عزیز حضرت مولاست مهدی موعود

کنیز حضرت زهراست حضرت نرجس

حسن شبیه حسن بوده است اما نه

جفای جعده کجا و نجابت نرجس ؟

به جای اشک دو رکعت نماز باران خواند

جوانه زد گل نرگس به حرمت نرجس

بهار منتظران بی خبر رسید از راه

شبیه معجزه ای با کرامت نرجس

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

انیس و مونس شب های تار نرجس شد

پیاده آمده تا تک سوار ما باشد

قرار شد گل نرگس قرار ما باشد

امام صلح غزل پوش می رسد از راه

که مهربانی او ذوالفقار ما باشد

سپاه گیسوی او تا رها شود در باد

مسیح شانه به شانه کنار ما باشد

به قلب آینه ای کاش آه ننشیند

مباد زخمی گرد و غبار ما باشد

ص: 324

عجم قبیلهٔ نام آشنای عشق علیست

طلای حضرت سلمان عیار ما باشد

خدا کند که شکوفایی گل نرگس

طلوع تازه ای از روزگار ما باشد

خدا کند که بمیریم انتظارش را

و این نوشتهٔ سنگ مزار ما باشد:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

انیس و مونس شب های تار نرجس شد

*****

داستان زیبای زندگی حضرت نرجس(علیها السلام) / زهرا محمدی (زمزم)

سرودهٔ : شاعرهٔ ولائی مکتب امامت

خانم زهرا محمدی (زمزم)

از اصفهان

داستان زیبای زندگی حضرت نرجس (علیها السلام)

ملیکا همان نرجس نامور

از اقوام شمعون نیکو سِیَر

چو شمعون مسیحائی پاک بود

خداجوی و دارای ادراک بود

ز مادر نسب داشت آن نیک زاد

به شمعونِ حق جویِ نیکو نهاد

نکو دختر پادشاهی ز رُم

یشوعاش نام و پدر نیست گم

ملیکا مکان داشت در کاخ شاه

ولی بود حق باور و بی گناه

گذشته زعمرش چو چندین بهار

شده ابن عمش بر او خواستار

به همراه آورده سیصد کشیش

دگر افسران و دگر قوم و خویش

بسی نامداران با فرّ و جاه

بسی شهریاران زرّین کلاه

نشستند و مجلس بیاراستند

ملیکای فرزانه را خواستند

به تختی ز جنس عقیق یمن

که آغشته بود از شمیم ختن

برویش چو داماد شه جا گرفت

در آن بزم ناقوس غوغا گرفت

ز غوغای ناقوس و آواز خوان

شدند اهل مجلس همه شادمان

که ناگاه لرزان شد آن قصر شاه

به هم ریخت آن تخت و آن بارگاه

فتادند داماد و شه روی خاک

کف کاخ گردید همچون مغاک

کشیشی نکو فکرت و پارسا

به شه گفت ما را مرخص نما

که این لرزش قصر امر خداست

نشانی ز خشم همان کبریاست

به فرمان شه گشت مجلس تمام

شدند از پی کار خود خاص و عام

دگر بار روزی به فرمان شاه

شد آماده آن مجلس و بارگاه

که شهزادهٔ دیگری خواستار

شود از همان دختر شهریار

پسر عمّ دیگر چو احضار شد

همان جشن بر پا و تکرار شد

جوان را نشاندند بر روی تخت

که او را نمایند بیدار بخت

در اطراف او خیل روحانیان

همه با صلیب و لباس گران

مراسم دگر بار آغاز شد

دلیلِ همان جشن ابراز شد

در افتاد در قصر لَرزِ دگر

فتادند روی زمین سربسر

دگر بار شه چونکه آن حال دید

از اقبال فرزند شد ناامید

در آن کاخِ سر تا بپا تخت و تاج

میسّر نشد بهرشان ازدواج

نشد آخر آن جشن برکامشان

به تلخی گرایید انجامشان

ملیکا به طینت بسی پاک بود

نکو خوی و دارای ادراک بود

چو پیش آمد از بهرش این حادثات

زدرگاه حق خواست راه نجات

به خواب آمدش جدّ و یاران او

که بودند همراه عیسی نکو

نهادند منبر در آن جایگاه

که بود از برای شهان پایگاه

دو با ده نفر مرد صاحب کمال

به همراه شمعون نیکو خصال

یکی زان همه خاتم مرسلین

دگر یازده تن امامان دین

حسن هم روان بود همراهشان

جوانی برومند و نیکو بیان

که ناگاه احمد به عزّ و وقار

بفرمود کی عیسیِ نامدار

کنم خواستاری ملیکای را

ز شمعون بری حسن از شما

مسیحا به شمعون حق جوی گفت

که شد با سعادت نصیب تو جفت

نما خواهش آل احمد قبول

که گردد مرادت به نیکی وصول

پس آنگه محمّد به منبر نشست

میان ملیک و حسن عقد بست

ملیکا به عقد حسن شد بخواب

که راه خدا بود و راه صواب

نهان داشت آن خواب از پادشاه

که افشاء نسازد به کس هیچگاه

شب دیگری باز در خواب دید

که آمد کجاوه ز عرش مجید

خواتین ز هودج برون آمدند

برایش در آن قصر مهمان شدند

به همراهی مریم و فاطمه

رسیده ، نشستند نزدش همه

که ناگه ملیکا چو ابر بهار

فشاند اشک از دیده بی اختیار

بیان کرد بر فاطمه آن زمن

که من شکوه دارم بسی از حسن

نیامد به نزد من آن نیکخو

که با من کند لحظه ای گفتگو

به نرجس بیان کرد خیر النسا

که او از تو می خواهد ای پارسا

پذیرای اسلام و قرآن شوی

به کردار اکنون مسلمان شوی

چو او این سخن را ز زهراشنفت

پذیرفت اسلام و تکبیر گفت

بگفتا شهادت دهم بر اله

بر احمد که باشد به حالم گواه

ملیکا چو پهلوی زهرا نشست

در آن شب به دلخواه خود یافت دست

به او گفت زهرا دهم مژده ای

که دیگر ز هجر حسن وا رهی

پس آنگاه شبها بخواب گران

حسن بود در نزد او میهمان

دگر درد و رنجش ز تن دور شد

از او رفع غم گشت و مسرور شد

چنین است کامل از او شرح حال

بیفکن قلم را و طی کن مقال

بپا گشت جنگی در آن مرز و بوم

میان مسلمان و سلطان روم

ملیکا در آن جنگ از رومیان

بیفتاد در چنگ اسلامیان

به بازار بغداد بهر فروش

ببردندش آن مردم سخت کوش

فرستاد هادی کسی را که ، رو

شناسای آن دختر پاک شو

رسان نامه ام را به آن نیک زاد

که دلشاد گردد رسد بر مراد

چو آن نامه بر دست نرجس رسید

دلش گشت سرشار عشق و امید

روان گشت با پیک بر سامرا

همانجا که میداشت هادی سرا

به او گفت هادی که خوش آمدی

تو ای مادر قائم سرمدی

بخواند آن زمان خواهر خویش را

به او گفت اکنون حکیمه ، بیا

به همراه خود نرجستم را ببر

ز قرآن و دینش نما با خبر

به نرجس چنین داد هادی نوید

که تو مادری می شوی رو سفید

حسن آمد و خطبه ای خوانده شد

گلی بر سر هر دو افشانده شد

میسّر شد آن ازدواج ، آن زمان

که شد حاصل آ ن امام زمان

کنون (زمزم) این شرح زیبا سرود

که بر مهدی و مادر او درود

مادر خورشید / ابوالفضل سبزی

سرودهٔ : شاعر و نویسندهٔ محقق

آقای شیخ ابوالفضل سبزی

از قم

مادر خورشید

سایه در سایهٔ شب، جلوه گر خورشیدی

چون گهر در دل تاریک سحر تابیدی

چهره در چهره ی خورشید تبسّم کردی

گل خورشید بغل کرده و خود ناهیدی

دختر قیصر روم از نسب شمعونی

همچو باران به دل بحر بقا باریدی

دُرّ پنهان که به جان عطر سلیمان داری

سال ها در صدف پاک زمان خوابیدی

ناگهان همچو گل اندر بغل شاهد عشق

از مسیحا بدمیدی و جهان کاویدی

تا گلستانِ محمّد بَرِ تو پیدا شد

لاله بودی و چو نرگس به رخش خندیدی

دختر شاه بُدی کز ادبت در برِ ماه

چهره بر خاک قدوم پسرش ساییدی

هرچه دُر بود فرو ریختی و در شب نور

تا ابد بر رخ ماه حسنش بالیدی

جان خود را چو گلی پرپر عشقش کردی

هر ورق را به دو صد شور سرش پاشیدی

ص: 329

جمعِ در یک نفر آمد همهٔ خوبی ها

وآن نفر را تو شدی مادر و خوش زاییدی

(سبزی) از مهر شما نوکر مهدی ات شد

که به ما مادری و در دل ما جاویدی

*****

همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس(علیها السلام) / سید علی موسوی (سُعا)

سرودهٔ : شاعر ، نویسنده ،

پژوهشگر ادبیات دینی

آقای سیّد علی موسوی (سُعا)

همانند یاس نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حضرت نرجس (علیها السلام)

به خورشید پیوسته تا در مسیر سفر

کند روح باران به دریای ایمان گذر

صدف وار در مبدأ غیبی اش مُنتظِر

به مقصد رساند مگر ، گوهر حق اثر

معمای پیدایشش جلوه سوز از سرشت!

که در سرنوشت از چه لوحی شده جلوه گر؟

قرار است این دختر پاک دامان ، نجیب

به دنیای دانی کند هدیه ، عالی پسر

که شاید به قحط امیرانِ دارا شکوه

نشیند به دادآوری حضرت دادگر !

گذر کرده از قلب تاریخ ، تا طی کند

مسیر پیام آوران را به رنج سفر

ص: 330

مواریث پیغمبران در دل مهر اوست

بهاری موجّه حضور از ظهورِ ثمر

به عفت همانند یاس نبی(ص)، بی نظیر

به عصمت چو نرگس ، مهین ، مهربان ، خوش نظر

بلندآستانه به هر دو جهان ، از شرف:

ملائک جبین سایِ درگه ، ثناگو بشر!

به فرزند نرجس (س) ، تعادل گرفته زمین!

زمان و مکان منشیِ دولتش، سر به سر

ز یُمن وجودش ، تشیّع ضمیر بقاست

به آیین سرمد بُود دولتش مستمر

کیان شریعت به گیتی فقط مهدی (عج) است

شده در بسیط زمین و زمان ، مستقر

به تعجیل باران بخوان ، با « سُعا » نُدبه را

حدیث مفصّل نگنجد در این مختصر!

مگر حضرت حق دهد ، اذن تشریف عشق

سحرگه دمد پرتو مهدی مُنتظَر (عج)

*****

الصورة

مواریث پیغمبران در دل مهر اوست
بهاری موجّه حضور از ظهورِ ثمر
به عفت همانند یاس نبی(ص)، بی‌نظیر
به عصمت چو نرگس، مهین، مهربان، خوش‌نظر
بلندآستانه به هر دو جهان، از شرف:
ملائک جبین‌سایِ درگه، ثناگو بشر!
به فرزند نرجس (س)، تعادل گرفته زمین!
زمان و مکان منشیِ دولتش، سر به سر
ز یُمن وجودش، تشیّع ضمیر بقاست
به آیین سرمد بُود دولتش مستمر
کیان شریعت به گیتی فقط مهدی (عج) است
شده در بسیط زمین و زمان، مستقر
به تعجیل باران بخوان، با «سُعا» نُدبه را
حدیث مفصّل نگنجد در این مختصر!
مگر حضرت حق دهد، اذن تشریف عشق
سحرگه دمد پرتو مهدی مُنتظَر (عج)

*****

عروس حضرت فاطمه(علیها السلام) / فریدون اقا لَر (سفیر)

سرودهٔ : شاعر ولائی

آقای حاج فریدون آقا لَر (سفیر)

از اصفهان

عروس حضرت فاطمه (علیها السلام)

ملیکه دختر قیصر چگونه مَحوِ مولا شد

رهینِ مهرِ محبوب و اسیر آن دلارا شد

شبی سیمای دلجویِ حَسن را دید در رؤیا

در آن رؤیا اسیر مهر آن فرزند زهرا شد

چنان دلداده و دلبستهٔ آن با وفا گردید

که مهر مقتدایش ثبت در خال سویدا شد

چو بود او پیروِ آئینِ عیسای مسیح اللّه

به دستِ فاطمه دینِ محمد را پذیرا شد

به همراه اسیران در عراق آمد پی دلدار

خریدارش به بازار آمد و گم گشته پیدا شد

مُزیّن شد به نرجس نام آن بانویِ زیبنده

عروسِ حضرتِ زهرا شد و محبوبِ مولا شد

ازین پس با امام عسگری شد همدم و همسر

مبارک گو بر این وصلت به پیغمبر مسیحا شد

به نرجس دختر قیصر ، حکیمه خیرِ مقدم گفت

ازین پیوند زیبنده رضا حیِّ توانا شد

ازین پیوند میمون و بَر این سودای فرخنده

تبارک گو به نرجس ، مریم آن بانویِ عظما شد

ص: 332

انیس و مونس و غمخوار و همراز حسن گردید

عجین با حُسن خلق و خوی آن مولا و آقا شد

امام عسکری در حق آن بانو دعا فرمود

گلِ نرگس سحر از دامن نرجس شکوفا شد

زِ بطن پاک نرجس شد نمایان جلوهٔ یاسین

زِ فیض نوگلِ طاها زمینِ مرده احیا شد

به یُمن مقدمش باغ امامت سبز و خرّم شد

جهانِ شیعه غرقِ نور ، زین مولود زیبا شد

ز نور چهرهٔ زیبای مهدی منجی عالم

به مسجدها و محفل ها نمازِ شکر بر پا شد

به امرِ خالق سرمد شدی در پردهٔ غیبت

به زودی با ظهور او جهان خواهد مصفّا شد

وصال یوسف زهرای مرضیه ، گل نرجس

ز لطف حق «سفیرا» بهر ما خواهد مهیا شد

*****

مریمی دیگر / زهرا سلیمی.

سرودهٔ : شاعرهٔ ولائی مکتب امامت (علیهم السلام)

خانم زهرا سلیمی

از قم

مریمی دیگر

آن شاهزاده توی قصرش آرزو می کرد

مرد بزرگی را که دنیا جستجو می کرد

ص: 333

در لابلای خنده های تلخ درباری

با لهجه ای از درد با او گفتگو می کرد

خورشید عادت داشت دایم عطر نر گس را

از غنچهٔ لبخند او هر روز بو می کرد

یک شب تمام باغ های سیب روییدند

خالق برایش از ازل اسرار رو می کرد

او مریمی دیگر برای اهل عالم بود

روحی مسیحاتر عروج از بطن او می کرد

مردی که می آمد اگر امروز یا فردا

چشمان ما را با حقیقت روبرو می کرد

*****

مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست / تبسم رضا زاده (شدتی)

سرودهٔ : شاعرهٔ ولائی

خانم تبسم رضا زاده (شدتی)

از ارومیه

مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست

هم صاحب قدر و کرم،هم مادر مهدی است

این ماه بانو مهر روز محشر مهدی است

منظومه ی اسرار صبح روشن اندیشان

خورشید دنیای حسن ، تاج سر مهدی است

این نور منفک گشته از شبخانه قیصر

پروانه شمع ولایت مظهر مهدی است

دنیای پاکی مهد عصمت خواستگاه نور

عیسی ترین روح خدا در پیکر مهدی است

ص: 334

روشن ترین حجت دلیل روشن ایمان

تنها نه مادر روح حق در باور مهدی است

نرگس شدن را خوب می داند اسیری که

مست از شراب عسگری در ساغر مهدی است

هرگز عروس حضرت زهرا نخواهد شد

جز آنکه جانش مست درک محضر مهدی است

مانوس لبهای ملیکا ذکر یا زهراست

وقتی به روی سینه مادر سر مهدی است

شعرم به پایان آمد و شب انتظاریهام

امیدوار روشنای اختر مهدی است

*****

از قصر قیصر تا بیت کوثر / محمدجواد غفور زاده (شفق)

سرودهٔ : شاعر ادیب و نامدار

استاد محمّد جواد غفور زاده (شفق)

از مشهد مقدّس

از قصر قیصر تا بیت کوثر(1)

بشنو از راویان روایت نور

که به وجد آیی از ترنّم و شور

روزی از روزها امام نقی

گفت با خادم سرا « مسرور »:

که برو « بُشرِ بِن سلیمان » را

به سراپرده ام بخوان به حضور

این بشارت به بُشر بَرده فروش

چون که ابلاغ شد ، به شوق و به شور

ص: 335

1- . بخشی از ترجیع بند مفصل

به سر آمد ، به پای بوسِ امام

هادی دین و معنی « والطّور »

چشم در چشم و لب پر از لبیک

تا چه فرماید آن سلالهٔ نور

گفت مولا: بدان به خاطر من

کرده اندیشه ای خطیر ، خطور

بنشین در برم که ره یابی

به امید خدا بدان منظور

پس از آن، آن یگانه آیتِ نصر

که به کف داشت رایتِ منصور

نامه ای با خط فرنگ نوشت

ساخت آن را به مُهر خود ممهور

گفت : ای پیک! این تو این پیغام

گفت : ای دوست! این تو ، این دستور

« بَدره ای زر » به او سپرد امام

گفت این زر ، ضمیمهٔ منشور

راهِ بغداد پیش گیر و برو

با توکّل به ذات حیّ غفور

منتظر باش ، بر لبِ ساحل

تا رسد کشتی مراد از دور

کشتی حامل اسیران است

از ایالات دور و خطّهٔ تور

همه را عرضه می کنند و تو هم

در همه حال باش سنگ صبور

تا کنیزی بدین صفات و کمال

کند از آن میان چو ماه ظهور

در حجابِ عفاف و عصمت و قدس

باشد آن گلبن ادب مستور

چون از این نامه مُهر برگیرد

دیده اش روشنی بیابد و نور

به خریداری اش قدم بگذار

بگذرم... « اِنَّ سَعْیُکُم مَشکور »

او عروس من است ، فرزندم

« عسکری » می پذیردش به حضور

آرزویم طلوع خورشیدی ست

روشنی بخش تر ز جلوهٔ طور

نه همین دارم انتظارش من

که جهان دارد انتظارِ ظهور...

وصف « ماءِ مَعین » کنم تا کی؟

« وَ مِنَ الماءِ کُلّ شَیءٍ حَیّ »

پرده تا از رخ پگاه افتاد

در فضا برق یک نگاه افتاد

بود این برقِ شادی ، از دل « بُشر »

که نگاهش به دخت شاه افتاد

سجدهٔ شکر حق به جای آورد

از غم آسود و در رفاه افتاد

سوی « سامرّه » هم سفر با او

دخت قیصر « ملیکه » راه افتاد

گفت ای بُشر! در ولایت روم

به هوای گلی ، گیاه افتاد

بزم عقد من و پسر عمّم

پا گرفت و طرب به راه افتاد

خطبهٔ عقد را نخوانده عجیب

اتفاقی به بزم شاه افتاد

تخت در هم شکست و غوغا شد

لرزه بر کاخ و بارگاه افتاد

دستِ افسوس زد به هم داماد

گویی از آسمان به چاه افتاد

بزم عیش از قضا ، عزا گردید

اُسقُف از روی جایگاه افتاد...

یا قیامت به پای شد ، یا نه

« پاپ اعظم » به اشتباه افتاد

پس از آن حادثات، بر سَرِ من

سایهٔ رحمتِ اله افتاد

دل و جان در هوای حضرت دوست

سر و کارم به اشک و آه افتاد

تا شبی ، در عوالم رؤیا

چشمِ مشتاقِ من، به ماه افتاد

دل من سر نهاد بر قدمش

اشک شوقم به خاک راه افتاد

شعلهٔ اشتیاق و آتش مهر

در نهادم به یک نگاه افتاد

در شگفتم! کنون که بر سرِ من

سایهٔ آن جهان پناه افتاد

وصف « ماءِ مَعین » کنم تا کی؟

« وَ مِنَ الماءِ کُلّ شَیءٍ حَیّ »

« نرگس » آن عشق مانده در جانش

در دل و دیدهٔ گل افشانش

گل سرخ محمّدی ، « مهدی »

تا شکوفا شود به دامانش

آوَرَد گلبنی همیشه بهار

چشم بد دور از گلستانش

ماهِ شعبان ، دو نیمه شد وانگاه

عظمت یافت رتبه و شانش...

زادروزِ « بقیة اللّه » است

آفرین خدای بر جانش

دفتر مدح اوست « جاءَ الحق »

« زَهَقَ الباطل » است عنوانش

سورهٔ « هَل اَتی عَلَی الاِنسان »

صورتی از کمال و احسانش...

میهمان شد به جلوه گاهِ شهود

دست غیبِ خدا نگهبانش

خواند او را « خلیفة الرّحمان »

کردگار رحیم و رحمانش

بشریّت نداشت تاب ظهور

پردهٔ غیب کرد پنهانش

سیصد و سیزده خداجویند

جمع یاران و جان نثارانش

طالعِ سعد بین ! که در همه حال

حافظِ جان اوست جانانش

به امیدی که صبح وصل رسد ،

دست کوتاه ما به دامانش

جانم ارزانیِ نگاهش باد

پدر و مادرم به قربانش

طوطی طبع من اگر چه شده ست

در پس آینه غزل خوانش

وصف « ماءِ مَعین » کنم تا کی؟

« وَ مِنَ الماءِ کُلّ شَیءٍ حَیّ »

*****

الصورة

ص: 338

ملیکهٔ ولایت / مصطفی هادوی (شهیر)

سرودهٔ : شاعر پرکوشش اهل البیت (علیهم السلام)

استاد مصطفی هادوی (شهیر)

از اصفهان

ملیکهٔ ولایت

ای نور پر فروع جمال محمدی

ای مادر امام ، بگلزار احمدی

خورشید آسمان ولایت بنام توست

چون مادر امام زمانیّ و سرمدی

در باغ معرفت گل گلزار حیدری

از دودمان رومی و از نسل قیصری

در شأن و در مقام و جلال تو این بس است

در عصر خویش از همهٔ بانوان سری

نور ولایت ازلی در وجود توست

بود و نمود وصل ولایت به بُود توست

تو ریشه ای به نخل ولایت از این جهت

زیرا دوام خط ولایت وجود توست

تو پاک تر ز پاکی و ، پاکیزه مادری

تو ماه آسمانی و از آن فراتری

در بوستان پر گل و ریحان ، تو نرجسی

ممدوح خلق عالم و محبوب داوری

*****

ص: 339

شکوه آفرینش / صدیقهٔ اژه ای (شیدای اصفهانی)

سرودهٔ : شاعرهٔ اهل البیت (علیهم السلام)

خانم صدیقهٔ اژه ای

(شیدای اصفهانی)

شکوه نام زیبایت چه والاست

حیات بی مثالت روح افزاست

جمال وحسن خلقت در تو کامل

شکوه آفرینش در تو پیداست

جهان آمادهٔ فصل ظهور است

ظهور او شفای درد و غمهاست

تو ای بانوی باران رحمت و نور

جهان از بهر فرزند تو برجاست

رباعی

خوشبخت ترین بانوی عالم نرجس

محبوب عزیز جان خاتم نرجس

سرچشمه خیر بر تمام هستی

خورشید حیات بخش آدم نرجس

*****

عجب جاه و جلالی داری نرجس

شکوه بی مثالی داری نرجس

عروس خاندان اهل بیتی

جمال بی مثالی داری نرجس

*****

الصورة

سرودهٔ : شاعرهٔ اهل البیت علیهم السلام
خانم صدیقهٔ اژه‌ای
(شیدای اصفهانی)

شکوه نام زیبایت چه والاست — حیات بی مثالت روح افزاست
جمال وحسن خلقت در تو کامل — شکوه آفرینش در تو پیداست
جهان آمادهٔ فصل ظهور است — ظهور او شفای درد و غمهاست
تو ای بانوی باران رحمت و نور — جهان از بهر فرزند تو برجاست

رباعی

خوشبخت ترین بانوی عالم نرجس
محبوب عزیز جان خاتم نرجس
سرچشمه خیر بر تمام هستی
خورشید حیات بخش آدم نرجس

*****

عجب جاه و جلالی داری نرجس — شکوه بی مثالی داری نرجس
عروس خاندان اهل بیتی — جمال بی مثالی داری نرجس

*****

شادمانی حضرت نرجس(علیها السلام) / زهرا صالحی

سرودۀ : شاعرۀ با ولایت

خانم زهرا صالحی

از اصفهان

شادمانی حضرت نرجس (علیها السلام)

وقتی که در ذهنش گل زهرا تجسم می شود

نرگس به همراه جهان غرق تبسم می شود

مادر شده حتی خدا تبریک می گوید به او

دریای قلبش شادمان پر از تلاطم می شود

فرزند او دارد نشان از یازده نور خدا

می تابد آن خورشید و نور چشم مردم می شود

خوشبوترین گلها، چنین دارند اذعان می کنند

با عطر مهدی عالمی غرق ترنم می شود

تنها به دنبالش دل آدم کجاها می رود

مشهد ، نجف ، کربلا ، و زائر قم می شود

یکروز می آید ، و بعد رنج های بی شمار

غم در میان ازدحام خنده ها گم می شود

*****

آسیه ، مریم ، خدیجه ، نور چشم کوثری

مثل این گلها تو از گلهای عالم برتری

دستهای بسته ات حتی گواهی می دهند

در اسارت رو به رویت باز می گردد دری

عاشقانه می روی تا که بپیوندی به نور

می شوی آیینه ی عشق امام عسکری

ص: 341

یار با یک گل جهانی را گلستان می کند

نرگس ، این گل را تو در دامان خود می پروری

فاطمه در دو جهان با عشق می بالد به تو

روح و جانش ، نور چشمش ، مهدیش را مادری

قلب هر ذره در عالم هم به شادی می تپد

مادرانه نام او را تا به لب می آوری

توی تاریکی فرو رفته زمین و ناگهان

کعبه و خورشید و دنیا و طلوع دیگری

عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام) / اعظم صباغ خور

سرودۀ : شاعرۀ نکته سنج و ولائی

خانم اعظم صباغ خور

از مشهد

عروس محفل پیغمبر و عیسی (علیهما السلام)

به گوشت خوانده مشتاقانه اسرار طهارت را

به رویت می گشاید این چنین باب هدایت را

چه کردی با گلستان دلت ای نازنین بانو ؟

که پرورد آخرین گلدستۀ باغ امامت را

از آن روزی که پیمان بستی و بر عهد خود ماندی

بجا آورده با لطفش خدا حق رفاقت را

تو در رؤیای خود دلبستۀ ماهی دل آرایی

کجا یک خواب آورده چنین وجد و بشارت را؟!

چه گفتی در دعای نیمه شب هایت که اینگونه

خدا تابانده بر قلب تو خورشید اجابت را ؟

ص: 342

چه فرقی داشتی با دیگران ای دختر رومی؟!

ربودی از تمام دختران گوی سعادت را

نه کاخ قیصر روم است در شأن و مقام

تو نه دارد هیچ شاهی بر سرش تاج ارادت را

تو در گنجینهٔ قلبت چراغ روشنی داری

به تو ارثیه داده مادر عیسی نجابت را

حکیمه گرچه خاتونی است بی مانند و یکدانه

ولی در حق تو ایراد کرده این عبارت را

همیشه جنگ سوغاتش سر و دست و شهادت نیست

اسیری با خودش آورده این دفعه کرامت را

عروس محفل پیغمبر اسلام و عیسایی

کجا مهریه می گیری به جز اذن شفاعت را؟

گره افتاده در کار زمین و آسمان بانو!

خدا بر تو ببخشد کاش این دوران غیبت را

*****

ستوده در انجیل / زهرا صرامی

سرودهٔ : شاعره خاندان رسالت (علیهم السلام)

خانم زهرا صرامی

از خمینی شهر

ستوده در انجیل

نپرس نامم را تیره و نشانم را

که مهر کرده رسیدن به او دهانم را

اگر چه دختر شمعون حواری عیسام

ولی نپرس از این قافله نشانم را

ص: 343

زمین روم به شوق نگاه او لرزید

خدا به راه من آورد آسمانم را

چه عطر یاسی در خواب های من پیچید

چطور پنهان کردم غم نهانم را

بریدم از قصر و با اسیرها رفتم

برید مژده موعود تا عنانم را

مسیح آمده انگار باز روی زمین

شبیه سوسن وا می کند زبانم را

شبیه مادر موسام ، رود نیل کجاست؟

فراق سوخته تا عمق استخوانم را

ببین که ارزش مادر چقدر محترم است

که خوانده بود به بغداد کاروانم را

مسیح پشت سر او نماز می خواند

بخوان که گفته در انجیل داستانم را

*****

نرجس نیکو سِیَر / حسنعلی صغیرا

سرودۀ : شاعر دلسوختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای حسنعلی صغیرا

از اصفهان

نرجس نیکو سِیَر

ماه تابان عفیفان جهان دانی کیست؟

همسر عسکری آن نور عیان دانی کیست؟

مادر شمس فروزان زمان دانی کیست؟

گوهر بحر و بر رفعت و شان دانی کیست؟

گل بی خار جهان نرجس نیکو سِیَر است

ص: 344

نرجس آن مادر والا گهر حجت حق

نرجس آن کو که بُداین رفعت والاش به حق

نرجس آن بانوی با رفعت و نور مطلق

نرجس آن کو شده بر آل پیمبر ملحق

پیرو راه امامان ز شُبَیر و شبَر است

نرجس ای گشته تو را مهدی موعود سپر

خوش تو را تاج شرف هست ز معبود به سر

دارد او بر همه آفاق ز اکرام اثر

مولدش نیمهٔ شعبان به جهان گشت خبر

که ز نرجس گل زیبا همه را تاج سر است

لوحش الله که جهان همچو بهشت است عیان

چه بهشتی که بود نور هدا ظاهر از آن

ز چنین مادر و فرزند ز پیدا و نهان

نور حق است جهان را ز کران تا به کران

بر جهان نرجس از این نور هدی مفتخر است

بر (ضمیر) آنچه رسد از کرم مهدیِ اوست

متنعم دو جهان از نعم مهدیِ اوست

ژاله بر دشت چو بارد ز یم مهدیِ اوست

فیض مطلق به جهانی ز دم مهدیِ اوست

روز و شب بر فرجش دست تمنا به سر است

حسرت سلاطین / هاشم طوسی

سرودهٔ : شاعر و مداح

دلسوختهٔ آل عصمت (علیهم السلام)

آقای هاشم طوسی

از مشهد مقدّس

حسرت سلاطین

سلام مطلع فجر و سلام ای باران

سلام حضرت نرجس سلام مادرجان

دوباره از کرمت شعر تازه می خواهم

برای از تو سرودن ، اجازه می خواهم

طلا به نرخ به غیر از طلا نمی ارزد

همین سبب شده که ، کاخ روم می لرزد

بزرگ زاده! بزرگیّ تو پس از این است

و جایگاه شما حسرت سلاطین است

نصیب عاشق و معشوق دل پریشانی است

ملیکه ای ست که شأنش نه مثل زندانی است

اگر اسیر شدی ، این هم از سعادت توست

پسند حضرت زهرا شدن لیاقت توست

تو آمدی که بتابی به آسمان حسن

تو ای صبورترین یار همزبان حسن

به رکن دین خدا ، تکیه گاه بودی تو

پناه عالمیان را پناه بودی تو

ص: 346

به زخم بی کسی اش التیام می دادی

همین که بر گل رویش سلام می دادی

کریمه ای و ، حکیمه ، نجیب و طاهره ای

حلیمه ، زاکیه ، منصوره ای ، مطهره ای

در آسمان نجابت چو ماه دیده شدی

برای مادری عشق برگزیده شدی

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

تمام هستی زهرا نصیب نرجس شد

اسوۀ تربیت / سعید علامه

سرودۀ : شاعر جوان و خوش ذوق

آقای سعید علامه

از اصفهان

اسوۀ تربیت

او ملیکا و نرجس دوران

باب حاجات و رحمت است این زن

نه فقط مادر امام زمان

مادری میکند برای من

اهل روم است و جد او قیصر

شهره بوده است در زمان خودش

جان او جان عسکری بوده

جان مولای ماست جان خودش

در مقامش زبان شده الکن

رمز و راز نهفته ای دارد

سینه اش بوده مخزن الاسرار

گفته های نگفته ای دارد

از کرامات او همین باشد

در بلا بوده حامی شیعه

مورد احترام مادرهاست

مادران گرامی شیعه

بیش از اینها بگو تو ای شاعر

اسوه ی تربیت همین بانوست

مادری که برای مادرها

در تمام زمینه ها الگوست

مجموعه رباعیات

در روم سر آمد زنان بودی تو

در عصمت و معرفت نشان بودی تو

وصفت به چهار خط نگنجد ، بانو

چون مادر صاحب الزمان بودی تو

*****

از رتبه در آسمان مکان داری تو

فرزند نه ، صاحب الزمان داری تو

باید چه نوشت بابت اوصافت

صد راز مگو به شاعران داری تو

*****

روزی که به سامرا سفر میکردی

با فاطمه اوقات به سر میکردی

پیوسته به فکر انتقامش بودی

وقتی که به مهدی ات نظر میکردی

*****

هر لحظه که احساس خطر می کردی

از کشف حجاب خود حذَر می کردی

از شوق به وجد آمدی وقتی که

بر خط امام خود نظر می کردی

*****

فیض ابدی روحِ حقیقت با توست

معنای توسل و اجابت با توست

ص: 348

هر چند که از مسیحیانی ، امّا

خورشید درخشان امامت با توست

*****

انگار که شخصیتی دیگر میخواست

او همسری از نسل پیمبر میخواست

در خواب به انتظار خود پایان داد

این کار فقط عزّت و باور میخواست

*****

از نسل حواریون و حق باور بود

در مرتبه اش نمونه ای دیگر بود

در منزلتش همین سعادت کافی است

بر مهدی صاحب الزمان مادر بود

*****

از پرتو تو چراغ جان روشن شد

نرگس نرگس کویر دل گلشن شد

آن روز که مهدی ات به دنیا آمد

عشق آینه دار انتظار من شد

*****

با خواندن حرزت گره از دل وا شد

باران باران دو چشم من دریا شد

هر وقت که نام مهدی ات را بردم

عالم به قیام قائمت برپا شد

*****

ص: 349

ای هستی و روشنیِ راه امت

شد قبر مط-هّرت پناه امت

افسوس که باز هم نیامد مهدی

پایان بدهد به درد و آه امت

*****

از شأن تو صد کتاب بایست نوشت

هر واژه به انتخاب بایست نوشت

وقتی که پر از محبّت زهرایی

از غیرت و از حجاب بایست نوشت

*****

گنجینه ی اسرار الهی از توست

محبوب ترین مقام شاهی از توست

تو نرگسی و مادر باران هستی

این مرتبه ی لایتناهی از توست

*****

از چند رباعی که سرودم حالا

معلوم شده گرفته ای دستم را

خوشبخت ترین آدمِ دنیا هستم

ممنون توأم عروس بی بی زهرا

*****

تصویر

ای هستی و روشنیِ راه امت
شد قبر مطهّرت پناه امت
افسوس که باز هم نیامد مهدی
پایان بدهد به درد و آه امت

*****

از شأن تو صد کتاب بایست نوشت
هر واژه به انتخاب بایست نوشت
وقتی که پر از محبّت زهرایی
از غیرت و از حجاب بایست نوشت

*****

گنجینه‌ی اسرار الهی از توست
محبوب‌ترین مقام شاهی از توست
تو نرگسی و مادر باران هستی
این مرتبه‌ی لایتناهی از توست

*****

از چند رباعی که سرودم حالا — معلوم شده گرفته‌ای دستم را
خوشبخت‌ترین آدمِ دنیا هستم — ممنون توأم عروس بی‌بی زهرا

*****

یاسی از باغ نرگس ها / احمد علوی

سروۀ : شاعر نامدار و ولائی

و پرشور اهل البیت (علیهم السلام)

آقای احمد علوی

از قم

یاسی از باغ نرگس ها

تو را وقتی به اقیانوس های بی کران آورد

برایت همسری از عرش از هفت آسمان آورد

خدا تقدیر زیبای تو را با نور معنا کرد

برای خواستگاری حضرت زهرا نشان آورد

شبیه شهربانو آمدی با عشق ، با لبخند

خدا از باغ نرگس ها چه یاسی ارمغان آورد

نگین حلقه ی عقد تو را با ذکر یا مهدی

جناب جبرئیل آن روز از سمت جنان آورد

تو را تا یازده پله به سمت آسمان بردند

برایت حضرت عیسی بن مریم نردبان آورد

چه عطری از وجود پاک تو در سامرا پیچید

که دستان نسیم آن را به سمت جمکران آورد

به فرزند تو جن و انس می بالند و می گویند

که مولودی از این نیکوتر آیا می توان آورد؟

شفاعت کار مادرهاست ، پس جز نامت ای مادر

نباید هیچ نام دیگری را بر زبان آورد

ص: 351

بانوی دلباخته / احمد علوی

بانوی دلباخته

بعد از گذر از دلهره ها حضرت نرگس

از لحظه ی اول شده مهمان حکیمه

ای بانوی دلباخته بعد از سفری سخت

چون جان امام است شده جان حکیمه

*****

سرداب که شد نور علی نور حکیمه

آموخت به نرگس هنر بندگی اش را

چادر به کمر بست در آن فرصت کوتاه

تا وقف دو خورشید کند زندگیش را

*****

تصویر

بانوی دلباخته

بعد از گـذر از دلهره هـا حضـرت نرگـس
از لحظـه‌ی اول شـده مهمـان حکیمـه
ای بانوی دلباخته بعد از سفری سخـت
چون جان امام است شده جان حکیمـه

*****

سـرداب کـه شـد نـور علـی نـور حکیمـه
آموخـت بـه نرگـس هنـر بندگـی‌اش را
چادر بـه کمر بسـت در آن فرصت کوتـاه
تـا وقـف دو خورشیـد کنـد زندگیـش را

*****

چارهٔ کار شیعیان / روح الله فروتن

سرودهٔ : شاعر و مداح دلسوختهٔ ولائی و فاضل گرانقدر آقای روح اللّه فروتن

از اصفهان

دست توسل بر دامن حضرت نرجس (علیها السلام) (1)

ای راضیهٔ مرضیه ، ای بندهٔ معبود

ای آن که در انجیل، خدا مدح تو فرمود

از روز ازل شامل تو لطف خدا بود

تا این که شوی والدهٔ مهدی موعود

محبوبهٔ درگاه خدا حضرت نرجس

از مهر تو بر سینهٔ خود گل زده ام من

درمدح تو هم نغمه چو بلبل زده ام من

از خانهٔ دل تا حرمت پل زده ام من

بر دامن تو دست توسّل زده ام من

خالیست ببین دست مرا حضرت نرجس

ای سرور والا نسبم مادر مهدی

ای نور درخشان شبم مادر مهدی

نامت همه دم ذکر لبم مادر مهدی

من از تو مدد می طلبم مادر مهدی

آمد به سرای تو گدا حضرت نرجس

1- . این شعر در اوج کرونا جهت توسل به حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) سروده شده است.

ای مادر مهدی نظری جانب ما کن

درد دل غمدیدهٔ ما را تو دوا کن

این جمع پریشان شده را باز دعا کن

با گوشهٔ چشمی تو ز ما دفع بلا کن

از کار همه عقده گشا حضرت نرجس

اوضاع به هم ریختهٔ ما شده ناجور

بر کار محبّان تو خورده گرهٔ کور

یا سیّدتی این چه بلائیست که با زور

با خود ببرد پیک-ر ما را به دل گور

ما را تو ببین غرق عزا حضرت نرجس

ما حوصلهٔ طعنهٔ اغیار نداریم

با این همه غم طاقت بسیار نداریم

در موج بلا غیر شما یار نداریم

جز راه توسّل به تو معیار نداریم

مائیم و عنایات شما حضرت نرجس

گنجینهٔ اسرار خدا رحم به ما کن

ای گوهر دریای وِلا رحم به ما کن

مائیم گرفتار بلا رحم به ما کن

جان پسرت رحم به ما ، رحم به ما کن

محتاج دعائیم و عطا حضرت نرجس

پیدا شده آثار غم از روی محبّان

ای روی شفا بخش تو داروی محبّان

از به-ر عیادت تو بیا سوی محبّان

تا دور شود پای غم از کوی محبّان

ص: 354

کن حاجت ما را تو روا حضرت نرجس

اینان که به جز مهر تو در دل نپذیرند

چندیست که در پنجهٔ این غصه اسیرند

بانو ، مددی جا به دل خاک نگیرند

حیف است محبان تو این گونه بمیرند

این شِکوِه برم سوی کجا حضرت نرجس

اینگونه چرا یار شما زار بمیرد؟

هرگز نپسند این که چنین خوار بمیرد

باید که محبّ تو علی وار بمیرد

اندر حرم حیدر کرار بمیرد

در گوشهٔ ایوان طلا حضرت نرجس

بانو قَسَمت میدهم امروز به زهرا

یک جلوه کن و دل بزن ای یار به دریا

تا قدر تو معلوم شود بر همهٔ ما

تا این که شود دفع ، به دست تو بلاها

ای شافعهٔ روز جزا حضرت نرجس

یا سیّدتی قلب تو غمناک حسین است

اندوه تو از پیکر صد چاکِ حسین است

مقبول ، دعا در حرم پاکِ حسین است

درمان و شفای همه در خاکِ حسین است

جز تربت او نیست دوا حضرت نرجس

ای نرگس گلزار خدا ماه فروزان

ای بانوی عیسی نفسم ای به تنم جان

ص: 355

لطفی کن و از تربت آن سیّد عطشان

با دست عطایت بده بر کام مریضان

تا از تو بگیرند شفا حضرت نرجس

ای کعبهٔ کوی تو عبادتگه جبریل

از جنس بلا ابرهه ای آمده با فیل

با اذن خدا امر بفرما به ابابیل

تا این که بریزند سَرِ ابرهه سجیّل

الغوث که شد فتنه به پا حضرت نرجس

ای والدهٔ منتقم فاطمه ، الغوث

ای چارهٔ بیچارگی ما همه الغوث

دارم به لبم با دل خون زمزمه الغوث

بر این غم و اندوه بده خاتمه الغوث

فریاد رس غمزده ها حضرت نرجس

این موج بلا ، اوج بلا در نظرم نیست

درد است ولی این همهٔ دردسرم نیست

بالاتر از این درد که مهدی به برم نیست

واللّهِ که درد دگری بر جگرم نیست

افتاده ام از شور و نوا حضرت نرجس

دلسوختهٔ غربت آن یار غریبم

داغِ غم هجران رخش گشته نصیبم

کی می رسد این دست به دامان طبیبم؟

با دیدن روز فرجِ یار و حبیبم ؛

لطفی کن و شادم بِنما حضرت نرجس

ص: 356

مرهم به دل غمزدهٔ ما فرج اوست

آرامش عالم به خدا با فرج اوست

افضل زِ تمامیّ دعاها فرج اوست

کشتیِ نجات همه دنیا فرج اوست

یَومُ الفرجِ عِزّتُنا حضرت نرجس

ای مادر خیر و شرف و حُسن و کرامت

ای شوهر تو یازدهم شمس امامت

خواهم ز خداوند که در روز قیامت

محشور شوم با تو به اَمن و به سلامت

زیباتر از این نیست دعا حضرت نرجس

ای سیدهٔ طاهره ای جان جهانم

آتش زده یک غُصّه به پیدا و نهانم

ای وای گر از کربُبلا دور بمانم

ترسِ من از این است نَه از دادن جانم

وا کن تو رَهِ کربُبلا حضرت نرجس

*****

چارهٔ کار شیعیان

ای مادر نور ، ماه افلاک

ای بانوی عرش ،گوهر پاک

ای عزت و آبروی این خاک

ای شان تو فوقِ فوق ادراک

ای ذکر تو زینت المجالس

ای سیدهٔ جلیله ، نرجس

تا دستِ دلت به یار دادی

پا در حرم حسن نهادی

گویم به تو ای عروس هادی

الحق که تو قبلهٔ مرادی

ص: 357

با دست شما تمام اوقات

بر ما برسد جمیع خیرات

با تو دلِ سرفراز دارم

با مهر تو امتیاز دارم

من دست پُرِ از نیاز دارم

چون بانوی چاره ساز دارم

تو چارهٔ کار شیعیانی

تو مادر صاحب الزمانی

ممدوحهٔ ربِّ مَشرقَینی

بر نور خدا تو نور عینی

تو مادر وارث حسینی

تو پشت و پناه عالمینی

هم خوبی و هم شرافت از تو

هم دفع بلا و آفت از تو

ای مرقد تو پناه یاران

ای اوج نیازِ حق مداران

ای شافعهٔ گناهکاران

ای مادر مهربانِ باران

لطفی کن و اهل طاعتم کن

یا سیّدتی شفاعتم کن

ای مادر بیقرارِ مهدی

ای نرگس گلعذارِ مهدی

ای در همه جا کنار مهدی

خورده گره ای به کار مهدی

با اذن خدا به دستِ زهرا

وا کن گرهٔ ظهورِ او را

*****

تصویر

با دست شما تمام اوقات
بر ما برسد جمیع خیرات

با تو دلِ سرفراز دارم　　با مهر تو امتیاز دارم
من دست پُرِ از نیاز دارم　　چون بانوی چاره ساز دارم

تو چارهٔ کار شیعیانی
تو مادر صاحب الزمانی

ممدوحهٔ ربِّ مَشرقَینی　　بر نور خدا تو نور عینی
تو مادر وارث حسینی　　تو پشت و پناه عالمینی

هم خوبی و هم شرافت از تو
هم دفع بلا و آفت از تو

ای مرقد تو پناه یاران　　ای اوج نیازِ حق مداران
ای شافعهٔ گناهکاران　　ای مادر مهربانِ باران

لطفی کن و اهل طاعتم کن
یا سیّدتی شفاعتم کن

ای مادر بیقرارِ مهدی　　ای نرگس گلعذارِ مهدی
ای در همه جا کنار مهدی　　خورده گره‌ای به کار مهدی

با اذن خدا به دستِ زهرا
وا کن گرهٔ ظهورِ او را

*****

داستان نورانی حضرت نرجس(علیها السلام) / مرحوم فریور (فریور)

سرودۀ : شاعر دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

مرحوم آقای حاج محمد علی فریور (فریور)

از اصفهان

اشاره ای به داستان نورانی حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

پادشاه کشور روم و فرنگ

بود او را دختری پاک و زرنگ

عیسوی مذهب ملیکه نام داشت

روزگاری بس خوش و آرام داشت

از قضا شد عاشق و دلداده اش

خواستگارش گشت عمّو زاده اش

در کلیسا از زبان راهبان

عقد جاری شد بر آن شه زادگان

مجلسِ آرام ناآرام شد

بخت بد دامادیش ناکام شد

از سریر ناز داماد حزین

گشت بیهوش و بشد نقش زمین

زین حوادث شد شاه آزرده دل

نوعروس از اهل مجلس شد خجل

شب شد و در بستر ناز آرمید

دولت بیدار خود در خواب دید

دید عیسی را بخواب آن مه لقا

ایستاده در کنار مصطفی

مصطفی پیغمبر آخر زمان

بود همراهش یکی رعنا جوان

نوجوان چون لاله گلزار عشق

یوسف سودائی بازار عشق

گفت احمد ز امر باری آمدم

از برای خواستگاری آمدم

آمدم تا ز امر حی ذوالمنن

عقد بندم نرجس از بهر حسن

گفت عیسی بس تبارک آمدی

بهر این وصلت مبارک آمدی

شد قرین ماه آن شب مشتری

بین نرجس عقد شد با عسکری

نرجس از خواب گران بیدار شد

راز مخفی کرد تا بیمار شد

عسکری فرمود در خواب این چنین

بعد از این دیگر نخواهی شد غمین

بین اعراب و فرنگ افتد نفاق

می شود جنگی به پا از اتفاق

تو اَلا ای نرجس روشن ضمیر

می شوی با جمع همراهان اسیر

ص: 359

با اسیران می برندت دل خروش

در کنار دجله از بهر فروش

می فرستم یک جوان مانند شیر

نام او بشر و ز من باشد بشیر

چون رسد کشتی از آن دریا کنار

آن غلام من به صد عزّ و وقار

نامه در دست و مددکارش توئی

مشتریِّ نقد بازارش توئی

الغرض بشر از پی گفت و شنود

آن کنیز از صاحبش با زر خرید

آمد آن بشر سلیمان وان پری

کرد تقدیم امام عسکری

حاصل این زوج نور دائم است

مهدی زهرا امام قائم است

از چنان خاتون بفرمان ودود

مهدی موعود آمد در شهود

آسمان عشق را ناهید بود

نور بر رخ بر لبش توحید بود

شب برفت و صبح صادق بر دمید

نقش جاء الحق بلوح دل کشید

بارالها حق ابن-اء رسول

این قصیده از (فریور) کن قبول

*****

سرّ مکتوم / قاسم قادری زفره ای (قادر)

سرودۀ : شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای قاسم قادری زفره ای (قادر)

از اصفهان

سرّ مکتوم

ای بانویی که سرور زنهای عالمی

نور دو چشم حضرت حوا و آدمی

ای مادر حمیدۀ صاحب زمان که هست

فردوس را ز عطر وجود تو شبنمی

گویم اگر که نرگس شهلا تو را خطاست

خوانَم اگر که سوسن باشد خطا همی

گویم اگر که ماه تو را باشد اشتباه

زیرا فراتر از مه و خورشید عالمی

دست خرد به وصف تو هرگز نمی رسد

سرّی نهفته بوده و مکتوم و مبهمی

هم نو عروس حضرت زهرای اطهری

هم افتخ–ار دودهٔ والای مریمی

دریای بی کرانهٔ ایمان و عصمتی

مریم خصال ، صاحب روح مکرمی

در بین بانوانِ سرا پردهٔ عف–اف

بر فاطمه تو آین–ه دار مُسَلّمی

از نسل پاک حضرت شمعون و یوشعی

رومی نژاد ، وارث عیسی بن مریمی

دربار روم بوده کجا سامرا کجا

الحق به کار حق چه دلیر و مصممی

پرورده ای ز مجلس درس حکیمه ای

مانند کوه د ر ره دین سخت و محکمی

زهرا به خواستگاری ات از جنّت آمده

از بسکه با وقار و عفیف و معظمی

عقد تو را به عرش برین جبرئیل خواند

گویا به عرشیانِ خداوند محرمی

صدیقه ای ، ملیکه شیدای اهلبیت

نوری جلی و حور صفاتی ، مکرمی

« قادر » چگونه وصف نماید مقام تو

تا با امام یازدهم یار و همدمی

ص: 361

سیدة الاماء / محمود قاسمی

سرودۀ : روحانی و شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای شیخ محمود قاسمی

از اصفهان

رباعی ها

عالم متحیر از وقار و مجدت

عفت قمری در آسمانت نرجس

جز تو که به زرق و برق دنیا پا زد

رو کرد به خاندان عصمت نرجس

*****

ای سیّدة الاماء ز نسل مریم

تو مادر منجی جهانی نرجس

بر ذره نظر زلطف خود کن مادر

خورشید حقیقت و سعادت نرجس

*****

ای همسر و مادر امامت نرجس

قدیسه عرش و با کرامت نرجس

در مجد و بزرگیت همین بس بانو

خورشید بود محو جمالت نرجس

تصویر

سرودهٔ : روحانی و شاعر اهل البیت علیهم السلام
آقای شیخ محمود قاسمی
از اصفهان

رباعی ها

عالم متحیر از وقار و مجدت — عفت قمری در آسمانت نرجس
جز تو که به زرق و برق دنیا پا زد — رو کرد به خاندان عصمت نرجس

*****

ای سیّدة الاماء ز نسل مریم — تو مادر منجی جهانی نرجس
بر ذره نظر زلطف خود کن مادر — خورشید حقیقت و سعادت نرجس

*****

ای همسر و مادر امامت نرجس — قدیسه عرش و با کرامت نرجس
در مجد و بزرگیت همین بس بانو — خورشید بود محو جمالت نرجس

بانوی باران ، حضرت نرجس(علیها السلام) / محمد قدسی (قدسی)

سرودۀ : شاعر دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

استاد محمد قدسی (قدسی)

از اصفهان

بانوی باران ، حضرت نرجس (علیها السلام)

باید شناخت نادره ی روزگار را

یا برگزید آینه ی بی غبار را

باید به چشم باز به خرمهره پشت کرد

تا در کف آوری زر کامل عیار را

باید به سامرا سفری عاشقانه داشت

باید بغل گرفت ضریح نگار را

باید نمازخواند در آن جا ، سپس ستود

آن نوعروس حیدر دلدل سوار را

باید به عجز گفت به خاتون سامرا

بنما به ما زِ روی کرم جای یار را

نرجس ، تویی که مادر باران رحمتی

پژمردگی پسند مکن نوبهار را

داری تو عطر مهدی موعود و یافته است

نرگس به باغِ بوی تو این اعتبار را

باد صبا به سامره هر صبح بگذرد

تا مشکبار و تازه کند لاله زار را

وقتی نهد به سامره ات زائرت قدم

بوسد ز فرط شوق و شعف آن مزار را

ص: 363

سرداب را به حال و هوایت به بر کشد

مرهم نهد جراحت قلب فگار را

دین مسیح را تو به اسلام پل زدی

دارد مسیح از تو چنین افتخار را

زهرا به خوابت آمد و دین بر تو عرضه کرد

گنجت گرفت این گهر شاهوار را

اکسیر فاطمه به تو خورد و چو جنس خویش

تحویل داد گوهر کامل عیار را

در جنگ اسیر می شدی و باورت نبود

یابی قرارگاه دل بی قرار را

در بیت وحی آمدی از ملک روم و کرد

فیض ازل تمام برای تو کار را

شمعون اگر چه جد تو باشد ولی توراست

از دودمان فاطمه اصل و تبار را

مهدی است یادگار پیمبر که مال توست

پرورده است دامنت این یادگار را

نور امام عسکری و نور ناب تو

در هم تنید و کرد عیان آن نگار را

همسر برای آن ولی و مادر امام ،

بودی کناره ، این دو یم بی کنار را

بهتر ز قرب همنفسی با امام چیست ؟

تو داشتی لیاقت این غمگسار را

ص: 364

ظرف تو گشت لایق نور امامتش

شامل شدی عنایت پروردگار را

در بانوان پرده نشین نیست چون تو کس ،

داری مقام همسری پرده دار را

مهدی که خویش آینهٔ هر دو عالم است

بیند عیان در آینه ات کردگار را

عالم فدای نام بلندش که با ظهور

گلزار می کند به جهان خار زار را

در عصر انتقام جهانی تو می نهی

در دست پر عنایت او ذوالفقار را

چون نو عروس تازه شود این جهان پیر

در گوش خویش چون کند این گوشوار را

ما را که هست سینه پر از شوق دیدنش

دیدار کن میسر و بوس و کنار را

از دیده ، اشک ریزِ غم مهدی توایم ،

دیدار بخش دیده ی شب انتظار را

تنها نه پشت ما چو فلک در غمش خمید

چون مابین شکسته دلان صد هزار را

کج بختیم به صبح ظهورش تو راست کن

در هم شکن شب فلک کج مدار را

فرزند توست منبع فیض و ردیف کن

در پیش او تو کار من خاکسار را

ص: 365

از حق برای ما سفر اربعین بخواه

ما را نصیب کن سفر بی شمار را

گرد گناه بر دل و اکنون شکسته وار

در اشک چشم غوطه دهیم این غبار را

روز جزا شفیعهٔ ما باش پیش حق ،

خورشید کن ، ز لطف ، منِ ذرّه وار را

« قدسی » ز جامتان چو بنوشید آب خضر

آموخت طرز شعر تر آبدار را

یک تکه شعر ریخت به پایت چو برگ سبز

از در مران تو شاعر خدمت گزار را

*****

تصویر

از حق برای ما سفر اربعین بخواه
ما را نصیب کن سفر بی شمار را
گرد گناه بر دل و اکنون شکسته وار
در اشک چشم غوطه دهیم این غبار را
روز جزا شفیعهٔ ما باش پیش حق ،
خورشید کن ، ز لطف ، منِ ذرّه وار را
« قدسی » ز جامتان چو بنوشید آب خضر
آموخت طرز شعر تر آبدار را
یک تکه شعر ریخت به پایت چو برگ سبز
از در مران تو شاعر خدمت گزار را

*****

گل نرگس / محمد رضا کاکائی

سرودهٔ : شاعر ولائی و آئینی

آقای محمّد رضا کاکائی

از اصفهان

گل نرگس

خواب دیدم مادر سادات را

عشق آمد از دلم آرام رفت

سوختم در آتش هجران دوست

پختگی آمد خیال خام رفت

خسته از دربار قیصر چشم را

رو به سوی جاده دل دوختم

تا مگر آید به پایان انتظار

عقل را دادم جنون آموختم

پاک تر از جان چه می شد داشتن

«قطره قطره سوختم دریا شدم »

مزد پاکی را گرفتم از مسیح

من عروس حضرت زهرا شدم

طایر بختم به رسم بندگی

همنشین خانه تقدیر شد

شعر عشقم از لب ختم رسل

در نگاه عسکری تفسیر شد

من ملیکا بودم و نرگس شدم

دامنم غرق گل خورشید شد

قلبم از یا اهل العالم جان گرفت

سینه ام دشت گل امید شد

همچو مریم فارغ از آثار حمل

جان هستی در وجودم رشدیافت

تا رسد روزی به پایان انتظار

بهترین اهل عالم رشد یافت

از برای زخمهای بی شمار

مرهمی آمد که نامش نور شد

نو گل نرگس به باغ عالمین

نو بهار دولت منصور شد

ص: 367

رباعی

هم روح خدا و بوی مریم دارد

هم حکم شهنشهی عالم دارد

بوی گل نرگس از حرم می آید

یعنی که خدا دلیل محکم دارد

*****

از مادر ریشه در اصالت دارد

از سوی پدر مهر امامت دارد

کو آنکه دلیل راه را می پرسید

نرجس خاتون به دست حجت دارد

*****

شد نور و گرفت نام نرجس خاتون

شد عرش برین مقام نرجس خاتون

مادر شد و جبرئیل گفت از سر شوق

از حق به شما سلام نرجس خاتون

*****

خورشیدی و صبح مطلع خورشیدی

از بیت حسن به عالمی تابیدی

نرجس خاتون شدی و از جاری فیض

عالم را به صاحب الزمان بخشیدی

*****

رباعی

هم روح خدا و بوی مریم دارد　　هم حکم شهنشهی عالم دارد
بوی گل نرگس از حرم می‌آید　　یعنی که خدا دلیل محکم دارد

*****

از مادر ریشه در اصالت دارد　　از سوی پدر مهر امامت دارد
کو آنکه دلیل راه را می پرسید　　نرجس خاتون به‌دست حجت دارد

*****

شد نور و گرفت نام نرجس خاتون　　شدعرش برین مقام نرجس خاتون
مادر شدو جبرئیل گفت از سر شوق　　از حق به‌شماسلام نرجس خاتون

*****

خورشیدی و صبح مطلع خورشیدی
از بیت حسن به عالمی تابیدی
نرجس خاتون شدی و از جاری فیض
عالم را به صاحب الزمان بخشیدی

*****

مادر خورشید / محسن کاویانی

سرودۀ : شاعر مکتب اهل بیت عصمت (علیهم السلام)

آقای محسن کاویانی

از قم

مادر خورشید

نامش چه بوده؟ عدّه ای در نام او ماندند

اصلاً چه فرقی میکند اورا چه میخواندند؟

فرقی میان اسمِ نرجس با ملیکا نیست

خوشبویی گُل ها که بندِ اسمِ آن ها نیست

ما رومی رومیم و در این شعر معلوم است

شاعر گدای خندۀ شهزادۀ روم است

این شعر ، این حس ، این قلم تقدیم تو بانو

این شعر نه ! جان و دلم تقدیم تو بانو

ای مادرِ خورشید یک جرعه نگاهم کن

آه ای صراط المستقیمَم سر به راهم کن

از نسلِ عیسایی و لبخندِ تو زهراییست

ای آسمان ، هُرمِ نفَس هایت مسیحایی ست

وقتی بیاید بارها زهرا به خواب تو

یعنی شده جانِ جهان بندِ جواب تو

شرحِ مسلمان گَشتَت جامی پراز باده ست

ناقوسِ قلب عاشقانت را تکان داده ست

ما را میانِ لطفِ بی اندازه ات گُم کن

ای از تبارِ حضرت مریم تبسم کن

ص: 369

ای شانِ مروارید ها ، اصلاً به تنهایی

تو بهترین الگویِ دنیایِ صدف هایی

فرزند ماهَت منجی دنیاست میدانی

جنسِ دعایِ مادری گیراست میدانی

بانو دعا کن باز گردد ماهِ دلبندت

زیبا شود دنیا به یک لبخندِ فرزندت

یک روز میفهمم که دین یک قلبِ بی کینه ست

وقتی بیاید او که در آن سوی آیینه ست

می آید و در مسلکش جز مهربانی نیست

صلح جهانی معنی اش جنگ جهانی نیست...

*****

تصویر

ای شانِ مروارید ها ، اصلاً به تنهایی
تو بهترین الگویِ دنیایِ صدف هایی
فرزند ماهَت منجی دنیاست میدانی
جنسِ دعایِ مادری گیراست میدانی
بانو دعا کن باز گردد ماهِ دلبندت
زیبا شود دنیا به یک لبخندِ فرزندت
یک روز میفهمم که دین یک قلبِ بی کینه ست
وقتی بیاید او که در آن سوی آیینه ست
می‌آید و در مسلکش جز مهربانی نیست
صلح جهانی معنی اش جنگ جهانی نیست...

*****

نرگس والاتبار / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

سرودهٔ : شاعر خاندان امامت و ولایت

استاد علی غفراللهی

(ماهر اصفهانی)

نرگس والاتبار

مادر والای مهدی نرگس والاتبار

پاک بانوی مکرّم افتخار هشت و چار

نرگس آن خاتون زنهای بهشتی کز شرف

قدسیان دارند بر دامان پاکش افتخار

گوهر ارزنده ای از بحر موّاج عفاف

افسر تابنده ای از چرخ عزّ و اعتبار

بانوی زبینده و پاینده از حجب و حیا

در حریم حضرت حق قدسیانش پرده دار

آنکه از الطاف بی پایان حیّ لا یزال

افتخار عالم نسوان شد از عزّ و وقار

شد چو در بیت امام عسکری کابین نشین

گشت سکان سماواتش زجان آئینه دار

بانوی بستِ ولایت کز عطوفت پیشگی

مهر او شد جا گزین در سینهٔ خُرد و کبار

حجت ثانی عشر مهدی چو شد مولود او

در طواف شمع رویش چرخ شد پروانه وار

ای خوشا مولود مسعودی که از تأیید حق

شد بدارالملک هستی بر سلاطین شهریار

ص: 371

داد دامان عفیفش گوهری را پرورش

کان گهر شد جاودان بر عرش یزدان گوشوار

هر که را شد معرفت حاصل از این مولود پاک

در قیامت کی بود در محضر حق شرمسار

حق نمود از چشم زخم دشمنانش در حجاب

تا کند در روز موعودش چو خورشید آشکار

آری این مهدی بود شاهی که دست قدرتش

جملهٔ مستکبران را می نماید خار و زار

«ماهرا» خواهی شوی در روز محشر سرفراز

تا قیامت دست دل از دامن او برمدار

*****

گلشن نرگس / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

گلشن نرگس

دامن نرگس چه مولودی گران آورده است

این مکان از غیب شاه لامکان آورده است

گلشن نرگس بروز نیمه شعبان ز مهر

نو گلی خندان بگلزار جهان آورده است

نی غلط گفتم که چون این گل نباشد در جهان

باغ نرگس این گل از باغ جنان آورده است

تا شود گیتی معطر از شمیم روی او

این گل خوشبو زجنّت ارمغان آورده است

از شمیم گیسوی مهدی امام انس و جان

مشک و عنبر کاروان در کاروان آورده است

ص: 372

من بنازم مادرش نرگس که ماهی پُر فروغ

برتر از انوار ماه آسمان آورده است

از دل دریایی خاتون زنهای بهشت

گوهری ارزنده تر از دُرّ جان آورده است

فاش گویم دست حق مولای والا گوهری

همچو مهدی حجّت صاحب زمان آورده است

مصلحی را از مشیّت کردگار انس و جان

بهر اصلاح امور انس و جان آورده است

تا سر آید انتظار مردم مظلوم دهر

دست قدرت از کرم مهد امان آورده است

رهبری دانا دل از بهر ره حق باوری

تا نماید ره به هر پیر و جوان آورده است

«ماهر» از صلب حسن ، خلّاق با وجه حسن

کودکی از بطن نرگس در عیان آورده است

*****

تصویر

ص: 373

راز بازگو شده / سید اباالفضل مبارز

سرودۀ : شاعر و روحانی پرشور و ولائی

آقای سید ابوالفضل مبارز

از مشهد مقدّس

راز بازگو شده

ای راز باز گو شده در عطر یاس ها

مبهوت توست خاطر جمع حواس ها

جز گرمی دعای صمیمانه ی تو چیست

در مشت کودکانه ی ما ناسپاس ها

از قصر قیصر آمدی ، ای کنز چون کنیز

کامل شده به لطف تو جنس جناس ها

تو مادر امام زمان تبسمی

در عصر بیقراری این التماس ها

باید نوشت از چه کسی مهربان تری

باید چه گفت در دل تنگ قیاس ها

ما با دعای خیر شما ایستاده ایم

یک عمر پای بیرق اصل و اساس ها

ما از خدا نخواسته ایم آنچه خواستی

جا مانده ایم از تب این اقتباس ها

سخت است اگر که آه تو بگذارد عاقبت

در کاسه ی قنوت نمک ناشناس ها

*****

ص: 374

گل باغ ولا / علی رضا محمدی (مسافر)

سرودهٔ : شاعر و روحانی

دلباختهٔ خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

از اصفهان

گل باغ ولا

حضرت نرجس گل باغ ولاست

مادر والای ختم الاوصیاست

حضرت نرجس زنی با معرفت

مظهر حیِّ تعالی ، در صفت

حضرت نرجس زنی حق باور است

او زنی محبوبه نزد داور است

کرده او حاجات مردم را روا

چونکه که دارد آبرو نزد خدا

بود او یک دختری پاک و خدوم

یادگار قیصر آن سلطان روم

مادرش از نسل شمعون صفاست

که وصیِّ بر حقِ روح خداست

او زنی با عفّت و حُجب و حیاست

زندگیِّ او بسی پر ماجراست

ماجرایی گویم ، اما مختصر

از مطول گویی بنمایم حذر

مجلس جشنی بپا شد بهر او

تا شود تزویجِ فرزند عمو

به وقوعِ پیوست ناگه زلزله

ریخت بر هم مجلس و ، شد ولوله

روز دیگر باز جشنی شد بپا

باز هم تکرار شد آن ماجرا

بار دیگر ریخت آن مجلس به هم

گشت مجلس ، غرق در اندوه و غم

بتود این کار خدا از روی جِدّ

تا نگردد عقد آنها منعقد

مصلحت این بود تا یک گوهری

عرضه گردد بر امام عسکری

حضرت نرجس شبی در خواب دید

داد ختم المرسلین او را نوید

حضرتش با اهلبیت آمد به خواب

بود عیسی همره ختمی مآب

جَدِّ آن بانو هم آمد از وفا

آنکه نامش بود شمعون صفا

جشن شد در عالم رؤیا بپا

نرجس آن شب شد عروس مصطفا

صبح شد ، صبحی دل انگیز و سپید

شادمان نرجس ، از آن خوابی که دید

بعد از آن باحکم شاهنشاه روم

جنگِ اسلام اتفاق افتاد و روم

در میان نیزه ها و تیغ و تیر

حضرت نرجس در آنجا شد اسیر

برده شد در شهر بغداد از قضا

آن زن نیکو سرشت و با حیا

از امامِ هادی آمد یک پیام

بهر آن بانوی صاحب احترام

کرد احضارش امام ممتحن

تا کند تزویج او را با حسن

آن پری ، از روی تسلیم و رضا

رفت با آن پیک ، سوی سامرا

جشن بر پا گشت با صدق و صفا

شد عروس حضرت خیر النسا

همنشین شد با امام عسکری

با شکوه و عزّت و کرُّ و فری

رفت بین خاندان مصطفی

تا شود مام امام عصر ما

حضرت حق داد او را یک نوید

گفت منجی از تو می آید پدید

آید او با ذوالفقار حیدری

تا کند دین خدا را رهبری

گستراند سفره ای از عدل و داد

جمع گردد سفرهٔ ظلم و فساد

حامله گردید نرجس در نهان

تا نبیند او گزند از دشمنان

خالق یکتا به او داده پسر

یک پسر نه ، نوگلی والا گهر

بعد از آن نرجس به شهر سامرا

دیده ی خود بست از دار فنا

دفن شد در خاک ، همچون گوهری

در کنار همسر خود عسکری

مرغ روحش رفت در عرش برین

در جوار دخت ختم المرسلین

نیک آوردی به نظم این ماجرا

ای (مسافر) مرحبا، صد مرحبا

*****

نرجس که مقامِ قرب و شأنش عالیست

صاحب نظر و بانوی خوش اقبالی ست

او مادر خورشید امامت باشد

هر چند که جای پسر او خالی ست

*****

این مجلس ما، به نام نرجس بر پاست

او همسر عسکری ، عزیز زهراست

از شآن و مقام او ، همین یک کافیست

کو مادرِ ، صاحب الزمان در دنیاست

*****

نام نرجس شور بر پا می کند

شادمان حال دل ما می کند

هر که آرد نام نرجس را به لب

از دل خود قفل غم وا می کند

*****

منم نرجس عروس بوترابم

معطر هستم و همچون گلابم

چو بینم مهدیَم را غرق در غم

تو گویی روی آتش چون کبابم

*****

ای مادر صاحب الزمان ، ادرکنا

ای قدر و کمال تو نهان ، ادرکنا

این مجلس ما به نام تو گشته بپا

بگشای گره ز کارمان ، ادرکنا

*****

تو آوردی به دنیا شمس خاور

که گردد حجت محبوب داور

اگر چه داغدار جد خویش است

بگیرد انتقام از خصم کافر

*****

ص: 377

عروس آخر زهرا (علیها السلام) / محمد رضا مسعودی

سرودهٔ : شاعر و مداح

و دلسوختهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آقای محمد رضا مسعودی

از اصفهان

عروس آخر زهرا

ز روم آمده یا از بهشت معبر اوست

هزار باغ جنان گوئیا که در بر اوست

ز نفحهٔ نفسش می کشد نفس دل ما

چه نفحه ای که نفس ها همه مسخر اوست

ملیکه ای که زجان مریمش ندیمه بود

مسیح مفتخر از خادمیِّ محضر اوست

عروس آخر زهراست افتخارش بس

که دومین حسن از این نژاد، همسر اوست

مقام مادر مهدی شدن سزاوار است

به بانویی که حیا قطره ای ز ساغر اوست

کسی که عرش زند بوسه فرشِ راهش را

کسی که تاج ملائک، غباری از درِ اوست

سزاست وانهد از سر، طلای افسر روم

که پادشاهِ دو عالم ، زِ بطن انور اوست

تمام عمر خورم غبطه ها بر آن شاعر

که صفحه بند کتابش نخی ز معجر اوست

*****

ص: 378

شمس و قمر، یک لمعه از انوار رویت

تسنیم و زمزم ، قطره ای از آب جویت

روم و عراق آوارگان راه کویت

حجب و حیا سرریز ظرف خلق و خویت

عالم سراسر خاک پای توست بانو

چشم مشاکل بر عطای توست بانو

ذکر گل تو ذکر هر آدینهٔ ماست

بوییدن او حاجت دیرینهٔ ماست

آینده چون آیینهٔ پیشینهٔ ماست

یعنی همیشه خانهٔ تو سینهٔ ماست

مدح تو زین بهتر کجا یا ام مهدی؟

زهرا پسندیده تو را ، یا ام مهدی

ای فاطمه بنت اسد فانوس راهت

ای مریم و حوا و هاجر در نگاهت

ای آسیه زانو زده در پیشگاهت

خیل ملائک در طواف بارگاهت

دل جز به مادرشوهرت زهرا نبستی

با ذکر او هم ایستادی هم نشستی

جان عزیزی تو ، چه کس گفته کنیزی؟

آخر عروس فاطمه ، خیلی عزیزی!

زهرا مسلمانت نموده تا نریزی

جز اشک شوق وصل یار اشکی به چیزی

آرامش تو آتش عشق حسن بود

عشقی خدایی که تو را چون جان به تن بود

ص: 379

هادی تو را داده بشارت بر گل تو

یعنی گل نرگس چراغ محفل تو

آن گل که قبل از واشدن برده دل تو

آن دلبر افلاک ، ماه کامل تو

یعنی همان ماهی که شاه عالمین است

آن منتقم ، کز نسل والای حسین است

ای بنت شمعون الصفا ، ام الصفایی

خود مروه ای، خود مشعریّ و، خود منایی

تنها نه ام مهدی استی ، ام مایی

از ما بگو او را که ای مهدی کجایی؟

ما منتظِر بر منتظَر هستیم بانو

با مهدی ات پیمان به خون بستیم بانو

حمل تو بر مهدی است همچون حمل موسی

طفلت تکلم کرده در طفلی ، چو عیسی

محو نمازت مسجد و دیر و کلیسا

نامت مسیحای مسلمان است و ترسا

ای سامرایت بام عرش آسمان ها

مدح تو خواهد دفتری از کهکشان ها

بانو دلم را می بری سمت گریزی

تو از کنیزی آمدی دیدی عزیزی

باید بیایی بر عزیزی اشک ریزی

(کو را غلامی خواست گیرد به کنیزی)(1)

ص: 380

1- . از جودی خراسانی

آه از سکینه که عدو در بزم مِی برد

غم پشت غم، غم پشت غم، غم پشت غم خورد

*****

با اشهد اول از همه بگسستی

با اشهد دوم به خدا پیوستی

فخرت چه از این به ، ز همه دخترها

تنها تو به قلب فاطمه بنشستی

*****

ای نرگس باغ دو جهان، ادرکنی

ای فخر زنان و دختران، ادرکنی

ما رعْیَت و، تو ملیکه ی سامرا

ای مادر صاحب الزمان ادرکنی

*****

این فخر ندارد نه زنی نه مردی

چون خواستی ازمسیحیت برگردی

با فاطمه محشور شدی در خواب و

اسلام به دست حضرتش آوردی

تصویر

آه از سکینه که عدو در بزم مِی برد
غم پشت غم، غم پشت غم، غم پشت غم خورد

*****

با اشهد اول از همه بگسستی — با اشهد دوم به خدا پیوستی
فخرت چه از این به ، ز همه دخترها — تنها تو به قلب فاطمه بنشستی

*****

ای نرگس باغ دو جهان، ادرکنی — ای فخر زنان و دختران، ادرکنی
ما رعْیَت و، تو ملیکه ی سامرا — ای مادر صاحب الزمان ادرکنی

*****

این فخر ندارد نه زنی نه مردی — چون خواستی ازمسیحیت‌برگردی
با فاطمه محشور شدی در خواب و — اسلام به دست حضرتش آوردی

نرگس باغ جنان / پروانهٔ موجودی

سرودهٔ : شاعره دلباخته اهل البیت (علیهم السلام)

خانم پروانه موجودی

از اصفهان

نرگس باغ جنان

بانوی بیت عسگری شد دختر ایمان

شد نرگس باغ جنان ، خاتون گرفت عنوان

از انتخاب حضرت کوثر مشخص بود

خواهد شد این محبوبه روزی مادر باران

بارید باران و خدا از عرش نازل کرد

بر جان نرگس آیه آیه سوره انسان

عیسی تباری سامراء ، را باز جان بخشید

عطر گل نرگس صفا بخشید بر هر جان

خورشیدی از جنس ولا در دامنش گل کرد

شد از ستاره دامن ناهید گلریزان

شد دامن مادر قرار حجت هستی

تفسیر الله و صمد شد ، آیه ی برهان

حاجت به گفتن نیست روزی می شود هستی

در مقدم این نور دیده روضه رضوان

هر جمعه هستم ندبه خوان شاید به لطف عشق

از شرق هستی گل کند آن جلوهٔ تابان

امید آن دارم که این جان پر از دردم

روزی به لطف گوشه چشمی شود درمان

ما را به جان مادرت زهرا شفاعت کن

ای بهترینِ بهتران در عالم امکان

ص: 382

عروس حضرت ختمی مآب / علی مهدوی نسب

سرودۀ : شاعرولائی و دلباختۀ اهل البیت (علیهم السلام)

آقای علی مهدوی نسب

از قم

عروس حضرت ختمی مآب

در شعاع نور اهل البیت شد او آفتاب

دامنش شد مأمن خورشید آل بوتراب

یک شبه حبُّ الحسن او را به فوق عرش برد

تا مقامش شد عروس حضرت ختمی مآب

در زمانی که بیابان بود تقدیر زمین

آسمان را با قدومش کرد لبریز از سحاب

قطره قطره رحمتش بارید و شد خیرکثیر

بحر شد تا که شود لایق برای دُرّ ناب

گشت نرجس تا ملائک خادم مُلکش شدند

گرچه او خود را کنیز فاطمه کرده خطاب

طاهره بوده ست حتی سایه اش را کس ندید

گوئیا رخسار مهدی بود در پشت نقاب

در خور مدحش نشد تورات و انجیل و زبور

او که مادر شد برای وارث امُّ الکتاب

محرم سرّ سه باب اللّه بوده ، مِهر او

می شود باب الجنان اصلی یوم الحساب

با نگاهش ملک شیعه می شود آخر بهشت

می شود برپا دوباره نرجسیه در بهشت

ص: 383

امتداد شاخهٔ پر برکت طوبا شده

تا ابد تابنده با انوار پا برجا شده

حضرت عیسی غلام مهدی او می شود

پس کنیز او مُسلّم مریم عذرا شده

بذر عصمت در زمین پاک ، رویش می کند

دامنش شایستهٔ ذریّهٔ مولا شده

لفظ صدیّقه که آمد در زیارت نامه اش

می دهد معنا که او هم جلوهٔ زهرا شده

شأن او از بس تقرب داشت با آل رسول

انتخاب حضرت انسیة الحورا شده

شیعهٔ اثنی عشر هستیم ما با هست او

با وجود او ، وجود شیعیان معنا شده

بس که دارد روح والا زیر بار مدحتش

قامت صاحب قلم های مجرب تا شده

از بیان مدح او هر دعبلی شد بی زبان

لایق مدحش فقط باشد خود صاحب زمان

از زلال روح او روح مطهر آمده

آینه بر حضرت زهرای اطهر آمده

یازده خورشید داور شد تجلی در یکی

آن یکی از مشرق چشمان او در آمده

غنچه ای نشکفته بوده در میان خار روم

او برای وا شدن در باغ حیدر آمده

ص: 384

تشنهٔ جام وصال حضرت حق بوده است

از سعادت در مسیر حوض کوثر آمده

او لیاقت داشته بین زنان عصر خویش

در تبار او اگر معصوم آخر آمده

می رسد روزی ندای مهدی اش بر گوش خلق

اهل عالم شیعه را مظلومیت سر آمده

اهل عالم مادر مظلومه ام را بد زدند

او فقط بر یاری جان پیمبر آمده

قلب مادر محسن شش ماهه اش بوده چرا

بی اجازه میخ، سمت قلب مادر آمده

با چه جرمی رو به روی کودک معصوم او

بر ضریح صورتش یک دست کافر آمده

چارده قرن است در هجر تو مادر خون جگر

نالهٔ یک سوم سادات مانده پشت در

*****

تصویر

تشنهٔ جام وصال حضرت حق بوده است
از سعادت در مسیر حوض کوثر آمده
او لیاقت داشته بین زنان عصر خویش
در تبار او اگر معصوم آخر آمده
می‌رسد روزی ندای مهدی‌اش بر گوش خلق
اهل عالم شیعه را مظلومیت سر آمده
اهل عالم مادر مظلومه‌ام را بد زدند
او فقط بر یاری جان پیمبر آمده
قلب مادر محسن شش ماهه‌اش بوده چرا
بی اجازه میخ، سمت قلب مادر آمده
با چه جرمی رو به روی کودک معصوم او
بر ضریح صورتش یک دست کافر آمده
چارده قرن است در هجر تو مادر خون جگر
نالهٔ یک سوم سادات مانده پشت در

*****

از دربار روم تا مهبط نور / غلامرضا سازگار (میثم)

سرودۀ : شاعر فرهیخته و نامدار مکتب اهل البیت (علیهم السلام)

آقای حاج غلامرضا سازگار (میثم)

از تهران

از دربار روم تا مهبط نور

از قلب دریا کاروان نور پیداست

چون مهر تابان کشتیی از دور پیداست

کشتی ولی بر عرشۀ آن قرص خورشید

هرجا درخشید و درخشید و درخشید

از سینۀ دریا گریبان چاک می کرد

در آب طیّ ره به سوی خاک می کرد

کشتی ولیکن دامنش دریائی از نور

نزدیک ساحل می رسید از دور از دور

کشتی ولی دریا به پایش گوهر انداخت

پهلو گرفت و نزد ساحل لنگر انداخت

چشم انتظار استاده بشر بن سلیمان

گم گشته اش بین کنیزان بود پنهان

می گشت تا گم گشتۀ خود را بجوید

وز فیض او آئینۀ دل را بشوید

می کرد فیض فاطمی در خویشتن حس

افتاد نا گه چشم حق جویش به نرجس

از شور و شادی در لبش هنگامه ای بود

وز جانب ابن الرضایش نامه ای بود

می داد آن پیغامبر را دل گواهی

کان نامه سرّی بود زِ اسرار الهی

نرکس گرفت آن نامه را بر چشم مالید

هی خط آن را خواند و هی بوسید بوسید

با رنگ گه افروخته ، گاهی پریده

بگذاشت گه بر روی قلبش ، گه به دیده

هوش از سر بُشر سلیمان کرد پرواز

گفتش چه اسراری در آن دیدی بگو باز؟

نادیده صاحب نامه را بوسیدنت چیست؟

چون برگ برگ لاله ها بو ییدنت چیست ؟

نا گه عیان شد بر لبش نقش تبسّم

کای پیر پاک با صفای خوش تکلّم

من صاحب این نامه را پیش از تو دیدم

وز گلشن حسنش هزاران لاله چیدم

خورشید باشد ذرّه ای از اختر من

صدیقهٔ کبری است مادر شوهر من

رنگ خدا دارد رخ نورانی من

گل بوسه زهراست بر پیشانی من

بین کنیزان گرچه می دیدی نهانم

من دختر نیک اختر شاه جهانم

ص: 387

روزی مرا بر ابن عمّم عقد بستند

در پای تختم جمله قسّیسین نشستند

در هر طرف انجیل ها از هم گشودند

پس خطبهٔ عقد مرا با هم سرودند

ناگه زمین لرزید و داماد نگون بخت

یکباره در کام اجل افتاد از تخت

من غافل از بخت سعید خویش بودم

زین ماجرا هر لحظه در تشویش بودم

شب آمد و در بستر خواب آرمیدم

روی محمّد را به خواب ناز دیدم

لبخند زن بودش به عیسی این بشارت

کای نور چشم مریم عذرا بشارت

من عقد می بندم دو یار آشنا را

فرزند خود را دخت شمعون الصفا را

عیسی به شمعون گفت کای پیر خردمند

اینک مبارک بر تو باد این طرفه پیوند

من یافتم مرآت حسن داوری را

در خواب خورشید جمال عسگری را

آن نازنین نا گه ربود از کف دلم را

سوزاند با برق نگاهی حاصلم را

بیدار چون گشتم سراپا سوز بودم

مشتاق آن ماه جهان افروز بودم

ص: 388

هر روز سر تا پا وجودم درد می شد

روزم سیاه و رنگ سرخم زرد می شد

دل را به عشق دوست دائم رنجه کردم

با مرگ در سنّ جوانی پنجه کردم

شد هر طبیبی عاجز از درمان و دردم

پیوسته می شد زردتر رخسار زردم

می خواست بیتابی ز جسمم جان بگیرد

می رفت تا عمرم دگر پایان بگیرد

یک شب نهادم چون به هم چشم ترم را

دیدم به خواب ناز مام شوهرم را

از جای جستم با ادب بر پا سِتادم

با گریه بر روی قدمهایش فتادم

یاقوت سرخ از چشم گوهربار سفتم

راز دل خونین به زهرا باز گفتم

کای مادر از کف داده ام جان و دلم را

سوزانده فرزندت ز هجران حاصلم را

زهرا مرا در وادی غم رهبری کرد

امیدوارم بر وصال عسکری کرد

فرمود گر عزم وصال یار داری

باید شهادت گویی و اسلام آری

من از مرام خویش استغفار کردم

بر لب شهادت راندم و اقرار کردم

ص: 389

زهرا ز لطف و مهربانی دست افشاند

چون دخترش زینب مرا بر سینه چسباند

بخشید تسکین سینهٔ نورانیم را

بوسید بین ابرو و پیشانیم را

با خنده گفتا کای عروس مهربانم

از امشب آید در برت آرام جانم

ز آن شب دگر من بودم و دلدار با من

من یار او او از عنایت یار با من

تا یک شب آن آرام جان با من صفا کرد

خوش وعدهٔ وصلم به بیداری عطا کرد

فرمود اوصاف اسیری رفتنم را

در بین کشتی با اسیران خفتنم را

این نامه سر خط وصال یار باشد

پیمان پیوند من و دلدار باشد

بُشر سلیمان شد چو آگه از مقامش

آورد سوی سامره با احترامش

گل بود و شد جا در ریاض مرتضایش

تا بست کابین بر پسر ، ابن الرّضایش

چون شد غروب چارده از ماه شعبان

بیت ولایت را حکیمه بود مهمان

می خواست گردد سوی بیت خویشتن باز

دادش امام عسکری این طرفه آواز:

ص: 390

کای عمّه امشب را بمان در خانهٔ ما

کامشب ز نرگس بشکفد ریحانهٔ ما

نرگس به سان مادر موسی ابن عمران

حملش به فرمان خداوند است پنهان

می خواست کم کم عمر شب پایان بگیرد

گیتی ز فیض بامدادان جان بگیرد

بگشود نرگس نرگس چشم خود از خواب

بعد از نماز شب به ناگه رفت از تاب

از درد زادن چهره اش افروخت چون بدر

می خواند با دُردانه اش خود سورهٔ قدر

بگرفت دورش را در آن دارالولا نور

نور علی نور علی نور علی نور

بشتافت با حیرت سوی مولا حکیمه

کای گفته حق وصفت به آیات کریمه

امّید دل با آن نشاط و شور گم شد

نرجس میان پرده های نور گم شد

فرمود عمّه از چه محزون و غمینی

برگرد تا رخسار مهدی را ببینی

فرزند زهرا آمده برگرد عمّه

مهدی به دنیا آمده بر گرد عمّه

بوی خوشی را کرد ناگه حس حکیمه

برگشت سوی حجرهٔ نرجس حکیمه

ص: 391

بگشود چشم آن عصمت دادار سرمد

بر ماه روی قائم آل محمّد

آن رهنمای آسمان در دامن خاک

دستیش بر روی زمین دستی به افلاک

لبهای او اقرار بر توحید می کرد

حکم نبوّت را ز جان تأیید می کرد

یا ربّ به امّید دل امیدواران

یا رب به اشک دیده شب زنده داران

جام وصال یار را بر ما مپوشان

رخت فَرَج بر قامت مهدی بپوشان

*****

تصویر

بگشود چشم آن عصمت دادار سرمد
بر ماه روی قائم آل محمّد
آن رهنمای آسمان در دامن خاک
دستیش بر روی زمین دستی به افلاک
لبهای او اقرار بر توحید می‌کرد
حکم نبوّت را ز جان تأیید می‌کرد
یا ربّ به امّید دل امیدواران
یا رب به اشک دیده شب زنده‌داران
جام وصال یار را بر ما مپوشان
رخت فَرَج بر قامت مهدی بپوشان

*****

میراث دار فاطمه(علیها السلام) / محسن ناصحی

سرودۀ : شاعر ولائی و نکته سنج

استاد : محسن ناصحی

از اصفهان

میراث دار فاطمه (علیها السلام)

وقتی که در دنیا ستم مرسوم باشد

وقتی عدالت گنگ و نامفهوم باشد

وقتی ظهور از چشم مردم دور مانده

وقتی نفس آلوده و مسموم باشد

وقتی کسی چشم انتظاری را بلد نیست

وقتی بشر از عاشقی محروم باشد

حق می دهم در خانۀ تاریخ ، یک زن

آوازه اش پنهان و نامعلوم باشد

حق می دهم چونانکه زهرا بود مظلوم

میراث دار فاطمه ، مظلوم باشد

اما خدا می خواست از میراث مریم

نام زنی در دفترش مرقوم باشد

اما خدا می خواست از زن های تاریخ

با نام نرجس ، دفترش مختوم باشد

زهرا عروسش را خودش بر می گزیند

حتی اگر شهزاده ای از روم باشد

باید به چشم حضرت زهرا بیاید

در خانهٔ حیدر چنین مرسوم باشد

ص: 393

تأثیر یُذهب ، عنکمُ الرجس است و قطعاً

نرجس زنی پاکیزه و معصوم باشد

اوصاف او را در کُتب کمتر نوشتند

تاریخ باید تا ابد محکوم باشد

فرزند او – موعود – پنهان مانده ، باید

او نیز چون فرزند خود مکتوم باشد

فرزند او یک روز می آید سرانجام

روی لبش آن روز یا قیّوم باشد

آن روز ، آری دوستانش شادمانند

آن روز ، آری دشمنش مغموم باشد

*****

تصویر

تأثیر یُذهب، عنکمُ الرجس است و قطعاً
نرجس زنی پاکیزه و معصوم باشد
اوصاف او را در کُتب کمتر نوشتند
تاریخ باید تا ابد محکوم باشد
فرزند او - موعود - پنهان مانده، باید
او نیز چون فرزند خود مکتوم باشد
فرزند او یک روز می‌آید سرانجام
روی لبش آن روز یا قیّوم باشد
آن روز، آری دوستانش شادمانند
آن روز، آری دشمنش مغموم باشد

*****

مادر منجی ، حضرت نرجس(علیها السلام) / سیدمحمود مرتضوی (ناظر)

سرودۀ : شاعر ولائی خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

استاد سیّد محمود مرتضوی

نائینی (ناظر)

از اصفهان

مادر منجی ، حضرت نرجس (علیها السلام)

زوجۀ عسگری آن بانوی با عزّت و شان

مادر منجی مظلوم ، ز بند حرمان

سوسن و مریم و ریحانه و نرجس خاتون

نام هایی است از آن مؤمنۀ فاطمه سان

هست آن محترمه بنت یشوعای بزرگ

نسلی از قیصر رم پادشه آن سامان

مادرش نیز از اصل و نسب شمعون است

آنکه از حضرت عیسی بحق آورد ایمان

سرور خیل کنیزان شریف است این زن

طبق اقوال و احادیث امامانِ زمان

او که گردید اسیر و به دیار بغداد

شد خریدار وِرا حضرت هادی پنهان

بُرده شد سامره و گفتش امام هادی

خواهم اجری به تو تقدیم نمایم شایان

ده هزار است کنون سکّه طلا ، وان دگر است

مژده ای نیک که گردد دل و جانت شادان

ص: 395

داد پاسخ که مرا مژدهٔ فرزند نکوست

اگرم لطف کند خالق حیّ منّان

گفت هادی که خدا بر تو دهد فرزندی

که چو او نیست کسی مجری امر قرآن

مهدی است آن پسر عسکری از نسل نبی

که شود طیّ قرون از نظر خلق نهان

چه شود ظاهر از او معدلت اجرا گردد

دین اسلام از او بار دیگر یابد جان

ظلم نابود شود ، عدل مجسّم آنگاه

یابد از نهضت او عالم نا امن ، امان

دیدهٔ خلق شود (ناظر) آن حجت حق

کافران سر بسر آرند به اسلام ایمان

*****

رؤیای ملکوتی / سید محمود مرتضوی (ناظر)

رؤیای ملکوتی

دید در خواب شبی حضرت نرجس خاتون

که بسی حوریه همراه مسیح و شمعون

آمدند از ره و ، در قصر وسیع قیصر

بنشستند و بپا گشت در آنجا منبر

بود آن منبر پر فیض مهیّا از نور

که در آن وقت رسول مدنی یافت حضور

بود همراه رسول مدنی شاه ولا

با گروهی ز محبّانِ همان نور هدا

ص: 396

آن زمان عیسیِ مریم چو محمد را دید

رفت و او را پی اعزاز در آغوش کشید

گفت احمد که ایا عیسیِ گردون رفعت

آمدم تا که دهم بر تو پیام رحمت

حسن عسکری آن نور دل من اکنون

خواستار است ز ریحانه ، سلیل شمعون

این سخن را چو مسیحا ز محمّد بشنید

گلی از خندهٔ شادی به لبش گشت پدید

نظری کرد به شمعون و به او آندم گفت

که گل رحمت و حُرمت به سرای تو شکفت

ازدواجی است بسی نیک به رغبت بپذیر

خاصه با آل محمد که خطیرند و کبیر

آن زمان رفت محمّد به فراز منبر

خطبه ای خواند به تزویج دو تن نیک سیر

شاهد خواندن آن خطبهٔ غرّا آنجا

بود با جمله حواری و محبّان ، عیسی

آل پیغمبر ما نیز که شاهد بودند

همه بر حمد خداوند زبان بگشودند

نرجس آن خواب گران را ز پدر پنهان داشت

گرچه آن را به نظر خواب یقین می پنداشت

(ناظر) آخر حسن عسکری و نرجس را

به هم از راه عنایات رسانید خدا

*****

ص: 397

ای مادر منجی بشر بر تو سلام

ای مهدی ما ، تو را پسر ، بر تو سلام

ای همسر عسکری ، نرجس خاتون

ای بانوی فاطمه سیَر ، بر تو سلام

*****

بر حضرت صدیقهٔ کبری تبریک

بر مریم گل ، مادر عیسی ، تبریک

بر امت عیسی و محمّد تا حشر

تزویج دو نور عالم آرا تبریک

*****

یا حضرت نرجس ای عروس هادی

بر پاست برای تو لوای شادی

تو مادر آنی که چو گردد ظاهر

بخشد به اسیران ستم آزادی

*****

نرجس ای مادر امام زمان

مادر منجی بشر به جهان

با دعاهای خویش حق جو را

از حصار غم و بلا برهان

تصویر

ای مادر منجی بشر بر تو سلام
ای مهدی ما ، تو را پسر ، بر تو سلام
ای همسر عسکری ، نرجس خاتون
ای بانوی فاطمه سیَر ، بر تو سلام

*****

بر حضرت صدیقهٔ کبری تبریک
بر مریم گل ، مادر عیسی ، تبریک
بر امت عیسی و محمّد تا حشر
تزویج دو نور عالم آرا تبریک

*****

یا حضرت نرجس ای عروس هادی — بر پاست برای تو لوای شادی
تو مادر آنی که چو گردد ظاهر — بخشد به اسیران ستم آزادی

*****

نرجس ای مادر امام زمان — مادر منجی بشر به جهان
با دعاهای خویش حق جو را — از حصار غم و بلا برهان

می وَزَد امّید / الهام نجمی

سرودۀ : شاعرۀ ولائی و دلدادۀ اهل البیت (علیهم السلام)

خانم الهام نجمی

از کرج

می وَزَد امّید

گل من، می رسد دوباره بهار جستجو کن، صدا بزن او را

پا به پای شکوفه ها بشمار روزهایی که بوده او تنها

منتظر باش میوه ی دل من گرچه این راه پر خطر باشد

دل به حرف خزان نباید بست باید این باغ پرثمر باشد

در هجوم کلاغ ها هرگز سروها بر زمین نمی افتند

ترس ها، شبهه های کورِ زمان ، در دل مؤمنین نمی افتند

عاشقی کن برای باغ خدا ، باغبان باش یاس و ریحان را

مهربان باش با کبوترها ، منتظر باش فصل باران را

صبح ها همصدای نرگس ها ، عهد خود را ببند با خورشید

گوش کن، از دعای منتظران، دشت در دشت می وزد امّید

فرق دارد کسی که منتظر است بسته او با امام خود عهدی

چشم در راه مانده تا روزی بترسد بانگی از انا المهدی

*****

پذیرایی حضرت خورشید / الهام نجمی

پذیرایی حضرت خورشید

نگاهت بود ، بعد از خواب شیرینت تماشایی

چه «سُرَّ مَن رءا »یی داشت ، اینگونه شکوفایی

ص: 399

تمنای کدامین عشق را در خاطرت جان داد؟

در آن لحظه، که می خواندت، نفس هایی مسیحایی

شکوفا کرد در جانت، هزاران باغ نرگس را

بهشتی که تو را بخشید گل هایی به زیبایی

چه مضمون بلندی بود در آیاتِ چشمانت

که همراز خدا بودی ، تو در اوقات تنهایی

برایت قاصدی آمد، دلت شوق زیارت داشت

که از تو حضرت خورشید می کرده پذیرایی

تمام راه را ، طی کرده ای با حضرت مریم

به قلبت می نوازد عشق ، ناقوس کلیسایی

نگاهت دید در آیینه جان ، اِبن زهرا را

برای « البلاءُ لِلولا » هایش شکیبایی

گلی از بین نرگس زارهای دامنت رویید

بهار از عطر او هر بار می گردد شناسایی

اگر چه چشم ها از دیدنش محروم و بی تابند

می آید صاحب دل ها ، اثر دارد دعاهایی...

ترنم در ترنم ، قطره قطره ، می چکد باران

به جان خشک دنیا عاقبت آن ابرِ دریایی

*****

مخزن اسرار حق / سید مصطفی مهدوی (نحوی)

سرودهٔ : شاعر روحانی و ولائی اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سیّد مصطفی مهدوی (نحوی)

از اصفهان

مخزن اسرار حق

السلام ای نرجس والا مقام

السلام ای مادر آخِر امام

بر تو و آباء و اجدادت سلام

بر امانت داریت صد احترام

نرجسا از حال تا یوم القیام

بر تو و بر شوی و فرزندت سلام

آمدی از روم تا بیت الامام

طالع نورانیت را السّلام

در رضای حق ز بس کوشا شدی

نو عروس حضرت زهرا شدی

خطبه خوانت حضرت جبریل شد

از خدا مدح تو در انجیل شد

حضرت صاحب زمان را مادری

مخزن اسرار حیّ داوری

داشتی نُه ماه ای نیکو سیر

اشرف اولاد آدم را به بَر

تا تولد از تو یابد این نتاج

شد پیمبر عاشق این ازدواج

بوده از اول تو را در جان و تن

نغمهٔ یابن الحسن یابن الحسن

این چنین بودی به روز و ماه و سال

کامدی فی الحال نائل بر وصال

یافتی خوشبختی فرجام را

زان پذیرفتی به جان اسلام را

ای که در دریای عصمت گوهری

چرخ عفّت را فروزان اختری

عاشق دیدار ختم المرسلین

حافظ اسرار ربّ العالمین

تو ز سوی حق مؤیّد بوده ای

عاشق آل محمد بوده ای

گفتی ای بانوی با مجد و شرف

قصّه ای حسّاس با شوق و شعف

پادشاه روم را من دخترم

هم ز فرزندان شمعون مادرم

جدّ من قیصر شد از من خواستگار

بر برادرزاده اش با افتخار

ساخت بر من بزم شادی سو بسو

محفلی پر عشرت و پُرهای و هو

ص: 401

تا که خود فخریه بر قیصر شوم

بر برادرزاده اش همسر شوم

لیک شد یکباره آن محفل خراب

ریخت بر هم فصل فصل و باب باب

از برای دومین فرزند او

ساخت محفل بازهم شد زیر و رو

سرّ این غوغا ندانستی کسی

در شگفتی جمله ماندندی بسی

گاه می گفتند سوء طالع است

بخت بد او را در این ره مانع است

لیک چون شب آمد و رفتم به خواب

سرِّ مطلب شد عیان چون آفتاب

چون بخواب آمد مرا رخسار عشق

بعد از آن رؤیا شدم بیمار عشق

هی طبیب آمد برای یاریم

بی خبر از قلب و از بیماریم

یافتم معشوق خود را بی نقاب

دیگری را کی نمایم انتخاب؟

خویش را در بردگان انداختم

دل به فرزند پیمبر بافتم

دلبری می کرد از من دلبری

بود آن دلبر امام عسکری

آنکه در رؤیا مرا شد مشتری

لایق من نیست جز او دیگری

من به رؤیا غرق در شادی شدم

چون عروس حضرت هادی شدم

کرد آن شب جلوه در چشمم بخواب

با مسیحا حضرت ختمی مأب

آری آمد حضرت ختمی مأب

با وصیّ خویش یعنی بوتراب

دیگر امد حضرت خیرالنساء

آنکه باشد محور آل کساء

هم حواریّون عیسا آمدند

هم امامان جمله آنجا آمدند

شد در آنجا منبر نوری بپا

بر فرازش انبیا و اولیا

تا مرا بهر امام عسکری

خطبه خوانند از برای همسری

پس پیمبر در میان آن شهود

این مبارک عقد را اجرا نمود

تا که گردی (نحویا) روشن روان

داستان حضرت نرجس بخوان

*****

ص: 402

مادر ختم الائمه (علیهم السلام) / علی رضا نصیری

سرودۀ : شاعر ولائی و دوستدار اهل بیت (علیهم السلام)

آقای علیرضا نصیری

از تهران

مادر ختم الائمه

مادر شدی برای امامی که مادرش

مادر برای شیعه و کل خلایق است

ایزد تو را به دامن زهرا نشانده است

رجس از عروس آخر این قوم رانده است

از راه دور آمده حیدر بیاورد

نقش نگین خاتم دیگر بیاورد

از کاخ روم آمده تا مادری کند

این آمنه ؛ شبیه پیمبر بیاورد

زهرا شده که دشمنش ابتر شود ، چه باک

قرآن اگر دو سورۀ کوثر بیاورد

از بس که شوق کنج دل باغبان نشست

باید که باغ یکسره پر در بیاورد

هر آینه برابر او سنگ می خورد

حتی اگر برادر قیصر بیاورد

او از ازل عروس خداوند بوده است

اول شده که آیۀ آخر بیاورد

شعر از شماست سفرهٔ دل پهن کرده ام

دل می دهم به قافیه با هر "بیاورد"

ص: 403

بانوی شعر ، مادر ختم الائمه است

شاعر چگونه واژهٔ بهتر بیاورد؟

مدح تو نا تمام گذارم مباد که

شعر ضعیف حوصله را سر بیاورد ...

*****

گیتی نیاز داشت به فرجام نسل تو

گیتی نیاز داشت به فرجام وصل تو

*****

تصویر

بانوی شعر ، مادر ختم الائمه است

شاعر چگونه واژهٔ بهتر بیاورد؟

مدح تو نا تمام گذارم مباد که

شعر ضعیف حوصله را سر بیاورد...

*****

گیتی نیاز داشت به فرجام نسل تو

گیتی نیاز داشت به فرجام وصل تو

*****

همای بخت نرجس (علیها السلام) / عبدالحسین نظری (عبدالحسین)

سرودۀ : شاعر روحانی و ولائی خاندان عصمت و امامت (علیهم السلام)

آقای شیخ عبدالحسین نظری

(خادم الشریعه)

(عبدالحسین)

از قم

همای بخت نرجس (علیها السلام)

سپیده سر بزند عاقبت در این شب شوم

مگر بناست بماند همیشه حق مکتوم ؟

بناست معنی احلی القَصَص شود معلوم

رسید جذبه ی عشق حسن به وادی روم

به آن ستاره که ماه میان مجلس بود

کسی که گشت خریدار عشق ، نرجس بود

مسیر عشق گذار از حریق می خواهد

مهاجرت به دیار رفیق می خواهد

وصال سامره طیّ طریق می خواهد

رکاب حلقه ی عصمت ، عقیق می خواهد

جهان ندیده چنین بانویی که دریا ، دل

به شوق نور هدایت زند به دریا ، دل

سلام بر جلوات تو ، مخزن الاسرار

بر آن ودیعۀ ذات خدا ، امانت دار

خریدی آن همه زحمت ، به شوق دیدن یار

ملیکه ای که در آمد به شکل خدمتکار

ص: 405

خدای عالی اعلی سعادتت داده

به روز حشر مقام شفاعتت داده

سلام ای که شبیهِ به اُمِّ موسایی

تو یی که سوسن و نرگس ، تو که ملیکایی

تو فخر نسل حواریّ پاک عیسایی

هنوز قدر تو مخفیّ ، و چون معمایی

سلام کرده به رویت در اولین لحظات

ولیّ عصر که بر ماه روی او صلوات

الا که خادمهٔ تو حکیمه خاتون است

مقام و شأن تو از درك عقل بیرون است

وجود تو همهٔ فخر آل شمعون است

کسی که منکر فضل تو بود ، ملعون است

الا که وجد ز توصیف تو کند انجیل

الا که خدمت فرزند تو کند جبریل

بگو از آن شب فرخنده و نسیم سحر

که باخود از سوی دلبر رسانده بود خبر

زبزم خواستگاری ، زِ آن دو پیغمبر

گذاشت بر دل و جانت نگاه یار ، اثر

همین که حُسن حَسن را خدا نمایان کرد

عروس فاطمه را فاطمه مسلمان کرد

بنای مهدویت چیده گشته ، خشت به خشت

ص: 406

به دست بُشرِ سلیمانِ پاک و نیک سرشت

رسید تا که به آن بانوی بزرگ بهشت

به دیده اش بنهاد و وصال را حس کرد

همای بخت عجب رو به سوی نرجس کرد

بگو از آن سحر غرق نور و شور فلق

بگو از آن که به بازوش بسته جاء الحق

بگو از آن یم رحمت ، هدایت مطلق

از آن که شیعه شد از باقی گِلش مُشتَق

از آن امید تمام عوالم ملکوت

همان که دشمن جبت است و دشمن طاغوت

قدم به چشم زمین تا که زد امامِ زمان

سپردیش به حکیمه ولی شدی نگران

امام عسکری از او شنید صوت اذان

صدا زد عمه ، گُلم را به مادرش برسان

از این نگاه پر از اشتیاق و حال خراب

گریز شعر کشیده به سمت طفل رباب

سپرد دسته گلش را به عمه و نگران

دخیل ، گوشهٔ گهواره بست و شد گریان

که ای خدای در و دشت و ساحل و باران

علیّ اصغر من را دوباره برگردان

سه شعبه آبروی آب را عجب برده

گلوی کودک شش ماهه ای به هم خورده...

ص: 407

قسم به ماه رجب ، حقّ نیمهٔ شعبان

قسم به لیله ی قدر و به نیمهٔ رمضان

قسم به غربت نرجس میان آن زندان

خدا ! امام زمان را به داد ما برسان

همان که داروی چشمان ثامن الحجج است

قسم به روضهٔ یابن الشّبیب او ، فرج است...

نگاه کن که اسیریم ، دور از یاریم

ببین که مضطر و بیچاره ایم ، بیماریم

بخوان دعای فرج را که بد گرفتاریم

مگر به غیر شما چاره ساز هم داریم

مگر شود تو که از خاندان زهرایی

نظر به نامه (عبدالحسین) ننمایی

*****

تصویر

قسم به ماه رجب ، حقّ نیمهٔ شعبان
قسم به لیله ی قدر و به نیمهٔ رمضان
قسم به غربت نرجس میان آن زندان
خدا ! امام زمان را به داد ما برسان
همان که داروی چشمان ثامن الحجج است
قسم به روضهٔ یابن الشّبیب او ، فرج است...
نگاه کن که اسیریم ، دور از یاریم
ببین که مضطر و بیچاره ایم ، بیماریم
بخوان دعای فرج را که بد گرفتاریم
مگر به غیر شما چاره ساز هم داریم
مگر شود تو که از خاندان زهرایی
نظر به نامه (عبدالحسین) ننمایی

*****

مادری برحجّت حقّ / سید علی مهدوی (والا)

سرودۀ : شاعر ولائی اهل البیت (علیهم السلام)

آقای سیّد علی مهدوی (والا)

از اصفهان

مادری برحجّت حقّ

این لیاقت را که دارد؟ همچو اطهر دختری

دختری از امپراطوران روم خاوری

این لیاقت را که دارد؟همچو آن دختر که بود

مادر او سبط شمعون با خوی پیغمبری

این لیاقت را که دارد؟جز ملیکا آنکه داشت

عفّت و حجب و حیایی باب شان حیدری

دختری چون او که قبل از فیض اقبال به دین

با نهادی پاک دارد خلق و خوی کوثری

او که دارد همره خود طالعی خورشید وار

بخت واقبالی درخشان بهر اختر پروری

خواستگارانش به رویا دیده در بیت پدر

اولیا را از پیمبر تا امام عسکری

او که دیده جایگاهش را به نزد اولیا

رخ نماید کی دگر بر خواستگار دیگری

نام نرگس شد بر او تثبیت از حُسن قضا

چون گل نرگس کند تا از ولایت دلبری

قدر او را زرشناسی داشت چون ابن الجواد

قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری

ص: 409

نیکبخت و نیک سیرت با سر انجامی نکو

شد عروس خانهٔ هادی به شان همسری

گشت خاتون ولایت همسر مولا حسن

بر امام عصر مادر شد چه نیکو مادری

مادری برحجّت حقّ شمس عالمتاب دین

او که نورانی کند عالم ز پرتو گستری

قائم آل محمد خوانده نام مادرش

سیّده خیرالاِما کان هست از دانشوری

می دهد « والا » نویدی از کلام راویان

اینکه دارد نام نرجس بعد زهرا برتری

حضرت نرجس دعاکن بهر تعجیل فرج

تا رسد آن منجی ما با دعای مادری

*****

شد حضرت نرجس به سرور و شادی

تا یافت به دست نور حق آزادی

شد مادریِ حجت حق طالع او

آمد چو عروس بر امام هادی

*****

ملیکهٔ کل جهان / مرضیه سادات هاشمی

سرودهٔ : شاعرهٔ با ایمان و مکتب اهل البیت (علیهم السلام)

خانم مرضیه سادات هاشمی

از معصومیه ، استان مرکزی

ملیکه کل جهان

تویی ملیکهٔ کل جهان ، ملیکهٔ روم !

زنی رها شده از ننگِ پادشاهیِ شوم

تو سوسنی وسط خارها نمی رویی

بیا که نور بکاری در این جهانِ سموم

ببین که نرگس نورت ، چقدر شاد کند

دو چشمِ منتظرِ هر چهارده معصوم

کنیزِ آلِ علی بودن افتخارت شد

به پیشگاه تو حالا ملایکند خدوم

به کوکب و قمر و کهکشان بشارت داد

حضور تک پسرت را خدای علمِ نجوم

برای کشتنِ ابلیس ها دعا کن تا

ظهورِ حضرت او غصه را کند معدوم

*****

تصویر

سرودهٔ : شاعرهٔ با ایمان و مکتب اهل البیت علیهم السلام

خانم مرضیه سادات هاشمی

از معصومیه ، استان مرکزی

ملیکه کل جهان

تویی ملیکهٔ کل جهان ، ملیکهٔ روم !
زنی رها شده از ننگِ پادشاهیِ شوم
تو سوسنی وسط خارها نمی‌رویی
بیا که نور بکاری در این جهانِ سموم
ببین که نرگس نورت ، چقدر شاد کند
دو چشمِ منتظرِ هر چهارده معصوم
کنیزِ آلِ علی بودن افتخارت شد
به پیشگاه تو حالا ملایکند خدوم
به کوکب و قمر و کهکشان بشارت داد
حضور تک پسرت را خدای علمِ نجوم
برای کشتنِ ابلیس ها دعا کن تا
ظهورِ حضرت او غصه را کند معدوم

*****

شکوفائی نرگس / عباس همتی

سرودهٔ : شاعر خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

آقای عبّاس همتی

از قم

شکوفائی نرگس

پر از لبخند ، از آن خواب شیرین چشم وا کردی

نگاه انداختی در آینه خود را صدا کردی

ملیکا! نه ، درون آینه نرگس شکوفا شد

خودت را با خودت یک بار دیگر آشنا کردی

زدی از قصر بیرون، رفتی و دروازه را بستی

به روی « اَلبَلاءُ لِلوِلا » آغوش وا کردی

در آن صبحی که هرچه بادبان شوق زیارت داشت

دلت را همسفر با کشتیِ باد صبا کردی

به جای «مُرقُس و مَتّی»(1) گرفتی انس با «مریم»

از آداب کلیسایی ، مسیرت را جدا کردی

بهشتی با خودت داری که سامرّای غربت را

برای حضرت خورشید ، « سُرَّ مَن رَءا » کردی

شنیدی قصهٔ بعد از خودت را قلب ، تو لرزید

دعا کردی فرج نزدیک باشد ، گریه ها کردی

از اینجا داستانت ، داستان مادر موساست

که حتی شعر هم در انتظار دیدن فرداست

*****

ص: 412

1- . نام دو انجیل از انجیل های چهارگانه

باعث بقاء امامت / م ، یا وری

سرودۀ : شاعرۀ دوستدار خاندان امامت

خانم : م ، یاوری

از مشهد مقدّس

باعث بقا امامت

سلام حق به شما مادر گل نرگس

درود وتحنیتت باد حضرت نرجس

چه جایگاه عظیمیّ و شان والایی

عروس فاطمه گشتی وبرحسن مونس

(علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد)

پس اینکه زلزله آمد ، و قصر شد ناقص

برای اینکه بمانی شما برای امام

که هست شان طلاباطلا نه آهن و مس

بزرگ عالم هستی چو شد نصیب شما

بزرگ زادگی خویتش را نکردی حس

خوشابه این همه خوشبختی و سعادتتان

که بر بقاء امامت شما شدی باعث

تمام چشم امیدم بود به احسانت

که دست خالی من پرکنی دراین مجلس

*****

نام تو مشکل گشا / سمیرا یکه تاز

سرودۀ : شاعرۀ دلدادۀ اهل البیت (علیهم السلام)

خانم سمیرا یکه تاز

از مامونیه ، استان مرکزی

نام تو مشکل گشا

گر چه از شَهرَت به تنهایی گذشتی بی قرار

بوی گلها می کشاندَت رو به سوی این دیار

تاج شاهی را سپردی بر نگاه دیگران

تاج گل را می گذارد بر سرت پروردگار

واژه ها را می شمارم جمله ها بی طاقت اند

پس کی از مرز سپیده می رسد خندان بهار؟

ماه نو از دست تو تابیده یک روز بلند

مادر صبر و سکوت و اقتدار و انتظار

پا به پایت کوچه ها را می گذارم زیر پا

جای پای مادری دنبال رد پای یار

تو زلال لحظه هایی ندبه ها را دیده ای

خرده های آینه در گریه های بی شمار

باغبان غنچه ی دردانه ی دشت بهشت

سیب سرخ آورده ای تا که بماند یادگار

نام تو مشکل گشا و چادرت چتر نجات

نرگس چشمت ستاره در شبی دنباله دار

*****

ص: 414

بزرگترین تعبیر خواب / مسعود یوسف پور

سرودهٔ : شاعر خوش قریحهٔ ولائی

آقای مسعود یوسف پور

از مشهد مقدّس

بزرگترین تعبیر خواب

نرگس ، روایتی ست ز عطر بهار تو

مریم ، گلی ست حاکی از ایل و تبار تو

تعبیر خواب هیچ کس این قدر خوب نیست

ای «سُرَّ مَن رَءا»یِ خدا بی قرار

تو ای شاهزاده! در تب و تاب چه یوسفی

افتاده سمت برده فروشان گذار تو؟

مستوره ای که روی تو را صبحِ رُم ندید

خورشید سامره ست به گِردِ مدار تو

پنهان شده ست سرّ تو چون ماه در مُحاق

ای آسمان نشانِ دل رازدارِ تو دنیا

دلش خوش است، اگر بغض اجازه داد

یک صبح جمعه ندبه بخواند کنار تو

کم زائر آمده ست... دلت خواست بیشتر

مثل مزار فاطمه باشد مزار تو

*****

شرف الشمس خاندان / مسعود یوسف پور

شرف الشمس خاندان

بر تن روزگار جان بودن

شهرهٔ هفت آسمان بودن

در زمین فخر بانوان بودن

نه چنان این نه مثل آن بودن

ص: 415

مریم دوم زمان بودن

مهرو مهتاب توامان بودن

در محاق حیا نهان بودن

در نجابت سر زبان بودن

خارج از قدرت بیان بودن

شرف الشمس خاندان بودن

مادر صاحب الزمان بودن

این همه کار کیست جز آن ذات

هدیه به پیشگاه او صلوات

همسر نور و مادر نور است

روم تا روم ماه مستور است

ام موسای ملت طور است

شاهزاده، ملیکهٔ حور است

روح تطهیر و آیهٔ نور است

بر درش جبرئیل مأموراست

مدحت او اگر چه دستوراست

طبع شاعر ز فهم او دور است

اوست خورشید و چشم ما کور است

دل و جان امام منصور است

هدیه کن باز هم در این مجلس

صلواتی به حضرت نرجس

*****

تصویر

مریم دوم زمان بودن مهرو مهتاب توامان بودن
در محاق حیا نهان بودن در نجابت سر زبان بودن
خارج از قدرت بیان بودن شرف الشمس خاندان بودن
مادر صاحب الزمان بودن

این همه کار کیست جز آن ذات
هدیه به پیشگاه او صلوات

همسر نور و مادر نور است روم تا روم ماه مستور است
ام موسای ملت طور است شاهزاده، ملیکهٔ حور است
روح تطهیر و آیهٔ نور است بر درش جبرئیل مأموراست
مدحت او اگر چه دستوراست طبع شاعر ز فهم او دور است
اوست خورشید و چشم ما کور است دل و جان امام منصور است

هدیه کن باز هم در این مجلس
صلواتی به حضرت نرجس

*****

همه اش لطف حضرت زهراست / یونس وصالی (یونس)

سرودۀ : شاعردلدادۀ آل عمصت (علیهم السلام)

آقای یونس وصالی (یونس)

از اصفهان

همه اش لطف حضرت زهراست

قلم عاجز به وصفت می شود ، ... قاصر زبان بانو

که درکِ توست بالاتر ز حدِ انس و جان بانو

اگر ذرات عالم روز و شب وصفِ تو را گویند

نخواهد شد نمی از بحر تو حتی بیان بانو

عُقولِ عاقلان یک سر بود حیرانِ ز قَدرِ تو

شبیه حضرت زهراست قدر تو نهان بانو

یقین دارم که این دنیا نمی گردد عیان شأنت

که محشر می شود قدر و جلال تو عیان بانو

تویی که مادرِ آن وعدۀ حق خداوندی

که از ظرفِ وجودت شد عیان صاحب زمان بانو

تورا بر حق فرزندت ، دعایی کن که از لطفت

خدا پایان دهد این انتظارِ نوکران بانو

به امرِ مهدی ات ، ذکر امیرالمؤمنین حیدر

شود روزی شعار مُطلقِ کلّ جهان بانو

*****

سرودهٔ : شاعر روحانی

و خطیب ولائی آقای ...

از اصفهان

نوعروس آل عصمت (علیهم السلام)

مادر خورشید عالم ، همسر بدرالبدور

مَظهر نور الهی ، مُظهر اللهُ نور

مادر مهدیّ زهرا ، عرش حق را قائمه

نو عروس آل عصمت نور چشم فاطمه

حضرت خاتون ، ملیکه ، نرجس آل رسول

مادر طاوس جنّت ، عشق زهرای بتول

نرجس بی رجس عالم عروة الوثقای دین

نرگس بی مثل و مانند امیر المؤمنین

از ازل همتا ندارد این گل یکتای حق

زینت دامان او شد نور بی همتای حق

گنج بی پایان عصمت ، دُرّ ایمان را صدف

دلبر دردانه ی زهرا و سلطان نجف

آنکه مریم پیش او باید یقین زانو زند

خاک راهش را مَلَک با مژّه اش جارو زند

خاک پایش طوطیای چشم حوران بهشت

اوست تنها غنچهٔ دُردانهٔ عصمت سرشت

حور و غِلمان بهشتی ، جیره خوار درگهش

حضرت جبریل می روبد غبار درگهش

ص: 418

او یقینا چشمهٔ بی انتهای عصمت است

اوست قرآنی که جایش در نهاد عترت

است

نرجس زهرا یقینا انعکاس زینب است

ذوالفقار مرتضی و پادشاه مکتب است

حضرت نرجس بر این عالم امامت میکند

امر او را حضرت مهدی اطاعت میکند

انتخاب حضرت حقّ است این بانوی پاک

نور مهدی گشته از نور وجودش تابناک

بوسه بر دستش زند مهدی یقین هر صبح و شام

می زند زانو به پیش حضرتش با احترام

بر در این خانه باید عرشیان زانو زنند

ما سوی اللّه جمله باید دم از این بانو زنند

گر ملیک مُلک حق حکم ظهور امضا کند

قفل غیبت را فقط با یک اشاره وا کند

مادر باران اگر فرمان دهد بر ابرها

می دهد پایان به درد و غصّه ها و صبرها

*****

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود.

براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹